

روایت پیشرفت با تکیه بر سنت‌های الهی

کارتی از شبکه ماهی



مؤلفه اصلی قدرت و روایت
از جوانی



(همه را یکم)







راز صعود

بازخوانی مؤلفه اصلی قدرت و روایت پیشرفت
با تکیه بر سنت‌های الهی

کاری از:

شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی «هم‌قلم»



راز صعود

بازخوانی مؤلفه اصلی قدرت و روایت پیشرفت با تکیه بر سنت‌های الهی

به سفارش: اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی

کاری از: شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی «هم قلم»

پژوهشگران: سیدمحمد مهدی میرباقری، محسن قنبریان، سیدمحمد حسین راجی

علی اصغر سهرابی، حسین علی کاظمی، عنایت‌الله شکرانی، علی مرادی

سیدقدیر حسینی، محمدصادق حیدری، حسین کاظم‌زاده، حسین جوادی‌صدر

حمید قاسمی، محمد جبله، رضا زندوکیلی

ویراستار: حسین حبیبی فهیم مدیرهنری: محمد صادق صالحی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲ شماریگان: ۳۰۰۰ نسخه: قیمت: ۱۶۰،۰۰۰ تومان



سامانه شمع

shabaketabligh.ir

مرکز پخش کتب شبکه ملی «هم قلم»

آدرس: قم، بلوار امین، کوچه ۸، فرعی سوم، پلاک ۲

ایتای اداره راهبری: rahbary_mohtava: https://eitaa.com/rahbary_mohtava

شماره تماس: ۰۲۹۱۱۳۰۳۲۲ داخلی ۴



برای عضویت در کانال «هم قلم» اسکن کنید

۹	مقدمه
	فصل اول
۱۹	رہیافت‌های نخبگانی «کلان روایت پیشرفت»
۲۱	الهیات پیشرفت
۳۱	کلان روایت پیشرفت با رویکرد الهیاتی و تمدنی؛
۳۷	کلان‌روایت پیشرفت در تراز حرفِ نُو انقلاب اسلامی
۴۹	گفتمان پیشرفت
	فصل دوم
۵۵	مجموعه سخنرانی‌های «کلان روایت پیشرفت»
	سخنرانی اول
۵۷	سیارهٔ رنج
۵۹	حس ناامیدی؟
۶۰	رنج در قرآن
۶۱	مثل آهنگر
۶۳	انواع رنج
۶۴	فرق رنج صعود و رنج سقوط
۶۵	اولین دستاورد رنج صعود «نصرت خدا»
۷۰	دومین دستاورد رنج صعود
۷۴	سنت الهی در پیشرفت کشور
۸۱	نقطه‌رهایی از رنج
۸۲	وظیفه ما چیست؟
	سخنرانی دوم
۹۱	مردم عمود دین اند!
۹۳	راز ظهور
۹۳	ولایت، مهم‌ترین رکن اسلام
۹۴	نظر مقام معظم رهبری پیرامون ولاء طولی و عرضی

- ۹۷ جامعه‌سازی، مقدم بر حکومت‌سازی
- ۹۸ فرق ولاء طولی و عرضی
- ۹۸ مردم عمود دین‌اند
- ۹۹ اثر نبود ولایت عرضی
- ۹۹ مانع ظهور
- ۱۰۱ قدرت مردم
- ۱۰۳ دستاوردها
- ۱۰۴ نمونه‌هایی از دستاوردها
- ۱۰۵ نقش مردم در ولایت عرضی
- ۱۰۶ یار ولایت باشیم!
- ۱۰۷ تو نیز اثرگذاری!
- ۱۰۷ رأی همه مهم است! رأی ما مقدمه ساز ظهور است!
- ۱۰۸ اول صبح رأی بدهیم!
- ۱۰۸ یارآور باشیم!
- ۱۱۰ توأسی به رأی دادن!

سخنرانی سوم

- ۱۱۳ **از «بعثت نبوی» تا «نهضت خمینی (ع)»**
- ۱۱۵ سنت «درگیری بین حق و باطل» در بیان امام صادق (ع)
- ۱۱۷ بلای مومن، نشانه حضور در این درگیری...
- ۱۱۹ ضرورت شناخت از وضعیت این درگیری...
- ۱۲۰ تسلط کفار بر موحدین تا قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص)
- ۱۲۱ ماموریت پیامبر اکرم در نابودی «تسلط کفر»...
- ۱۲۴ ورود توحید به «معادلات قدرت جهانی» پس از بعثت...
- ۱۲۶ ضربه به آرمان بعثت، با فروپاشی عثمانی و تسلط کفر...
- ۱۲۷ پایان تقیه علمای شیعه در مقابل نفاق و آغاز مبارزه آن‌ها...
- ۱۲۸ پیروزی انقلاب اسلامی در امتداد سنت الهی: ...
- ۱۳۰ ورود اسلام به معادلات قدرت جهانی پس از...
- ۱۳۲ تغییر وضعیت درگیری بین حق و باطل در عرصه سیاسی...
- ۱۳۳ ۱۵ سال تلاش برای بازپس‌گیری «اصل حاکمیت» ...
- ۱۳۳ مرحله بعدی درگیری و پیشرفت: ...

- ۱۳۴ ... صادرات «قدرت ایمان» به «جهان اسلام» توسط ملت ایران...
- ۱۳۵ ... تجربه انقلاب برای پیشرفت دینی: درگیری با راهکارهای...
- ۱۳۶ ... تجربه انقلاب برای پیشرفت دینی: درگیری با راهکارهای...
- ۱۳۸ ... دیروز؛ «نه شرقی؛ نه غربی» در اصل حاکمیت و امروز؛...
- ۱۳۸ ... روایت پیشرفت از طریق دستیابی به آمار...
- ۱۳۹ ... ضرورت فشار و مطالبه مردمی برای حرکت حوزه و ...
- ۱۴۰ ... نفی راهکارهای باطل و ابتکار راهکار جدید؛ ...
- ۱۴۰ ... راهکار باطل در «جنگ اقتصادی»: «تولید» بر محور سرمایه ...
- ۱۴۱ ... مقابله ملت انقلابی و عدالتخواه ایران با ...
- ۱۴۲ ... رفتار اقتصادی امیرالمومنین، مظهر «تولید» ...
- ۱۴۴ ... راز تداوم «تورم» در ایران: تکیه متخصصین به ...
- ۱۴۵ ... درگیری با راهکار اقتصادی باطل، منشأ مرحله‌ای ...

سخنرانی چهارم

۱۴۷ **مسیر انقلاب؛ پیشرفت یا پسرفت؟!**

- ۱۴۹ ... منحرف نشده‌ایم؟
- ۱۵۱ ... بهترین مبنای مقایسه، رجوع به آیات و روایات
- ۱۵۱ ... آیا با انحرافات در جامعه نبوی، انقلاب پیامبر ﷺ هدر رفته؟!
- ۱۵۵ ... یارگیری منافقین از بین بسیجی‌های لشکر پیامبر ﷺ
- ۱۵۸ ... معیار در مسیر بودن انقلاب
- ۱۶۳ ... مقایسه قبل و بعد از انقلاب (سنت الهی در پیشرفت امت‌ها)
- ۱۶۶ ... نعمت همراه با فتنه
- ۱۷۲ ... اقتصاد ایران، از خام‌فروشی تا تمدن‌سازی

سخنرانی پنجم

۱۷۳ **ابر قدرت**

- ۱۷۵ ... کدام قدرت؟!
- ۱۷۶ ... نمرود، یکی از ابرقدرت‌ها
- ۱۷۷ ... ابر قدرت مصر
- ۱۸۰ ... مدعیان قدرت زیادند!
- ۱۸۱ ... قلمرو قدرت خدا

- ۱۸۳ محمدرضا شاه، ابرقدرت خاورمیانه
 ۱۹۴ قرار نیست خدا معجزه کند
 ۱۹۶ ما نخواستیم و مقاومت کردیم!
 ۱۹۶ ما به تمام مدعیان قدرت سیلی زدیم!
 ۱۹۸ پیش رفته‌ایم، چون به قانون خدا عمل کردیم
 ۲۰۴ این همه بدبختی را نمی‌بینید؟!
 ۲۰۵ جنگ شناختی دشمن
 ۲۰۷ آخر جهان

سخنرانی ششم

- ۲۱۱ اَتمُ الاعلُون**
 ۲۱۳ طوفان الاقصی
 ۲۱۵ قانون خدا
 ۲۱۸ پایان فشار
 ۲۱۹ هدیه‌ای الهی به نام انقلاب اسلامی
 ۲۲۰ پایداری
 ۲۲۱ مشکلاتی که قطع نشد
 ۲۲۳ چالش‌های گذشته!
 ۲۲۴ پله‌هایی که طی شد
 ۲۲۷ مردم، قهرمانان انقلاب
 ۲۲۸ حرکتی مانند قبل

سخنرانی هفتم

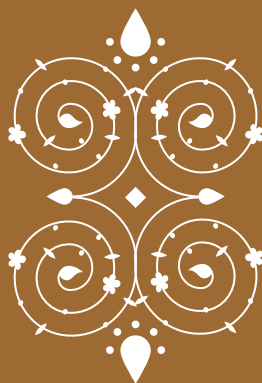
- ۲۳۱ تقریر نوین انقلاب اسلامی از پیشرفت**
 ۲۳۳ جلّه پر افتخار
 ۲۳۴ اعتراف دشمن به قدرت ایران
 ۲۳۶ تقریر نوین انقلاب اسلامی از پیشرفت
 ۲۳۷ انقلاب اسلامی، عامل جمع شدن دوگانه‌های تاریخی
 ۲۳۸ نویدهای ایمان
 ۲۳۹ اندیشه، پشتیبان پیشرفت جامعه‌ی ایمانی

کتابنامه





مقدمه





به اعتقاد ما انقلاب اسلامی در آغاز حرکت، استمرار و الزامات حرکت به سمت قله و در نزدیکی قله، تماماً حرکتی مبتنی بر نظامات و سنن الهی داشته است. موفقیت‌ها و شکست‌ها، همگی مبتنی بر منطق حاکم بر حوادث عالم، یعنی سنت‌های الهی است؛ چه آن‌جا که رسیده، چه آن‌جا که متوقف شده، چه آن‌جا که در پیچ‌ها و سربالایی‌ها قرار گرفته و چه آن‌جا که باید می‌رسیده و نرسیده. همه این‌ها مبتنی بر حرکت انقلاب اسلامی و مسئلهٔ تطبیق و عدم تطبیق آن با سنن الهی است.

ما می‌خواهیم در این روزگار حساس و تکرارناپذیر از تاریخ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، برای شتاب گرفتن فتح قله‌های سعادت و پیشرفت، به خلق روایت پیشرفت و واکاوی مبانی و زیرساخت‌ها و قوانین حاکم بر این پیشرفت پردازیم. رهبر معظم انقلاب علیه السلام نیز رسیدن ما به نزدیکی این قله را ترسیم کرده‌اند. اگر نتوانیم به درستی این کلام استراتژیک و دقیق دیده‌بان انقلاب و پیشرفت جمهوری اسلامی را روایت کنیم، محکوم به سقوط و نزول خواهیم بود. روی دیگر این حقیقت، آن است که اگر نزدیک بودن به قله را درست و شایسته روایت کردیم، در این برهه از انقلاب اسلامی خواهیم توانست ادامهٔ این مسیر را در کمترین زمان ممکن طی کنیم.

ارزیابی خوب این پیشرفت‌ها و افقی که به سمت آن حرکت می‌کنیم، به دو طریق صورت می‌گیرد:

۱. می‌توانیم برای هم‌وطنان عزیز، با ادبیات پیشرفت حرف بزنیم؛ به معنای تعریف و ارکان و الزامات و مانند این‌ها و پیشرفت را مورد بررسی و کنکاش دقیق قرار دهیم.

۲. می‌توانیم برای آن‌ها از الهیات پیشرفت حرف بزنیم؛ به معنای تبیین انقلاب اسلامی، مقاومت و استکبارستیزی و پیشرفت‌ها تا رسیدن به نزدیک قله، با نگاه به قرآن کریم و بررسی سنن الهی. به عبارت دیگر: در این روش باید مسائلی ناظر به احوال امروز انقلاب اسلامی مانند: اقامه، مقاومت، استقامت و پیشرفت رادر این موقف مدنظر قرار دهیم. می‌توانیم از سنت‌های الهی حاکم بر آن گفت‌وگو کنیم. می‌توانیم از مسیر پیشرفت حرف بزنیم؛ دستاوردهایی که داشته‌ایم؛ دلایل نرسیدن به برخی اهداف؛ مقایسه‌هایی که با پیشرفت و حرکت یک حکومت انقلابی و دیگر حکومت‌ها داریم؛ می‌توانیم از افق پیشرفت و از الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و قله‌ای که باید به آن رسید، حرف بزنیم. می‌توانیم در ایام انقلاب اسلامی درباره همه این مسائل گفت‌وگو کنیم.

باتمركز بر احوال امروز انقلاب اسلامی و در موقعیت مقاومت، بهترین موضوعی که می‌توانیم درباره آن گفت‌وگو کنیم، «الهیات پیشرفت» است. الهیات پیشرفت دامنه وسیعی دارد، اما اصلی‌ترین بخشی که بهتر است به آن پردازیم، سنن الهی حاکم بر پیشرفت است، تا روایت ما کاملاً یقینی و الهی شود. البته به تناسب از موارد دیگری هم حرف می‌زنیم: از قله خواهیم گفت؛ از مسیر به سمت قله خواهیم گفت؛ از اینکه اساساً پیشرفت چیست و چگونه باید محقق شود هم باید گفت‌وگو کنیم و از الزامات آن نیز خواهیم گفت؛ اما اصلی‌ترین مسئله

امروز ما پرداختن به سنت‌های الهی است و حرکت انقلاب اسلامی ناظر به سنت‌هاست: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ». اِکجای این حرکت است و ما کجا ایستاده‌ایم و چطور ملت ایران ایستادند و تا این جا رسیدند. از سوی دیگر، از دلایل و سنت‌هایی که به واسطهٔ ترک و بی‌اعتنایی به آن‌ها در برخی از موارد دچار شکست شده‌ایم، صحبت می‌کنیم تا دریابیم که این دلایل مبتنی بر سنن الهی چیست و چه چیزهایی می‌تواند باشد.

ما مدافعان حریم!

حقیقتاً این ایام، ایام الله است؛ مقدس است؛ امیدبخش و غرورآفرین است. البته همین ایام برای خادمان مردم یعنی مسئولین، یادآور رخدادهای مهم است تا بدین وسیله کمر همت بسته و تمام توان و تلاش خود را برای خدمت به مردم و کوتاه کردن دست خیانتکاران از زندگی و آینده مردم به‌کار گیرند. باید خدمت به خلق و توانایی اسلام را برای حل همهٔ مشکلات زندگی مردم، با روایت و ترسیم نمونه‌های عینی آن تصویر کنیم تا بتوانیم تقدس و درعین حال تعقل جمهوری اسلامی که از دل دین برخاسته را به مردم ثابت کنیم. باید به همه ثابت کنیم که تنه‌اره پیشرفت، سروری و سالاری مردم از مسیر دین و سنن و قوانین الهی می‌گذرد. با این سبک از جهاد تبیین، می‌توان ناامیدی‌های کاذب و القاشده را به امیدواری مبدل کرد.

مردم باید باور کنند که ما نزدیک قله‌ایم. امام خامنه‌ای عَظِيمُهُ تکلیف تبیین و روایت این جریان امیدآفرین را بر دوش ما نهاده‌اند. رهبر معظم انقلاب عَظِيمُهُ این مهم را مکرراً ما خواسته‌اند. اگر حاج قاسم رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ دربارهٔ ایران فرمود: «جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند،

دیگر حرم‌ها می‌مانند،^۱ برای ایجاد یک نگاه واقعی به جمهوری اسلامی است. با این زاویه نگاه است که ما کنشگران فرهنگی و فعالین حوزهٔ جهاد تبیین که خودمان را مدافعان حرم می‌دانیم، باید غیرتمندانه از این حرم دفاع کنیم. امروز دشمن به حریم ذهن و دل جوانان ما تعرض کرده و ناامیدشان می‌کند. اگر چنین شد، دیگر کسی پای کار این انقلاب و نظام نمی‌ماند؛ یعنی حرم بی‌دفاع می‌ماند؛ یعنی اصل دین در خطر است. پس جهاد تبیین، یعنی ایستادگی و مقاومت و دفاع از این حرم.

اگر ذهن و دل ما از مسیر درست منحرف نشود، می‌توانیم طوفان به پا کنیم؛ طوفانی که یک نسیمش می‌شود «طوفان الاقصی»؛ طوفانی که همهٔ طواغیت را درهم می‌کوبد و به شرق و غرب عالم رحم نخواهد کرد. این قدرت اسلامی، جلوه‌ای از قدرت‌نمایی خدا بر روی زمین و حاکمیت قوانین قادر متعال است. ما ثابت کردیم که می‌توانیم مصداق بارز آیه شریفهٔ «أَنْ مَعِ رَبِّي»^۲ باشیم.

کتاب «راز صعود» در یک نگاه

ما در این کتاب که «راز صعود» نام گرفته، به بازخوانی مؤلفه‌های اصلی قدرت و روایت پیشرفت، با تکیه بر سنت‌های الهی خواهیم پرداخت.

در این کتاب کوشیده‌ایم تا اشاره‌ای به مؤلفه‌های اصلی قدرت و روایت پیشرفت، با تکیه بر سنت‌های الهی داشته باشیم و آن پیشرفت‌ها را در عرصه‌های مختلف به تصویر بکشیم. از آن‌جا که این کتاب در اختیار مبلّغین و کنشگران عرصه فرهنگی کشور قرار خواهد گرفت و مخاطب ما در ایام دههٔ فجر، با مسائل مختلف و متعددی مواجه است، باید

۱. «امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند؛ نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی ﷺ (وصیت‌نامه حاج قاسم سلیمانی علیه السلام)»

به شبهات و سؤالات مخاطبین در حد و اندازه این محتوای تبلیغی بپردازیم.

برای پرداختن به مباحث انقلاب اسلامی، دههٔ فجر و ایام انتخابات، به سراغ متفکرین و اندیشمندان مختلفی رفتیم. نکته قابل توجه این بود که اکثریت این بزرگان، بر ایجاد و تقویت **گفتمان روایت پیشرفت** تأکید جدی داشتند؛ لذا بر آن شدیم تا در این کتاب، در دو فصل به این مسئله بپردازیم. در فصل اول به **رهیافت‌های نخبگانی «کلان‌روایت پیشرفت»** از زبان حجج اسلام استاد سیدمحمد مهدی میرباقری، محسن قنبریان، سیدمحمدحسین راجی و علی اصغر سهرابی پرداختیم. در فصل دوم با همت شبکهٔ ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی **«هم‌قلم»** هفت سخنرانی با موضوع کلان‌روایت پیشرفت، با رویکردهای مختلف پیاده‌سازی و آمادهٔ انتشار گردید.

معرفی اجمالی کتاب

فصل اول: رهیافت‌های نخبگانی «کلان‌روایت پیشرفت»

رهیافت اول: حجت‌الاسلام علی اصغر سهرابی
الهیات پیشرفت: «روایت پیشرفت، با رویکرد الهیات پیشرفت و معرفی سنت‌های الهی ناظر بر پیشرفت‌های انقلاب اسلامی».

رهیافت دوم: حجت‌الاسلام استاد سیدمحمد مهدی میرباقری
کلان‌روایت پیشرفت با رویکرد الهیاتی و تمدنی؛ بهترین راه‌حل برای افزایش مشارکت مردمی.

رهیافت سوم: حجت‌الاسلام محسن قنبریان
کلان‌روایت پیشرفت در تراز حرف‌نو انقلاب اسلامی
رهیافت چهارم: حجت‌الاسلام سیدمحمدحسین راجی

گفتمان پیشرفت: «روایت پیشرفت، راهبردی کلان برای اثبات اینکه ما نزدیک قله ایم».

فصل دوم: مجموعه سخنرانی‌های «کلان‌روایت پیشرفت»

۱. سخنرانی اول: سیارۀ رنج

«تبیین جایگاه رنج و سختی در پیروزی جبهه حق، با توجه به کلان‌روایت پیشرفت‌های جمهوری اسلامی».

۲. سخنرانی دوم: مردم عمود دین اند

«بازتعریف یکی از مهم‌ترین سنت‌های الهی (حضور و اثرگذاری مردم) در پیشرفت‌های جامعه اسلامی»

۳. سخنرانی سوم: از «بعثت نبوی» تا «نهضت خمینی رضی الله عنه»؛

روایتی از «سنن الهی» برای «پیشرفت دینی»

۴. سخنرانی چهارم: مسیر انقلاب؛ پیشرفت یا پسرفت؟!

«تبیین خاستگاه و هدف انقلاب اسلامی و ادامه آن تا ظهور (بیان ۴۵ سال پیشرفت)»

۵. سخنرانی پنجم: ابرقدرت

«تبیین راه رسیدن به قدرت و رابطه آن با سنت‌های الهی در طول تاریخ»

۶. سخنرانی ششم: انتم الأعلون

«اعتماد به وعده‌های الهی، رمز هر پیروزی»

۷. سخنرانی هفتم: تقریر نوین انقلاب اسلامی از پیشرفت.

«تأویلات انقلاب اسلامی و بازخوانی اهداف و دستاورهای آن برای ایران اسلامی».

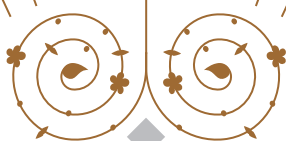
قدر دانیم

مجموعه حاضر به سفارش «اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی» و با تلاش شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی «هم قلم» گردآوری شده است.

در این جا از تمام پژوهشگران عزیزی که ما را در تولید این مجموعه گران سنگ یاری کردند، صمیمانه قدر دانی می‌کنیم:

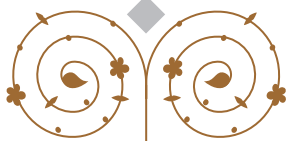
حجج اسلام: سید محمد مهدی میرباقری؛ محسن قنبریان؛
سید محمد حسین راجی؛ علی اصغر سهرابی؛ حسین علی کاظمی؛
عنایت‌الله شکرانی؛ علی مرادی؛ سید قدیر حسینی؛ محمد صادق
حیدری؛ حسین کاظم زاده؛ محسن فهیمی، حسین جوادی صدر؛
حمید قاسمی؛ محمد جبله؛ رضا زندوکیلی؛ علی آب انباری.

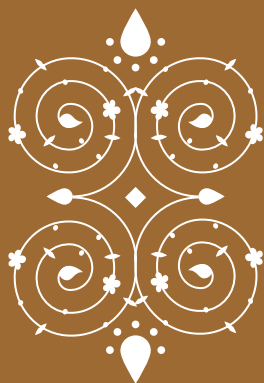




فصل اول

رهیافت‌های نخبگانی «کلان روایت پیشرفت»







رهیافت اول: حجت الاسلام علی اصغر سهرابی

الهیات پیشرفت^۱

روایت پیشرفت با رویکرد الهیات پیشرفت و معرفی سنت‌های الهی ناظر بر
پیشرفت‌های انقلاب اسلامی

بحث سنت‌های الهی در مسیر پیشرفت، یکی از کلان‌راهبردهای محتوایی و یکی از سرفصل‌های کلیدی اندیشهٔ اجتماعی و الهیاتی انقلاب اسلامی است که از نگاه امام و رهبری در ایجاد حرکت‌های اجتماعی جامعه گرفته شده است. محور مباحث رهبری غالباً بر همین سنت‌ها تکیه دارد و در حال تبیین این سنت‌ها و در امتداد آن، پرداختن به وعده و وعیدهای الهی هستند. در تاریخ اندیشهٔ ما هم کسانی که دغدغهٔ تحول در امت داشتند، به سنت‌های الهی نگاه جدی و ویژه‌ای داشته‌اند. ابن خلدون، سید جمال، سید قطب، شهید صدر، شهید بهشتی، شهید مطهری و امام و رهبری به این مسئله به صورت جدی پرداخته‌اند. این نگاه برای ایجاد حرکت اجتماعی، قدرت ویژه‌ای

۱. بیانات حجت‌الاسلام علی اصغر سهرابی (معاونت راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی).

به انسان می‌دهد. در اصل، این یک نگاه توحیدی است که می‌خواهد همهٔ مسائل را ذیل قواعد ثابت و غیرقابل تغییر الهی، تفسیر و ترسیم کند. این نگاه در واقع بازخوانی آیاتی مانند «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» است. همه حرکت‌های ما غالباً ذیل یکی از سنت‌های الهی قرار می‌گیرد و رهبری معظم انقلاب علیه السلام بارها به تبیین آن‌ها پرداخته‌اند. ایشان سال گذشته در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه فرمودند:

قوانین الهی، سنت‌های الهی تغییرپذیر نیست. این قوانین الهی قوانین متقنی است. خدا با کسی هم قوم و خویشی ندارد. اینکه ما بگوییم ما مسلمانیم و شیعه هستیم و جمهوری اسلامی هستیم، پس ما هر کاری که دلمان می‌خواهد بکنیم، نه. ما با دیگران هیچ فرقی نداریم. ما در سال ۶۰ در مقابل این همه حادثه و شدت عمل توانستیم بایستیم روی پای خودمان، دشمن را ناامید بکنیم؛ امروز هم می‌توانیم. خدای سال ۶۰ همان خدای امسال است؛ خدای دوران‌های سختی و دوران‌های گوناگون یکی است. سنت‌های الهی همه سر جایش است. خب سعی کنیم خودمان را مصداق سنت‌های الهی در راه پیشرفت قرار بدهیم؛ سعی‌مان این باشد.^۲

این سخنان رهبر معظم انقلاب از معارف الهی است که باید آن را فهم کرد. این معارف باید در جامعه ایمانی توسعه داده شود و منتشر گردد. باید این را بفهمیم که خیلی نباید خیالمان راحت باشد که پرچم حق در دست ماست و همواره در دست ما خواهد بود؛ این طور نیست. سنت‌های الهی این را نمی‌گویند و از آن طرف هم این طور

۱. روم، ۳۰.

۲. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۷/۴/۷، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=50539>.

نیست که ما شکست خوردیم و امکانی برای حرکت و پیشرفت نداریم و اوضاع و احوالمان ناامیدکننده است. هیچ‌کدام از اینها نباید یک‌جانبه‌نگریسته شود. مؤمن باید در خوف و رجا باشد و این خوف و رجا می‌تواند با نگاه درست به سنت‌های الهی در انسان شکل بگیرد. این سنت‌ها برای جامعه ایمانی باید تبیین شود که نه خاطر جمع شوند و از تلاش و کوشش دست بردارند و نه از آن طرف، از امکان رشد و حرکت‌های بزرگ و خلق انسان‌های بزرگ ناامید شوند. این تعادل در جامعه ایمانی با رجوع به خداوند حاصل می‌شود؛ با نگاه به سنت‌ها و معرفت به سنت‌هایی که خداوند همواره در امت‌های پیشین داشته و در روزگار و زمانه ما هم هست و تا دنیا برپاست، اینها برپا خواهد بود و این سنت‌ها جاری خواهد شد.

خداوند در سرتاسر قرآن از این منظر، نوع تعامل خودش را در عالم توضیح می‌دهد؛ یعنی بر اساس سنت‌ها، عالم بر اساس این سنت‌ها پیش می‌رود؛ سنت‌هایی که بر افراد، اشیاء، جوامع، پدیده‌ها و... جاری است. همه اینها سنت‌های الهی است. قواعد خداوند است؛ رسم و رسوم خداوند است که در تمام زمان‌ها انتخاب کرده و با آن‌ها عالم را اداره می‌کند.

در فضای «جهاد تبیین» یکی از اموری که ضرورت دارد ما تبیین کنیم و جامعه را به آن توجه بدهیم، این است که خداوند هست و دست قدرت او در عالم در کار است و همه اسباب و علل و عوامل به دست اوست. در تاریخ هم این‌طور بوده است. در نهضت رسول الله ﷺ یا حرکت‌های انبیا، در همه اینها می‌بینید که در اوج ناامیدی، خداوند گشایش‌هایی ایجاد کرد که خود آن پیامبر هم گویا چنین توقعی نداشته که چنان گشایشی رخ بدهد. داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام را همه می‌دانیم؛ یا جنگ‌های رسول الله ﷺ، اتفاقاتی که در این

جنگ‌ها افتاد، در بدر، در احد، در احزاب، به صورت ویژه اتفاقاتی که رقم خورد و نهضت پیامبر ﷺ گام‌های بزرگی برداشت و گاهی نیز شکست‌های ظاهری خورد و عبرت‌هایی پدید آمد و خداوند پیام‌هایی به اهل ایمان رساند. پس ما ذیل قواعد سخت و بدون استثنایی در حال حرکتیم، اما اینکه کدام قاعده بر ما جاری شود، مشخص و در قرآن منضبط است. امروز لازم است که جامعه ما به این وجه از ماجرا هم توجه بکند. این‌طور نیست که ما اسباب و علل و سرمایه‌هایی داریم که به وسیله آن‌ها به سمت غایاتمان در حرکت باشیم. اینها ذیل اراده خداوند است؛ چه آن‌جا که پیروزیم و چه آن‌جا که به ظاهر شکست خوردیم، محدودیت‌هایی داریم و گاهی به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم. همه اینها به دست خداست؛ همه قدرت‌ها به دست خداست.

ما در جهاد تبیین معمولاً نگاهمان به وضعیتی است که در آن قرار داریم؛ گذشته‌ای که پشت سر گذاشتیم؛ آینده‌ای که پیش رو داریم؛ قوت‌ها و سرمایه‌هایی که داریم؛ آینده بلندی که مقابل دیدگان خودمان ترسیم کرده‌ایم؛ آن رؤیای بزرگ تمدنی و الهی که برای خودمان در نظر گرفته‌ایم و در حال حرکت به سمت آن هستیم و این جنس بحث‌ها معمولاً در فضای جهاد تبیین مطرح می‌شود. ولی همه این تبیین‌ها و نگاه به سرمایه‌ها و توانمندی‌ها باید در یک ظرفی از توجه و رجوع به خداوند متعال شکل بگیرد؛ یعنی توجه به اسباب و علل سرمایه‌ها و دارایی‌ها نباید ما را از جنبه الهی وضعی که در آن هستیم، غافل کند.

حضرت امام علیه السلام هم در طول زمانی که نهضت را رهبری کردند و نهضت را شکل دادند، همواره به آن مبدأ و منشأ لایزال قدرت که خداوند است، توجه می‌دادند. ما در فضای جهاد تبیین و حرکت به سمت اهدافمان

باید این وجه ماجرا را به شکل غلیظ و شدیدی مورد توجه قرار دهیم و آن، نگاه و اندیشهٔ توحیدی و رجوع به خداوند به عنوان اراده‌ای که فوق همه اراده‌ها و قاهر بر همهٔ اراده‌هاست و اوست که اراده می‌کند که اسباب و علل کجا به کمک ما بیاید و کجا مسیری برای ما باز کند و کجا خدای نکرده جلوی حرکت ما را بگیرد.

بهترین مسیر برای امیدآفرینی، همین مسیر است که امیدش امید صادق و تنها راه مطمئن است. مردم هم الآن احتیاج به امید واقعی دارند.

دو لایه تعامل داریم: در لایهٔ عمومی باید روی خط امیدآفرینی پیش برویم، و در لایهٔ نخبگانی باید روی خط انذار حرکت کنیم. باید یک ذائقهٔ توحیدی و اجتماعی در فضای کشور ایجاد کنیم. باید از قواعد الهی صحبت کنیم که پیشرفت ما را تضمین می‌کند. پس به سراغ الهیات پیشرفت رفتیم. الهیات پیشرفت یعنی نوع ورود خداوند به صحنهٔ جامعه که منتهی به پیشرفت می‌شود.

باید تلاش کنیم که با تبیین خود، نگاه مردم را واقع‌بین، قلبشان را آرام و امیدوار، گره‌های ذهنی‌شان را برطرف و دست‌وپایشان را تلاش‌گر و حمایت‌کننده از این جریان مقدس قرار دهیم. اگر روایت سنن الهی به درستی محقق شود، مردم معنای دقیق جمهوری اسلامی را می‌فهمند؛ یعنی مردمی که تماماً با نقشهٔ خدا پیش می‌روند، به پیشرفت می‌رسند و در غیر مسیر الهی پیشرفتی محقق نخواهد شد.

خداوند از هر کسی «نصرت» نمی‌پذیرد

ما در واقع در ذیل اراده خداوند در حال حرکتیم و همه عالم چنین است. خداوند عالم را بر اساس قوانین و قواعدی هدایت می‌کند و

هرکس ذیل این قاعده قرار بگیرد، خداوند حکمش را بر آن جاری می‌کند. قواعد هم لایتغیر است: «وَلَنْ نَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»^۱ در آیات مختلف قرآن این تعبیر و تعابیر مشابه آن آمده است که بیان می‌فرماید: من سنت‌هایی دارم که در آن‌ها تغییر و تبدیلی نیست؛ قواعدی است در عالم جاری است و در واقع دست خداوند است که در عالم کار می‌کند. مؤمن و کافر هم ندارد. حتی کفار هم با توجه به تلاشی که می‌کنند و زحمتی که می‌کشند، خداوند آن‌ها را طبق قاعده قرآن یاری می‌کند: «كَلَّا نُنَادِيَهُمْ هَوَلاءَ وَهَوَلاءَ مِنْ عِطَاءِ رَبِّكَ». خداوند عطای عامی دارد که مؤمن و کافر ندارد. کافر هم اگر تلاش کند، ممکن است موقتاً موفق شود؛ چون مدد الهی برای مؤمن و کافر هست، ولی نصرت خدا فقط برای مؤمن است؛ کمک‌های ویژه خدا تنها برای مؤمن است. مؤمن به نیت نصرت خداوند تلاش می‌کند: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۲ اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند.

حال سؤالی این‌جا مطرح می‌شود: آیا صرف نصرت، کافی است؟ مگر هر کسی می‌تواند خدا را یاری برساند؟ مگر هر کسی یاری می‌شود؟ اگر مؤمن یا حتی کافر تلاش کند، خدا جوابش را می‌دهد؛ اما نصرت، همه‌شمول نیست. نصرت فقط برای مؤمن است. ما باید در مسیر نصرت باشیم؛ چون می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» کافر که خدا را یاری نمی‌کند. یاری خداوند زمانی است که شما خدا را یاری کنی؛ یعنی در مسیر سنت الهی باشی.

بحث دیگری که این را تکمیل می‌کند، این است که: اگر می‌خواهی من را نصرت کنی، بدان که من از هر کسی نصرت را نمی‌پذیرم. باید تقوا و خلوص و... داشته باشی. می‌گوید: آقا! من نیتم نصرت است.

۱. احزاب، ۶۲.

۲. محمد، ۷.

می‌فرماید: استقامت هم داری؟ باید استقامت کنی. اگر هر کسی ادعا کرد، خدا به او عطا کند، دیگر ایمان بی‌معنا می‌شود. دیگر باید چه‌کاره باشی؟ می‌فرماید: باید مؤمن باشی؛ ایمانت را حفظ کنی؛ یعنی تقوا داشته باشی؛ استقامت و صبر داشته باشی: «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»! همچنین می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلُّوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصُرُ اللَّهَ؟ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ».^۲

«متی نصرالله» یعنی پیامبرش هم می‌گوید کجاست نصرت خدا؟ ولی این نصرت، معادلات و شرایطی دارد:

اگر نیت نصرت داشته باشی، ولی معادلاتش یعنی ایمان، باور، تسلیم، استقامت و... را رعایت نکنی، فایده‌ای ندارد. گاهی کاری مصداق نصرت خدا هست، ولی ایمان و باور در آن نیست. جمله «وَنَصْرِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ» که اعلام آمادگی برای نصرت است و در برخی زیارات ما از جمله «زیارت اربعین» آمده، یک جمله کلیدی است که قبلش بحث تسلیم آمده است: «وَقَلِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ».

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

کمک خدا، رزق لایحتساب مؤمنان است. نیروی هوایی در دوران پهلوی یکی از نزدیک‌ترین نیروها به مرکز قدرت و به دربار

۱. آل‌عمران، ۱۲۵: «بهتر از این نمی‌شود! امروز هم اگر صبر و استقامت کنید، در حملات برق‌آسای دشمن به شما، خدا تعداد و توانتان را زیاد می‌کند؛ با پنج‌هزار فرشته‌ای که خودشان را علامت‌گذاری کرده‌اند».

۲. بقره، ۲۱۴: «نکند خیال کرده‌اید بی‌آنکه مثل گذشتگان خودتان سختی بکشید، به بهشت می‌روید؟! بله، آنان با سختی‌ها و رنج‌های فراوانی دست‌وپنجه نرم کردند و تا جایی به هول‌وهراس افتادند که نزدیک بود پیامبران و پیروانشان بگویند: یاری خدا پس کی می‌آید؟! بدانید کمک خدا نزدیک است!».

و به آمریکایی‌ها بود. خب ما از این حادثه باید عبرت بگیریم؛ درس‌هایی دارد؛ عبرت‌هایی دارد.

اولین درسی که خوب است ما به آن توجه داشته باشیم، این است که رژیم طاغوت از جایی ضربه خورد که انتظار آن رانداشت؛ همچنان که خداوند در قرآن راجع به یهود بنی‌التصیر می‌فرماید که «فَأَتَيْهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا»؛ از جایی خدای متعال به سمت اینها هجوم آورد که انتظارش را نداشتند. نیروی هوایی با فرماندهان آن‌چنانی وابسته، با شرایط ویژه‌ای که این نیرو همیشه در آن دوره داشته است - [یعنی] ارتباط و اتصال شدید به آمریکایی‌ها و مدیران آمریکایی و آموزشگاه‌های آمریکا و مانند اینها - ناگهان در حساس‌ترین موقع به نفع انقلاب وارد میدان می‌شود که اولش روز نوزدهم بهمن بود که آمدند با امام دیدار کردند و بیعت کردند؛ بعد هم ایستادگی در مقابل بخش دیگری از ارتش بود که به آن‌ها حمله کرده بودند و آن قضایای عجیب آن روزها که من نمی‌دانم اصلاً جزئیات این مسائل در جایی برای خود نیرو ثبت شده یا نشده. واقعاً اگر نشده، باید [ثبت] بشود که چه اتفاقی در پایگاه تهران افتاد و هجومی که [به اینها] شد و دفاعی که مردم از اینها کردند. این یک مسئله است که خدای متعال از جایی به دشمن ضربه وارد آورد که انتظار نداشت. این، یک طرف قضیه است.

نقطه مقابل این، آن است که مؤمنین از نقطه‌ای تقویت شدند که انتظار نداشتند. این در تعریف اسلامی و در فرهنگ اسلامی، در ادبیات دینی ما اسمش «رِزْقٌ لَا يُحْتَسَبُ» است. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۳۱﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ!»

کسانی که دست‌اندرکار مبارزه بودند، تصوّر نمی‌کردند که یک چنین دستاورد عظیمی برای آن‌ها به وجود بیاید که قطعه‌ای از حسّاس‌ترین مراکز مربوط به ارتش آن روز کشور بیایند در خدمت انقلاب قرار بگیرند و با امام بیعت کنند.

خب این یکی از درس‌های نوزدهم بهمن است. این در محاسبات امروز ما هم بایستی وجود داشته باشد. من این را می‌خواهم بگویم. باید بدانید که ممکن است دشمن از جایی ضربه بخورد که انتظار ندارد، و شما که بنده خدا و مؤمن بالله و در راه صراط مستقیم هستید، از جایی برایتان عایدی به وجود بیاید که «رزق لا یُحْتَسَب» باشد و انتظارش را نداشته باشید. به نظر من این خیلی نکته اساسی‌ای است که ما توجه کنیم همه حوادث عالم بر اساس محاسبات مادی و دنیایی نیست؛ این هم جزو محاسبات است که گاهی اوقات خدای متعال یک راه میان‌بری را به وجود می‌آورد؛ یک حرکت این‌چنینی را به وجود می‌آورد.^۱

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۸/۱۱/۱۹، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44852>.





رهیافت دوم: حجت الاسلام سیدمحمد مهدی میرباقری

کلان روایت پیشرفت با رویکرد الهیاتی و تمدنی؛ بهترین راه حل برای افزایش مشارکت مردمی^۱

نقطه آسیب دیده

قبل از اینکه تلاش کنیم تا شخصی رأی بیاورد، باید تلاش کنیم تا مشارکت مردم در این انتخابات بالا برود. برای این افزایش مشارکت چند نکته را عرض می‌کنم:

مهم‌ترین نکته این است که آدم احساس می‌کند آن امیدواری‌ای که برای حضور فعال و مشارکت باید در جامعه وجود داشته باشد تا این مشارکت به یک نقطه مطلوب برسد، مقداری آسیب دیده است. البته علت‌های متعددی دارد که قسمت عمده آن، جنگ روانی و رسانه‌ای دشمن با ماست. ما در مقابل او باید یک آرایشی داشته باشیم. باید این را محور تبلیغ خود قرار دهیم تا در جامعه امید ایجاد کنیم به اینکه می‌شود با مشارکت مردم، با حضور فعال مردم بر مشکلات غالب

۱. حجت الاسلام سید محمد مهدی میرباقری.

بشویم و به نتایج مطلوب برسیم. برای این کار تلقی حقیر این است که اول باید یک آینده مطلوب و جذاب ایجاد کنیم؛ آینده شورانگیز و مطلوبی که جامعه به سمت آن حرکت کند، و البته این آینده مطلوب نباید حتماً یک آینده متناسب و مطلوب به نظر دشمن باشد؛ بلکه آینده مطلوب خودمان؛ یعنی یک تصویر روشن از آینده‌ای که به سمت آن حرکت می‌کنیم، ترسیم کنیم. تصویر باید پرجاذبه باشد.

من این قسمت عمده «جهاد تبیین» را معطوف به این امر می‌دانم که ما برای حرکتی که ذیل انقلاب اسلامی رشد کرده است، یعنی حرکت عمومی جامعه، یک غایت مطلوب و شورانگیز و جذابی ترسیم کنیم. دنیای غرب با همین کارها جهان را برده است.

باید یک کلان‌روایتی از انقلاب اسلامی داشته باشیم که در آن کلان‌روایت، گام‌های بلندی که ذیل انقلاب اسلامی به سمت آن اهداف برداشته شده، تبیین شود. توضیح بدهیم که در بعضی موارد موفقیت‌های شگفت‌انگیزی در انقلاب اسلامی داشته‌ایم. این را باید بتوانیم توضیح دهیم.

اگر وارد جزئیات شویم و بخواهیم از طریق جزئیات بحث کنیم و به خصوص اگر بخواهیم با شاخصه‌های توسعه غربی، پیشرفت انقلاب اسلامی را توضیح دهیم، ممکن است پیشرفت چندان حاصل نشود. حتماً باید یک کلان‌روایتی از انقلاب اسلامی، از خاستگاهش، اهدافش و موفقیت‌های بزرگ آن در جهان ارائه کنیم تا موجب امیدواری به این شود که انقلاب اسلامی در مسیر خودش در حال حرکت است و حرکتش، حرکت درستی است. بعضی وقت‌ها که می‌خواهند موفقیت‌های انقلاب اسلامی را بگویند، صرفاً شاخص‌های توسعه را ارائه می‌دهند و می‌گویند ما در این شاخص‌ها چقدر موفق بوده‌ایم. ما رقبایی داریم که ممکن است در زمینه‌هایی به ظاهر

موفق‌تر از ما باشند. از این طریق نمی‌شود یک اقناع عمومی ایجاد کرد در مورد اینکه ماهزینه‌های سنگینی در طول این چهار دهه و قبل از آن داده‌ایم. حتی ممکن است بگویند دیگران بدون این هزینه‌ها به این دستاوردها رسیده‌اند. دیده‌اید که اخیراً بحث «اسلام فرهنگی و اسلام سیاسی» را مطرح می‌کنند و می‌گویند: اسلام فرهنگی موفق‌تر از اسلام سیاسی بوده است! کاری که دشمن می‌خواست بکند و الحمدلله موفق نشد.

در ماجرای بازی‌هایی که در قطر برگزار شد (جام جهانی فوتبال)، می‌خواستند جلوی مناسبات غیراسلامی را بگیرند. این یک بدل‌سازی برای ایران است. از مالزی شروع شد و در کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس، مثل قطر و عمان و امارات و حتی ترکیه و... آن را بازسازی کردند. دنبال این هستند که بدل‌سازی کنند و بگویند این‌ها اسلام دارند و از شما هم موفق‌تر هستند. بنابراین اگر نتوانیم انقلاب اسلامی را با چهارچوب و معیارهای خودش برای مردم توضیح بدهیم، معلوم نیست بتوانیم اثبات کنیم که موفق بوده‌ایم. شاید بشود، ولی برای اقناع عمومی کافی نیست.

بنابراین نکته دوم این است که بعد از ارائه یک آینده جذاب که برای آن انقلاب کرده‌ایم، باید بتوانیم کلان‌روایتی از انقلاب اسلامی داشته باشیم و توضیح دهیم که حرکت انقلاب اسلامی در جهت این اهداف موفق بوده و موازنه جهانی را به نفع اسلام تغییر بدهیم و از جنگ نظامی، دیپلماتیک و جنگ رسانه‌ای و جنگ اقتصادی به سلامت عبور کنیم. همه‌جا هم موازنه به نفع ما در جهان تغییر کرده است. ما باید این را توضیح دهیم. یک بخش عمده‌ای از بیانیه گام دوم حضرت آقا معطوف به این شده است.

سومین قدم این است که در جهاد تبیینی که برای کشورمان و دنیا

انجام می‌دهیم، باید بتوانیم این دو دستگاه را باهم مقایسه کنیم: یکی «دستگاه مقاومت و پیشرفت» است و دوم «انفعال و توسعه». ما در مقابل زیاده‌خواهی‌های جهان غرب، یا مقاومت می‌کنیم و مسیر دیگری به نام «پیشرفت» را در جهان طراحی می‌کنیم، یا اینکه منفعل می‌شویم و بعد هم مسیر توسعه‌ای که آن‌ها طراحی کرده‌اند را می‌رویم. ما باید بتوانیم توضیح دهیم که مقاومت موفق بوده و مسیر دیگری را برای تعالی و پیشرفت کشور طراحی کرده و بعد داستان انفعال و توسعه را هم توضیح دهیم.

نکته چهارم این است که باید یک آسیب‌شناسی از انقلاب اسلامی داشته باشیم و این آسیب‌شناسی حتماً باید همدلانه باشد. شما نمی‌توانید به جامعه بگویید ما موفق بوده‌ایم، ولی آن نقدهایی که آن‌ها می‌کنند را نادیده بگیریم. ما آسیب‌هایی داریم که باید بپذیریم. باید همدلانه با جامعه حرکت کنیم. بعضی جاها آسیب‌ها از آنچه جامعه می‌گوید هم بیشتر است. باید آسیب‌ها را ببینیم؛ منتها در تحلیل خود، آسیب‌ها و عواملی که به آسیب انجامیده را توضیح دهیم؛ یعنی توضیح دهیم که این آسیب‌ها به خاطر مقاومت نیست، بلکه این آسیب‌ها عمدتاً به خاطر انفعال و توسعه است. چون ما در مقابل الگوهای توسعه مقاومت نکرده‌ایم و منفعل شده‌ایم، این آسیب‌ها ناشی از آن‌هاست. این‌ها را باید توضیح داد.

ریشه بحران

ما با «غرب سیاسی» فی‌الجمله تکلیف خودمان را روشن کرده‌ایم. با آن‌ها مبارزه می‌کنیم و آن‌ها را مستکبر و ظالم می‌دانیم؛ ولی با «غرب فرهنگی» یعنی تمدن غرب و مدرنیته نسبت خود را مشخص نکرده‌ایم و چون مرزبندی‌هایمان را روشن نکرده‌ایم، بسیاری از

آسیب‌های ماناشی از این است. خدا رحمت کند استاد ما مرحوم سید منیرالدین حسینی را. در دهه هفتاد یک تحلیلی دارند به مناسبت انتخابات آن دوره که ریشه‌های بحران‌ها کجاست. به خوبی توضیح می‌دهند که ریشه این بحران‌ها درگیری بین ادبیات انقلاب اسلامی و لیبرال دموکراسی است؛ چه در حوزه سیاست، چه فرهنگ، چه اقتصاد و...

ما در گفت‌وگو با جامعه باید نسبت خودمان را با غرب فرهنگی روشن کنیم و توضیح دهیم که بسیاری از بحران‌های کشور ماناشی از مقاومت و ادبیات انقلاب اسلامی نیست؛ بلکه ناشی از این است که ما در این زمینه‌ها به الگوهای غرب عمل می‌کنیم. این طور نباشد که وقتی آسیب‌ها را قبول می‌کنیم و توضیح می‌دهیم، در تحلیل‌هایمان آسیب‌ها را به انقلاب اسلامی برگردانیم. نمی‌گوییم همه آسیب‌های انقلاب اسلامی را به پای دشمن بنویسیم، بلکه برخی کم‌کاری‌های خودمان است. قسمت عمده‌ای از این آسیب‌ها ناشی از الگوهای توسعه است که در کشور ما بحران ایجاد می‌کند و ما هم همان‌ها را امضا می‌کنیم. هر دولتی هم که می‌آید، همان کارها را انجام می‌دهد.

خدا رحمت کند علامه سید منیرالدین حسینی را که می‌فرمود: این‌ها آب را به روی باغ می‌بندند، وقتی خشک شد، آتش می‌زنند و تقصیر اسلام می‌اندازند! وقتی الگوهای سرمایه‌داری را می‌پذیری، اصلاً مفهوم ازدواج، خانواده، ارضای غرایض و... کلاً تغییر می‌کند. در نتیجه برای جوان امکان تأمین نیازمندی‌های طبیعی و غریزی‌اش فراهم نمی‌شود. عملاً در نیازها انحراف پیدا می‌شود و گسترش‌های بی‌خود و غیرمعقول پدید می‌آید و امکان تأمین نیازها فراهم نمی‌شود.

در الگوی سرمایه‌داری، امکان ازدواج سالم نیست. ازدواج‌های سالم هم اگر باشد، چقدر می‌تواند نیازهای برآمده از دنیای مدرن را

تأمین کند؟ این همه تبلیغات کذایی را گردن اسلام می‌اندازند و بعد می‌گویند: اسلام نمی‌تواند نیاز جوان را تأمین کند! این را باید بتوانیم توضیح دهیم که این بحران‌ها مربوط به الگوی مدرن و نظام برآمده از تجدد است.



رهیافت سوم: حجت الاسلام محسن قنبریان

کلان‌روایت پیشرفت در تراز حرف نو انقلاب اسلامی^۱

یک نکته‌ای را پارسال هم تأکید داشتم؛ الآن هم تأکید می‌کنم:

مجموعه فیش‌هایی از بیانات حضرت آقا در سایت ایشان هست با عنوان «حرف نو انقلاب اسلامی». طرح آن، مسئله‌ای بسیار راهبردی است. انقلاب اسلامی یک مجموعه حرف نو آورده و دو حرف مشخص هم مقابل خودش به وجود آمده: یکی جریان تجدد و دیگری جریان تحجر.

ما هر قدر که ممکن است، باید این حرف نو انقلاب اسلامی را بهتر تبیین کنیم. دهه فجر می‌تواند فضای مناسبی برای این کار باشد. این حرف چند ویژگی دارد:

۱. بیانات حجت‌الاسلام قنبریان در اجلاس سه سالانه شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی (هم‌قلم) در قم، ۱۴۰۲/۱۰/۰۷.

اولاً آن قدر که تجربه من می‌گوید، کسانی که منتقدند، دست کم این خوانش از اسلام را بهترین خوانش می‌دانند؛ یعنی ممکن است ایرادهایی هم به نحوه اجرای آن داشته باشند، لکن بهترین قرائت از اسلام را همین قرائت می‌دانند و این یک مزیت نسبی از حیث تبلیغی در بین مخاطبین است.

ثانیاً اصل حرکت امام بزرگوار علیه السلام و شهادی که تقدیم کردیم و آراء میلیونی مردم، از اول تاکنون به خصوص در فراندوم قانون اساسی بر اساس این حرف‌های نو بوده است. این حرف نو، بنیان‌هایی هم دارد که در آن ۳۵ فیش می‌توانید ملاحظه کنید. البته هرکدام از آن‌ها می‌تواند مجموعه فیش‌های متفاوتی داشته باشد. شما سروران می‌توانید از این حرف بر اساس تاریخ اسلام یا بر اساس آیات و روایات و فتاوی برخی از زعمای شیعه برداشت کنید. حرف، حرف عجیبی است که از اول اسلام و دوره رسول الله صلی الله علیه و آله همین حرف بوده است. این حرف، شامل همه چیز می‌تواند بشود، حتی موضوع زن، یا حتی حرف‌هایی که جزء حرف‌های ابتدایی و اساسی نیست، ولی بعداً خودش را نشان می‌دهد. امروز (۶ دی) هم دیدید که در بیانات حضرت آقا برای بار چندم بر همان خطوط تأکید می‌کردند که اگر ملاحظه کنیم، در همین محافل حوزوی خودمان و حتی محافل دگراندیشان می‌بینیم که آن جریان تجدد و تحجر در مقابل این حرف‌ها هست و ما متأسفانه چون حرف نو انقلاب اسلامی را شفاف نزدیم، گاهی در اذهان، به یکی از این دو جریان نسبت داده می‌شویم؛ یعنی گاهی حمل بر تجدد و گاهی نزد عامه مردم، حمل بر تحجر می‌شویم.

این دو ضرورت باعث می‌شود که بتوانیم این حرف نو را در یک دهه منبری با حضور در کلاس‌ها و محافل مختلف دانشجویی و دانش‌آموزی طرح کنیم؛ به خصوص با سلیقه خوبی که دوستان مبلغ دارند، خوانش

تاریخ اسلامی یا خوانش روایی و فتوایی از آن داشته باشیم؛ نه اینکه فقط به عنوان کلام رهبر، آن‌ها را بازخوانی کنیم.

نکته دوم این است که در آن راهبرد مورد توافق جمعی از دوستان مبلّغ به اینکه ما روایت پیشرفت را در وجهه همت خودمان قرار بدهیم، به نظرم باز این حرف‌های نو بیشترین ظرفیت را برای روایت پیشرفت دارد.

دو نکته قابل بحث در گفتمان پیشرفت

۱. ثبوتی یا علمی

پیشرفت را به عنوان خرده‌روایت می‌دانیم یا کلان‌روایت؟ خرده‌روایت یعنی پیشرفت کرده‌ایم، ولی به موازات آن (مثلاً) در عدالت کجاییم؟ اگر به این سؤال پاسخ درخور داده نشود، اثر پیشرفت ناکارآمد خواهد بود؛ چراکه قرار بود انقلاب اسلامی پیشرفت‌ش همراه عدالت باشد؛ اما حقیقت این است که طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب، ما در عدالت عقب‌تر از اهدافمان هستیم.

در بلوک شرق هم همین پیشرفت وجود داشت. پیشرفت در حوزه نظامی و صنعتی وجود داشت. دقیقاً در شوروی هم صنایع بالادستی که موجب ابرقدرتی یک کشور است، پیشرفت کردند، ولی سطح زندگی مردم بهتر نشد و عدالت که از شعارهای اصلی آن‌ها بود، محقق نشد. پس این پیشرفت به کار نخواهد آمد.

اما در بحث کلان‌روایت: واضح است که در بحث عدالت، نسبت به پهلوی رشد کرده‌ایم و می‌توان با ضریب جینی، این مسئله را اثبات کرد؛ اما این برای جامعه محسوس نیست و می‌گوید اگر در بحث موشکی و فناوری و... پیشرفت کرده‌ایم، چرا این تکنولوژی در خدمت

مردم نیست؟! لذا همین عسلویه گرچه نماد پیشرفت است، نماد بی‌عدالتی و تبعیض هم هست. این کلان‌روایت است که می‌تواند مخاطب را قانع کند.

۲. اثباتی یافنی

پیشرفت از این حیث در ذهن مردم نیست. چرا خارجی‌ها پیشرفت ایران را می‌بینند، اما داخلی‌ها نه؟ چون آن‌ها فقط همان پیشرفت را می‌بینند، اما مردم ایران پیشرفت را حس نمی‌کنند؛ چون فرم تبلیغ ما اصلاً به جان نمی‌نشیند؛ چراکه تورم و سختی و فشار بر مردم است و جامعه اثرات مخرب این فشار اقتصادی را حس می‌کند. پس باید در تبلیغ، به این مسئله توجه کنیم.

نکته‌ای را در جلسه قبل عرض کردم که وقتی می‌گوییم «روایت پیشرفت»، منظورمان از پیشرفت چیست؟ اگر یک «خرده‌روایت» است که پیشرفت در کنار عدالت، در کنار جمهوریت، در کنار آزادی منظور باشد، خوب آنکه نمی‌تواند در صحنه چیزی را عوض کند؛ چون شما وقتی می‌آیید تصویر پیشرفت می‌دهید، اعم از پیشرفت اقتصادی، صنعتی و... بلافاصله به جهاتی مثل عدالت و... در ذهن مخاطب نقض می‌شود؛ این‌گونه که (مثلاً) بلوک شرق هم پیشرفت کرد و حتی توانست با آمریکا در تجهیزات نظامی و فضایی و... رقابت کند، ولی چون نتوانست شعار اصلی خودش که عدالت بود را محقق کند، کار به جایی نرسید. ما این حرف‌ها را در فضای اجتماعی می‌شنویم. پس روایت پیشرفت وقتی یک روایت سازنده است و می‌تواند کار را جلو برد که روایت کلان‌پیشرفت باشد. به تعبیر دقیق‌تر: پیشرفت در عرض سایر مفاهیم انقلاب اسلامی نباشد، بلکه در طول قرار گیرد. به نظر بنده حرف نو انقلاب اسلامی در آن ۳۵ فیش‌رامی‌شود در هشت

یا نه محور اساسی خلاصه کرد که امتدادشان هم در تمام عرصه‌های زندگی قابل پی‌گیری است. خوبی این روش این است که غیر از تازگی برای مخاطبین، خود آن مفاهیم، قدرت و اقتضای روایت پیشرفت را هم دارد؛ چون وقتی می‌خواهید موضوع جمع‌کردن بین اراده عمومی مردم و حرف خدای متعال (که از حرف‌های نو انقلاب اسلامی است) را توضیح دهید، فقط کافی است پیرامون خودمان را نگاه کنیم و ببینیم که واقعاً پیشرفت صورت گرفته است؛ یعنی ما در همین چهل سال، کار بزرگی کرده‌ایم و در مقابل آن دو جریان تجدد و تحجر یک سربلندی در تاریخ داریم.

می‌خواهم بگویم که ظرفیت کلان روایت پیشرفت در حرف نو انقلاب اسلامی بیشتر است؛ به خصوص که با شأن طلبگی هم سازگارتر است. بنابراین فقط خواندن آمارها و امثال آن نیست که کار تخصصی و سخت بشود؛ نه، بلکه حرف نو انقلاب اسلامی، حرفی است که از پرتو غدیر و از تاریخ اسلام و سیره رسول الله ﷺ می‌شود استخراج کرد؛ یعنی ظرفیت تاریخی مناسب برای ایامی مثل ماه رمضان و شعبان و... را هم دارد. پس باید یک بحث کاملاً دینی و درعین حال ناظر به صحنه و مسائل انقلاب اسلامی طرح شود.

از این دو جهت تبلیغی و آن دو جهت راهبردی، حرف نو انقلاب اسلامی می‌تواند تبدیل به یک بسته محتوایی بشود؛ البته با این تأکید که ما سرخ را از مقام معظم رهبری بگیریم و با تراث خودمان و خوانش روایی و فتوایی و با تاریخ اسلام تطبیق بدهیم تا بتوانیم آن را برای مخاطبمان قابل قبول کنیم؛ یعنی حرفی که اولاً معلوم باشد ادامه اسلام اولیه است؛ دوم اینکه وقتی انسان به صحنه نگاه می‌کند، واقعاً نمود و آثار آن حرف را ببیند؛ مثل اینکه لنز دوربین را باز کرده باشیم تا از زاویه دیگری به انقلاب اسلامی نگاه کنیم. این خیلی بهتر از آن است که

مثلاً مسئله موشک و پیشرفت‌های نظامی را بگوییم، بعد به ما ایراد بگیرند که: پس چرا خودروسازی‌اش این‌طور است!؟

بعضی ریزه‌کاری‌ها هست که روحانیون نمی‌خواهند وارد آن مسائل شوند. این کلیتی بود برای محتوای دهه فجر. در واقع بنده آن را در همین حرف‌های نو طبقه‌بندی کردم و باید بگویم که با خوانش این حرف نو انقلاب اسلامی و تطبیق آن با واقعیت بیرونی، در این چهل و چند سالی که آمده‌ایم، سربلندیم. درعین حال می‌توان مطالبه آرمانی را هم در آن نهادینه کرد، تا به سطح بالاتری از پیشرفت برسیم.

یک کار حسابی!

تا وقتی که ما فهم و برداشت درستی از صحنه واقعی نداشته باشیم، تولید محتوا ایمان تیری در تاریکی است. البته قرینه و حدس دوستان، مصاب است و می‌توانند خوب درک کنند که چه پیام‌هایی لازم است؛ ولی ما درصدی مشارکت قطعی و درصدی مشارکت مُدَبِّب و مردِّد (یا به اصطلاح آرای خاکستری) داریم که نمی‌دانند شرکت کنند یا نه. ما اگر این درصد مدبذب را خوب شناسایی کنیم که اولاً چند درصد است و عامل تردیدشان در مشارکت چیست، در این صورت خیلی دقیق‌تر می‌توانیم محتوا تولید کنیم؛ تا اینکه مطالبی را ببریم برای آن ۴۰ درصدی که قطعاً رأی می‌دهند، که این، تحصیل حاصل می‌شود. آن کسانی که تصمیم به مشارکت ندارند، برای ما یک طیف هستند و می‌شود روی آن‌ها کار کرد. اگر مثل انتخابات ۱۴۰۰ باشد که بالای ۲۰ درصد این‌طور بودند، می‌توانیم یک انتخابات بالای ۶۰ درصد را ان شاء الله رقم بزنیم؛ به شرطی که یک کار حسابی انجام دهیم.

عرضم این است که باید یک کار در کلاس شهید حسن باقری انجام دهیم. یک بررسی و پیمایش کلی از واقعیت موجود بشود و حتی اگر

لازم باشد، نظرسنجی‌هایی را که بعضی از دستگاه‌های مختلف انجام می‌دهند و مهر طبقه‌بندی دارد را از آن‌ها گرفت یا آن مقداری که قابل رصد هست را گرفت و علت نیامدن‌ها یا تذبذب‌ها در مورد انتخابات را شناسایی و دقیقاً محتوای مناسب با آن تولید کرد.

شبیه‌ساز

یک ایده کوچک اجرایی دیگر این است که یک شبیه‌ساز انتخابات را به‌عنوان اساس کار برای تبلیغ در شهرها اجرا کنیم. ممکن است جریان تبلیغی سازمان با همکاری جریان دانشجویی بتوانند این ایده را پیاده کنند. بستر خیلی خوبی می‌تواند برای انتقال پیام باشد. شاید بدانید که به‌جای حضور در کلاس یا در همایش‌ها یا منبر، از این قالب و الگو هم می‌شود استفاده کرد. می‌دانید که ماجرای شبیه‌ساز یک بُعد آموزشی بسیار جدی دارد و ما در قم برای یک گروه از طلبه‌ها شبیه‌ساز شورای نگهبان را به کمک متخصص اجرا کردیم. آن‌جا در قسمت تقنین (که این کار خیلی نگاه به صحنه را جدی‌تر می‌کند) می‌شود در لابه‌لای آن، خیلی حرف‌ها را زد. حالا شبیه‌ساز مجلس شورای اسلامی به این شکل که یک نماینده از وقتی که وارد مجلس می‌شود، از مزایای شخصی و اسکانش گرفته تا نوع ظرفیت‌های قانونی که در اختیار دارد، مثلاً: چه طور سؤال می‌کند، چه طور استیضاح می‌کند، چه طور رأی می‌دهد، در چند طرح و لایحه می‌تواند مشارکت کند و در کدام کمیسیون و...، همه این‌ها را می‌شود جزء به جزء تبیین و حتی بومی کرد؛ یعنی مردم یک شهری یا یک جنبش دانشجویی یا طلبگی در یک شهر می‌توانند این را بر نمایندگان کنونی و گذشته شهرشان تطبیق بدهند؛ یا مثلاً نماینده کنونی ما در چند طرح حضور داشته و به‌عنوان موافق یا مخالف صحبت کرده؛ یا تعداد جلسات حضور و غیابش یا موارد تحقیق

و تفحص او چیست؛ یا اینکه اصولاً چه طور چیزی مورد تحقیق و تفحص قرار می‌گیرد.

استفاده از این امکان، باعث می‌شود که سطح آگاهی مردم از کارکرد یک نماینده بالاتر برود و در ضمن آن، نقیصه‌ها هم معلوم بشود که چرا قوارهٔ بعضی‌ها نسبت به این همه ظرفیت قانونی، کوچک است. همچنین به سمت انتخابات قوی و انتخاب درست هدایت کند و در نتیجه، زمینه برای مشارکت بیشتر هم فراهم گردد.

این نکته‌ای که آقا فرمودند: «تحول‌ها مرکزش همین انتخابات است و الآن به طور خاص، انتخابات مجلس»، نیاز به کار و تحقیق دارد. بیش از اینکه بخواهیم این فرمایش را توضیح دهیم که تحول یعنی چه و ربط مجلس با تحول چیست، به نظرم برجسته کردن شبیه‌ساز مجلس شورای اسلامی لازم است، تا معلوم شود که یک نماینده یا مجموع نمایندگان در چند عرصه و چه طور می‌توانند نقش ایفا کنند. حتی می‌شود برخی نقیصه‌ها که مشکل عمومی مردم است، بررسی شود؛ مثلاً زمانی تحقیق و تفحص از ایران خودروارائه بشود و ببینند که نارسایی و مشکلش کجا بوده که آمده و انجام نشده، یا خوب قرائت نشده یا خوب پی‌گیری نشده. به جای استفاده از شکل بسیط انتقال پیام که همان منبر یا همایش است، این‌ها می‌تواند بستری برای محاورات جدی‌تر بشود.

پس خلاصهٔ این دو نکته در رابطه با انتخابات این شد که: ۱. طیف مذذب و مردّد در انتخابات را شناسایی کنیم؛ ۲. شبیه‌ساز انتخابات را به عنوان بستر انتقال و حمل پیام ایجاد کنیم.

خلاصه آن ۳۵ فیش از بیانات حضرت آقا این هاست:

- مردم‌سالاری دینی و معیار بودن رأی مردم؛
- تلفیق آرای عمومی با افکار اسلامی و مبانی دینی در تشکیل و اداره جامعه؛
- جمع بین پیشرفت‌های مادی و رضای پروردگار و حفظ ارزش‌ها؛
- ارزش‌های الهی، همراه با اراده مردم، نه تحمیل بر مردم؛
- توحید همراه با کرامت انسان.

ایشان در سال ۶۱ فرموده‌اند: «خلاصه جمهوری ما یک کلمه است: خدا و مردم»

ارزش یک شبیه‌سازی

بنده راه‌کارهای تریبون آزاد و برقرار کردن چالش‌ها را مفروغ گرفتم. مخصوصاً در شهرهایی که جریان‌های مذهبی در آن جا لجنه‌ای دارند و از یک وزن اجتماعی برخوردارند، باید این کار را انجام دهند و افراد را به چالش بکشند.

اما این شبیه‌ساز یک نکته‌ای دارد: اینکه وقتی بسترسازی کنید، بهتر می‌توانید در آن محاوره داشته باشید؛ یعنی به اندازه‌ای که بسترسازی می‌کنید، پیامتان منتقل می‌شود. امروز مثال عینی‌اش غرّه است. برای غرّه دیگر دستگاه پیام‌رسانی نمانده است، لکن چون یک بستر فوق‌العاده دارد، حتی خُرده‌پیام‌هایی که از آن بیرون می‌آید نیز فوق‌العاده نافع می‌شود. این بسترسازی که پیام درون آن بچرخد، یک ظریفی دارد؛ مثلاً اگر بیابیم لیست حضور و غیاب نمایندگان را جدای از آن شبیه‌ساز منتشر کنیم، حتی ممکن است موجب ناامیدی مردم هم بشود و بگویند: پس مجلسی که آقا می‌گفتند انقلابی است، همین است؟! ولی وقتی مجموع کارهایی که یک نماینده می‌کند، کنار

هم قرار می‌گیرد، از امور شخصی بگیر تا امور قانونی و حقوقی و...، این از حالت کلی بیرون می‌آید و ابعاد آن معلوم می‌شود.

ارزش یک شبیه‌ساز خوب در این است که حتی لوايح در انتظار رأی را می‌توان در آن بررسی کرد؛ مثلاً فلان کمیسیون‌ها منتظر صحن هستند، پس تو (نمایندۀ فرضی) جوری حرف نزن که انگار می‌خواهی چرخ را از اول اختراع کنی! در این شبیه‌ساز می‌توان سؤال از وزیر و رئیس‌جمهور را هم آورد. همچنین می‌تواند علاوه بر سطح ملی، در سطح محلی هم مفید باشد و دیگر کسی نمی‌تواند به نام برنامه، برای مردم کلی‌گویی کند. این شبیه‌ساز می‌تواند الگوی تازه‌ای باشد که مبلّغین در درون آن بتوانند بسیاری از حرف‌های دینی‌شان را بگویند؛ چون به شکل رویداد هم هست و می‌تواند در صحنه‌های عمومی اجرا شود تا بسیاری از مردم هم ببینند و نظر بدهند. البته این شبیه‌ساز در حد یک ایده طرح شده و در حال طراحی است تا بعد چکش‌کاری شود و در مرحله اجرا حتی برای بعضی قسمت‌های آن بتوانید تولید محتوای مفیدی کنید.

حرف‌های کلیشه‌ای

وظیفه مبلّغین در این انتخابات چیست؟ رهبر انقلاب در یک خط ثابت در حال حرکت است، پیشرفت به نحو کلانش مهم است. اگر شما از رهبر بپرسید: در چه چیزی پیشرفت کرده‌ایم، نمی‌گوید: اقتصاد و... بلکه می‌گوید: ما در پای کار آوردن مردم برای تعیین سرنوشت، پیشرفت کرده‌ایم؛ ما در کرامت انسانی پیشرفت کرده‌ایم؛ بله، در اقتصاد و صنعت و... هم رشد داریم.

اما باید مطالبه‌گری‌ها را هم بیان کنیم و به مخاطب بگوییم: تو چه مطالبه‌ای داری که من ندارم؟ مانند سخنرانی شهید متوسلیان که در کردستان حرف از استیضاح سپاه پاسداران می‌زند! اگر تبلیغ برای

این باشد که ما کنشگران را سرکوب کنیم، کار به شدت غلطی است. اگر کنشگری و تبیین خوب اجرا شود، موجب می‌شود که مشارکت مردمی هم بیشتر شود.

یکی از کارهای مهم در تبلیغ، این است که باید خلاقیت داشته باشیم تا مخاطب را همراه کنیم و از بیان حرف‌های کلیشه‌ای بپرهیزیم؛ مثلاً مبالغه بیان کند که دلیل هوشمندی تحریم‌ها چیست؟ یکی دلار و یکی بنزین. تحقیقات نشان داده است که در تمام دنیا تحریم‌ها موجب پیوستگی ملت می‌شود؛ پس اولاً باید همه مردم سختی تحریم‌ها را بچشند؛ ثانیاً باید تحریم به نحوی باشد که استقامت یک ملت شکسته شود؛ اما چگونه؟

دارو و... تحریم بود، ولی پورشه نه، تا سرمایه‌دار بخرد و نیازمند به دارو، در تمام شهر به دنبال دارو بگردد و وقتی مانور پورشه میلیاردری را در خیابان دید، در ذهنش عدالت، تحت‌الشعاع قرار بگیرد و مقاومت مردم را بشکند و هم‌زمان هشتگ کاسب تحریم‌ها برجسته شود؛ چون همان آقازاده‌هایی که به حکومت متصل هستند، کاسبان تحریم هم هستند. پس مردم می‌گویند: چرا ما مردم سختی‌های تحریم را تحمل کنیم و شما حکومتی‌ها بهره‌تحریم را می‌برید؟! لذا تحریم هوشمندانه از یک طرف فشار می‌آورد و از سوی دیگر، کاسبان تحریم را پرور می‌کند. هم‌زمان دشمن در کنار تحریم‌های سنگین علیه مردم، خودش کسانی که از تحریم‌ها مستثنا هستند، مثل آقازاده‌های خارج نشین و... را معرفی می‌کند تا مقاومت مردم را بشکند.^۱

سخن پایان ان است که: «روایت پیشرفت، وقتی اثرگذار است که کلان‌روایت‌ها درست باشد».

۱. ر.ک: ریچارد نفیو، هنر تحریم‌ها؛ نگاهی از درون میدان، ترجمه سید علی صادقی، نشر پیام محراب.





رہیافت چہارم: حجت الاسلام سید محمد حسین راجی

گفتمان پیشرفت^۱

روایت پیشرفت، راہبردی کلان برای اثبات اینکه «ما نزدیک قله ایم»

من در رابطه با ضرورت گفتمان پیشرفت، نکاتی را عرض می‌کنم.

یک سؤالی که این روزها شاید در ذهن ما ایجاد شده، این است که مقام معظم رہبری علیه السلام حکیم است و این رہبر حکیم، در این یک سالی که از اغتشاشات می‌گذرد، تقریباً در باب حجاب سخنرانی نکرده‌اند؛ به جز سخنرانی در جمع بانوان در دی‌ماه پارسال و پانزده فروردین در دیدار با مسئولین. حتی در روز ۲۱ تیرماه که روز عفاف و حجاب است و در دیداری که با طلاب و حوزویان داشتند، این بحث را مطرح نمی‌کنند. سؤال این است که آیا برای آقا مسئله حجاب مهم نیست؟ یا اینکه ایشان ناامید شده است؟ می‌دانیم که آقا در بحث حجاب کوتاه نمی‌آیند؛ ولی چرا مطالبی درباره آن بیان نمی‌فرمایند؟

۱. بیانات حجت الاسلام سید محمد حسین راجی در اجلاسیه سالانه شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی «هم‌قلم»، ۱۴۰۲/۱۰/۶.

اشتباه مهم

ببینید! اشتباه مهم و استراتژیک ما در این است که فکر می‌کنیم (مثلاً) اگر بخواهیم خرمشهر را آزاد کنیم، باید از جاده اصلی برویم و به خرمشهر برسیم. درحالی‌که گاهی وقت‌ها این جور نیست؛ بلکه باید با چند عملیات دیگر، اول بازوهای دشمن را قطع کنیم تا بتوانیم دشمن را محاصره کنیم؛ یعنی اول بعضی قسمت‌ها را باید از بین ببریم تا بعد بتوانیم خرمشهر را آزاد کنیم.

بنابراین اگر می‌خواهیم کاری درباره حجاب انجام دهیم، آیا باید پیایی درباره حجاب صحبت کنیم، یا می‌توانیم کار دیگری انجام بدهیم که در کنارش مشکل حجاب هم حل شود؟ باید ببینیم حضرت آقا در این زمینه چه کرده‌اند.

سخنرانی‌های ایشان بعد از فتنه سال گذشته را ببینید. در شهریورماه فتنه اتفاق می‌افتد؛ آقا از این زمان به بعد ۲۳ سخنرانی مختلف دارند. از میان این ۲۳ سخنرانی، برخی از سخنرانی‌ها موضوع خاص دارند؛ مثل دیدار با خانواده شهیدای شاهچراغ، نماز بر پیکر دکتر عباس شیبانی، بیانات در دیدار با خانواده آیت‌الله مصباح، بیانات در دیدار با خانواده حاج قاسم سلیمانی یا بیانات در دیدار مسئولین نظام و سفرای کشورهای اسلامی، که همه اینها بین‌المللی است؛ یا روز درخت‌کاری که موضوعیتی ندارد در آن درباره حجاب صحبت بشود. اما در دیگر سخنرانی‌ها که سیزده مورد است، می‌بینید که ایشان روی چه چیزی تمرکز بسیار بالا دارند، و آن موضوع «پیشرفت» است.

رهبر معظم انقلاب در این سیزده سخنرانی، ۱۵۳ بار بحث پیشرفت را مطرح می‌کنند؛ یعنی به‌طور میانگین در هر سخنرانی یازده بار آقا می‌فرماید: «ما در فلان زمینه پیشرفت کرده‌ایم» یا «داریم به قلّه

می‌رسیم». این عجیب است. مثلاً در جمع نیروهای مسلح که اولین سخنرانی رسمی آقا بعد از فتنه و در اوج فتنه است، سیزده بار بحث پیشرفت را مطرح می‌کنند که چون ما داریم پیشرفت می‌کنیم، دشمن این کارها را انجام می‌دهد.

در دیدار با مجمع تشخیص مصلحت که گزیده آن منتشر شد، آقا درباره پیشرفت صحبت می‌کند. در دیدار با نخبگان و استعداد‌های برتر هجده بار بحث پیشرفت را مطرح می‌کنند که بیشتر بحث ایشان درباره پیشرفت علمی و نظامی و پیشرفت‌های مختلف دیگر است.

در سخنرانی دیگرشان در دیدار با مردم اصفهان، ۴۹ بار بحث پیشرفت را مطرح می‌کنند. در یک سخنرانی در اوج فتنه، می‌بینید پیوسته مطرح می‌کنند که: «ما پیشرفت کرده‌ایم»؛ «پیشرفتمان این طوری بود»؛ «امروزه پیشرفت وظیفه ماست؛ پیشرفت معنوی، سیاسی، اخلاقی و اقتصادی».

در دیدار با بسیجیان، آقا سه بار بحث پیشرفت و دستاوردها را مطرح می‌فرمایند. در دیدار با شورای عالی انقلاب فرهنگی که گزیده بیانات منتشر شد هم سه بار به بحث پیشرفت اشاره فرمودند. در دیدار اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا^۱ نه بار بحث پیشرفت را مطرح می‌فرمایند.

سخنرانی بعدی، دیدار با اقشار مردم است که رهبر معظم انقلاب بحثی در رابطه با پیشرفت و همچنین درباره بانوان دارند. در دیدار با مردم قم پنج بار و در دیدار با مداحان هم دو بار بحث پیشرفت را مطرح می‌فرمایند.

در دیدار با کارآفرینان و تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها نوزده بار بحث پیشرفت را مطرح می‌فرمایند. در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی و

پدافند هوایی ارتش ۸ بار به بحث پیشرفت اشاره فرمودند و در دیدار با مردم آذربایجان شانزده بار به بحث پیشرفت پرداختند.

بنابراین رهبر معظم انقلاب علیه السلام یک چیز را دقیق متوجه شده‌اند؛ اینکه مشکل، خود حجاب نیست، وقتی به خانمی می‌گویید: خواهرم! حجابت را رعایت کن، تا حالا شنیده‌اید که بگوید: کجای قرآن گفته حجاب واجب است؟! یا کدام مرجع تقلید گفته حجاب واجب است؟! می‌گوید: برو مشکل اقتصاد را درست کن و جلوی اختلاس را بگیر. پس مشکل اصلاً بحث حجاب نیست. بحث دشمن این است که می‌خواهد نظام از بین برود و یکی از ابزارهایی که به کار می‌برند، کشف حجاب است. خب فردا ممکن است نمازشان را هم ترک کنند؛ می‌توانیم بگوییم نمازت را بخوان! بلکه باید ببینیم مشکل کجاست. آقا درست و دقیق تشخیص داده‌اند که اگر اینها متقاعد بشوند که جمهوری اسلامی پیشرفت کرده، مشکل حل می‌شود.

مشت، نمونه خروار

فرض کنید یک دانشجو که در دانشگاه فردوسی درس می‌خواند، بگوید: می‌خواهم از دانشگاه فردوسی بیرون بیایم. به او می‌گوییم: چرا می‌خواهی بروی؟ می‌گوید: به خاطر اینکه کیفیت غذایش پایین است؛ اساتید خوبی ندارد؛ فضای دانشگاه کوچک است و... این‌طور چیزها را مطرح کند.

اگر به او اثبات کردیم که فضای دانشگاه فردوسی بسیار بزرگ است، اساتید سطح بالایی دارد، غذایش هم بسیار خوب است و... آن دانشجو چرا باید بخواهد از آن دانشگاه برود؟ وقتی قانعش کردید، دیگر بیرون نخواهد آمد. نه تنها بیرون نمی‌رود، بلکه مدافع شما هم می‌شود؛ یعنی به بقیه دانشجویان هم نشان می‌دهد که چه دانشگاه

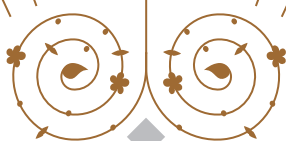
خوبی است. اگر خانمی که کشف حجاب کرده، بداند که جمهوری اسلامی به چند قدمی قلّه پیشرفت رسیده و تاکنون توانسته بسیاری از مشکلات را حل کند، چرا باید در مقابل نظام بایستد؟!

البته گروه‌های تجزیه طلب و ضدانقلاب را استثنا کنید. آن‌ها یکی دو درصدند که ۴۴ سال قبل هم به جمهوری اسلامی رأی نداند؛ الآن هم رأی نمی‌دهند. مهم نیستند و ما هم کاری به آن‌ها نداریم.

اما غالب مردم اگر متوجه بشوند که نظام اسلامی پیشرفت کرده و به نزدیکی قلّه رسیده است، همراهی خواهند کرد. تجربه من در این زمینه، تجربه کمی نیست. هم در زندان، هم در مدارس و هم دانشگاه‌ها و... زیاد صحبت کرده‌ام. دقیقاً می‌دانم وقتی اینها متقاعد می‌شوند که نظام کار کرده است، این مشکل حل می‌شود. پس عرض ما این است که دغدغه مقام معظم رهبری علیه السلام درباره حجاب و سایر مشکلات فرهنگی و اجتماعی این است که ما در مسیر پیشرفت هستیم و به نزدیکی قلّه رسیده‌ایم و وقتی به قلّه برسیم، همه مشکلات حل می‌شود.

در رابطه با انتخابات هم به همین رسیده‌ایم که اگر مردمی نمی‌خواهند رأی بدهند، آن‌ها را باید متقاعد کرد که جمهوری اسلامی به قلّه نزدیک شده و در حال حل مشکلات است. در این صورت آن‌ها همراهی خواهند کرد و در تقابل با نظام قرار نمی‌گیرند.

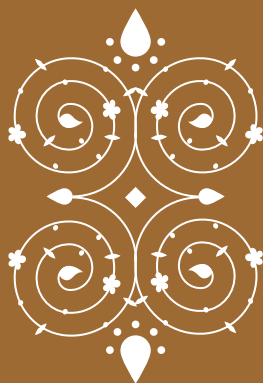




فصل دوم

مجموعه سخنرانی‌های «کلان روایت پیشرفت»



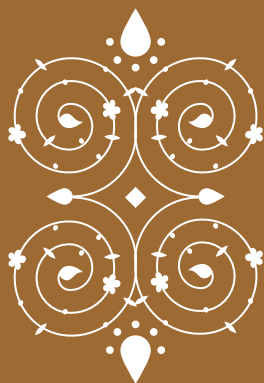


سخنرانی اول

سیارهٔ رنج

تبیین جایگاه رنج و سختی در پیروزی جبهه حق با توجه به کلان
روایت پیشرفت‌های جمهوری اسلامی

حجج اسلام حسین علی کاظمی؛ علی مرادی





حس ناامیدی؟

امروزه هر کجای عالم را نگاه می‌کنیم، سیل اتفاقات ناگوار و مشکلات است! همه زندگی‌ها نه فقط در ایران، بلکه در اروپا، آفریقا، آمریکا و... هم مشکلات و اتفاقات خاص خودشان را دارند؛ یا حتی اتفاقی که توجه کل دنیا را به خودش جلب کرده؛ یعنی در فلسطین بیش از صد روز است که خانواده‌های مظلوم نوار غزه زیر بار این همه بمباران و نسل‌کشی هستند. بگذارید این‌طور بگوییم: حتماً همه تجربه کرده‌اید که وقتی سوار تاکسی یا مترو می‌شوید و برای خرید به بازار و به میان مردم می‌روید، می‌بینید که بعضی‌ها همیشه آیه ی‌أس می‌خوانند و دائم از گرفتاری‌ها و مشکلات دم می‌زنند و شما اگر کنارشان نشستید، این حس ناامیدی و انفعال در شما هم رسوخ می‌کند؛ به‌گونه‌ای که انگار به معنای واقعی کلمه ما هم به بن‌بست رسیده‌ایم!

شاید کسی بگوید: اگر شما هم با واقعیات زندگی کنی و واقعیت‌ها را ببینی، آن وقت می‌فهمی این حرف که می‌گویی «حس ناامیدی»، دقیقاً

خود ناامیدی است و حتی حس هم نیست، بلکه باور جدی مردم است.

ممکن است بپرسند: حاج آقا! از مشکلات خبر دارید؟! گرفتاری‌های معیشتی همه‌گیر شده است، از سفرهٔ مردم، از وضعیت فرهنگ، از میزان رضایت زندگی مردم، از میزان امیدشان به زندگی خبر دارید؟!

اتفاقاً چون ما هم مثل مردم با واقعیت سروکار داریم، می‌خواهیم واقع‌بینانه صحبت کنیم. بحث ما درباره موضوعی است که اگر به ابعاد ناگفته آن پردازیم، بسیاری از موانع ذهنی‌مان را در مسیر حرکت به سوی گره‌گشایی از مسائل زندگی برطرف می‌کند و نگاه ما به حوادث را بسیار تغییر می‌دهد.

موضوع بحث ما این است که چگونه می‌توانیم با اتفاقات اطرافمان یا به تعبیری: مشکلات، سختی‌ها و رنج‌های روزگار، گرانی‌ها و مشکلات اقتصادی کنار بیاییم؟! فلسفه رنج‌هایی که داریم، چیست؟ یا به تعبیر درست‌تر: بهترین رویکرد در قبال رنج‌ها و سختی‌ها، چه سختی‌های زندگی خودمان و چه سختی‌های جامعه چیست؟

زمانی می‌توانیم بهترین رویکرد و عملکرد را در مورد اتفاقات اطرافمان داشته باشیم که نوع بینش ما مبتنی بر اصول و ضوابطی باشد. خالق اتفاقات عالم، خدای متعال است. قطعاً زمانی می‌توانیم بینش درستی به اتفاقات داشته باشیم که با بینش خدای علیّ‌اعلی آشنا باشیم.

رنج در قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم، این کتاب آیین‌نامه حیات بشر، سیمای انسان را ترسیم می‌کند و ابعاد زندگی انسان را بیان می‌فرماید تا شناخت ما از حقایق زندگی کامل شود. لذا ابعاد وجودی انسان را

این گونه توصیف می‌کند و در آیه‌ای می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»؛ انسان را در بهترین و متعادل‌ترین شکل ممکن از لحاظ جسم و روح خلق کردیم.

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»؛^۲ ما انسان را در اوج سختی و بلاها خلق کردیم.

(العیاذ بالله) خدایا! این چه نوع از تبیین خلقت انسان است؟! چرا یک بار می‌گویی بهترین خلقت، یک بار می‌گویی در اوج رنج و سختی؟! تلازم بهترین‌ها با سختی‌ها در چیست؟!

ممکن است کسی بگوید سؤال همین جاست و تناقض در همین جا پیش می‌آید: چگونه خداوند بی‌نهایت مهربان می‌تواند این کارهای نامهربانانه را با بندگان خود، حتی با کودکان بی‌گناه داشته باشد؟! چگونه خداوند با آن ویژگی‌هایی که از او می‌شناسیم، می‌تواند چنین رفتاری با بندگان خود داشته باشد؟ به این مثال دقت کنید:

مثل آهنگر

آهنگری بود که با وجود رنج‌های متعدد و بیماری عمیقاً به خدا عشق می‌ورزید. روزی یکی از دوستانش از او پرسید: تو چگونه می‌توانی خدایی را که رنج و بیماری نصیب می‌کند، دوست داشته باشی؟! آهنگر، سر به زیر افکند و گفت: وقتی می‌خواهم وسیله‌ای آهنی بسازم، یک تکه آهن را در کوره قرار می‌دهم؛ سپس آن را روی سندان می‌گذارم و می‌کوبم تا به شکل دلخواهم درآید. اگر به صورت دلخواهم درآمد، می‌دانم که وسیله مفیدی خواهد بود؛ وگرنه آن را کنار می‌گذارم. همین موضوع باعث شده است که همیشه به درگاه خداوند دعا کنم

۱. تین، ۴.

۲. بلد، ۴.

که خدایا! مرا در کورهٔ سنت‌های خودت یعنی در رنج‌ها قرار بده و از من یک انسان کارآمد، آن‌طور که خودت می‌خواهی بساز، اما مرا کنار نگذار. یک سنگ آهن تمام ظرفیت‌های مکنون برای ابزاری کارآمد شدن را دارد، مثل انسان که خدا می‌فرماید: انسان را در ﴿احسن تقویم﴾ یعنی در اوج استعداد قرار دادیم، اما لازم است با رنج‌های زندگی در مسیر رشد قرار بگیرد. آن کسی که هیچ بلا و رنجی نبیند، اصلاً خدا با او کاری ندارد؛ شبیه ورزشکاری که مربی‌اش او را رها کرده و به او تمرین نمی‌دهد؛ چون از او قطع امید کرده و ظرفیت رشد و قهرمانی را در او نمی‌بیند.

البته انسان مثل آهن نیست و این‌طور نیست که اگر به خوبی و کمالی برسد، دیگر بالاتر از آن خوبی و کمالی نباشد؛ چون مقصدش خدایی است که حد و اندازه ندارد. رنج باید که تو را هوشیار کند و در مسیر درست قرار دهد. انگار مسیر شکوفایی و کمال انسان، همین رنج‌هاست. پهلوان تا وسط گشتی مبارزه نکند و پیروز نشود، لذت پیروزی برایش معنا نمی‌یابد. انسان تا گرسنه نشود، سیری لذت ندارد. حاج اسماعیل دولابی رحمته الله در مثالی جالب عنوان می‌کردند:

خدا یک تار و یک تور و یک تیر دارد. با تار و تور و تیر خود، آدم‌ها را جذب می‌کند. تار خدا قرآن است. نغمه‌های قرآن، آسمانی است. خیلی‌ها از این طریق قرآن جذب می‌شوند. خیلی‌ها را با تور جذب خودش می‌کند، مثل مراسم اعتکاف و مراسم ماه رمضان و شب قدر. تیر خدا همان بارهای مشکلات است. غالب آدم‌ها را از این طریق جذب خودش می‌کند. البته ظاهرش تیر است، ولی باطنش همان تور است که تو را برای خودش قرار است صید کند.^۱

شد دلم آسوده چون تیرم زدی

ای سرت گدردم چرا دیرم زدی؟^۱

وقتی مربی به ورزشکار، تمرین‌های شدید و سخت بدنی می‌دهد، ظاهرش سختی کشیدن است و جدیت مربی به شکلی است که انگار با ورزشکار سرناسازگاری و دعوا دارد؛ اما هیچ‌گاه ورزشکار چنین فکری نمی‌کند؛ چون می‌داند که همه داد و فریاد و عصبانیت و خشم مربی که همراه با تمرینات سخت است، برای حرفه‌ای شدن و موفقیت اوست و به همین خاطر مربی‌اش حق می‌دهد و در برابر او واکنش منفی نشان نمی‌دهد.

انواع رنج

درآموزه‌های دینی انواع مختلفی برای رنج بیان کرده‌اند:

۱. رنج طبیعی

یک دسته، رنج‌های طبیعی و قهری است؛ رنج‌هایی که همگانی است؛ مثلاً رنج پیری که قرآن از آن چنین تعبیر می‌کند: «وَمَنْ تَعْمِرُهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ»^۲. در این نوع رنج، همین که روی آن فکر کنیم و همه بدانیم که این رنج برای همه هست و کوچک و بزرگ، کافر و مسلمان همه این رنج را می‌برند، کمک می‌کند که در مقابل این رنج از خدا راضی باشیم.

۲. رنج انتخابی

اما یک نوع رنج که موضوع بحث ماست، رنجی است که ماباء آن

1. <http://www.asr-entezar.ir/archives/65656>.

رنج را خودمان تعیین می‌کنیم. این مابازاء می‌تواند رنج صعود یا رنج سقوط ما باشد. همه انسان‌ها در زندگی خود باید یکی از این دو راه را انتخاب کنند: قبول رنج صعود، یا قبول رنج سقوط. قرآن کریم در سوره بلد می‌فرماید: ما انسان را در رنج آفریدیم ﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ یعنی همان‌طور که هر انسانی قطعا در رنج است، دو راه برای انسان گذاشتیم که می‌تواند انتخاب کند: ﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾^۱. عده‌ای مسیر رنج صعود را طی می‌کنند که لذتشان این است که جزء اصحاب المیمنه قرار می‌گیرند: ﴿أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾^۲.

عده‌ای هم رنج سقوط را می‌پذیرند: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾^۳ که این‌ها شاید لذات زودگذر دنیا دارند، ولی می‌فرماید: ﴿عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ﴾^۴ یعنی آتش دوزخ برای آن‌ها آماده است. یعنی خدا نخواستہ انسان را بدون زحمت در لذت بی‌نهایت قرار دهد؛ بلکه میدان رزمی آماده کرده تالذت ورنج هر دو معنا پیدا کند.

رنج خواه و ناخواه در زندگی هست؛ اما گرایش به رنج، یعنی اینکه انسان چه رنجی ببرد، مهم است؛ اینکه انسان در زندگی رنج صعود را متحمل شود یا رنج سقوط را مهم است. در واقع باید در زندگی به این حقیقت برسیم که رنجی که در زندگی می‌کشیم، در قبال چیست؟ در قبال صعود ماست یا سقوط ما؟ رنج آینده‌ساز یا رنج آینده‌سوز؟

فرق رنج صعود و رنج سقوط

سنت خدا در عالم این است: رنجی که انسان در مسیر سقوط

۱. بلد، ۱۷.

۲. بلد، ۱۸.

۳. بلد، ۱۹.

۴. بلد، ۲۰.

می‌کشد، دستاوردی ندارد. البته ممکن است انسان در ظاهر لذتی هم ببرد، اما رشدی در آن نیست: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ»؛^۱ و هر مصیبتی که گریبان‌گیرتان شود، از دستاورد خودتان است. چرا؟ چون رنج سقوط، رنج ترس و وحشت از عاقبت است؛ رنج سکون است؛ رنج بی‌حرکتی و تلاش نکردن است؛ رنج تن‌پروری و تنبلی است؛ رنج احتیاط بی‌جا، رنج آینده‌سوز است؛ مثل کسی که مشغول تن‌پروری و شهوت‌رانی است که به ظاهر در حال لذت بردن است، اما در باطن، با پرخوری بدن خودش را از پادرمی‌آورد.

اما رنج صعود، رنج آینده‌ساز است. خداوند متعال در سنت حاکم بر عالم، دو دستاورد برای این رنج قرار داده است.

اولین دستاورد رنج صعود «نصرت خدا»

اولین دستاوردی که خدا برای بندگانش قرار داده، فرج و گشایش و نصرت الهی است.

جریان بنی اسرائیل

خدای متعال در قرآن کریم در مورد قوم بنی اسرائیل می‌فرماید: جمعی از این قوم نزد حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام آمدند و گفتند: «قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا»؛^۲ ای موسی! پیش از آنکه توییابی، در رنج بودیم و پس از آنکه آمدی، باز هم در رنجیم. به تعبیر دیگر: تا تو نبودی، ما در رنج بودیم و فرعون به ما ظلم شدید روا می‌داشت و دائم ما را اذیت بودیم و بچه‌های ما را می‌کشت و زنان ما را اذیت می‌کرد. دائم در ترس و وحشت و بیگاری بودیم؛ اما الآن هم که تو آمدی، ما دائم در

۱. شوری، ۳۰.

۲. اعراف، ۱۲۹.

تلخی و سختی هستیم! حداقل آن موقع مسئولیت امور حکومتی در دست فرعونیان بود و در تلخی بودیم، اما الآن که مسئولیت در دست خودمان است و تلخی می‌کشیم، بدتر است!

موسی در جواب می‌فرماید: **﴿قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوُّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ﴾**؛^۱ گفت: امید است که پروردگارتان دشمنانتان را نابود کند، و شما را در این سرزمین، جانشین (آنان) گرداند. به تعبیری: خدا هم بین رنج قبل از موسی و بعد از موسی فرق قائل شد (مثال معقول به محسوس).

تا قبل موسی مسیری برای برون رفت از سختی‌ها برای بنی اسرائیل نبود؛ بلکه همه تحت فشار فرعون در بردگی بودند و فرعون فرزندان‌شان را می‌کشت و زنان آن‌ها در امان نبودند و روز به روز در سقوط بودند و رنجشان رنج سقوط بود. اما از زمانی که به موسی عليه السلام ایمان آوردند، باز هم از ظلم فرعون رنج می‌بردند و فرعون کسانی که به موسی ایمان آورده بودند را شکنجه می‌کرد؛ اما این رنج با رنج پیش از ایمان آورده به موسی عليه السلام فرق می‌کرد. وقتی رنج با موسی بودن را تحمل کردند، امید در دل‌های‌شان روشن شد و امید به فرج در جان آن‌ها روشن شد و خدا هم رود نیل را برای آن‌ها شکافت.

خدای متعال در قرآن می‌فرماید: **﴿فَلَمَّا تَرَأَىٰ الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ﴾**؛^۲ زمانی که قوم موسی عليه السلام فرعونیان را دیدند، گفتند: الآن است که ما در چنگال فرعونیان بیفتیم! حضرت موسی در جواب گفت: **﴿قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾**؛^۳ هرگز این طور نیست؛ خدا با من است و به یقین ما را راهنمایی خواهد کرد.

۱. اعراف، ۱۲۹.

۲. شعراء، ۶۱.

۳. شعراء، ۶۲.

خدا رود نیل را شکافت و در پس رنجی که برای یاری ولی زمان خودشان بردند و تحمل سختی مسیر صعود، خدای متعال گشایش و رهایی از دست فرعون را به آنها داد. این دستاورد برای رنج صعود، اثری است که خدا برای بنده‌های صابرش که در مسیر خودش تلاش می‌کنند، قرار می‌دهد.

سنت خدا در گشایش و فرج، با دست خودش برای انسان‌هایی اتفاق می‌افتد که «إِنَّ مَعِيَ رَيْبِي»^۱ را باور کنند؛ «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۲ را باور کنند؛ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۳ را باور کنند.

مجاهدان حماسه ساز

بیش از صد روز است تابلوی زیبایی سراسر حماسه و مجاهدت و مقاومت پیش روی ما در حال ترسیم شدن است و همه مکاتب مادی‌گرایی امروز را به چالشی جدی کشیده و روان‌شناسان شرق و غرب عالم را متحیر ساخته است. جریان غزه و طوفان الاقصی از طرفی به نظر رنج و سختی است، ولی از سوی دیگر اتکای مردم غزه به خدا را نشان می‌دهد که چقدر دلبسته سنت‌های خدا هستند و وعده خدا را صادق می‌دانند. وعده خدا هم دیر و زود دارد، ولی سوخت و سوز ندارد! خداوند نمونه‌های متعددی در قرآن مثال زده از اقوامی که به آنها وعده پیروزی داده و آنها نیز به وعده خداوند ایمان آورده‌اند و خدا نیز آنها را پیروز کرده است. ببینید چقدر شیرین بیان می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ

۱. شعراء، ۶۲.

۲. حج، ۴۰.

۳. محمد، ۷.

مِنَ اللَّهِ! خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که) در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند. این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده. هیچ‌کس با وفاتر از خدای متعال نیست، در وعده‌ای که می‌دهد. خدای متعال وعده کرده و به این وعده عمل خواهد کرد.

البته همان‌طور که گفتیم، این‌که خدا به کمک آن‌ها می‌آید، دستاورد مؤمنین است. اگر به سؤال اول بحث برگردیم، چه فکری در وجود این خانواده‌های مظلوم غزه هست که باعث شده در زیر این همه بمباران و نسل‌کشی این قدر مقاومت کنند و حرف از امید و پیروزی می‌زنند؟! چرا برخی جوری برخورد می‌کنند که انگار نفسشان از جای گرم بلند می‌شود؟ چگونه است که به قول شاعر:

آن یکی در کنج زندان مست و شاد

و آن دگر در باغ ترش و بی‌مراد^۲

به خاطر همین نوع نگاهشان به زندگی است. حاج قاسم سلیمانی واقعاً و انصافاً از جمله همان کسانی بود که همه حرکاتش توکل به خدا بود. شهر «آمرلی» که ساکنانش اقلیت ترکمن شیعه عراق هستند، هشتاد روز در محاصره کامل داعش بودند. «ابومصطفی الامامی» جانشین فرماندهی محور شمال حشدالشعبی می‌گوید:

از مقر فرماندهی در ارتفاعات با دوربین به آمرلی نگاه می‌کردیم؛ یکی از فرماندهان محلی به سپهبد شهید گفت: حاجی! آمرلی وضعیت وخیمی دارد! شهید سلیمانی دوربین را گرفت و

۱. توبه، ۱۱۱.

۲. مثنوی مولانا.

به سمت آمرلی نظر انداخت و گفت: «من آمرلی را نمی‌بینم؛ بلکه کربلای حسین علیه السلام را می‌بینم که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در محاصره قرار گرفته‌اند». وقتی دوربین را از چشم‌هایش جدا کرد، صورتش خیس اشک بود. زمانی هم که می‌خواستیم عملیات آزادسازی آمرلی را شروع کنیم، شهید سلیمانی گفت: «برویم کربلای حسین علیه السلام را آزاد کنیم!» ایشان اعتقاد کامل داشت که سرزمین آمرلی مثل کربلاست و معتقد بودند که «**كُلُّ أَرْضِ كَرْبَلَا وَكُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا**» و برای همین روی آمرلی نام کربلا گذاشته بود.^۱

به خاطر همین روحیه‌ای که حاج قاسم عزیز داشتند، مورد تحسین فرمانده کل قوا قرار گرفت و معظم‌له فرمودند: «چه کسی هست که بتواند با بالگرد وارد شهری که در محاصره ۳۶ درصد دشمن است بشود و با سازمان دهی جوانان آن شهر، محاصره را بشکند؟!»^۲

اربیل و آمرلی دو شهر کردستان عراق است. آمرلی در ۱۵۰ کیلومتری و اربیل در ۴۵ کیلومتری مرز ایران قرار دارد. داعش این دو شهر را از همه طرف محاصره کرده بود. اربیل سنی‌نشین و آمرلی شیعه‌نشین است؛ از همین رو مسعود بازرانی وقتی از همه جا ناامید شد، به حاج قاسم پیام داد که کمک لازم داریم، و تنها کسی که کمکش را بی‌پاسخ نگذاشت، حاج قاسم بود. در شرایطی که هیچ‌کس امید به پیروزی نداشت و خیلی از افراد حاج قاسم را از رفتن منع می‌کردند، حاج قاسم گفت: تا صبح مقاومت کنید تا برسم. صبح زود حاج قاسم با هلی‌کوپتر خودش را به منطقه رساند و ظرف ۲۴ ساعت محاصره شکسته شد و ورق برگشت؛ داعش مغلوب شد و عقب‌نشینی کرد. رزمنده‌ها

۱. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۷ دی ۱۳۹۸

۲. همان.

نقل می‌کنند ذکری که حاج قاسم به همه توصیه می‌کرد تا در این ایام بخوانند، این ذکر بود: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دُرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ»؛ خدایا، مرا در زره و محاصره نگه‌دارنده و قوی خود - که هر کس را بخواهی، در آن قرار می‌دهی - قرار ده!

به تعبیری: حاج قاسم به رزمنده‌ها می‌گفت: برای شکست محاصره سختی‌ها، به محاصره خدا بروید تا خدا کمکتان کند. اگر می‌خواهید حصرشکن شوید، باید به انحصار خدا در بیایید. امثال حاج قاسم قدرت خدا را در زندگی درک کرده‌اند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛^۱ بدانید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. یاد قدرت او، سبب توکل بر اوست. کسی که می‌داند خداوند در کمین ستمگران است، «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْأَعْيُنِ»^۲ آرامش دارد.

دومین دستاورد رنج صعود

دومین دستاورد رنج صعود که برای کافر و مسلمان فرقی ندارد و هر کس که این رنج را بپذیرد و محکم باشد، قطعاً دستاوردهایی برای او خواهد داشت. مهم‌ترین دستاورد رنج صعود، رشد، شکوفایی، پیشرفت، تکامل و پیروزی است. این جمله خیلی زیبا این مطلب را بیان می‌کند: «رنجت گنجت می‌شود اگر درکش کردی! پیشرفت و تکامل و رشد برای انسان یک گنج است. سخت تو، بخت تو می‌شود! نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود». کسی که شبانه‌روز مشغول درس و تحصیل است، به ظاهر دچار سختی است، ولی در باطن در حال رشد است. این هم سنت خداست: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛^۳ انسان

۱. رعد، ۲۸.

۲. فجر، ۱۴.

۳. نجم، ۳۹.

جز آنچه برای آن تلاش کرده، ندارد. ﴿وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى﴾^۱ و آنکه (حاصل) تلاشش در دنیا دیده خواهد شد. هر انسانی با تلاش رشد می‌کند. «مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد».

پیشرفت ژاپن در گورنج کار

همین اتفاق برای ژاپن افتاد. ژاپن در شرایطی جایگاه خود را به‌عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان تثبیت کرده است که از لحاظ منابع طبیعی و تاریخ سیاسی، شرایط بسیار نامطلوبی داشت. به لحاظ طبیعی این کشور منابع بسیار محدودی دارد و بیشتر جزایر و خاک آن، کوهستانی و آتشفشانی است. از لحاظ سیاسی، شکست در جنگ جهانی دوم وضعیت اسف‌باری را برای این کشور رقم زد. ژاپن با شکست در این جنگ، با داشتن ۱۳ میلیون نفر بیکار، شرایط بسیار سخت اقتصادی را تجربه کرد. کمبود مواد غذایی، تورم بسیار شدید، تا حدی که حقوق افراد، کفاف سیر کردن شکمشان را نمی‌داد و «شکل‌گیری بازار سیاه، تنها بخشی از مشکلات این کشور بود.

این مسائل به‌علاوه ضرورت بازسازی خرابی‌های کشور ناشی از جنگ - که منجر به ویرانی ۲۵ درصد از دارایی‌های غیرنظامی و نابودی ۴۱.۵ درصد از ثروت ملی این کشور شده بود - و مسئولیت پرداخت غرامت به متفقین، باعث بروز فشار بیشتر بر مردم و دولت ژاپن شده بود. اما مردم و دولت ژاپن با رویکردی منطقی - دست‌کم در بخش تقویت تولید ملی و با همکاری همدیگر - ژاپن را به یکی از قدرت‌های اقتصادی و تولیدی جهان تبدیل کردند. با همکاری دولت، مردم و صنعت، و با توسعه فناوری‌های پیشرفته، ژاپن به یکی از پیشگامان عمده در صنعت و فناوری دنیا تبدیل شد. یکی از عوامل پیشرفت

شگفت‌انگیز تولید ملی در اقتصاد ژاپن، فرهنگ قوی تولید در مردم این کشور است.

در فرهنگ ژاپنی، «کار» امری مقدس و ارزشمند شمرده می‌شود و رنج کار را رنجی مقدس می‌دانند. در همین راستا و با ندیده گرفتن سختی‌های کشور، ژاپنی‌ها برای ارتقای بهره‌وری و کارایی خود تلاش می‌کردند تا به این جا رسیدند که در زمینه فناوری جزء پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا هستند.

پیشرفت در صدر اسلام

همین اتفاق در صدر اسلام هم افتاد. گروهی خدمت رسول گرامی اسلام ﷺ آمدند و گفتند: تا قبل از اینکه شما بیایید، ما برده بودیم و از ظلم و جور سران مکه و مدینه در شکنجه و کشته شدن بودیم؛ حالا هم که شما آمدید، دائماً در سختی هستیم و باید در جنگ‌های متعدد شرکت کنیم. قبلاً در بردگی می‌مردیم و الآن هم در جنگ؛ پس چرا خدا این قدر رنج برای ما قرار داده است؟! جواب رسول خدا ﷺ جوابی است برای تمام تاریخ بشر و جوابی است که همه ابنای بشر به دانستن آن نیاز دارند. حضرت فرمودند:

«بله، رنج در آن زمان بود و الآن هم هست، بلکه الآن بیشتر هم شده، اما فرق این دو خیلی زیاد است. قبل از من، شما همه علمتان در حد پشت پای شتر بود تا زیر دم شتر! اما الآن شما علم به هفت آسمان دارید و افلاک را می‌شناسید. تا قبل از بعثت من، شما بت‌هایی را می‌پرستیدید که ساخته دست خودتان بود و هیچ کارایی نداشت. دخترانتان را با قساوت تمام زنده‌به‌گور می‌کردید! اما الآن خدایی را دارید که آفریننده همه عوالم است و کل قدرت از آن اوست. خدایی را می‌پرستید که حیات و ممات شما از آن اوست. شما از زندگی باهدف

محروم بودید و تنها هدف شما از زندگی خورد و خوراک و شهوت بود و نهایت ذلت را در برابر هم‌نوعان خود داشتید تا در روز دنیا را طی کنید؛ ولی الآن هدف شما زندگی بسیار متعالی در مسیر توحید است»^۱.

شبه‌جزیره عربستان تا قبل از طلوع اسلام، یک سرزمین منزوی و کاملاً خشک و با اقتصادی کاملاً ضعیف و فرهنگی به شدت پایین و از لحاظ زیرساخت‌های زندگی کاملاً از بین رفته بود. پیامبر مکرم اسلام ﷺ در زمان حکومت کوتاه ۱۳ ساله‌شان نزدیک به ۷۵ جنگ داشتند؛ اما مردم مسلمان همراه پیامبر چون رنج صعود را پذیرفتند، دستاوردهایی را برای خودشان مهیا کردند که تا قبل از آن بی‌بدیل بود. ظرف ۱۳ سال سرزمین‌های اسلامی از حجاز تا عراق و یمن و شام گسترده شد و زیرساخت‌هایی که اصلاً وجود نداشت، مثل بازارها و حمام‌ها و مسجدها و راه‌ها و... به بهترین شکل پدید آمد. اقتصاد و حکومت شکل و سامان گرفت؛ به حدی که در تاریخ آمده است پیامبر ﷺ نهادهای حکومتی یا همان وزارتخانه برای اولین بار در حجاز برای حکومت‌داری تشکیل دادند و مدیریت اقتصادی کشور را بر عهده گرفتند و به تعبیری: کم‌کم شبه‌جزیره عربستان تبدیل به ابرقدرت زمان خودش شد.

تبدل ارزش‌ها، عامل پیشرفت

اولین و مهم‌ترین پیشرفت زمان پیامبر ﷺ تبدیل ارزش‌های پست به ارزش‌های واقعی بود. لازمه رنج صعود، تبدیل ارزش‌هاست. پیامبر ﷺ این تبدیل ارزش‌ها را رقم زد. ایشان با اخلاق تن‌پروری و شهوترانی و تنبلی و مصرف‌گرایی که بین مردم عربستان زمان جاهلیت رواج داشت، مبارزه کرد و آن را به فرهنگ تلاش، کار و مجاهدت تبدیل

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۵۶ چاپ افست، مؤسسه الوفا، بیروت ۱۴۳۳ هـ.

نمود. کار را برای بزرگان آن‌ها که کار و تلاش را ارزش نمی‌دانستند، به منزلهٔ جهاد تبیین کرد. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «الكَادُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ کسی که برای کسب روزی خانواده‌اش زحمت بکشد، مانند مجاهد در راه خداست.

شهید سید مرتضی آوینی سید شهیدان اهل قلم جمله زیبایی دارد: «انسان در راه آرمان‌ها باید یاد بگیرد که در این سیاره رنج، صبورترین انسان‌ها باشید».^۲

سنت الهی در پیشرفت کشور

سنت الهی این است که هر جا امید پیدا شد، اعتماد به نفس پیدا شد، توکل به خدا پیدا شد و جای یأس و سیاه‌نمایی و بدبینی را گرفت، مردم ایران روحيات خودشان را تغییر دادند و خدای متعال هم وضع آن‌ها را تغییر داد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ».^۳

خدا آن ملتی را سروری داد

که تقدیرش به دست خویش بنوشت^۴

لذا دستاوردهای انقلاب اسلامی با اذعان به تمام نقایصی که دارد، آن‌جا که ملت و دولت همه با هم ارزش‌های انسانی را ارزش دانست و رنج صعود را تحمل کرد، رنج به گنج تبدیل شد و در دو ساحت، دستاوردهای ویژه‌ای پیدا کرد:

الف) دستاوردهای مادی

تمام دستاوردهای مادی به دست مردم و به واسطه حضورشان در

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۲۴.

۲. مجموعه مقالات شهید آوینی، مقاله سیاره رنج.

۳. رعد، ۱۱.

۴. اقبال لاهوری.

صحنه رقم خورده است. ملتی که همه جا موفق درخشیده و امتحان خودش را پس داده و هر جا مردم در صحنه بودند، رشد کردیم.

اولا انقلاب اسلامی، به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت. در قدم اول، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آن‌گاه جوانان را میداندار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور به «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد و به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

خوش‌تر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

در این جا تنها بخش بسیار کوچکی از این دستاوردها را برمی‌شماریم که البته دستاوردهای عظیم و شگفت‌انگیزی است که حتی دشمنان را نیز به حیرت انداخته است.

۱. رفاه اجتماعی

«یرواند آبراهامیان» مورخ مقیم آمریکا و استاد دانشگاه‌های آکسفورد و پرینستون و کالج باروک نیویورک درباره پیشرفت‌های ایران می‌نویسد:

... دستاوردهای انقلاب اغلب نادیده گرفته می‌شود... برای نمونه: برنامه‌های مبارزه با بی‌سوادی و احداث مدارس و دانشگاه‌ها، همچنین توسعه جاده‌های روستایی و همچنین خانه‌های بهداشت و مراکز سلامت در روستاها. بنابراین اگرچه اغلب افراد از لحاظ رفاه اقتصادی و مسائل اجتماعی مشکلاتی

دارند، اما رژیم جمهوری اسلامی به نسبت رژیم شاه واقعاً در این زمینه کارنامه بهتری داشته است. بنابراین اگر دو رژیم را مقایسه کنید، گرچه نارضایتی‌های اقتصادی وجود دارد، رژیم کنونی در برنامه‌های رفاه اجتماعی بسیار خوب عمل کرده است.^۱

با همت مردم بعد از انقلاب، کفّه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین شد. اما نارضایتی از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهری بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنا گرفته شود که برای استقرار عدالت کاری انجام نشده است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگری قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها به‌ویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخار آفرین است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، خیلی بالاتر از اینهاست و چشم امید آن برای اجرای این عدالت به شما جوان‌هاست.

1. <http://fna.ir/6nmlu>.

۲. پزشکان

قبل از انقلاب ۳۰ درصد پزشکان ایران از کشورهای بنگلادش، فیلیپین، هند و پاکستان بودند؛ اما امروز از ۵۳ کشور جهان برای درمان به ایران می‌آیند و در ۲۷ رشته پزشکی متخصص تربیت می‌کنیم.^۱

۳. سرعت دستاوردهای علمی در ایران، ۱۱ برابر جهان

بنابر رتبه‌بندی جهانی در زمینه علوم و دستاوردهای علمی که در گزارش خانم «دبورا مک‌کنزی» در پایگاه اینترنتی نشریه دیلی نیوز و مؤسسه انگلیسی «رویال سوسایتی» و همچنین براساس تحقیقات شرکت «ساینس متریکس» کانادا اعلام شد، خروجی مطالب علمی منتشره در ایران طی دو دهه گذشته بالاترین میزان را در جهان داشته است. یافته‌های علمی در ایران یازده برابر سریع‌تر از میانگین جهانی رشد داشته که سریع‌ترین روند رشد علمی در میان همه کشورهای جهان به شمار می‌رود.

پایگاه اینترنتی twocircles که یکی از رسانه‌های مهم اطلاع‌رسانی اخبار علمی و پژوهشی است، در توضیح این پیشرفت حیرت‌انگیز علمی نوشت:

در واقع مردم ایران، این افسانه غربی‌ها را که از زمان انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ می‌گویند کشور آیت‌الله‌ها نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای پیشرفت داشته باشد، نقش بر آب کرده‌اند.^۲

1. B2n.ir/z29452.

۲. بنابر رتبه‌بندی جهانی در زمینه علوم و دستاوردهای علمی، به گزارش مقاله خانم Mackenzie در گزارش پایگاه اینترنتی نشریه دیلی نیوز و مؤسسه انگلیسی «رویال سوسایتی» و همچنین بر اساس تحقیقات شرکت «ساینس متریکس» کانادا اعلام شد، خروجی مطالب علمی منتشره در ایران طی دو دهه گذشته بالاترین میزان را در جهان داشته است. خروجی و یافته‌های علمی در ایران یازده برابر سریع‌تر از میانگین جهانی رشد کرد که سریع‌ترین روند

۴. تولید داروها و واکسن کرونا

پایگاه خبری ایندیپندنت فارسی (وابسته به آل سعود) از دیگر رسانه‌های زنجیره‌ای غرب که مرکز آن در لندن قرار دارد، در ۱۲ ژانویه ۲۰۲۱ (۲۲ دی ماه ۱۳۹۹) درباره خودکفایی ایران در زمینه داروها و وسایل تشخیص و درمان کرونا علی‌رغم تحریم‌های فلج‌کننده غرب، به معرفی و شرح عملکرد ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد «برکت» پرداخت و نوشت:

... تقریباً تمام بخش‌های مربوط به مهار و مقابله با کرونا ... از تولید صدها هزار لیتر محلول ضد عفونی و ژل ضد عفونی ... تا تولید دستگاه اکسیژن‌رسان (ونتیلاتور) در یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان ستاد اجرایی و تولید لباس‌های ایزوله در «بنیاد برکت» این ستاد انجام می‌شود. افتتاح خط تولید کیت تشخیص فوری کرونا نیز از دیگر موارد است ... واکسن کرونا ایرانی ... این واکسن صد درصد ایرانی را شرکت دارویی «برکت» زیرمجموعه ستاد اجرایی فرمان امام تولید کرده و تا شش ماه دیگر ظرفیت تولید آن به ۱۲ میلیون دُز در ماه می‌رسد ...!

۵. احترام به صنعت موشکی ایران

«یوزی رابین»، ملقب به پدر صنایع موشکی اسرائیل و رئیس پیشین سازمان دفاع موشکی رژیم صهیونیستی در سمیناری درباره موشک‌های ایرانی و سیستم‌های پیشرفته آن چنین می‌گوید:

... از نظر فنی، ایرانی‌ها برای ما دشمن مهلکی هستند، ولی من مهندس هستم و نمی‌توانم یک کار مهندسی خوب را تحسین

نکنم. دوباره می‌گوییم که یک مهندسی بسیار هوشمندانه‌ای است. به نظر من بهترین موشک ایرانی‌ها، یک موشک کروز زمینی (سومار) است که از ۱۰ سال پیش منتظر آن بودیم. این یک دستاورد بوده و نمی‌توان این موشک را یک کپی تلقی کرد. دوباره می‌گوییم که کلاهم را به احترام آدم‌هایی که از نظر فنی این کار را انجام دادند، از سرم برمی‌دارم...^۱

ضمن اینکه ایران در پنج فناوری بزرگ و پیشتاز جهان، یعنی بیوتکنولوژی، نانو فناوری، سلول‌های بنیادی، هوافضا و شیمی رتبه اول منطقه و جزء ده کشور اول دنیا است.^۲ در زمینه موشکی، قدرت برتر منطقه و جزء چهار کشور موشکی جهان است.^۳

مشکل هم داریم؛ شکی نیست!

ما مشکل اقتصادی داریم و در این شکی نیست. ضعف‌های گوناگونی بوده که ادامه پیدا کرده و این ضعف‌های اقتصادی را به وجود آورده است. در این هیچ تردیدی نیست؛ اما اینها را مدام به رخ می‌کشند تا مردم را از حضور در صحنه‌هایی که منجر به پیشرفت خودشان می‌شود، مأیوس کنند؛ درحالی‌که اگر در یک موردی دقت بشود، تحقیق بشود، بیشتر این ضعف‌های اقتصادی نیز به خاطر عدم حضور مردم است؛ آن جاهایی که مردم حضور داشتند، این ضعف‌ها کمتر است. آن جایی که مارنچ‌های جدی صعود را تحمل کردیم، رشد کردیم.

ب) دستاوردهای معنوی

اما دومین نوع دستاوردهای انقلاب، تربیت انسان‌های تکامل یافته و

۱. همان.

2. mehrnews.com/xqczF.

3. https://www.iribnews.ir/00DrEe.

ترویج مکتب الهی اسلام است که این دستاوردها هم به همت مردم رقم خورده و نگاه ما به پیشرفت ایران و تشکیل انقلاب اسلامی همین نگاه است. فرق اساسی نظام الهی با نظام‌های دیگر، همین است. در نظام الهی، انسان‌ها تحوّل معنوی پیدا می‌کنند. انسان مادی، انسان معنوی و الهی می‌شود و آرزوهای مادی، به آرزوهای والای انسانی و الهی تبدیل می‌گردد؛ نه به این معنا که نیازهای جسمانی و مادی را فراموش کند؛ بلکه قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسْ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾؛ سهم خود را از دنیا فراموش مکن! لذا ما با ژاپن فرق می‌کنیم.

مؤمن به اسلام باید دنیا را هم آباد کند؛ مادیات را هم بایستی کیفیت ببخشد؛ علم را هم باید به پیش ببرد؛ زندگی را هم باید سامان دهد؛ اما در اینها منحصر نشود و این تحوّل را پیدا کند که به آرمان‌های معنوی و آرزوهای بزرگ الهی دلباخته گردد. آن‌گاه خواهد توانست نه تنها جامعه خود را کیفیت و برتری دهد، بلکه روی دنیا اثر بگذارد؛ روی تاریخ اثر بگذارد و انسانیت را متحوّل کند.

همه شما ظرفیت عظیم اعتکاف را می‌بینید. تا قبل از انقلاب چنین شوری در جوانان برای خلوت با خدا نبود؛ اما امروز اعتکاف برگزار می‌شود. سال گذشته اعتکاف با مشارکت میلیونی بی نظیر مردم در حدود ۵۰۰۰ مسجد^۲ برگزار شد. راه‌پیمایی اربعین که هم در عراق و هم در ایران است، یا کانون‌های عظیم فرهنگی سراسر کشور یا هیئت‌های عزاداری یا ظرفیت عظیم انسانی که انسان‌های بزرگی را در انقلاب اسلامی تربیت کرد و افتخار ما در ایران، تربیت این انسان‌ها بر مبنای ولایت طولی و عرضی است. شهید تهرانی مقدم، شهید احمدی‌روشن، شهید شهریاری یا شهید کاظمی آشتیانی که به وجود آورنده بزرگ‌ترین

۱. قصص، ۷۷.

2. <https://itikaf.ir/?p=1865>.

مرکز سلول‌های بنیادی در منطقه است و ارزش حرکت او برای ایران با هزاران میلیارد پول هم برابری نمی‌کند و بسیاری از شهدای دیگر که در رأس اینها سیدالشهدای مقاومت حاج قاسم سلیمانی است. دستاورد انقلاب اسلامی ما این انسان‌های بزرگ است. فقط یک حاج قاسم برای امنیت کشور ما و تمام جهان به ازای ۷ تریلیون دلاری که آمریکا برای به وجود آوردن داعش هزینه کرد، می‌ارزد. ایجاد بستر برای تربیت این حاج قاسم‌ها در کشور ما پس از انقلاب به وجود آمد.

نقطه‌رهایی از رنج

حاج آقا همه این حرف‌ها درست، ولی این رنج‌ها تا به کی؟! نقطه‌رهایی ما از این رنج‌ها کجاست؟

نقطه‌رهایی ما انسان‌ها همان نقطهٔ تلاقی رنج و لذت است! یعنی چه؟

کوه‌نورد و صعود

مثل یک کوه‌نورد که همان لحظه که صعود به قله رنج می‌برد، از نزدیکی شدن به قله هم لذت می‌برد. اما اگر لذت را نبیند و فقط رنج صعود را ببیند، زندگی فقط برایش رنج‌آور است؛ ولی اگر از همین جا لذت رسیدن به هدف را ببیند، دیگر لذت دستاورد را هم می‌چشد. نقطه تلاقی این دو مهم است. انسان‌های لات مسلک در عالم خودشان می‌گویند، «آنچه برای تو خطر، برای ما خاطره است!». آنچه برای انسان‌های در مسیر صعود هست، در نگاه ما خطر و رنج است، اما در نگاه آن‌ها لذت صعود و رسیدن به قله است.

آنچه برای ما رنج است، برای آن‌ها گنج است. آنچه برای ما سخت است، برای آن‌ها بخت است. لذا انسان هرچه بیشتر رشد کند، اتفاقات و ابتلائات او هم رشد می‌کند؛ منتها انسان رشدیافته بر اساس روحیه

مقاومت، امید و باور به نصرت‌های الهی پیروز ابتلائات است. دقیقاً تاریخ گواه این مدعاست. نمونه بارز آن، حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام است. یوسف کجا و عزیز مصر شدن کجا؟! حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در برابر فرعون! موسی کجا و فرعون کجا؟! جنگ تحمیلی ایران کجا و مشارکت ابرقدرت‌های جهان علیه ایران کجا؟! تمام این اتفاقات در گرو بینش برگرفته از اصول و ضابطه دینی است که در اول بحث اشاره شد.

وظیفه ما چیست؟

اما الآن وظیفه ما در قبال رنج‌ها و اتفاقات و مصائب زندگی چیست؟ چه کاری باید انجام دهیم که هم منجر به پیشرفت خودمان بشود و هم رنج مانع ما بشود و هم در مسیر صعود قرار بگیریم؟ هم رنج مرا گنج کند و هم رنج جامعه را. رنج ما آینده‌ساز ما باشد، نه رنج آینده‌سوز ما.

مأیوس نشوید!

توجه به دو آسیب در زندگی خیلی مهم است: یکی آسیب غرور و دیگری آسیب انفعال است. اولین کار این است که منفعل و مأیوس نباشیم. انفعال یعنی چه؟ یعنی داشتن روحیه ضعیف، ناتوان پنداشتن خود و اینکه احساس کنند دیگر نمی‌توانند. احساس به بن بست رسیدن کارها، احساس عدم امکان فرج. یأس از رحمت الهی یکی از آثار این انفعال است که یکی از گناهان کبیره نیز هست: «وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ». این ناشی از انفعال است که انسان احساس به بن بست رسیدن کند و بگوید دیگر هیچ کاری نمی‌شود کرد. این سم خطرناکی برای فرد، برای مدیر یک مجموعه، برای مسئول یک مجموعه است.

امید مهم‌ترین ابزار پیشرفت است. اگر پیشرفت انسان و جامعه را

یک ماشین فرض کنیم، فرمان آن عقلانیت و چرخ آن اراده و سوخت آن امیدواری است.

ما اهل توکل به خدا هستیم. آن کسانی که این توکل و توسل را ندارند، ناامید و افسرده می‌شوند و ناتوان و وسط راه می‌مانند. های وهوی می‌کنند، اما باطنشان پوک است. امروز دنیای غرب در بن بست فکری و تئوریک است. خیلی از مسائل دنیا برایشان غیرقابل توجیه و غیرقابل فهم است.

وقتی شما حظ انقلابی و معنوی و خدایی را در زندگی دنبال می‌کنید، در واقع با پیغمبر صلی الله علیه و آله بیعت کردید؛ با پیغمبر که بیعت کردید، آن وقت **﴿... أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ...﴾**؛ خدای متعال آرامش را به دل‌ها خواهد داد. وقتی آرامش و اطمینان قلب داشتید، آن وقت دچار ناامیدی و تزلزل نمی‌شوید.

اگر می‌بینید امثال شهید طهرانی مقدم در برابر همه مشکلات و ناملازمات موفق شدند که ایران را به بالاترین درجات توان موشکی برسانند، قطعاً به دلیل اعتماد فراوان و امید آن‌ها به نصرت الهی و تحقق این وعده‌ها بود. وقتی اولین موشک ایرانی را که بچه‌های سپاه درست کرده بودند، برای آزمایش شلیک کردند، همان‌جا در سکوی پرتاب منفجر شد. واقعاً ساخت موشک نیاز به تخصص بالا دارد. همان‌جا خیلی‌ها ناامید و بی‌خیال ساخت موشک شدند؛ اما شهید طهرانی مقدم خیلی محکم گفتند: «اگر به همین یک آیه در زندگی اعتماد داشته باشم، کافی است تا به دنبال ساخت موشک باشم و در این مسیر دشوار ناامید نشوم». بعد این آیه را تلاوت کردند: **﴿وَلْيَصْطِرَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ﴾**^۲؛ همین امید به صدق وعده الهی - که در وجود شهید

۱. توبه، ۲۶.

۲. حج، ۲۲.

طهرانی مقدم به دلیل انس زیاد ایشان با قرآن کریم بود - سبب شد که امروز ایران اسلامی جزء چهار کشور برتر دنیا در صنعت هوافضا شود.^۱

صبر و بااستقامت باشید!

دومین وظیفه، صبر کردن است. صبر یعنی چه؟ صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظارِ نتایج و حوادث را کشیدن نیست. صبر یعنی ایستادگی، مقاومت، محاسباتِ درست و دقیق خود را تغییر ندادن؛ صبر یعنی پی‌گیری اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم؛ صبر یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن؛ صبر یعنی چشم به هدف‌های دور و به افق‌های دور دوختن.

بعضی‌ها از میدان می‌گریزند و بعضی نمی‌گریزند، اما به تدریج از میدان کناره می‌گیرند؛ این خلاف صبر است. صبر در زندگی پیغمبر ﷺ امر برجسته‌ای است. البته درباره صبر، مفهوم صبر و آثار صبر، آیات بسیاری در قرآن آمده است، اما آیاتی که مربوط به صبر پیغمبر ﷺ است هم فراوان؛ بیش از ده یا شاید حدود بیست مورد خطاب به پیغمبر ﷺ در مورد صبر هست. یعنی خود پیامبر ﷺ هم باید صبور باشد. مهم این است که از اول بعثت، خدای متعال دستور صبر به پیغمبر داده است. در سوره مدثر می‌فرماید: ﴿وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ﴾. در سوره مزمل فرموده است: ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾. این دو سوره جزو اولین سوره‌هایی است که بر پیغمبر ﷺ نازل شد. از همان قدم اول، خدای متعال به پیغمبر می‌فرماید باید صبر داشته باشی. بله، نزدیک به بیست جای قرآن خطاب به پیغمبر، امر به صبر شده است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿...إِنَّ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا

۱. فائزه غفارجادای، خط مقدم، ص ۱۴۴.

مَائَتَيْنِ...»؛ ده نفرِ شما با صد نفر، و بیست نفرِ شما با دویست نفر از آن‌ها می‌توانید روبه‌رو شوید و غلبه کنید. این در یک شرایطی است؛ در یک شرایط دیگر ده برابر، در یک شرایطی دو برابر، می‌توانید با آن‌ها مواجه شوید و مقابله کنید.

در سوره «هود» خدای متعال به پیغمبر ﷺ می‌فرماید: ﴿فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّغَوْا...﴾.^۲ روایتی از پیغمبر ﷺ هست که فرمود: «شِيبَتِي سُوْرَةُ هُوْد»؛ سوره هود من را پیر کرد! از بس بار این سوره سنگین بود. کجای سوره هود؟ نقل شده است که مراد، همین آیه ﴿فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ﴾ است. چرا پیغمبر را پیر کند؟ چون در این آیه می‌فرماید: همچنانی که به تو دستور دادیم، در این راه ایستادگی و استقامت کن و صبر نشان بده. خود این ایستادگی کار دشواری است. لکن از این مهم‌تر به گمان من، آن جمله بعد است: ﴿وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾.^۳ پیغمبر فقط مأمور نیست که خودش ایستادگی کند؛ بلکه باید خیل عظیم مؤمنان را هم در همین راه به ایستادگی وادارد؛ انسان‌هایی که از یک طرف در معرض هجوم بلا یا و مشکلات زندگی هستند (دشمنان، توطئه‌گران، بدخواهان و قدرت‌های مسلط) و از طرف دیگر، مورد تهاجم هواهای نفسانی خودشان نیز هستند. مؤمنین را در بین این دو جاذبهٔ قوی (فشار دشمن و فشار درونی دل هوسران) و این دو مغناطیس، در خط مستقیم نگه داشتن و هدایت کردن، به گمان زیاد، همان چیزی است که پیغمبر ﷺ را پیر کرد.

۱. انفال، ۶۵.

۲. هود، ۱۱۲.

۳. بیانات رهبری، درس‌گفتار قرآن کریم روز بیست و هفتم، اقامه عدالت اجتماعی:

<https://khl.ink/f/20592>.

تواصی به حق و صبر

سومین وظیفه که در این زمانه از همه مهم‌تر است، تواصی به حق و صبر است. این دو جمله حیاتی و اساسی و جاودانی قرآن که می‌فرماید: **﴿وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ﴾**. برای ما همیشه دستورالعمل برای پیروزی و پیشرفت در سختی‌هاست و امروز بیش از همیشه. تواصی به حق و به صبر یادتان نرود. راه حق را بروید و دیگران را هم به راه حق بکشانید. کوشش کنید تا بچه‌های مؤمن، مسلمان، علاقه‌مند، هیئتی و به معنای واقعی کلمه قرآنی و اسلامی سعی کنند در محیط دانشگاه و در محیط‌های گوناگون تأثیر بگذارند. محیط را به همان رنگی که خودشان به آن معتقدند، به راه خدا منور و ملون کنند. این تواصی بر شما و ما لازم است. امروز، هم به حق تواصی کنید و هم به صبر. نگذارید محیط، محیط خسته‌کننده و ازکارافتاده‌ای بشود. تواصی به حق وظیفه همه است؛ روحانی باشد، استاد دانشگاه باشد، منبری باشد، صداوسیما باشد، مسئول سیاسی باشد، مدیر فلان دستگاه باشد، عالم باشد، مرجع باشد، هر کسی باشد، وظیفه است. مردم را بایستی به حضور در میدان، ایستادگی در میدان و آشنایی با لوازم میدان وادار کنند.

امروز یکی مصادیق جدی حق، حضور در انتخابات است. قوی‌ترین دولت‌ها هم نمی‌توانند بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازند؛ فرهنگ را بسازند؛ در سیاست و معادلات بین‌المللی نقش‌آفرین باشند و هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند اقتصاد کشور را سامان بدهد.

امروز مهم‌ترین شیوه مردم‌سالاری و حضور مردم و مشارکت در مدیریت کشور، به وسیلهٔ انتخابات است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست؛ بلکه یکی از پایه‌های نظام ما همین انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد.^۱

آیت‌الله حائری شیرازی می‌فرمایند:

بعضی فکر می‌کنند همین که در انتخابات شرکت کردند، رسالتشان انجام شده است. قرآن خلاف این را می‌گوید. چرا؟ چون قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ﴾.^۲ می‌گوید ایمان و عمل صالح، انسان را از خسران نجات می‌دهد، اما نه به تنهایی. این همه اشاره به فرد صالح و اصلح هم به خاطر این است که فرد صالح می‌تواند جامعه صالح درست کند. رأی دادن، مثل ایمان و عمل صالح است. رأی دادن لازم است، اما کافی نیست. اگر کسی خانوادهٔ خودش را توصیه به شرکت در انتخابات نکند، همسایه‌های خودش را توصیه نکند، دوستان خودش را توصیه نکند و برای این کار تبلیغ نکند، طبق آیه قرآن از جملهٔ زیانکاران است. هم آن کسی که شرکت نکند و هم آن کسی که شرکت بکند و تبلیغ نکند، زیانکار هستند.

صحنهٔ انتخابات فقط یکی از صحنه‌ها برای تأثیرگذاری مردم است. روز انتخابات، روز ملت ایران است. میداندار و صحنه‌گردان اصلی، مردم هستند که با حضور در پای صندوق‌های رأی، در واقع تکلیف کلی و اساسی کشور را برای سال‌های آینده معین می‌کنند.

۱. بیانات در دیدار زائران حرم رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7667>.

رأی سرنوشت‌ساز

این رأی‌ها سازندهٔ آیندهٔ ملت و تعیین‌کنندهٔ سرنوشت چندسالهٔ آن است. درست به همین دلیل است که عقل انسان حکم می‌کند که همه در این آزمون بزرگ ملی و سراسری شرکت کنند.

ما در اینکه چه کسانی بر ما حکومت کنند و کشور را اداره کنند، کاملاً مؤثریم و این تأثیر را خداوند قرار داده است؛ چه پیامبران و اولیای الهی عليهم السلام باشند و چه نباشند. حتی با حضور رسول خدا صلى الله عليه وآله و امیرالمؤمنین عليه السلام هم مردم در اصلاح یا تخریب امور خود مؤثرند. رسول گرامی اسلام صلى الله عليه وآله می‌فرماید: «**كَمَا تَكُونُونَ يَوْمِي عَلَيْكُمْ**»؛ هر طور که باشید، همان‌طور رئیس پیدا می‌کنید. البته آن‌زمان که انتخابات نبوده، ولی این سنت الهی است که خداوند متعال مردم را در سرنوشت خودشان مؤثر قرار می‌دهد. بالاخره وجود مردم، نگاه مردم، منش مردم، تفکر مردم و تقوای مردم بر اینکه چه کسانی ادارهٔ امور آن‌ها را بر عهده بگیرند، تأثیر دارد.

اگر رأی ندهیم، شانس خود برای تغییر را از بین خواهیم برد. شرکت نکردن در انتخابات به این معناست که من حق رأی خود را به دیگری داده‌ام تا شخص دیگری برای من تصمیم بگیرد. یک راننده اتوبوس سرنوشت همه سرنشینان‌ها را تعیین می‌کند و ما هستیم که انتخاب می‌کنیم با کدام اتوبوس به سمت مقصد حرکت کنیم.

بنابراین، رأی همه مهم است. حتی یک رأی هم مهم است. هیچ‌کس نگوید: با یک رأی من چه اتفاقی خواهد افتاد؟! نه، یک رأی هم قطعاً دارای اهمیت است و همین رأی‌هاست که آراء میلیونی ملت را تشکیل می‌دهد. حضرت امام رحمته الله می‌فرماید:

مسئله انتخابات یک امتحان الهی است که گروه‌گرایان را از ضوابط‌گرایان ممتاز می‌کند و مؤمنین و متعهدین را از مدعیان جدامی‌نماید.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهْدِهِمْ وَالتَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ»؛^۱ از حقوق واجب خدا بر مردم این است که به قدر توانشان دلسوزی کنند و برای اقامه حق بین خودشان تعاون داشته باشند.

یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ یعنی حقایق را بدون تعصب برای همگان روشن کنند؛ بدون تعلقات جناحی و گروهی. یکی از اصحاب ویژه اهل بیت علیهم السلام و از سرآمدان تاریخ اسلام جناب عمار یاسر است. در جنگ صفین جناب عمار دائم مشغول سخنرانی است. این طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروه‌های مختلف؛ عمار دائم مشغول روشن‌گری بود. به هر طرف می‌رفت و برای گروه‌های مختلف سخنرانی می‌کرد که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست.

اعمال انسان، زمینه‌ساز حرکت اجتماعی است و اینکه همه را توصیه به حق کنیم، منجر به پیشرفت است. لذا دیگران را برای حضور و مشارکت در انتخابات ترغیب و تشویق کنیم. ترغیب و تشویق به شرکت در انتخابات، یعنی تبیین پیشرفت‌ها و دستاوردها برای اطرافیانمان؛ چه با زبان، چه در قالب ارسال کلیپ و عکس نوشته و متن و... در فضای مجازی. یادمان باشد مادامی که نعمت‌ها روایت نشود و انسان‌ها فقط رنج‌های‌شان را ببینند، در ذهن‌ها جز ناامیدی و عدم اعتماد به نفس چیزی برایشان باقی نمی‌ماند. پس نیت کنیم و نیرو و استعداد خود را ضامن امنیت کشور و مشارکت حداکثری قرار دهیم.



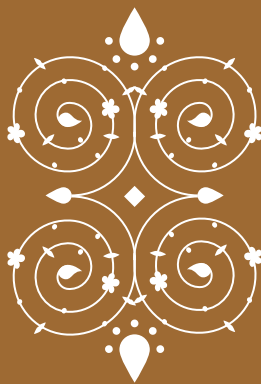
سخنرانی دوم

مردم عمود دین اند!

بازتعریف یکی از مهمترین سنت‌های الهی
(حضور و اثرگذاری مردم) در پیشرفت‌های
جامعه اسلامی

حجج اسلام حسین علی کاظمی، عنایت الله شکرانی

۱. إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ.





راز ظهور

موضوع بحث ما، راز قصهٔ پرغصه غربت ولیّ خدا در طول تاریخ است. راز ظهور و راهبردی‌ترین نیاز امروز جامعه ماست؛ موضوعی که محور طراحی‌ها و فتنه‌انگیزی دشمن است؛ موضوعی که اگر به ابعاد ناگفته آن بپردازیم، بسیاری از موانع ذهنی ما را در مسیر حرکت به سوی ظهور برطرف می‌کند و نگاه ما به حوادث را بسیار تغییر می‌دهد. موضوع بحث ما این است:

«مهم‌ترین و محوری‌ترین امر در دین اسلام چیست؟»

ولایت، مهم‌ترین رکن اسلام

ولایت، مهم‌ترین رکن و اساس اسلام است. در روایت می‌فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ»؛ اسلام بر پنج چیز استوار است: نماز، زکات، روزه و حج. اما مهم‌ترین رکن و ملاک ارکان قبلی چیست؟ می‌فرماید: «وَالْوَلَايَةِ». ادامه روایت زیباست:

«وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ يَعْني الْوَلَايَةَ»؛ هیچ‌کدام مانند ولایت نیست.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَى خَلْقِهِ مَنَسَأً فَرَخَّصَ فِي أَرْبَعٍ وَ لَمْ يُرَخَّصْ فِي وَاحِدَةٍ»؛ در آن چهار فریضه، مرخصی هست، اما در فریضه ولایت مرخصی نیست.^۲

ترخیص یا اجازه برای کم گذاشتن از آن چهار فریضه به چه معناست؟ یعنی مثلاً وقتی انسان پول ندارد، زکات از او برداشته می‌شود؛ یا وقتی پول ندارد، حج بر او واجب نیست؛ یا اگر کسی خواب بماند و نمازش قضا شود، قابلیت ادا شدن دارد؛ یا اینکه اگر کسی سخت مریض شود، لازم نیست روزه بگیرد، اما در مورد ولایت هیچ‌گاه گفته نمی‌شود که ترک آن اشکال ندارد! چرا؟ چون ولایت یک مسئله قلبی است و به هیچ‌وجه نمی‌شود گفت: «خدایا! من ولایتم کم است؛ مرا معذور بدار!» در قلب، محدودیتی برای تکلیف انسان نیست.

اما ولایت با چه دیدی برای ما مؤثر است؟ امروز می‌خواهیم بُعدی از ولایت را بگوییم که خیلی کم گفته شده یا اصلاً گفته نشده است. اگر این زاویه تصحیح شود، واقعاً مفید خواهد بود.

نظر مقام معظم رهبری پیرامون ولاء طولی و عرضی

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در آخر کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، در فصل ولایت فرموده‌اند: «ولاء» یعنی پیوستگی، چسبندگی، کنارهم بودن و هیچ فاصله‌ای نداشتن.

ایشان به روشنی، ولایت را دارای سه رکن می‌دانند: دو پیوستگی و

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۲.

یک گسستگی. معنای گسستگی روشن است؛ یعنی انسان باید از طاغوت‌های عالم بریده باشد.

اما دویبوستگی چیست؟:

اول: پیوستگی مردم با ولی که همان «ولاء طولی» است؛ یعنی ارتباط، اتصال و پیوستگی تک تک مردم؛ یعنی رابطه جامعه ولایی با ولی خدا بر اساس میزان معرفت و محبت و اطاعت باشد؛ یعنی همان «رابطوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَرَ». آیا ائمه معصومین علیهم‌السلام امام زندگی ما هستند؟ یعنی آیا کلام من، سکوت من، حرکت من، سکون من، مشی من، سلوک من مبتنی بر خواست امام است؟ آیا در مسیر اجرای خواسته‌های امام در زندگی خود و جامعه حرکت می‌کنم؟

دوم: ولایت عرضی یا ولاء طرفینی. این ولایت به چه معناست؟ ارتباط، اتصال، پیوستگی و هم‌بستگی مردم ولایی با هم. جان کلام را این روایت امام باقر علیه‌السلام به زیبایی تبیین می‌کند. بُرید از اصحاب امام باقر علیه‌السلام به حضرت این‌گونه می‌فرماید:

«إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكُوفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لَأَطَاعُوكَ وَاتَّبَعُوكَ»؛ ما شیعیان کوفه جماعت بسیاری هستیم؛ اگر شما فرمان دهید، همه فرمان می‌برند و پیروی می‌کنند. حضرت فرمودند: «فَقَالَ يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسِ أُخْبِهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ»؛ آیا چنین هست که یکی از این جماعت شیعه بیاید و هر مبلغ نیاز دارد، از جیب برادر شیعه خود بردارد؟ راوی پاسخ می‌دهد: نه، چنین نیست. حضرت فرمودند: «فَهُمْ بِدِمَائِهِمْ أَبْجَلُ»؛ پس این جماعت (که درباره مال این‌گونه بخیل و بی‌گذشتند)، درباره خون خود (وفداکاری و جانبازی) بخیل‌تر خواهند بود.

بعد می‌فرمایند: وقتی امام منتظر تشریف می‌آورند (و حکومت اسلامی

تشکیل می‌دهند)، شالوده زندگی، بر «مزامله» (همسانی، تساوی در استفاده از همه چیز) خواهد بود: «حَتَّىٰ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتْ الْمُرَايَلَةُ وَ يَاْتِي الرَّجُلُ إِلَىٰ كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْتَنِعُهُ»؛ شخص از جیب برادر (دینی) خود هر چه نیاز دارد، برمی‌دارد و او مانعش نمی‌شود.^۱

«مزامله» در لغت به معنای هم‌رتبه بودن و هم‌ردیف شدن است.^۲ «زمیل» یعنی همکار، هم‌درس، هم‌شاگردی. پس معنای حدیث این است که مردمان در حکومت اسلامی همسان و هم‌ردیف قرار می‌گیرند، و در استفاده از امکانات و وسایل و فرصت‌های گوناگون زندگی و معیشت و تربیت و تکامل کسی بر دیگری امتیاز ندارد، و هر گونه فرقی و امتیازی نابود خواهد شد و افراد و خانواده‌های قارون‌خصلت و امتیازطلب از میان خواهند رفت و انسانیت بر زندگی‌ها حاکم خواهد گشت.

این تعلیم والای الهی، معیار یک معیشت اسلامی را به خوبی نشان می‌دهد: زندگی همه، مجلس‌ها و سفره‌ها و سفرها و عبادت‌ها و توفیق‌ها و نمازها و روزه‌ها همه به هم ربط پیدا می‌کند؛ چیزی که فقط در زندگی اولیای خدا تجلی بالاترین مراتب آن را می‌بینیم؛ همان کسانی که واقعاً در مسیر ولایت عرضی مستحکم هستند.

شهید سیاهکالی و درد هم‌مردی

شهید «حمیدرضا مرادی سیاهکالی» یکی از کسانی است که واقعاً با بضاعت اندک خود همیشه بدون چشم‌داشت به همه کمک می‌کرد. همین یک خاطره‌ای که در ادامه می‌آید، نشان از اوج توکل و ایمان این

۱. الإختصاص ج ۱، ص ۲۴.

۲. تعریف و معنی مزاملة فی معجم المعانی الجامع:

<https://www.almaany.com/ar/dict/ar-ar/%D9%85%D8%B2%D8%A7%D9%85%D9%84%D8%A9/>.

شهید به این حقیقت است. همسر شهید نقل می‌کند:

بعد از عروسی، دنبال خانه‌ای بودیم برای شروع زندگی مشترک. با پس‌اندازی که حمید داشت، می‌شد یک خانه بزرگ در جای خوب قزوین اجاره کرد. اولین خانه را دیدیم؛ ۱۲۰ متری بود و پسندیدیم. از خانه که بیرون آمدیم، هنوز سوار موتور نشده بودیم که یکی از دوستان حمید زنگ زد. برای اجاره خانه پول لازم داشت. حمید گفت: اگر راضی باشی، نصف پولمان را بدهیم به این رفیقم و با نصف دیگر، خانه‌ای کوچک‌تر رهن کنیم. بعداً پول که دستمان آمد، خانه بزرگ‌تری اجاره می‌کنیم. از پیشنهادش جا خوردم. اما پس از من و منی قبول کردم. دیدم می‌شود با خانه‌ای کوچک در محله‌های پایین شهر هم خوش بود. بالاخره منزلی پیدا کردیم در حدود ۵۰ متر با حیاط مشترک و دستشویی در حیاط. همان روز، خانه را با هفت میلیون پیش و ۹۵ هزار تومان اجاره ماهیانه، قولنامه کردیم. این، آخرین خانه زندگی مشترکمان بود.^۱

این همان دغدغه‌ی مزامله داشتن است.

جامعه‌سازی، مقدم بر حکومت‌سازی

پیامبر خدا ﷺ وقتی به مدینه مهاجرت کردند، اولین کاری که انجام دادند، ایجاد اخوت بین «اوس» و «خزرج» و بعد بین مهاجر و انصار بود تا حاکمیت اسلام تثبیت شود؛ یعنی اول جامعه‌سازی کردند و بعد حکومت تشکیل دادند.

۱. محمد رسول ملاحسینی، یادت باشد، خاطراتی از شهید مدافع حرم حمید سیاهکالی مرادی (به روایت همسر شهید)، ص ۱۱۹-۱۲۱.

فرق ولاء طولی و عرضی

نکته مهم این است که «ولاء اجتماعی» و «ولاء طرفینی» یا «ولایت عرضی» جامعه‌سازی می‌کند و «ولاء طولی» حکومت‌سازی؛ یعنی اگر ولاء عمومی و اجتماعی آسیب دید، جامعه دچار گسل و شکاف می‌شود و بدون شک «ولاء طولی» هم آسیب می‌بیند.

از حرف‌های نویی که انقلاب اسلامی بر اساس همین ولایت طرفینی بر آن تاکید دارد و امامین انقلاب همیشه بر آن محور حرکت کرده اند، «ولایت و مردم»، «اسلام و جمهوریت» و «مردم‌سالاری دینی» است. این چیزهایی که ظاهراً متضاد هستند را در کنار هم می‌شنوید.

رهبر انقلاب در بیان صریحی فرمودند: «خلاصه جمهوری اسلامی، خدا و مردم است». البته ما نمی‌خواهیم ثبوتاً خدا و مردم را در کنار هم بگذاریم؛ بلکه اصلاً سخن در اثبات است؛ یعنی وقتی از خدا خواهش می‌کنی، اگر «مردم» در آن وجود ندارد، این آن توحید پیامبر اسلام ﷺ نیست.

مردم عمود دین اند

روی این جملات نهج‌البلاغه باید خیلی تکیه کنیم. از نهج‌البلاغه باید بسیار بیاموزیم. این در فرمان امام به مالک اشتر است که به غلط آن را «عهدنامه» می‌گویند؛ درحالی‌که عهدنامه نیست؛ فرمان حکومتی است؛ فرمان امام به مالک اشتر است. در این فرمان‌نامه یک دنیا سخن و دریا مروراید وجود دارد. یک موردش این است که فرمود: «وَأَمَّا عِمَادُ الدِّينِ وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ». «عِمَادُ الدِّينِ» یعنی تکیه‌گاه دین. شما جامعه اسلامی هستید؛ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ

این را به ملتّ خودش می‌فرماید و خطاب به ما نیز هست. اگر جامعه اسلامی هستید، تکیه‌گاه اسلامتان امت و بدنه مردم است. «جماع المسلمین» یعنی آن بدنه اصلی جامعه، بدنه اصلی این اجتماع مسلمانی. «وَالْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ». «عُدَّة» یعنی ذخیره روز مبادا؛ آن چیزی که نگه می‌داریم برای روز مبادا. این ذخیره در مقابل دشمن، چه کسانی هستند؟ «الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ»؛ یعنی توده مردم.

اثر نبود ولایت عرضی

اگر ولایت عرضی نباشد، امام هم در جامعه تنها می‌ماند. اصلاً سنت بر این است که مردم باید در صحنه باشند؛ وگرنه علی عَلَيْهِ السَّلَامُ با اینکه حق هم هست، از حکومت بر مردم محروم می‌شود. مردم زمان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نمی‌توانستند بپذیرند که دین این قدر مشارکت اجتماعی می‌خواهد؛ لذا ایشان را تنها گذاشتند.

حتی اگر که حق، حتی اگر که نور

چشمی نبیندش، محروم می‌شود

حتی اگر امام، حتی اگر علی

امت جفا کند، مظلوم می‌شود

علی آری علی حتی، علی تنهاست بی مردم

ولی در خواب گمراهی، بماند بی علی مردم

مانع ظهور

برگردیم به سؤالی که ابتدای بحث مطرح کردیم: «راز ظهور چیست؟» چرا قصه پرغصه و گاه تکراری غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و ولی خدا پایان نمی‌پذیرد؟ چرا امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ در پس پرده غیبت است؟ از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است که به شیخ مفید رَحِمَهُ اللهُ فرمود:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهْمُ اللَّهِ لَطَاعَتِهِ، عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا، وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا، عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا، فَمَا يَحْسُبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا بِمَا نَكْرِهُهُ»؛ اگر دل‌های شیعیان ما - که خداوند آنان را برای اطاعت خودش موفق کند - در وفا کردن به پیمانشان یکی بود، هرگز سعادت ملاقات ما از آنان به تأخیر نمی افتاد؛ بلکه سعادت دیدار با ما همراه با شناخت و صداقت برای آنان زود به دست می آمد. چیزی جز کارهای ناشایست آنان ما را از ایشان محبوس نمی سازد.

ابراز ولایت مداری فردی «مانع ظهور» را برطرف نمی‌کند؛ باید «عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ» باشد. گناه اصلی که ظهور را به تأخیر می‌اندازد، «ناتوانی مدعیان ولایت‌مداری در زندگی دسته‌جمعی» است. اگر در نظام اسلامی، مردم بی‌توجه و دلسرد شوند، ایمانشان سست شود، فقط به فکر زندگی شخصی خودشان باشند و بگویند: دیگریس است و هر کس سراغ کار خود برود و تاجر برای تجارت خود، کاسب برای کسب خود، زارع برای زراعت خود، دانشجو و طلبه برای درس خود و آن یکی برای تبلیغ خود، ارزش بیشتری قائل شوند، اسلام آسیب می‌بیند. اگر دین خدا را یاری نکنیم، دشمن مسلط خواهد شد و ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ به تأخیر خواهد افتاد.

اگر کسی نداند که مشارکت مردم این قدر در دین اهمیت دارد، دین در ذهن او تحریف شده است. اگر کسی نداند مهم‌ترین اقدامی که شما به عنوان یک فرد متدین انجام می‌دهید «مشارکت سیاسی» است، دین در ذهن او تحریف گردیده و نادرست فهمانده شده است.

قدرت مردم

ولی اگر مردم بنابر ولایت عرضی در صحنه حضور پیدا کنند، رخدادهای عظیمی را در تاریخ بشریت رقم خواهند زد؛ چنان که مردم ایران در این ۴۵ سال امتحان خودشان را پس دادند و ۴۵ سال با تمام سختی‌ها پای ارزش‌های دینی خود ایستادند.

اصل پیام نوین انقلاب اسلامی، به صحنه آوردن مردم و احیای ولایت عرضی است. این هم وابسته به یک سنت الهی است که هم بستگی اجتماعی می‌تواند نقطه عطف تاریخ شود. به اعتقاد ما انقلاب اسلامی در شروع، حرکت، استمرار و الزامات حرکت به سمت قله و در نزدیکی قله، تماماً حرکتی مبتنی بر نظامات و سنن الهی و همین ولاء طرفینی داشته است.

همه پیشرفت‌های ما آن‌جا بوده که مردم در صحنه بوده‌اند و سقوطمان هم همان جایی بوده که مردم دخیل در آن نبوده‌اند.

نظام اسلامی چیزی دارد که هیچ بمب و حمله خارجی و مانند اینها بر آن کارگر نیست؛ بلکه آن را مستحکم‌تر می‌کند و آن «مردم» است. نظام اسلامی مردم را دارد. تا مردم با نظام اسلامی‌اند، تا جوانان به مسائل انقلاب، احساس حمیت می‌کنند، تا سیاست جزو زندگی مردم است، دانشگاه سیاسی است، بازار سیاسی است، جامعه روحانیت سیاسی است و همه در مسائل سیاسی دخالت می‌کنند، نظر می‌دهند و تحلیل می‌کنند، کاری از آمریکا و غیرامریکا و بمب اتم و تجهیزات و فناوری و پول و دلار و غیره برنخواهد آمد. لذا رجحان این ملت، به دلیل انتخاب راه خدا و ایمان به خدا و به سبب حضور در صحنه است. امروز غزه را ملاحظه کنید؛ نقش آفرینی حضور مردم و ایستادگی‌شان در یک حادثه عظیم را ببینید. یک جمعیت کوچک و محدود (حدود

دو میلیون نفر) در یک وجب زمین، آمریکای با آن ادعا را و رژیم صهیونیستی آویزان به آمریکا را عاجز کرده‌اند. قدرت حضور مردم یعنی این. انقلاب اسلامی ما یک حادثه‌ای است به مراتب از این بالاتر؛ چرا؟ برای اینکه مردم به خیابان آمدند؛ شهید دادند؛ کتک خوردند و عده‌ای هم به زندان رفتند، اما سرآغاز جریانی شدند که توانست یک رژیم وابسته مستکبر ظالم و مسلط بر این کشور را در سرنگون کند. وقتی چنین قدرتی در بازوی یک ملت و در مشیت یک ملت وجود دارد، چرا قدرش را نداند؟ چرا از آن استفاده نکند؟ چرا در مقابل حوادث بزرگ، آن را به کار نیندازد و در وسط میدان نیاورد؟

اربعین یکی از مصادیق مهم ایفای نقش مردم در مدیریت کلان امت اسلام است. پیاپی روی اربعین یک پدیده غیرقابل توصیف و بی نظیر است؛ یک رزمایش عظیم و شگفتی‌ساز است. این حرکت فوق‌العاده، در دنیا نظیری ندارد.

در دفاع مقدس هم مردم صحنه‌گردان اصلی بودند. جنگ به وسیله مردم اداره شد. جنگ تحمیلی فقط جنگ یک دولت همسایه با ما نبود؛ بلکه یک جنگ بین‌المللی علیه ما بود با همه ابزارها و امکاناتشان. همه تلاششان را کردند، اما نتوانستند بعد از هشت سال یک وجب از خاک کشور را تصرف کنند. هم ارتش و هم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و هم نیروهای گوناگون، متکی به مردم بودند؛ به ایمان مردم، به عشق مردم، به صفای مردم.

در ماجرای کرونا - که آزمون بزرگی برای همه کشورهای دنیا بود - هم نهضت مواسات و کمک‌رسانی‌ای که در مردم شکل گرفت و مردم به صحنه آمدند و کرونا را شکست دادند. در دوران کرونا فداکاری‌های مردم به قدری چشم‌گیر بود که مردم خارج از ایران را هم به تحسین واداشت.

دستاوردها

سنت خدا این است که هر کجا امید پیدا شد، اعتماد به نفس پیدا شد، توکل به خدا پیدا شد و جای یأس و سیاه‌نمایی و بدبینی را گرفت؛ مردم ایران روحیات خودشان را تغییر دادند و خدای متعال هم وضع آن‌ها را تغییر داد: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۱

همه این‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که ﴿إِنَّ مَعِيَ رَبِّي﴾^۲ را باور کنیم؛ ﴿وَلَيْتَصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَتَّصِرُ بِهِ﴾^۳ را باور کنیم؛ ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا﴾^۴ را باور کنیم؛ «نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود» را باور کنیم؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۵ را باور کنیم و وارد صحنه شویم.

خدا آن ملتی را سروری داد

که تقدیرش به دست خویش بنوشت^۶

لذا دستاوردهای انقلاب اسلامی با اذعان به تمام نقایصی که دارد، در دو ساحت، دستاوردهای ویژه‌ای دارد:

اول: دستاوردهای مادی است، که همه این دستاوردها به دست مردم و به واسطه حضور مردم در صحنه رقم خورده است.

خوش‌تر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

در این‌جا بنا بر محدودیت زمان، تنها بخش بسیار کوچکی از این دستاوردها را برمی‌شماریم که البته دستاوردهای عظیم و

۱. رعد، ۱۱.

۲. شعراء، ۶۲.

۳. حج، ۴۰.

۴. فصلت، ۳۰.

۵. بقره، ۱۵۳.

۶. اقبال لاهوری.

شگفت‌انگیزی به نظر می‌رسد و حتی دشمنان را نیز به حیرت انداخته است.

نمونه‌هایی از دستاوردها

«پرواند آبراهامیان» مورخ مقیم آمریکا و استاد دانشگاه‌های آکسفورد و پرینستون و کالج باروک نیویورک درباره پیشرفت‌های ایران می‌نویسد:

... دستاوردهای انقلاب اغلب نادیده گرفته می‌شود... برای نمونه: برنامه‌های مبارزه با بی‌سوادی و احداث مدارس و دانشگاه‌ها، هم‌چنین توسعه جاده‌های روستایی و هم‌چنین خانه‌های بهداشت و مراکز سلامت در روستاها. بنابراین اگرچه اغلب افراد از لحاظ رفاه اقتصادی و مسائل اجتماعی مشکلاتی دارند، اما رژیم جمهوری اسلامی به نسبت رژیم شاه واقعاً در این زمینه کارنامه بهتری داشته است. بنابراین اگر دو رژیم را مقایسه کنید، گرچه نارضایتی‌های اقتصادی وجود دارد، رژیم کنونی در برنامه‌های رفاه اجتماعی بسیار خوب عمل کرده است...!

۱. نرخ سواد

براساس آمار یونسکو (سازمان علمی-فرهنگی ملل متحد)، در اواسط دهه ۵۰ یعنی در اوج به اصطلاح تمدن بزرگ شاه، میزان باسوادان در ایران حدود ۳۰ درصد بود؛ اما براساس همین آمار تا سال ۱۳۷۶ بیش از ۷۵ درصد از مردم ایران باسواد شدند و در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) آمار باسوادان کشور رقم حدود ۹۰ درصد را نشان می‌دهد؛ یعنی سرزمین

1. <http://fna.ir/6nmlu>.

ما از یک کشور نیمه بی سواد در اواخر دوران شاه، به کشوری باسواد در سال‌های پس از انقلاب تبدیل شد.^۱

۲. اراضی ایران

در پنج قرن اخیر مساحت ایران از $\frac{۳}{۵}$ میلیون کیلومتر مربع به $\frac{۱}{۷}$ میلیون کیلومتر مربع کاهش یافت. انقلاب اسلامی با وجود هجوم ابرقدرت‌ها یک وجب از خاکش را هم از دست نداد. رضاخان بدون یک دقیقه مقاومت، سرزمین ایران را به ارتش‌های متجاوز شوروی، انگلیس و آمریکا تسلیم کرد. بحرین استان چهاردهم ایران با بی‌عرضگی محمدرضا پهلوی به انگلیس داده شد.^۲

۳. سلب سلطه آمریکا

در سال ۵۶ حقوق مستشاران نظامی آمریکا ۱۷ میلیارد تومان و حقوق کل نظامیان ایران ۱۴ میلیارد تومان بود. آن‌ها بر همه مقدرات مردم حکومت می‌کردند. سفارت آمریکا در تهران با ۴۰۰۰ کارمند عملاً اداره تمام امور ایران را در اختیار داشت.^۳

۴. ذخایر ملی

در زمینه پس‌انداز ذخایر ملی ششمین کشور دنیا است؛ در حالی که آمریکا کشور ۱۱۹ دنیا است.^۴

نقش مردم در ولایت عرضی

اما نقش ما در ولایت عرضی و جامعه ولایی چیست؟ چه نقشی برای

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. <https://newspaper.ireconomy.ir/107/10/6716>.

ما تعریف شده که بتوانیم با ایفای آن در تکمیل ولایت عرضی جامعه و دستاوردهای کشور سهیم باشیم؟ به تعبیر دیگر: وظیفه و تکلیفی که شرعاً بر عهده ماست و خدا در قیامت از ما بازخواست می‌کند، چیست؟ چه تکلیفی بر عهده ماست که باید انجام دهیم تا امنیت کشورمان حفظ شود، ظرفیت تحول در زیرساخت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به وجود بیاید، به رشد و شکوفایی اقتصادی و رفع مشکلات اقتصادی کمک کند و زمینه شکسته شدن تحریم‌ها فراهم شود؟

وظیفه ما و کاری که باید انجام دهیم، مشارکت در عرصه‌های مختلف مدیریت کشور است. قوی‌ترین دولت‌ها هم نمی‌توانند بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازند؛ فرهنگ را بسازند؛ در سیاست و معادلات بین‌المللی نقش‌آفرین باشند و هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند اقتصاد کشور را سامان بدهد.

اما امروز مهم‌ترین شیوه مردم‌سالاری و حضور مردم و مشارکت در مدیریت کشور به وسیلهٔ انتخابات است. انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست؛ بلکه یکی از پایه‌های نظام ما همین انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، ارادهٔ مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد.

یار ولایت باشیم!

اولین کار جدی ما باید این باشد که در انتخابات شرکت کنیم و یار ولایت باشیم.

صحنهٔ انتخابات فقط یکی از صحنه‌ها برای تأثیرگذاری مردم است. روز انتخابات، روز ملت ایران است. میدان‌دار و صحنه‌گردان اصلی، مردم

هستند که با حضور در پای صندوق‌های رأی، در واقع تکلیف کلی و اساسی کشور را برای سال‌های آینده معین می‌کنند.

تونیز اثرگذاری!

این رأی‌ها سازنده آینده ملت و تعیین‌کننده سرنوشت چندساله آن است. درست به همین دلیل است که عقل انسان حکم می‌کند که همه در این آزمون بزرگ ملی و سراسری شرکت کنند.

ما در اینکه چه کسانی بر ما حکومت کنند و ما را اداره کنند، کاملاً مؤثریم و این تأثیر را خداوند قرار داده است؛ چه پیامبران و اولیای الهی باشند و چه نباشند. حتی با حضور رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ هم مردم در اصلاح یا تخریب امور خود مؤثرند.

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «**كَمَا تَكُونُونَ يُومِي عَلَيَّكُمْ**»؛ هر طور که باشید، همان‌طور رئیس پیدا می‌کنید. البته آن‌زمان که انتخابات نبوده، ولی این سنت الهی است که خداوند متعال مردم را در سرنوشت خودشان مؤثر قرار می‌دهد. بالاخره وجود مردم، نگاه مردم، منش مردم، تفکر مردم و تقوای مردم بر اینکه چه کسانی اداره امور آن‌ها را بر عهده گیرند، تأثیر دارد.

اگر رأی ندهیم، شانس خود برای تغییر را از بین خواهیم برد. شرکت نکردن در انتخابات به این معناست که من حق رأی خود را به دیگری داده‌ام تا شخص دیگری برای من تصمیم بگیرد.

رأی همه مهم است! رأی ما مقدمه ساز ظهور است!

حضرت امام خمینی رحمته الله فرمودند: انقلاب ما مقدمه ساز فرج است.

آیا رفتار فردی من نوعی در ظهور موثر است یا فرد سیاسی؟ آیا رفتار سیاستمداران ما مهم‌تر است یا رفتار مردمان عادی؟ پس چرا از این گفته تعجب می‌کنیم که: «انتخاب درست، ظهور را نزدیک می‌کند». اگر مردم، درست در انتخابات شرکت کنند، ولایت عرضی که مقدمه ظهور است «عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ» را شکل می‌دهند.

اول صبح رای بدهیم!

خانواده شهید سلیمانی نقل می‌کنند حاج قاسم در انتخابات سال ۹۶ همان اول اول صبح رفت رأی داد. بعد که از رأی گیری برگشت با همان انگشتی که رأی داده بود ایستاد عکس گرفت گفت: این عکس را بگیرد همه ببینند من اول صبح رفتم رأی دادم.

جمهوری اسلامی در نگاه شهید قاسم سلیمانی مرکز اسلام و تشیع و قرارگاه حسین بن علی است، این را در وصیت نامه خودشان می‌آورد و از نگاه حاج قاسم جمهوری اسلامی حرم است. اگر این حرم بماند دیگر حرم‌ها هم خواهند ماند!

لذا نه تنها باید شرکت کنیم، بلکه در روز جمعه ۱۱ اسفند اولین نفر رأی دهندگان باشیم و همان ساعت اول در پای صندوق رأی حاضر شویم.

یارآور باشیم!

اما دومین وظیفه ما پس از یاری و شرکت در انتخابات، یارآوری است.

امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ

التَّصِيحَةَ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَالتَّعَاوُنَ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ...»؛^۱ از حقوق واجب خدا بر مردم این است که به قدر توانشان دلسوزی کنند و برای اقامه حق بین خودشان تعاون داشته باشند.

حجت الاسلام قرائتی می‌گفتند: مگر ما از معتادها کمتریم؟! معتادها خیلی خوب می‌توانند برای دردی که خودشان دچار آن شده‌اند، یار جور کنند؛ می‌دانید برای چه؟ برای اینکه در تنهایی لذتی از اعتیادشان نمی‌برند. بعد چه شده که ما از تنها بودن در خانه ولایت لذت می‌بریم و رفیق راه برای خودمان جمع نمی‌کنیم؟!

کسی که خودش در انتخابات شرکت می‌کند، نمی‌تواند بی تفاوت در انتخاب دیگران هم باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ غَرِيضَتُهُ النَّصِيحَةُ»؛^۲ غریزه مؤمن، خیرخواهی (یکرنگی) است.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»؛^۳ مؤمنان در جامعه اسلامی، نسبت به یکدیگر از طرف خداوند، حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و بی تفاوت نیستند و ایمانشان، هم در اصلاح فرد و هم جامعه اثرگذار است و این جاست که ولایت عرضی بر پایه محبت شکل می‌گیرد. «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ»؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ زکات را می‌پردازند؛ خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۲. آمدی، غرر الحکم، ج ۱۳، ص ۵۵.

۳. توبه، ۷۱.

تواصی به رای دادن!

آیت الله حائری شیرازی:

بعضی فکر می‌کنند همین که در انتخابات شرکت کردند، رسالتشان انجام شده است. قرآن خلاف این را می‌گوید. چرا؟ چون قرآن می‌گوید: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾.^۱ می‌گوید ایمان و عمل صالح، انسان را از خسران نجات می‌دهد اما نه به تنهایی!

رای دادن، مثل ایمان و عمل صالح است. اما «تواصوا بالحق» هم لازم است. رای دادن لازم است، اما کافی نیست.

اگر کسی خانواده خود را توصیه به شرکت در انتخابات نکند، همسایه‌های خود را توصیه نکند، دوستان خود را توصیه نکند و برای این کار، تبلیغ نکند، طبق آیه قرآن از جمله زیانکاران است. هم آن کسی که شرکت نکند و هم آن کسی که شرکت بکند و تبلیغ نکند، زیانکار هستند.

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام یار مؤثر که یار آوری کند، می‌خواستند. امروز در مورد امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَام هم همین‌طور است. برای امام عصرمان چند یار آورده‌ایم؟

یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقائق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون تعلقات جناحی و گروهی.

یکی از اصحاب ویژه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام که سرآمد تاریخ هست جناب عمار است.

در جنگ صفین جناب عمار یاسر دائم مشغول سخنرانی است؛ این

طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروه‌های مختلف؛ عمار دائم مشغول روشنگری بود؛ این طرف می‌رفت، آن طرف می‌رفت، برای گروه‌های مختلف سخنرانی می‌کرد که این‌ها ضبط شده و همه در تاریخ هست.

اعمال انسان، زمینه‌ساز حرکت اجتماعی است و این همان تجلی ولایت عرضی است. لذا ما وظیفه داریم علاوه بر اینکه برای ولی خدا یار و یاور خوبی باشیم، یارآور خوبی هم باشیم و دیگران را برای حضور و مشارکت در انتخابات ترغیب و تشویق کنیم.

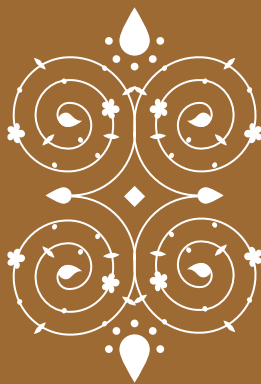


سخنرانی سوم

از «بعثت نبوی» تا «نهضت خمینی رحمة الله»

روایتی از «سنن الهی» برای «پیشرفت دینی»

حجت الاسلام محمد صادق حیدری





سنت «درگیری بین حق و باطل» در بیان امام صادق علیه السلام

مرحوم شیخ کلینی در جلد هشتم کتاب شریف کافی روایتی^۱ را از یکی از نزدیکان و یاران امام صادق علیه السلام به نام «ولید بن صبیح» نقل می‌کند. ولید می‌گوید:

روزی بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و حضرت لباسی را به من داد و فرمود: این را سر جایش در بخش مخصوص لباس‌ها قرار بده. وقتی می‌خواستم این کار را انجام بدهم، ناگهان حضرت فرمودند: «خدا معلی بن خنیس را رحمت کند»، من احساس کردم اینکه بلند شدم و می‌خواهم کارهای خصوصی حضرت را انجام دهم، حضرت را به یاد معلی بن خنیس انداخت؛ شخصی که قبلاً مباحث و مسائل امور منزل امام صادق علیه السلام بود. لذا دعایی برای معلی بن خنیس کردند که توسط دستگاه ظلم به شهادت رسیده بود.

معلی بن خنیس از یاران خاص حضرت بود که در مقابل ظلم‌های دستگاه طاغوت، مواضع محکم و آشکاری می‌گرفت. در بعضی

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۰۴.

روایت‌ها آمده است: وقتی که روز عید قربان یا عید فطر فرا می‌رسید، به جای لباس‌های نو، با لباس‌های غبارآلود و محزون و با هیئت مصیبت‌زده‌ها در نماز عید حاضر می‌شد و همین‌که خطیب درباری از منبر پیامبر ﷺ بالا می‌رفت تا خطبه عید را غاصبانه بخواند و آن محل شریف و پاک را آلوده کند و از دستگاه طاغوت دفاع کند و ادای تقدس را درآورد، او تحمل نمی‌کرد و عید طاغوت را عزا می‌کرد. دست‌هایش به سوی آسمان می‌گرفت و با صدای بلند گریه می‌کرد و می‌گفت: «خدایا! این مقامی است مخصوص برگزیدگان که آن را گرفتند و غصب کردند. اولیا را مقهور خودشان کردند و کتاب خدا را به گوشه‌ای انداختند. احکام را تحریف کردند و سنت‌های پیامبر ﷺ را متروک گذاشتند. خدایا! این دشمنان را لعنت کن و جباران این زمان را به همان ملعونین ملحق نما».

سرانجام کارش به جایی رسید که «داود بن علی» حاکم مدینه او را گرفت و پس از ماجرای - که این جا از نقل آن می‌گذریم - او را به شهادت رساند. وقتی حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شهادت او را دید، همان روز داود بن علی را لعنت کرد و او همان شب به صورت ناگهانی جان داد و معلوم شد که مرگ او، بر اثر لعن و نفرین امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بوده است.^۲

محل بحث من این جاست: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پس از طلب رحمت برای معلی بن خنیس جمله‌ای فرمودند که گویا ناظر به سنت‌های الهی است؛ یک سنت الهی مهم و اساسی. حضرت بعد از دعا برای معلی فرمودند: «أَقْبِ لِلدُّنْيَا أَقْبِ لِلدُّنْيَا»؛ دو بار این دنیا را نفرین کردند؛ چرا؟

چرا این دنیا بی‌ارزش و مورد تحقیر اولیا و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است؟ چون یک تعریف خاصی دارد که بر مبنای سنت‌های الهی شکل گرفته

۱. کشی، رجال الکشی، ص ۳۸۲.

۲. همان، ص ۳۷۸.

است. فرمودند: «إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ بَلَاءٍ»؛ چون این این دنیا چیزی نیست، جز منزل بلا و محل مصیبت و سختی. ما فکر می‌کنیم که چالش و سختی زندگی بالاخره برای آدم پیش می‌آید؛ گاهی از نظر مالی تحت فشار قرار می‌گیریم؛ یک موقع مشکلات خانوادگی پیدا می‌کنیم؛ یک موقع فرزندان مریض می‌شود؛ یک موقع برای همسرمان مشکلی پیش می‌آید و انواع مصیبت‌هایی که برای یک انسان به وجود می‌آید. اما ظاهراً اینها مقصود حضرت نیست؛ بلکه از ادامه روایت مشخص می‌شود که می‌خواهد یک سنت الهی کلان را بگوید و فقط ناظر به مشکلات شخصی ما نیست.

حضرت در ادامه می‌فرماید: «يُسَلِّطُ اللَّهُ فِيهَا عَدُوَّهُ عَلَى وَلِيِّهِ». این دنیا دار بلاست، چون خدای متعال اجازه داده است که اگر دشمنان خدا تلاش کنند و در راه دنیا زحمت بکشند، امکان تسلط بر ولی‌الله پیدا کنند.

پس این دنیا تعریفش این است: محل درگیری عدو الله و ولی الله. سنت الهی این است، چون خدای متعال به بشر اختیار داده و از این طریق می‌خواهد او را امتحان کند. انسان با این اختیار می‌تواند در راه نادرست و ناهنجار قدم بردارد و دستگاه دشمنی با خدا درست کند و این دستگاه را به سطحی برساند که به دستگاه الهی و اولیاءالله ضربه بزند و به شهادت برساند و در تنگنا قرار بدهد و بر آن‌ها مسلط گردد. به خاطر همین، دنیا دار بلاست؛ یعنی بلایی که ناشی از درگیری عدو الله یا ولی‌الله است.

بلای مومن، نشانه حضور در این درگیری

این اتفاق برای معلى بن خنيس و ديگر اصحاب ائمه و خود ائمه و همه اوصيا و انبيا عليهم السلام افتاده بود که وقتی عدو الله قدرتی ایجاد می‌کردند و

مؤمنین هم به خوبی با ولیّ الله همراهی نمی‌کردند، آن وقت دشمنان خدا تسلّط پیدا می‌کردند. تعریف دنیا این است؛ عرصه درگیری ولیّ الله و عدوّ الله است. این درگیری‌ها طبعاً بلا و چالش و مصیبت درست می‌کند. ولی این بلا و مصیبت برای مؤمنین نه به معنای مشکلات شخصی، بلکه به این معناست که به سبب نزدیکی و همراهی با امام، در معرض ضربه‌هایی که عدوّ الله بر ولیّ الله وارد می‌آورد، قرار می‌گیرند و دچار بلا و مصیبت می‌شوند. البته این بلا و ابتلاء، نشانه ایمان است. در روایت‌های مختلف و مفصلی آمده است که اگر مصیبت و بلائی مؤمن زیاد شود، نشانه آن است که ایمانش زیاد شده است، و این بلا یعنی آن بلائی که ناشی از این درگیری است. وقتی یک طرف درگیری بایستی و از آن حمایت کنی و کنش فعال داشته باشی، حتماً ضربه‌های دشمن به تو خواهد خورد. این سنت الهی است. تعریف اصلی دنیا همین است. اینکه دنیا را به معنای محل زندگی و بهره‌مندی از مادیات و در کنار آن، نماز و روزه و عبادت بدانیم تا سرانجام عاقبت به خیر شویم و به بهشت برویم، یک سطح بسیار ضعیفی از ایمان است.

زندگی واقعی یعنی در این درگیری همه‌جانبه و ظالمانه که از طریق عدوّ الله انجام می‌شود، بتوانید کنار ولیّ الله قرار بگیرید و هر قدر هم ضربه به شما بخورد و بلا و مصیبت برسد، این نشانه ایمان شماست که در کنار ولیّ الله ایستاده‌اید.

این سنت الهی است. سنت الهی این است که اختیار بشر در افراد متوقف نمی‌شود. یک گروه یا یک دستگاهی درست می‌کند از عدوّ الله یا ولیّ الله که اینها با هم درگیرند. یکی برای اینکه مردم را به استثمار و استثمار بکشاند و از آن‌ها بهره‌مند بشود و خودش لذت ببرد، اما ولیّ الله دستگاه و نظامی ایجاد می‌کند که مردم را نجات بخشد و رشد

و تکامل بدهد: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»^۱. این مسئله‌ای است که ما به عنوان سنت کلان الهی با آن مواجهیم.

ضرورت شناخت از وضعیت این درگیری

نکته مهم این است که بدانیم امروز این درگیری چه وضعیتی دارد. اگر دنیا تعریفش این است، ما هم باید بر این اساس زندگی دنیا را تنظیم کنیم؛ ولو در دوران غیبت که معصوم علیه السلام حضور ظاهری ندارد. این تسلط عدو الله بر ولی الله را باید ببینیم امروز چگونه است تا در ادامه، وظیفه خود را بدانیم. همان طور که گذشته‌اش این است، آینده‌اش هم این طوری است. لذا حضرت در ادامه این روایت می‌فرمایند: «وَإِنَّ بَعْدَهَا دَارًا لَيْسَتْ هَكَذَا»؛ بعد از این وضعیت تسلط عدو الله، یک سرایی هست که در آن، دیگر این طور نیست؛ یعنی دیگر تسلط بر ولی الله نیست. بعد راوی می‌پرسد: «فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَيْنَ تِلْكَ الدَّارُ»، آن سرا و آن مرحله کجاست؟ حضرت می‌فرمایند: «هَا هُنَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ»؛ با دست به زمین اشاره کرد و فرمود در همین دنیا و در همین کره خاکی است. دوران ظهور و رجعت، در واقع تسلط ولی الله بر عدو الله است و عدو الله در انزوا و شکست قرار می‌گیرند. در زمان رجعت، جنگ‌های مفصل واقع می‌شود و ائمه کفر و نفاق زنده می‌شوند و در جنگ با رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام شکست می‌خورند.

این تعریف عام از زندگی و یک سنت کلان الهی است. ما امروز هم باید طبق این تعریف زندگی فردی و اجتماعی‌مان را تنظیم کنیم؛ لذا باید بدانیم گذشته‌اش چگونه بوده و الآن چگونه است تا بتوانیم به آن سمتی برویم که دیگر تسلط ولی الله رقم بخورد و بتوانیم بر اساس سنت الهی حرکت‌مان را تنظیم کنیم؛ چون پیشرفت نیز در معنای

دینی‌اش یعنی تسلط عدو الله دائماً کمتر شود و تسلط ولی الله افزایش یابد.

تسلط کفار بر موحدین تا قبل از بعثت پیامبر اکرم ﷺ

در یک نگاه کلی برای درک قواعد این سنت الهی و وضعیت و تغییرات این درگیری، یک دوره‌ای را می‌توانیم در نظر بگیریم که از هبوط حضرت آدم ﷺ تا بعثت نبی اکرم ﷺ را شامل می‌شود. در این دوره که انبیای اولوالعزم ﷺ و آن یقین‌های پولادین برای تحقق توحید توسط خدای متعال مبعوث و به سوی جوامع فرستاده شدند، علی‌رغم همه تلاش‌های این بزرگواران می‌بینید که کلمه توحید امنیت ندارد و عدو الله یعنی دستگاه دشمنی با خدا، به ولی الله یعنی دستگاه محبت الهی و طرفداری از توحید چطور ضربه می‌زند، تا جایی که حتی سخت است که بگوییم «دستگاه ولی الله»، چون تعداد اندکی دور اولیای الهی جمع می‌شوند.

لذا در روایات مرحوم شیخ صدوق رحمته الله در «کمال الدین» است که بت پرستان چنان حضرت نوح علیه السلام را کتک می‌زدند که خون از سر و روی ایشان جاری می‌شد و چند روز به حالت اغما می‌افتاد! یا حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتشی چنان عظیم انداختند که نمی‌توانستند به آن نزدیک شوند؛ لذا مجبور شدند حضرت را با منجنیق در آتش بیفکنند! یا آنچه فرعون بر سر بنی اسرائیل که قوم حضرت موسی علیه السلام بودند، آورد: «يَقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ»^۲. یا حضرت عیسی علیه السلام را می‌خواستند به صلیب بکشند. یا حضرت زکریا علیه السلام را که بین درختی پنهان شده بود، با اژه کردن آن درخت به شهادت رساندند. یا اصحاب

۱. ابن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. بقره، ۲۲۳.

أخذود که در سوره بروج به آن‌ها اشاره شده، در گودالی از آتش افکندند و زنده زنده سوزاندند، تنها به این دلیل که «وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ». ^۱ اینکه شخصی یا جمعیتی کلمه توحید را بر زبان بیاورد و خدای متعال را به عنوان مدیر عالم بپذیرد و انبیائش را به عنوان نمایندگان او و مسئولان جامعه بپذیرد، هیچ امنیتی نداشت و با قهر و غلبه و بدترین جنایت‌ها با آن برخورد می‌شد و می‌کشتند و می‌سوزاندند و تبعید می‌کردند. این وضعیت تسلط کفار بود بر اولیاءالله.

ماموریت پیامبر اکرم در نابودی «تسلط کفر» و ایجاد امنیت برای کلمه توحید

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث شدند تا به این وضعیت پایان بدهند. طبق برخی از تواریخ، از هبوط حضرت آدم علیه السلام تا نهضت نبی اکرم صلی الله علیه و آله ۶۸۰۰ سال طول کشیده است. این مدت، دوران حلم و صبر خدای متعال در مقابل این جنایت‌های ظالمین و کفار بوده که البته تناسب دارد با اینکه مؤمنین آن قدر توانایی و قدرت نداشتند تا از این انبیا و اوصیای الهی دفاع کنند. اما این وضع باید جایی به پایان می‌رسید و بشریت باید یک قدم به جلو برمی‌داشت و پیشرفتی حاصل می‌شد. بالاخره باید یک امنیتی برای کلمه توحید در این درگیری ایجاد می‌شد و یک امنیت اولیه برای ولی‌الله در این درگیری به دست می‌آمد اما کفار که کنار نمی‌رفتند. لذا یکی از سخت‌ترین و مهم‌ترین مأموریت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بود که بتوانند این تسلط کفر را از بین ببرند و امنیت برای کلمه توحید درست کنند. اما چون کفار و ظالمان کنار نمی‌روند، ناچار بعد از اتمام حجت‌هایی که کردند و بعد از آن ۶۸۰۰ سال حلم، دیگر

دست به شمشیر بردند و اینها را از میان برداشتند؛ یعنی موانع تکامل و پیشرفت و قدرت گرفتن اولیاءالله در این درگیری را به صورت فیزیکی کنار زدند و از بین بردند. لذا در زیارات ایشان هم نقل شده است: «**الْحَاتِمِ مَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ مَا اسْتَقْبَلَ**»؛^۱ دوران قبل از خودشان را پایان دادند و یک دوران جدید و یک آینده جدید را آغاز کردند که به نظر می‌رسد یکی از معانی آن همین باشد که تسلط کفر به این صورت که هیچ امنیتی برای کلمه توحید نباشد را از بین بردند. این یکی از اعجازهای بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این است که یک فشار ۶۸۰۰ ساله را در ۲۳ سال از هم گسستند؛ سیزده سال در مکه و ده سال در مدینه، با حدود سی غزوه و سی یا چهل سرتیّه توانستند آن فشار ۶۸۰۰ ساله را بشکنند که محور کمک به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شمشیر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بود که چنین حماسه‌ای را رقم زد. لذا ذیل آیه شریفه «**الْمَنْ دَسَخَ لَكَ صَدْرَكَ وَ وَضَعَا عَنَّاكَ وَ زَرَّكَ**»؛^۲ روایتی وارد شده که: «**بِعَلِيٍّ الْحُزْبِ**»^۳ یعنی این بار سخت جنگ با کفار را با کمک شمشیر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام از دوش تو برداشتیم.

روایتی دیگری هم هست که شیخ صدوق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نقل کرده^۴ و به همین مأموریت مهم پیامبر اشاره دارد. راوی می‌گوید: وقتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دنیا آمدند، در آن شب وضعیت ستاره‌ها در آسمان مکه به هم ریخت. می‌دانید که در گذشته برای خیلی از کارها به ستاره‌ها توجه می‌شد. مردم به شدت ترسیدند و پیش ولید بن مغیره رفتند که پیرمردی باتجربه‌ای بود و اطلاعات زیادی داشت و پرسیدند که این چه وضعیتی است؟ گفت: اگر ستاره‌هایی که حرکت عجیبی دارند،

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۴۲.

۲. انشراح، ۱، ۲۰۱.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۳۳؛ قمی، تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۴۲۸؛ تفسیر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، ج ۱۸، ص ۱۹۴.

۴. ابن بابویه قمی، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۱۹۷.

همان ستاره‌هایی باشند که با آن‌ها راه‌ها را پیدا می‌کنید، روز قیامت فرارسیده است. اما اگر آن ستاره‌ها نیستند و ستاره‌های دیگری دگرگون شده‌اند، اتفاق جدیدی افتاده که علتش را نمی‌دانم. مردم رفتند و دیدند که آن ستاره‌های جهت‌یابی نیستند؛ لذا نفهمیدند که ماجرا چیست.

اما کاهنی یهودی به نام یوسف که در مکه زندگی می‌کرد، به آن‌ها گفت: امشب حتماً یک مولودی به دنیا آمده. گفتند: نه، ما خبر نداریم. چون خدای متعال برای حفظ جان پیامبر ﷺ آثار حمل را بر حضرت آمنه ظاهر نکرده بود و کسی متوجه نمی‌شد که ایشان باردار است. لذا گفتند کسی به دنیا نیامده است. کاهن گفت: دوباره بروید ببینید. بیشتر که بررسی کردند، فهمیدند که حضرت آمنه ﷺ فرزند جناب عبدالله ﷺ را به دنیا آورده است. گفت: من را پیش او ببرید. وقتی به منزل عبدالله رسیدند، از حضرت آمنه خواست که قنداقهٔ کودک را به دستش بدهد. قنداقه را که گرفت، پارچه‌ها را کنار زد و بر شانه و بدن مبارک پیامبر اکرم ﷺ آثار نبوت را دید و غش کرد. وقتی به هوش آمد، پرسیدند: چرا غش کردی؟! گفت: «هَذَا نَبِيُّ السَّيْفِ»؛ این پیامبر شمشیر است.

بنابراین، کار به جایی رسید که با شمشیر و قدرت سخت باید تسلط عدو الله کنار برود و یک پیشرفتی در این درگیری و در این سنت الهی رخ بدهد. لذا گفت: این پیامبر شمشیر است و «لَيَسِيَدَنَّكُمْ»، شما را از بین خواهد برد. چنین هم شد و پیامبر ﷺ سطوت و تسلط کفار قریش بر شبه جزیره را از بین برد. البته بعضی‌ها می‌خواهند بگویند این خشونت دینی و... است؛ اما اینها دروغی بیش نیست؛ چون ۶۸۰۰ سال حلم و تحمل شده است و انبیا و اوصیا و اولیا را آن‌طور زدند و کشتند و سوزاندند؛ اما بعد از همهٔ این مصائب و بعد از همهٔ اتمام حجت‌هایی

که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سیزده سال حضور در مکه و قبل از هر جنگی می‌کردند، چنین جنگ‌هایی بر ضد کفار به راه می‌افتد. اگر یک نفر در زندگی روزمره حقمان را بگیرد، چطور با او برخورد می‌کنیم؟ اینها ۶۸۰۰ سال حق حیات را از برترین انسان‌ها گرفتند و خدای متعال تحمل کرد؛ لذا این ابداً خشونت نیست و اتفاقاً اوج حلم است.

ورود توحید به «معادلات قدرت جهانی» پس از بعثت

بنابراین می‌بینیم که پیشرفت رخ می‌دهد و قواعد این درگیری عوض می‌شود و دیگر باید تسلط کفر از بین برود و امنیت برای کلمه توحید ایجاد بشود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنان با شدت و قدرت و قوت فرهنگ جهاد با کفر را نهادینه می‌کند؛ «وَأَعْلَظَ عَلَيْهِمْ»^۱ را محقق می‌کند که حتی منافقین بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که اهل سازش با قدرت‌های بزرگ هستند، مجبور می‌شوند با ابرقدرت‌های کفر زمان خودشان، ساسانیان و رومیان درگیر بشوند و روم شرقی و امپراتوری ساسانی را ساقط کنند. بدین ترتیب امنیت کلمه توحید نه فقط در حجاز، بلکه در سطح جهان گسترده می‌شود و توحید دیگر وارد معادلات قدرت جهانی می‌گردد و یک امنیت جهانی برای خودش ایجاد می‌کند.

این در حالی است که منافقین زمان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام حاضر نشدند با کفار بجنگند و به «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ... وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ»^۲ دچار شدند. منافقین امت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن‌ها بدتر بودند، اما به خاطر شدت عمل و قدرت و غیرت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در اینکه این قواعد درگیری و سنت الهی را جلو ببرند و طبق سنت الهی وضعیت درگیری را ارتقا بدهند، منافقین مجبور شدند علی‌رغم علاقه‌شان

۱. توبه، ۷۳.

۲. آل عمران، ۱۲.

به معامله با کفار، با ابرقدرت‌های زمان و ماشین جنگی آن‌ها درگیر بشوند و آن‌ها را شکست بدهند. در نتیجه، توحید ولو به‌وسیلهٔ منافقین، یک امنیت بی‌سابقه پیدامی‌کند.

بنابراین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک وضعیت جدیدی را در این سنت الهی، یعنی درگیری بین عدو الله و ولی الله رقم زد و لذا در همان ابتدای اعلام رسالتش در یوم‌الدار، همان‌جا وقتی سران قریش را به اسلام دعوت می‌کند، به آن‌ها می‌فرماید: «أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كَلِمَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَيْنِ فِي الْمِيزَانِ، تَمْلِكُونَهُمَا الْعَرَبَ وَالْعَجَمَ، وَتَنْقُذُكُمْ بِهِمَا الْأُمَّمُ!»؛ اگر شهادتین را بگویید (دو کلمه‌ای که بر زبان است، ولی میزان اعمال را سنگین می‌کند)، از این طریق بر عرب و عجم سروری خواهید یافت و امت‌ها فرمان بردار شما خواهند شد.

یعنی اصلاً آرمان نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این است که این امنیت برای کلمهٔ توحید را در سطح جهانی ایجاد کند و این وعده را در همان روز ابتدای اعلام رسالتش اعلام می‌کند، اما حضرت را مسخره می‌کنند و وقتی حضرت می‌فرماید: چه کسی وصی من خواهد شد، آن‌جا امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ ایمان خودش را نشان می‌دهد و می‌گوید: من حاضرم وزیر شما باشم. ولی آن‌ها باز مسخره می‌کنند و می‌گویند: چنین چیزی اصلاً ممکن نیست. چون حجاز در آن موقع آن‌قدر عقب‌مانده بوده که امپراتوری ایران و روم که این‌همه باهم جنگ داشتند، هیچ‌وقت سر حجاز باهم نمی‌جنگیدند؛ یعنی یک کشور و یک قوم درجه سه و چهار در مسئلهٔ قدرت جهانی بوده است. ولی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کاری می‌کند که همین قوم درجهٔ سه و چهار، ابرقدرت‌های جهان را شکست می‌دهد و کلمهٔ توحید را در سطح جهان امنیت می‌بخشد.

در همان بیعت عقبه که منشأ رفتن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه می‌شود، اهل مدینه پیمان می‌بندند که اگر پیامبر به شهرشان بیاید و بینشان صلح ایجاد بکند، از ایشان حمایت کنند. یکی از بزرگان مدینه که در این جلسه بوده، می‌گوید: می‌دانید که برای چه پیمان می‌بندید؟ **«إِنَّمَا تَقْدِمُونَ عَلَيَّ حَزْبِ الْأَحْمَرِ وَالْأَبْيَضِ وَ عَلَيَّ حَزْبِ مُلُوكِ الدُّنْيَا»** ^۱ شما با این کارتان در واقع می‌خواهید با سفیدرویان و سرخ‌رویان (کنایه از امپراتوری ایران و روم) بجنگید؛ می‌خواهید با پادشاهان جهان بجنگید. این معنا همان موقع در بیعت عقبه اول بر اهل مدینه معلوم بود؛ یعنی رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای امنیت کلمه توحید در سطح جهان.

البته این به معنای تطهیر امپراتوری اموی و عباسی نیست. آن‌ها بزرگ‌ترین بدعت‌ها و انحراف‌ها را ایجاد کردند، ولی مساله این است که مجبور شدند که به متن نبوت و رسالت حاشیه بزنند و دیگر نمی‌توانستند مسئله کفر و درگیری مستقیم و علنی را با خدای متعال و فرستادگانش مطرح کنند.

ضربه به آرمان بعثت، با فروپاشی عثمانی و تسلط کفر مدرن بر بلاد اسلامی

این روند ادامه داشت و اسلام یکی از قطب‌های قدرت جهانی شده بود و بعد از امویان و عباسیان هم ادامه داشت. در امپراتوری عثمانی هم که به عنوان میراث‌دار خلافت اهل تسنن شناخته می‌شد، همین وضع نمود داشت. تا اینکه ژنسانس در غرب اتفاق افتاد و کفار مجدداً یک سطح جدیدی از قدرت را به وجود آوردند و با اختراعات و اکتشافات و پیشرفت‌های نظامی‌شان و بعد هم تغییر سبک زندگی و چرب و

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۲.

شیرین کردن دنیا و آوردن لذت‌های جدید و معاشقه با دنیا در یک مقیاس نوین، یک تمدن جدید را بنیان گذاشتند و بعد با این قدرت به همه جای جهان حمله‌ور شدند، از جمله به کشورهای اسلامی، که محافظ و مدافع مرزهای اسلام در آن زمان امپراتوری عثمانی بود و به تدریج باعث فروپاشی امپراتوری عثمانی شدند. بعد از جنگ جهانی اول که دیگر این امپراتوری کلاً تجزیه شد و کفر دوباره بر بلاد اسلامی مسلط گردید. عثمانی هم دیگر نتوانست به مقاومت خود ادامه بدهد و جذب زندگی مادی کفار شد. کفار فرانسوی و انگلیسی و... جهان اسلام را بین خودشان تقسیم کردند، عراق و حجاز به دست انگلیسی‌ها افتاد و شام و لبنان و سوریه به فرانسوی‌ها رسید.

این جا بود که بعد از چندصد سال آرمان بعثت دچار اختلال شد و امنیت کلمه توحید به خطر افتاد و تسلط کفر دوباره تکرار شد. گویا با ضعف مسلمین و قدرت گرفتن کفار، تاریخ می‌خواست به عقب و به قبل از بعثت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برگردد که دوباره تسلط عدو الله در حد کفر بود و منافقین حتی پرچم اسلام را هم دیگر داشتند کنار می‌گذاشتند و اسلام داشت به خرده فرهنگ تبدیل می‌شد.

پایان تقیه علمای شیعه در مقابل نفاق و آغاز مبارزه آن‌ها با کفر برای حفظ آرمان بعثت

این جاست که سنت الهی بر این قرار می‌گیرد که تاریخ به عقب برنگردد و تسلط کفار بر مسلمین محقق نشود. از این رو حرکت جدید فقهای شیعه رقم می‌خورد. فقهای شیعه تا قبل از این، در ذیل حکومت‌های اهل تسنن یا شاهان شیعه و ناچار از تقیه بودند؛ اما وقتی در مقابل کفار قرار گرفتند و خطر تسلط کفر را احساس کردند، بعضی از ایشان که به شرایط زمان توجه داشتند، این خطر را حس کردند و شروع به

ایجاد حرکت‌های بزرگ و جنبش‌های اجتماعی کردند که نمونه بارز آن را در فتوای تحریم تنباکوی میرزای شیرازی رحمته الله علیه می‌بینیم که در مقابل تسلط کفار بر بازار مسلمین در ایران بود. بعد حرکت شیخ فضل‌الله نوری رحمته الله علیه دربارهٔ نحوهٔ حکومت‌داری بر کشور اسلامی را شاهدیم. ایشان خطر روشن‌فکران غرب‌زده را که می‌خواهند دین را از طریق بهانه‌کردن مشروطیت کنار بگذارند، احساس می‌کند. یا آیت‌الله مدرس که خطر رضاشاه را که عمله و وابستهٔ کفر است، در ایران می‌بیند و در مقابل او می‌ایستد؛ یا خطر تسلط کفار بر نفت ایران که آیت‌الله کاشانی در مقابلش می‌ایستد.

پیروزی انقلاب اسلامی در امتداد سنت الهی: حفظ امنیت کلمه توحید در مقابل کفر مدرن

سرانجام کار بزرگ حضرت امام رحمته الله علیه آغاز می‌شود و با جمع‌بندی از این فراز و فرودها و قیام‌ها که طبیعتاً با آزمون و خطاهایی روبه‌رو بود، قیام می‌کند؛ آن‌هم در کجا؟ جایی که شاه می‌خواهد تنظیمات اجتماعی و برنامه‌ریزی و حکمرانی را عوض کند و برنامه‌های توسعهٔ غربی را که آمریکا به او پیشنهاد داده بود، در کشور اجرا کند. در این جا قیام حضرت امام رحمته الله علیه آغاز می‌شود. وقتی که یک فقیه مجاهد، یک نایب عام حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الیک در مسیر این سنت الهی قرار می‌گیرد، در این درگیری جای خودش را پیدا می‌کند و می‌خواهد جلوی تسلط کفر را بگیرد؛ می‌خواهد جلوی به قهقرا رفتن و بازگشت به تاریخ قبل از بعثت را بگیرد؛ می‌خواهد جلوی تسلط کفار بر مسلمین را بگیرد و ملتی هم این شعار را می‌پذیرد و پشت سرش حرکت می‌کند. آن‌وقت معجزه‌های الهی رقم می‌خورد و فتوحات معنوی و بزرگ و واقعیت‌های جدید جهانی به دست می‌آید و انقلاب اسلامی با دست خالی پیروز می‌شود.

حضرت امام علیه السلام نه حزب داشت و نه رسانه؛ نه چریک داشت و نه اسلحه. ایشان با آوردن مردم در خیابان‌ها بر اساس فرهنگ امام حسین علیه السلام و فرهنگ اربعین و چهلم‌های متوالی که خدای متعال به ایشان عنایت کرد، یک نظام پادشاهی با قدمت ۲۵۰۰ ساله تاریخی را فرومی‌پاشد؛ نظام پادشاهی‌ای که هم غرب طرفدارش است و هم شرق مخالف جایگزینی آن با نیروهای مذهبی است؛ یعنی هم ابرقدرت‌ها طرفدارش هستند و هم خودش یک قدرت فائقه در ایران دارد. این را با دست خالی (از جهت قدرتهای مادی و ملموس) اما قوی (از جهت قدرتهای الهی) از بین می‌برد و سرنگون می‌کند. چرا؟ چون در نقطه‌ای هم‌راستا با سنت الهی ایستاده و نباید بگذارد بعد از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که تسلط کفر از بین رفت، این تسلط دوباره برگردد. این‌جا این امام و این ملت که حرکت می‌کنند، دست نصرت الهی همراه‌شان می‌شود و یک واقعیت بزرگ رقم می‌خورد.

پس انقلاب اسلامی یک ثروت بسیار بزرگ تاریخی و معنوی و الهی در امتداد آرمان بعثت است؛ چون می‌خواهد جلوی تسلط کفار بر مسلمین بایستد؛ چون می‌خواهد بر اساس این سنت جلو برود: **«إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ بَلَاءٍ يُسَلِّطُ اللَّهُ فِيهَا عَدُوَّهُ عَلَىٰ وِلِيِّهِ»** و برسد به **«وَإِنَّ بَعْدَهَا دَارًا لَّيَسَّتْ هَكْدًا»**؛ برسد به دورانی که تسلط کفر از بین می‌رود. باید به آن سمت حرکت کنیم. نباید همین‌طور بایستیم تا خودش اتفاق بیفتد. اینکه انتظار ظهور نمی‌شود. اگر می‌خواهیم به سمت آن دورانی که خدای متعال، دنیا را برای آن دوران آفریده که دیگر کفار و عداوت‌الله مسلط نباشند، حرکت کنیم و ظهور و سپس رجعت اتفاق بیفتد، باید از همین حالا یک مسیری را برویم. لذا انقلاب اسلامی یک پیشرفت بزرگ برای امت اسلام است. یک هدیه الهی به ملت ایران است که

راه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را ادامه دادند و اسلام را دوباره وارد معادلات قدرت جهانی کردند.

ورود اسلام به معادلات قدرت جهانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

یکی از سرداران سپاه خاطره‌ای تعریف می‌کند که در سال ۵۹ ما مرتب به بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور گزارش می‌دادیم که عراق تحرکات نظامی زیادی در مرز دارد و این منجر به جنگ خواهد شد، اما بنی‌صدر به قاعدهٔ سیاسی متداول اتکا می‌کرد و می‌گفت: جنگ فقط موقعی رخ می‌دهد که توازن قوا به هم بخورد؛ وضعیت قدرت‌های بزرگ به هم بخورد؛ بعد در جایی تصمیم می‌گیرند که آن تغییر وضعیت را جبران کنند و الی آخر. آمریکا و شوروی که الآن وضعیت توازن قوایشان تغییری نکرده تا بخواهند منشأ ایجاد جنگ در یک کشور یا کشورهای دیگر بشوند!

اما دیدیم که جنگ اتفاق افتاد. بله، بنی‌صدر درست فهمیده بود که بین آمریکا و شوروی اتفاق جدیدی در وضعیت قدرتش پیش نیامده و تغییری در توازن قوا بین این دو تا نبود؛ اما آنچه به آن توجه نداشت، این بود که یک قطب جدیدی در جهان سر برآورده بود؛ قطب اسلام. انقلاب اسلامی فضای جهانی قدرت را تغییر داده بود، چرا؟ چون تا قبل از انقلاب اسلامی هر کس که می‌خواست به حاکمیت برسد، یک قدرتی را سرنگون کند و خودش به جایش بنشیند، این باید یا شرقی می‌بود، یا غربی. مقام معظم رهبری عَلَيْهِ السَّلَام در بیانیهٔ گام دوم می‌فرمایند:

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را

شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.

چپ و راست مدرنیته، هر دو مادی و مدرن بودند، ولی یکی چپ و یکی راست. یعنی دنیا بین دنیاپرستان تقسیم شده بود. اما این نمی‌شود؛ آرمان بعثت این نیست. آرمان بعثت این بود که اسلام در معادلات قدرت جهانی حضور داشته باشد؛ قرار بود امنیت توحید در سطح جهانی حفظ شود و تاریخ به قهقرا برنگردد. لذا حضرت امام ره آمد و گفت: «نه شرقی، نه غربی». وضعیت «یا شرقی یا غربی» برای رسیدن به قدرت را تبدیل کرد به «نه شرقی، نه غربی» و یک قطب جدید اسلامی ایجاد کرد. پس درست است که بین شرق و غرب تغییری ایجاد نشده بود، ولی ملت ایران فضای معادلات قدرت جهانی را به هم ریخته بود. این یک پیشرفت بزرگ است؛ این حفظ و امتداد همان آرمان بعثت است؛ این راه ملت ایران، راه نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ این نعمت بزرگ به رهبری حضرت امام ره برای ملت ایران فراهم شد.

می‌بینید که بعد از انقلاب اسلامی چه جرئت و روحیه عظیمی در بین مسلمین و حتی بین همه دینداران ایجاد شد. یک مبلغ بزرگواری که به کشور برزیل رفته بود، تعریف می‌کرد که در برزیل از نظر مذهبی، مسیحیت کاتولیک خیلی قوی است و پیروان زیادی دارد. من که برای تبلیغ اسلام به آن جا رفته بودم، یک دیداری با نماینده پاپ در آن جا داشتم. ایشان گفت: «وقتی شما در جنگ‌ها موفق می‌شوید، در وقایع موفق می‌شوید، ما خیلی خوشحال می‌شویم». من تعجب کردم و گفتم: شما مسیحی هستید و ما مسلمان. ما که باید رقیب هم باشیم، شما چطور از موفقیت ما خوشحال می‌شوید؟! گفت: چون شما به دینداری آبرو می‌بخشید. دین یک خرده فرهنگ شده بود که

انگار تأثیری در سرنوشت بشریت ندارد، اما شما نشان دادید که دین می‌تواند در سرنوشت بشر و جهان، اثر بگذارد.

تغییر وضعیت درگیری بین حق و باطل در عرصه سیاسی، بزرگترین نمونه پیشرفت دینی

بنابراین بزرگ‌ترین مسئله پیشرفت ما این است که توانستیم وضعیت سیاسی دنیا را از دست دنیاپرستان خارج کنیم و اسلام دوباره برگردد و همان راه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوباره محقق بشود و اختلالی که با فروپاشی امپراتوری عثمانی در امنیت کلمه توحید ایجاد شده بود، ترمیم گردد. لذا می‌بینیم که شرق و غرب که در همه مسائل باهم اختلاف داشتند، ولی در سرکوب جمهوری اسلامی و نظام اسلامی باهم متحد بودند و ائتلاف کردند؛ به خاطر اینکه یک قطب جدید قدرت درست شده بود.

ما باید بدانیم که چه ثروتی داریم؛ باید بدانیم چه سرمایه تاریخی بزرگی به ما رسیده است. اگر به مغازه‌ای برویم و یک تراول صد هزار تومانی در جیبمان باشد و کسی بگوید شما پولی ندارید، آیا ما شک می‌کنیم که پول در جیب ما هست؟ آیا شک می‌کنیم با پولی که در جیبمان هست، می‌توانیم خرید کنیم؟ نه، شک نمی‌کنیم. بله! مشکلات و نارسایی‌ها وجود دارد، اما آن قسمت دارایی‌مان را هم نباید فراموش کنیم و تمام سعی دشمن هم این است که ما همین دارایی را هم فراموش کنیم و روی مشکلات اداره کشور و وضعیت اقتصادی دست می‌گذارد. می‌خواهد با برجسته کردن این مشکلات و حذف دستاوردها و ثروت‌های مان، ما را تحقیر کند و دارایی‌هایمان را از بین ببرد.

۱۵۰ سال تلاش برای بازپس گیری «اصل حاکمیت» از کفار و دنیاپرستان

در حالی که منشأ این مشکلات فعلی این است که این درگیری‌هایی که داشته‌ایم، همه‌جانبه نشده. ما تازه توانستیم اصل حاکمیت و اصل قدرت را از دشمن بگیریم. آن سطحی از تسلط کفار که حاکمیت کشورهای مسلمان را هم به دست خودش یا عمالش گرفته بود، توانستیم از آن‌ها بگیریم؛ آن‌هم بعد از یک مبارزه ۱۵۰ ساله، از زمان میرزای شیرازی، مشروطیت، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی. باید بدانیم که دشمنان ما برای دنیایشان زیاد زحمت کشیده‌اند؛ از تنگناهای زیادی عبور کرده‌اند؛ توانمندی‌های زیادی پیدا کرده‌اند؛ لایه‌های مختلفی از کفر و ظلمت را روی هم چیده‌اند «ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ» که باید این لایه‌های متراکم را بشکنیم و جلو برویم. ما یک سطحی از این لایه‌های ظلمت را شکافته‌ایم و اصل حاکمیت را از آن‌ها پس گرفته‌ایم.

مرحله بعدی درگیری و پیشرفت: بازپس گیری «نحوه حاکمیت» از کفار و دنیاپرستان

اما در نحوه حاکمیت، آیا کفر و ایمان معنا ندارد؟ ظلم و عدل معنا ندارد؟ آیا تسلط کفر در نحوه حاکمیت فرض ندارد؟ در این جا همان کار را باید ادامه بدهیم. حضرت امام (ع) فهمید که محمدرضا نماینده کفر در ایران است، منشأ تسلط کفار آمریکا و انگلیس بر مقدرات اسلامی است، ما هم اگر بفهمیم که امروز در نحوه حاکمیت، نمایندگی کفر کجاست و چیست و سراغ مبارزه با آن برویم، آن وقت این مشکلاتمان هم حل می‌شود و پیشرفت‌های جدید محقق خواهد شد؛ چون یک جامعه سیاسی بنا کردیم و قدرت را از عداوت‌الله پس گرفتیم.

در بخش فرهنگی و اقتصادی، اگر هنوز درک نکرده باشیم که تسلط آن‌ها از چه طریق انجام می‌شود، آن وقت بر ما مسلط خواهند شد، و جامعه‌ای که می‌خواهد تسلط سیاسی کفر را کنار بزند، اما تسلط فرهنگی و اقتصادی‌اش را بپذیرد، دچار ناهنجاری و بی‌نظمی می‌شود. دشمن هم بر این به هم‌ریختگی‌ها سوار می‌شود و بدون اینکه تحلیلی که گفتیم را ارائه بدهد، می‌خواهد مردم را ناامید کند.

صادرات «قدرت ایمان» به «جهان اسلام» توسط ملت ایران

ولی این مردم، مردمی هستند که قدرت بزرگی در جهان تولید کردند و جرئت روحی بزرگی به جهان اسلام دمیدند؛ به طوری که الان مردم غزه هم جرئت می‌کنند جلوی اسرائیل با آن ارتش میلیارد دلاری و تجهیزات برتر تکنولوژیکش بایستند و از دیوار چندمیلیارد دلاری که دور غزه کشیده بودند، عبور کنند. مجله «پلیتیکو» نشریه تخصصی سیاست خارجی آمریکا رسماً پس از طوفان الاقصی نوشت: «شکست فناوری اسرائیل». این فناوری‌ای که این همه به خاطرش به ما فخر می‌فروشدند و می‌گویند شما ندارید و بدبختید و آن‌ها چقدر پیشرفته هستند، این جلوی قدرت ایمان و حماسه (که منبعث از محور مقاومت و تلاش ملت ایران است)، درهم شکست. اسرائیل در فناوری امنیتی، برتر است و حتی شرکت‌های آمریکایی هم خریدار محصولات آن هستند. اما افسانه این برتری درهم شکست. ما با بودجه اندک نظامی در حدود بیست میلیارد دلار، در مقابل بودجه نظامی هشتصد نهمصد میلیارد دلاری آمریکا ایستاده‌ایم و در منطقه شکستش داده‌ایم. چه چیزی این فاصله چند ده برابری را پر کرده؟ قدرت ایمان ملت ایران. این قدرت، میراث نبی اکرم صلی الله علیه و آله برای حفاظت از کلمه توحید است. پس ما چنین قدرتی داریم. آن‌ها نباید ما را تحقیر کنند. ولی مسئله این است

که همان طور که حضرت امام علیه السلام فهمید محمدرضا پهلوی نماینده کفر است، ما باید نمایندگان کفر و جریان‌ها و ساختارهای کفر و عدو الله و تسلط آن‌ها را در فرهنگ و اقتصاد تشخیص بدهیم. اگر تشخیص دادیم و از آن فاصله گرفتیم و به سمت راه‌حل‌های الهی حرکت کردیم، آن وقت فتوحاتی مثل فتوحات بهمن ۵۷ دوباره رقم خواهد خورد؛ قدرت بزرگ‌تری از ملت ایران آزاد خواهد شد و انفجارهای بزرگ‌تری را در جهان ایجاد خواهد کرد که این را بایک مثال توضیح می‌دهم:

تجربه انقلاب برای پیشرفت دینی: درگیری با راهکارهای باطل و ابتکار راهکار جدید در دفاع مقدس

وضعیت ابتدای انقلاب را در نظر بگیرید که چه طور بود. تازه انقلاب شده و همه مسائل کشور بر دوش امام و یارانش بود؛ کسانی که هیچ تجربه‌ای در اداره کشور ندارند، به خاطر اینکه هیچ وقت طاغوت اجازه نداده بود که مؤمنین به حکومت برسند. از آن طرف، فشار سازمان منافقین و همه آن ترورها، از این طرف شروع جنگ، یک وضعیت بهم‌ریخته بسیار سختی که رهبری درباره آن فرمودند: «خدای سال شصت که ما را از اینها عبور داد، خدای سال ۱۴۰۰ هم هست». ما چطور از این وضعیت عبور کردیم؟ گفتند نمی‌شود جنگ را ادامه داد، چون جنگ سخت‌افزار می‌خواهد و ما سخت‌افزارهایی که مقابل صدام بایستد، نداریم. کل شرق و غرب به صدام کمک می‌کنند. ما سخت‌افزارهای متناسب جنگ را نداریم؛ لذا باید زمین بدهیم و زمان بگیریم. این حرف برآمده از تخصص جنگی متداول بود و یک سال اول جنگ هم که می‌خواستیم بر اساس منطق سخت‌افزار بجنگیم، مدام شکست می‌خوردیم.

اتفاقی که افتاد، این بود که دیدیم وقتی تخصصی که همه جنگ‌ها با آن

مدیریت می‌شود، در کشور ما جواب نمی‌دهد، عقب‌نشینی نکردیم؛ گفتیم پس آن تخصص را کنار بگذاریم و یک ابتکار جدیدی بکنیم. ما اگر سخت‌افزار نداریم، نیروی شهادت‌طلب که داریم و با این نیروی شهادت‌طلب می‌شود پیروزی‌هایی به دست آورد. لذا عملیات‌های جدیدی شکل گرفت. البته نه اینکه بسیجی‌ها همین‌طوری بریزند و بدون تدبیر جلو بروند؛ بلکه یک تدبیر و تخصص و یک راهکار جدید ایجاد شد که وقتی عملیات می‌کردیم، دشمن غافلگیر می‌شد؛ چون اصلاً این نحوه عملیات برایش معنا نداشت؛ سابقه نداشت؛ چون شهادت‌طلبی وارد میدان جنگ شده و بقیه محاسبات و نحوه مدیریت عملیات و طراحی عملیات‌ها را تغییر داده بود. شهید باقری‌هایی آمده بودند و گفته بودند که باید استراتژی جنگ عوض بشود. آن‌جا بود که از سال ۶۱ وضعیت جنگ عوض شد و پیروزی‌های ما آغاز شد. مسئله این است.

تجربه انقلاب برای پیشرفت دینی: درگیری با راهکارهای باطل و ابتکار راهکار جدید در دوران مبارزه

خود حضرت امام علیه السلام هم چون از راهکارهای شرقی و غربی استفاده نکرد، پیروز شد. راهکار شرقی در ساقط کردن حکومت، کار مسلحانه بود. حضرت امام علیه السلام به مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق راه نداد. راهکار غربی در ساقط کردن حاکمیت این بود که حزب بزنند و در انتخابات شرکت کنند و در مجلس، کرسی بگیرند و به دولت فشار بیاورند. حضرت امام علیه السلام این کار را هم نکرد؛ لذا به ایشان می‌گفتند شما شکست می‌خورید. حضرت امام علیه السلام اگر می‌خواست از این راه‌ها استفاده کند، دوباره باید به بلوک شرق و غرب تکیه می‌کرد؛ درحالی‌که ایشان می‌خواست قدرت کفر را کنار بزند.

توانایی امنیتی و سفاک بودن رژیم پهلوی هم، این دوراهکار را در ایران نابود کرده و به بن‌بست رسانده بود. هم نهضت آزادی که نمایندهٔ راهکار غربی در ساقط کردن حاکمیت بود، سال ۵۵ و ۵۶ سرکوب شده بود، و هم سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق که نماینده راهکار شرقی بود، سرکوب شده بودند. اینجا بود که خدای متعال راه جدیدی باز کرد و مردم را به میدان آورد. ۱۹ دی ۵۶ رقم خورد؛ چهلم‌های شهدای ۱۹ دی و در تبریز و یزد و بعد چهلم‌های متوالی، قدرت و تسلط شاه را شکست. شاه وقتی راهپیمایی تاسوعا و عاشورای مردم را دید، تصمیم گرفت که از ایران فرار کند.

در جنگ هم همین‌طور بود. تا موقعی که ما از راهکار نظامی متداول و تخصص جنگی متداول استفاده می‌کردیم، شکست می‌خوردیم؛ چون قدرت طرف در آن تعریف شده و قوی‌تر بود. اما وقتی روحیهٔ شهادت‌طلبی به میان آمد، وضع تغییر کرد. البته نه بدون تدبیر، بلکه با طراحی جدید عملیات‌ها؛ به‌عنوان مثال: شهادت‌طلبی ترکیب شد با یک قایق تندروی کوچک یا یک سلاح ساده مثل آرپی‌جی و توانست ناوگان چندمیلیارد دلاری آمریکا را به چالش بکشد. با یک هزینهٔ بسیار کم توانست این تفاوت عظیم با امکانات دشمن را جبران کند. قدرت ایمانی که با یک راهکار کم‌هزینه ترکیب شده بود، موجب این موفقیت شد. همان قدرت ایمانی که امروز به بسیاری از مناطق جهان صادر شده است. این پیشرفت ماست. قدرت ایمان را آن قدر عملی و محقق کردیم که همه قدرتش را فهمیدند و به‌کار گرفته‌اند. امروز با راکت‌های ضدزره یاسین پانصد دلاری، تانک‌های مرکاواوی پنج‌میلیون دلاری اسرائیل منفجر می‌شود. این فاصلهٔ ده هزار برابری در این میان را قدرت ایمان پر کرده؛ این قدرت ایمان را ملت ایران صادر کرده؛ ما «صادراتِ قدرت ایمان» داریم.

دیروز؛ «نه شرقی؛ نه غربی» در اصل حاکمیت و امروز؛ «نه توسعه‌یافته؛ نه در حال توسعه» در نحوه حاکمیت

بنابراین، امروز هم اگر در چالش‌های فرهنگی و اقتصادی بفهمیم که تسلط کفر بر آن چگونه است، آن وقت می‌توانیم فضا را عوض کنیم، لذا باید «استراتژی جنگ اقتصادی» عوض بشود. ملتی که نظم سیاسی جهان را به هم ریخته، مگر نظم اقتصادی جهانیان ماده‌پرست را می‌پذیرد؟! ملت ایران نظم اقتصادی آن‌ها را هم نمی‌پذیرد. ولی کارشناسی و تخصص موجود، نمی‌تواند این را توضیح بدهد و تشریح بکند. نظم اقتصادی را با همان معیارهای مادی جهانی کفرآمیز می‌سنجند و به شما می‌گویند: وقتی می‌خواهیم اقتصادتان را بسنجیم، باید بینیم یک کشور توسعه‌یافته هستید یا در حال توسعه! مثل مسئله قدرت سیاسی که می‌گفتند یا شرقی باش، یا غربی؛ اما حضرت امام علیه السلام گفت: «نه شرقی، نه غربی»؛ فقط قدرت اسلام. این جا هم یک دوگانۀ «توسعه‌یافته» یا «در حال توسعه» برای ما ساخته‌اند. آمارهای توسعه‌یافتگی را هم اینها می‌دهند و می‌گویند شما آمار خوبی ندارید و بدبختید. می‌خواهند ملت ایران را تحقیر و ناامید کنند.

روایت پیشرفت از طریق دستیابی به آمار «مقابله ملت ایران با راهکارهای اقتصادی باطل»

درحالی‌که آنچه باید آمارش معلوم بشود، به هم ریختن نظم‌های اقتصادی مادی، نظم‌های فرهنگی مادی، نظم‌های سیاسی مادی است که ملت ایران این را رقم زده است. این روایت پیشرفت آن جا شکل می‌گیرد که به هم ریختن این نظم‌های مادی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را ما روایت کنیم. اصلاً دستگاه آماری جدید باید ایجاد شود. هنر ملت ایران و قدرت این ملت، دستگاه آماری جدید را سفارش

می‌دهد. با آمارگیری‌های متداول اینها را نمی‌شود گرفت؛ درحالی‌که ما آشکارا می‌بینیم که پانصد دلار چطور پنج میلیون دلار را منفجر می‌کند! بنابراین امروز هم برای ادامهٔ راه انقلاب و ادامهٔ آرمان بعثت باید این دوگانهٔ دوم را هم بشکنیم. ما با شکستن آن دوگانهٔ مادی، اصل حاکمیت را گرفتیم، حالا در نحوهٔ حاکمیت، یک دوگانهٔ مادی دیگر است. می‌گویند نحوهٔ حاکمیت باید بر اساس توسعه‌یافتگی باشد. یک آمار خاص و یک روش خاصی هم دارد. آن روش‌ها را متخصصین و کارشناسان اقتصادی و فرهنگی مطرح می‌کنند و ملت ایران و رهبران‌شان هم نمی‌پذیرند و بعد یک ناهنجاری و بی‌نظمی ایجاد می‌شود.

ضرورت فشار و مطالبه مردمی برای حرکت حوزه و دانشگاه به سمت ابتکار در راهکارهای اقتصادی

لذا برای رسیدن به «نظام انقلابی»، باید ببینیم راهکارهای اقتصادی الهی چیست و از آن راه‌ها برویم. اگر مردم این را مطالبه کنند، نخبگان به حرکت درمی‌آیند و این راهکارها را تولید می‌کنند. امروز برآیند کار حوزه و دانشگاه ما به انقلاب و به آرمان بعثت کمک نمی‌کند؛ چون این راهکارهای الهی را تولید نمی‌کند. این راهکارهای ادارهٔ کشور یک امر علمی است و کار علمی باید برای آن بشود و اینها قبول نمی‌کنند. در حوزه بعضی‌ها می‌گویند این امور عقلایی است و ربطی به دین ندارد! در دانشگاه بعضی می‌گویند اینها تجارب بشری است و همین است که هست و چیز دیگری نیست! درحالی‌که ما در جنگ نشان دادیم که یک راهکار دیگری وجود دارد.

نفی راهکارهای باطل و ابتکار راهکار جدید؛ منشأ عظمت حاج قاسم سلیمانی

حاج قاسم سلیمانی اگر این قدر عظمت دارد، به خاطر این است که از کنار گذاشتن تخصص‌ها و چارچوب‌های معمول جهانی نترسید و به این راهکارهای جدید جنگی اعتقاد داشت و اعتقادش به این راهکار را حفظ کرد و آن را بازتولید و به‌روز کرد و در جنگ با آمریکا، در عراق و سوریه و در مبارزه با تروریسم و تلاش آمریکا برای تصاحب خاورمیانه به‌کار گرفت. ملت ایران هم عاشق این شخصیت بزرگ شدند؛ چون این کارآمدی ایشان، بر محور قدرت ایمان و شهادت‌طلبی رقم خورده و به‌روز هم شده بود.

راهکار باطل در «جنگ اقتصادی»: «تولید» بر محور سرمایه و «مصرف» بر محور فاصله طبقاتی

در استراتژی جنگ اقتصادی هم اگر بخواهیم این فشار تورم و گرانی را از ملت برداریم تا ناامیدی و نارضایتی آن‌ها کم بشود و دشمن زخمی پیدا نکند که رویش نمک بریزد، اگر بخواهیم این راه را برویم، باید توجه کنیم که تسلط اقتصادی کفر در کجاست. تسلط اقتصادی کفر در این است که می‌گوید: باید تولید کنید، اما با قرائت سرمایه‌داری، با شرکت‌های بزرگ، با کارتل‌ها، با سرمایه‌های بزرگ، اما ملت ایران این را نمی‌پذیرد؛ چون این راه سرمایه‌داران جهان است. ملت ایران بر ضد این قیام کرده که عده‌ای بخواهند به اسم پیشرفت کشور، ثروتمند بشوند و بعد یک قشر بزرگی هم فقیر بمانند. به قول مقام معظم رهبری: «دره‌های فقر در کنار قله‌های ثروت». این راه را ملت ایران نمی‌پذیرد و کارشناسان اقتصادی هم مدام می‌خواهند ملت و کشور را به این سمت بکشانند. ملت نمی‌رود کارگر بخش‌های خصوصی بزرگی

بشود که بعد بخواهند به خاطر سرمایه‌های بزرگشان، بر مقدرات کشور مسلط بشوند؛ کما اینکه در کشورهای دنیا چنین شده. از یک طرف می‌گویند باید تولید را بر اساس منافع شرکت‌های خصوصی و سرمایه‌های بزرگ بیشتر کنید، از سوی دیگر می‌گویند مصرف باید به صورت طبقاتی باشد، وگرنه مصرف زیاد می‌شود و همه تولیدات، مصرف می‌شود و درآمدی باقی نمی‌ماند. پس مصرف را هم طبقاتی می‌کنند. ملت ایران این فاصله طبقاتی در مصرف را هم می‌شکند.

مقابله ملت انقلابی و عدالتخواه ایران با «راهکار اقتصادی باطل»

پس این برهم زدن نظم مادی باید به سمت یک نظم جدید الهی برود، وگرنه تولید ما کم است، چون نمی‌خواهیم از راه سرمایه‌دارها برویم و مصرف ما زیاد است، چون فاصله طبقاتی را نمی‌پذیریم. ملتی که تولیدش کم باشد، اما مصرفش زیاد باشد، بدهکار می‌شود. این بدهکاری کجا خودش را نشان می‌دهد؟ در ارزش پول ملی‌اش. ارزش ریال پایین می‌آید و گرانی همه چیز را دربرمی‌گیرد و مدام تکرار می‌شود. این را کارشناسان اقتصادی نمی‌فهمند که اگر آن نسخه در همه جهان جواب داده، به این دلیل است که آن ملت‌ها تحقیر جلوی سرمایه و نظام‌های مادی را پذیرفته‌اند؛ اما این ملت نمی‌خواهد بپذیرد. کارشناسان اقتصادی این را نمی‌فهمند. همان‌طور که کارشناسان جنگ و سیاست می‌گفتند راه مبارزه و جنگ این‌جوری است، اما ملت ایران از آن راه نرفت، ولی بازهم پیروز شد؛ حالا هم باید این را بفهمیم و مطالبه کنیم تا نخبگان حرکت کنند و راهکارش را بیانند که چطور می‌شود تولید بالا داشت، اما نه بر محور سرمایه‌داری، و چطور می‌شود مصرف را کنترل کرد، نه با فاصله طبقاتی. عدالت در تولید و مصرف چگونه رقم می‌خورد که بعد این ملت عدالت‌خواه بتواند با

آن همراه بشود؟ اگر ما پاسخ این را پیدا کنیم، دوباره همان فتوحات بزرگ رقم می‌خورد و آن قدرت‌های بزرگ از ملت ایران ساطع می‌شود و پیشرفت‌های بزرگ صورت خواهد گرفت.

رفتار اقتصادی امیرالمومنین، مظهر «تولید» بر محور وقف و «مصرف» بر محور قناعت

ما این توان را داریم. مسئله این است که روش اداره کشور و راهکارهای آن اگر کفرآمیز و آمیخته با نظم‌های مادی باشد، این ملت نمی‌پذیرد، لذا باید نظم الهی جدید را پیدا کنیم. امیرالمؤمنین علیه السلام هم تولید ثروت بسیار داشت، اما مصرف قناعت‌گونه هم داشت. فقط درآمد آن حضرت از کشاورزی، چهل هزار دینار طلا بود! اما تولید ثروتش از راه سرمایه‌داری نبود، بلکه بر محور انگیزه‌های الهی و وقف بود. امروز همکاری مردم و انگیزه‌های بالای دینی‌شان چرا نتواند خط تولیدهای متناسب با ملت ایران را رقم بزند، نه خط تولیدهای سرمایه‌داری را. چرا اموال موقوفه حرم‌های مطهر در سراسر ایران، تأمین مالی خط تولیدهای غیرمتمرکز را به عهده نگیرند تا حکومت سرمایه بر خطوط تولید شکسته شود؟ نیروهای جهادی چرا فقط باید در سیل‌ها و زلزله‌ها کار کنند؟ چرا در اقتصاد کلان نیایند و تغییر الگوی تولید را بر عهده نگیرند و آن را از سرمایه‌سالاری نجات ندهند؟ همان‌طور که در الگوی جنگ، طراحی عملیات‌ها را با قشر شهادت‌طلب تغییر دادیم و سرنوشت جنگ و شکست در آن را از سیطره سخت‌افزارمحوری نجات دادیم.

اگر با این نگاه جلو برویم و الگوی تولید با اخلاق ملت تناسب پیدا کند، تولیدمان زیاد نمی‌شود؟ مصرفمان هم بدون فاصله طبقاتی و

بر اساس قناعت کنترل نمی‌شود؟ می‌دانید این چه تغییرات بزرگی در ایران و جهان درست می‌کند؟ کما اینکه در سال ۶۱ و ۶۲ وقتی آن نظام الهی را ایجاد کردیم، در ابتدا خبری نبود؛ اما بعد از بیست سی سال به منطقه صادر شد و فضای سیاسی خاورمیانه را درنوردید. اگر ما این نظم الهی جدید در ایران را در اقتصاد هم پیاده کنیم، آن وقت نه تنها مشکلات خودمان را حل خواهد کرد و مثل زمان جنگ تحمیلی، پیروزی را برای ما به ارمغان خواهد آورد، بلکه به جاهای دیگر هم صادر خواهد شد و یک قطب جدید و قدرتمندی را در اقتصاد ایجاد می‌کند و قدرت جمهوری اسلامی را تعمیق می‌بخشد. وگرنه تولید ضعیف و مصرف زیاد، این کشور را بدهکار می‌کند و کشور بدهکار، ارزش پول ملی‌اش پایین می‌آید؛ مثل تاجر ورشکسته‌ای که کسی پولش را قبول نمی‌کند. می‌گویند این ملت هم تولیدش کم است و مصرفش زیاد، و پولش را قبول نمی‌کنند، مگر به مبالغ بالاتر. ارزش پول ملی این طور پایین می‌آید.

بنابراین برای مسائل و چالش‌های بزرگی که امروز در اقتصاد داریم، باید این سنت الهی درگیری با قواعد کفرآمیز را ادامه بدهیم. درگیری با تسلط کفر در اقتصاد هم داریم و باید این را تشخیص بدهیم که کفر در کجای اقتصاد ماست، در تولید و مصرف، چطور می‌خواهند سرمایه در تولید و فاصله طبقاتی در مصرف را حاکم کنند. باید این را تشخیص بدهیم و از آن فاصله بگیریم تا راهکارهای الهی شکل بگیرد و در واقع با علم الهی رقم بخورد. آن وقت سطح بعدی پیشرفت هم به دست خواهد آمد؛ کما اینکه تاکنون هم پیشرفت داشته‌ایم. عرض کردم که اگر آمارهای توسعه‌یافتگی غربی مبنا باشد که همه‌اش تحقیر ملت و نظام جمهوری اسلامی است که می‌گوید: این توسعه‌یافتگی را در این جاها به دست نیاورده‌اید و بیچاره‌اید، اولاً آمارهای پیشرفت ما

آمارهای به هم ریختن نظم‌ها و تسلط‌های مادی است؛ ثانیاً ایجاد نظم الهی مسیر بعدی ماست؛ کما اینکه حضرت امام علیه السلام که می‌خواست حکومت شاهنشاهی وابسته به کفار را به هم بزند، مسئله ولایت فقیه را مطرح کرد. این جا هم اگر می‌خواهیم نظم‌های اقتصادی کفار را به هم بزنی، باید یک نظم جدید الهی ایجاد کنیم. البته نظم اقتصادی که کارشناسان پیشنهاد می‌دهند، به جز این که کفرآمیز است، در کشوری که در مقابل کفار و نظم سیاسی آن‌ها ایستاده، قابل تحقق نیست. بخاطر همین است که هر دولتی با هر سلیقه‌ای که می‌آید، در کنترل تورم شکست می‌خورد چون این نسخه در میان این ملت، قابل اجرا نیست.

راز تداوم «تورم» در ایران: تکیه متخصصین به «تولید سرمایه‌محور» و «مصرف تبعیض‌آلود»

بعضی‌ها می‌گویند: چرا تورم همه جا کنترل شده، اما این جا نمی‌شود؟ چون تورم را با قوانین سرمایه‌داری کنترل می‌کنند و این ملت، آن قواعد را نمی‌پذیرد. بنابراین، درست است که باید تولید بالا و مصرف کم باشد اما نه با اخلاق مادی. مظهر تولید بالا و مصرف کم به صورت الهی، روش اقتصادی امیرالمؤمنین علیه السلام است. ما باید این را از نخبگانمان در حوزه و دانشگاه مطالبه کنیم که امتداد روش آن حضرت در امروز چیست. کما این که نخبگان مبارز در ابتدای انقلاب می‌خواستند همان کار نهضت آزادی یا سازمان مجاهدین خلق را بکنند، ولی مردم پشت سر حضرت امام علیه السلام ایستادند که آن راه را نمی‌رفت. بنابراین همه نخبگان مجبور شدند دنبال مردم بدون و نهضت آزادی و سازمان مجاهدین هم آمدند و گفتند ما پشت سر حضرت امام علیه السلام هستیم. این جا هم وقتی ملت این بصیرت را پیدا بکند، منبرها این بصیرت را به مردم بدهند، دیگر کارشناسی اقتصادی متداول، چه از طرف اصولگرا باشد

و چه اصلاح طلب، زیر سؤال می‌رود و باید به دنبال پاسخ‌های جدید در اقتصاد برود. آن وقت پیشرفت بعدی هم رقم خواهد خورد. لذا باید بدانیم که چه ثروتی داریم و این ثروت از چه منظری در معرض خطر است و خطر را برطرف بکنیم؛ نه اینکه دشمن بخواهد با این خطرات، ما را ناامید کند و حتی به ما بباوراند که آن ثروت قبلی را هم نداریم.

این راهی است که حاج قاسم‌ها را تربیت کرده. حضرت امام (ع) این راه را رقم زد در زمانی که هیچ قدرتی نداشت؛ اما با هم به قدرت حزب و رسانه (در نوع غربی)، و قدرت سلاح چریکی (در نوع شرقی) تکیه نکرد و خدا برایش قدرت جدیدی ایجاد کرد. در زمانی که ما سخت افزار نظامی نداشتیم، به آن‌ها تکیه نکردیم و به شهادت طلبی تکیه کردیم و خدا راه جدید را به ما نشان داد. در این زمان هم اگر راه کفار که سرمایه‌داری و فاصله طبقاتی است را کنار بگذاریم، خدای متعال راه جدیدی را با انگیزه‌های دینی به روی ما می‌گشاید که می‌تواند تولید را بالا ببرد و مصرف را کاهش بدهد و در نتیجه، بدهکاری ملی از بین برود و قدرت پول ملی بالا برود و تورم کاهش پیدا کند و فشار اقتصادی از مردم کم بشود؛ به شرطی که ما از تسلط اقتصادی کفر فاصله بگیریم و برای پیدا کردن راهکارهای الهی اقتصاد، زحمت علمی بکشیم یا با جدیت، آن را از نخبگان مطالبه کنیم.

درگیری با راهکار اقتصادی باطل، منشأ مرحله‌ای جدید در پیشرفت دینی و آغاز آمادگی برای ظهور

این ادامه راه انقلاب، ادامه راه بعثت و ادامه آن چیزی است که حضرت امام صادق (ع) فرمود: «وَإِنَّ بَعْدَهَا دَارًا لَيْسَتْ هَكَذَا». این طور کم‌کم به سمت آن مسیری می‌رویم که حضرت ولی عصر (ع) می‌خواهد تسلط بر عدو الله را رقم بزند. وقتی که همه جوانب این تسلط کفار بر

خودمان را نفی کردیم و راه‌حل جایگزین را یافتیم، آن وقت حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: اگر من بیایم، اینها توانایی آن را دارند که دور من را بگیرند و ما جهان را تغییر بدهیم.

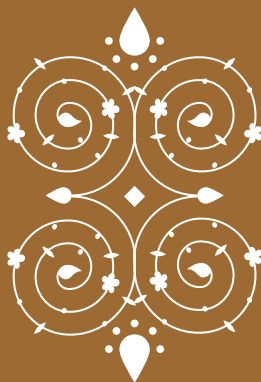
آن وقت که فرهنگ و اقتصادمان هم مثل سیاستمان از تسلط کفر فاصله بگیرد، قدرت جدیدی پیدا خواهیم کرد که معنا دارد که حضرت را دعوت کنیم بیایند و بتوانیم اطراف ایشان را بگیریم و ایشان حکومت جهانی را رقم بزنند. چون اگر حضرت می‌خواستند حکومت جهانی را به تنهایی ایجاد کنند که هزار سال پیش هم می‌توانستند. مسئله این است که با یک امت الهی نفوذناپذیر و مستحکم می‌خواهند این کار را انجام بدهند؛ آن هم در مقابل همه قدرت‌های جهان. این را باید امروز تمرین کنیم و گام‌های بعدی را برداریم. گام اول انقلاب در نفی دوگانۀ شرق و غرب مادی انجام گرفته و در گام دوم نفی دوگانۀ «توسعه یافته» و «در حال توسعه» هم باید رقم بخورد. آن وقت می‌توانیم بگوییم که آمادگی برای ظهور شکل گرفته است، ان شاء الله.

سخنرانی چهارم

مسیر انقلاب؛ پیشرفت یا پسرفت؟!

تبیین خاستگاه و هدف انقلاب اسلامی و ادامه آن تا ظهور
(بیان ۴۵ سال پیشرفت)

برگرفته از سخنرانی دکتر حسین سوزنجی؛ به قلم تبلیغی سید قدیر حسینی





منحرف نشده ایم؟

در اسلام بر ارزش کار یدی و عرق جبین کارگر تأکید فراوان شده است و تلاش برای کسب روزی حلال، جهاد محسوب می‌شود؛ تا جایی که پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله دست پینه‌بسته کارگر را می‌بوسد و می‌فرماید: «این دست در آتش جهنم نمی‌سوزد»^۱ اما در فرهنگ عمومی ما عباراتی مثل «عَمَله» و «حَمَال» فُحش محسوب می‌شود. این در حالی است که اگر عَمَله و کارگر نبود، نه مسجدی ساخته می‌شد، نه مدرسه‌ای، نه بیمارستانی و نه کارخانه و خانه‌ای!

۱. «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أَقْبَلَ مِنْ غَرَّةِ تَبُوكَ اسْتَقْبَلَهُ سَعْدُ الْأَنْصَارِيُّ، فَصَافَحَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: مَا هَذَا الَّذِي أَكْتَبَ يَدَيْكَ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَضْرِبُ بِالْمَسْرِ وَالْمِسْحَاةِ فَأَنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِي. فَقَبَّلَ يَدَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَ قَالَ: هَذِهِ يَدٌ لَا تَحْمُسُهَا النَّارُ أَبَدًا». انس بن مالک گوید هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جنگ تبوک بازگشت، سعد انصاری به پیشواز وی آمد. پیامبر پس از آن که دست او را فشرد، به وی فرمود: به چه سبب دستانت این گونه سخت و زیر شده است؟ گفت: ای رسول خدا! بیل می‌زنم و طناب می‌کشم و خرج زندگی خانواده‌ام می‌کنم. پس رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دست وی را بوسید و فرمود: این دستی است که هرگز آتش به آن نمی‌رسد. (أسد الغابة، ابن اثیر ج ۲ ص ۲۶۹؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۷، ص ۳۵۳).

کار کردن آن قدر اهمیت دارد که در فیلم‌های خارجی نیز نشانه زنده بودن و نشاط معرفی شده است؛ مثلاً زنی می‌گوید: «من سخت کار می‌کنم، پس انسان ارزشمندی هستم!»؛ اما در فیلم ایرانی می‌گویند: «یک عمر بی‌خودی سگ‌دو زدم و عمرم را بی‌جهت در کارکردن تلف کردم!». این از فرهنگ کشور که الگوش را از فیلم‌ها و سریال‌ها می‌گیرد و در سایر مباحث نظام هم از این دست انحرافات مشاهده می‌شود (رانت و پارتی و زیرمیزی و...).

امروزه شبهه‌ای عمومیت یافته و معمولاً شما نخبگان عزیز در فضای مجازی با آن برخورد کرده‌اید که در مورد انقلاب اسلامی است و جالب آنکه تکراری هم هست، ولی چه کنیم که پیوسته بیان می‌شود! آن شبهه این است:

با توجه به مشکلاتی که در حکومت و جامعه مشاهده می‌کنیم، آیا می‌توان گفت که هنوز نظام در مسیر اصلی خود حرکت می‌کند و دچار انحراف نشده است؟ آیا هدف از انقلاب همین بوده؟ آیا با وجود مشکلاتی که می‌بینیم و از طرفی، بعضی از مسئولین هم تصمیماتی می‌گیرند که هیچ تناسبی با انقلاب ندارد، آیا ما همچنان در مسیر انقلابمان حرکت می‌کنیم؟!

برخی با بیان مشکلاتی که در کشور وجود دارد و با اشاره به افراد نابابی که گاه در مسئولیت‌های نظام قرار می‌گیرند و ضربه می‌زنند، مسئله را این‌طور مطرح می‌کنند: آیا انقلاب کردیم که وضع کشور این‌گونه شود؟! و القا می‌کنند که انقلاب از مسیر خود دور شده و در حال انحطاط است.

عزیزان! من هم مثل شما این گله‌ها و نقدها را قبول دارم و می‌بینم که موافق با دستورات و اهداف اسلام نیست؛ ولی قبل از پرداختن به

این مشکلات، اول می‌خواهم برای شمایی که دغدغه انقلاب و دفاع از آرمان‌های انقلاب و اسلام را دارید، چند نکته را عرض کنم.

بهترین مبنای مقایسه، رجوع به آیات و روایات

قطعاً قضاوت درباره اسلامی بودن یا نبودن جامعه باید با استناد به آیات قرآن کریم و سنت معصومین علیهم‌السلام به‌ویژه سنت نبوی باشد؛ نه بر اساس سلیقه‌های شخصی و برداشت‌های احساسی ما از اسلام؛ آن هم با نگاهی واقع‌بینانه؛ یعنی با ملاحظاتی که بخواهد آرمان اسلام را در متن واقعی جامعه بررسی کند. بدین منظور بهترین مبنای مقایسه این است که انقلاب خود را با معتبرترین انقلاب اسلامی عالم، و حکومت خود را با اسلامی‌ترین حکومت اسلامی عالم مقایسه کنیم، نه با تخیلات شخصی خود از انقلاب و حکومت اسلامی.

مهم‌ترین انقلاب اسلامی عالم، انقلابی بود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انجام داد که به شکل‌گیری اولین حکومت اسلامی منجر شد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اصحابشان تا در مکه بودند، حکومت نداشتند. وقتی هجرت کردند و به مدینه آمدند، اولین حکومت اسلامی را تاسیس کردند؛ یعنی انقلاب به ثمر رسید و این هجرت جزء ایام‌الله شد و برای اینکه دائماً مسلمانان متذکر این ایام‌الله باشند، مبدأ تاریخ مسلمانان قرار گرفت.

آیا با انحرافات در جامعه نبوی، انقلاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هدر رفته؟!

پرسش مهم این است که وقتی این انقلاب رخ داد، چه شد؟ آیا انقلاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دچار انحراف شد؟ یعنی نعوذ بالله آیا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کارش هدر رفته است؟ در میان ما شیعیان، به‌ویژه با توجه به آنچه بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رخ داد، مسئله پیچیده‌تر می‌شود. اما فعلاً محل بحث را

زمان خود پیامبر ﷺ قرار می‌دهیم که بین شیعه و سنی در خصوص آن اختلاف نظری نیست. قطعاً ما، اعم از شیعه و سنی، حکومت پیامبر اکرم ﷺ در مدینه را برترین نمونه یک حکومت اسلامی می‌دانیم و در مسیر اسلام بودن همه حکومت‌ها را باید با آن بسنجیم.

هر کس که اندکی از تاریخ اسلام مطلع باشد، می‌داند که حکومت پیامبر ﷺ در مدینه یک حکومت بدون مشکل نبود. اگر مشکلات خاصی در حکومت پیامبر ﷺ که بالاترین نمونه حکومت اسلامی در جهان است، وجود داشته باشد، معلوم می‌شود که با استناد به این سنخ مشکلات نمی‌توان در مسیر اسلام بودن یک حکومت را انکار کرد. به تعبیر دیگر: اگر بخواهیم آرمان خود را واقع‌بینانه تحلیل کنیم، آن‌گاه ضمن اینکه از اصل آرمانمان دست برنمی‌داریم، به اقتضای واقع‌بینی، انتظاری بیش از انتظار از حکومت پیامبر ﷺ از حکومت خود نخواهیم داشت. پس قبل از اینکه بخواهیم در مسیر اسلام بودن حکومت فعلی را بررسی کنیم، ابتدا باید به برخی مشکلات حکومت پیامبر ﷺ اشاره کنیم، تا در گام بعد ببینیم علامت در مسیر اسلام بودن چیست و آیا نظام ما این ضابطه را دارد تا بگوییم در مسیر انقلاب مانده است یا خیر؟

در اینجا به دو مورد از مشکلات مهمی که در آن زمان وجود داشت و امروزه هم برخی از مخالفان نظام به همین دو مشکل استناد می‌کنند، اشاره می‌کنیم و سپس ضابطه‌ها و علائم در مسیر بودن یا نبودن مطرح می‌شود.

الف) تَعَرُّبٌ بَعْدَ الْهِجْرَةِ

در زمان پیامبر ﷺ عده‌ای بودند که تحلیل ناصوابی از انقلاب پیامبر داشتند؛ لذا به این جمع‌بندی رسیدند که این انقلاب به اهدافش

نرسیده و از آن جدا شدند. این جدا شدن، در ادبیات دینی به «تعزب بعد الهجرة» معروف شد که در اسلام یکی از گناهان کبیره شمرده می‌شود. اغلب مفسران، آیه ۱۴۹ سوره آل عمران را ناظر به همین گناه کبیره می‌دانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا أُبْرِدُوا كُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کافران اطاعت کنید، شما را به گذشته‌تان بازمی‌گردانند، درحالی‌که ضرر خواهید کرد.

ماجرا از این قرار بود که برخی از مسلمان‌ها از سختی‌های زندگی در جامعه دینی خسته شدند و به این جمع‌بندی رسیدند که اگر به شهر مکه یا بادیه‌های اطراف برگردند، برایشان راحت‌تر است. دشمنان دائماً مسلمانان را در محاصره و تحریم قرار می‌دادند و جنگ‌های فراوانی را بر مسلمانان تحمیل کردند. عده‌ای در چنین شرایطی انتظار داشتند که پیامبر ﷺ به خاطر رفاه و راحتی مردم، از اهداف خود دست بردارد؛ همان انتظاری که کافران قبلاً از پیامبر داشتند.

تعبیر قرآن کریم درباره این انتظارات نابجا از پیامبر ﷺ این است: «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ»^۱. تعبیر «مداهنه» در عربی به معنای «روغن‌مالی» است. به لحاظ اصطلاحی شبیه تعبیر عامیانه «ماست‌مالی» در زبان فارسی است. ترجمه ساده‌آیه این می‌شود: آن‌ها آرزو دارند که تو ماست‌مالی کنی تا آن‌ها هم ماست‌مالی کنند. در جای دیگر، قرآن کریم برای اینکه خیال این‌گونه مسلمانان سست‌ایمان راحت شود، در همان اولین سوره‌ای که در مدینه نازل شد، می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»^۲؛ هرگز یهودیان و مسیحیان (که با شما دشمنی دارند) از تو راضی نخواهند شد، مگر اینکه از دین خود دست برداری و از آیین آن‌ها تبعیت کنی.

۱. قلم، ۹.

۲. بقره، ۱۲۰.

نارضایتی از مشکلات، حتی در زمان حکومت پیامبر ﷺ

پس گاهی مشکلات عادی زندگی در جامعه دینی و حکومت دینی به قدری زیاد است که حتی عده‌ای حکومت پیامبر ﷺ را نامطلوب ارزیابی می‌کنند. قرآن این عده را تخطئه می‌کند و تحلیل آن‌ها را ناصواب می‌شمارد. البته عده‌ای هم بودند که عملاً فرار نکردند، اما در دل خود مایل بودند و هنگام بروز سختی آرزو می‌کردند که ای کاش ما هم فرار کرده بودیم! قرآن کریم این‌گونه از آن‌ها یاد کرده است: ﴿يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْتَأْذِنُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ﴾؛ گمان می‌کنند که احزاب (که برای جنگ آمده بودند) هنوز بازنگشته‌اند و اگر احزاب دشمن بیایند، آرزو می‌کنند که ای کاش در میان بادیه‌نشینان بودند و از دور خبر شما را جویا می‌شدند».

اینها گروهی دیگر، یعنی همان منافقانند که در بخش بعدی به آن‌ها می‌پردازیم.

ب) منافقان

مورد دوم به مراتب پیچیده‌تر و تحلیلش دشوارتر است، و آن پیدایش گروهی در جامعه اسلامی به نام منافقین است. نفاق غیر از ریاست، ریایک گناه فردی و مربوط به حوزه اعمال فرد است؛ اما نفاق، اولاً یک گناه اعتقادی و ثانیاً و مهم‌تر اینکه یک گناه تشکیلاتی است. منافق فقط یک آدم دورو نیست؛ بلکه کسی است که ایمان عمیق ندارد، ولی در جامعه دینی تشکیلات و حزب راه‌اندازی می‌کند؛ چنان‌که خداوند از منافقان با تعبیر «حزب الشیطان» که نشان‌دهنده روابط تشکیلاتی آن‌هاست، یاد می‌کند که حتی در رده‌های بالای حکومتی

هم وارد می‌شود: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ...!»^۱

این مهم است که حتی در جامعه و حکومتی که پیامبر ﷺ رئیسش است، ممکن است افرادی پیدا شوند که در رده‌های حکومتی نفوذ و یارگیری کنند؛ به نحوی که مسلمانان عادی و حتی بسیجی‌های جامعه پیامبر ﷺ از آن‌ها حرف شنوی داشته باشند. اگر این مطلب در قرآن کریم نیامده بود، باور آن بسیار سخت بود. آیا می‌شود رئیس حکومتی، پیامبر باشد، اما منافقین در آن حکومت قدرت و نفوذ بالا داشته باشند، آن هم در بسیجی‌های آن حکومت؟! متأسفانه بله.

یارگیری منافقین از بین بسیجی‌های لشکر پیامبر ﷺ

در زمان پیامبر اکرم ﷺ جنگ‌های متعددی رخ داد. در یکی از اولین جنگ‌ها (یعنی جنگ احد) منافقان از میان بسیجی‌های زمان پیامبر ﷺ یارگیری کردند! در جنگ احد پیامبر و اصحابشان که برای جنگ حرکت کردند، حدود نهمصد نفر بودند. عبدالله بن ابی‌که بعدها به رئیس منافقین معروف شد، با حرف‌هایش حدود سیصد نفر از آن‌ها را که برای جهاد از مدینه خارج شده بودند، بازگرداند و ای کاش که فقط بازمی‌گرداند؛ بلکه در مسیر بازگشت، تعابیری درباره پیامبر ﷺ به کار برد که آدم تعجب می‌کند. قرآن کریم سخن وی را چنین نقل کرده است: «يَقُولُونَ لَئِن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۲؛ می‌گویند اگر به مدینه بازگردیم، کسی که عزیزتر است [منظور خودش است] کسی را که دلیل تر است

۱. مجادله، ۱۹.

۲. منافقون، ۸.

[منظورش پیامبر ﷺ بود] بیرون خواهد کرد؛ درحالی‌که عزت از آن خدا و رسول و مؤمنین است؛ درحالی‌که منافقان نمی‌دانند.

بینید قدرت این آدم در جامعه تحت حکومت پیامبر ﷺ چقدر بالا بود! عده‌ای از بسیجی‌ها را از لشکر پیامبر جدا کرده، در میان آن‌ها سخنرانی می‌کند و می‌گوید: من که عزیزترم، پیامبر را که (نعوذ بالله) دلیل تر است، از شهر بیرون می‌کنم. قرآن در جای دیگر از اینکه عده‌ای از مؤمنانی که برای جهاد آمده‌اند، از منافقان حرف شنوی دارند، چنین تعبیر می‌کند: ﴿وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ﴾! و در میان شما افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آن‌ها کاملاً گوش فرامی‌دهند.

برای اینکه دشواری مسئله بیشتر معلوم شود، پاسخ این دو سوال را کنار هم بگذارید:

۱. منافق بدتر است یا کافر؟ قرآن کریم صریحاً می‌فرماید منافقین از همه بدترند: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيراً﴾.^۲

۲. منافق در چه جامعه‌ای پیدا می‌شود؟ در جامعه کفر یا در جامعه ایمانی؟ معلوم است: در جامعه ایمانی.

نتیجه: اگر حکومت دینی و جامعه دینی تشکیل دهید، آن‌گاه افرادی هم در این جامعه پیدا خواهند شد که از کافر بدترند! حالا آیا نباید جامعه دینی و حکومت دینی تشکیل داد؟! آیا نعوذ بالله پیامبر اکرم ﷺ اشتباه کرد که جامعه دینی و حکومت دینی تشکیل داد؟! قطعاً چنین نیست. اگر رشد انسان‌ها را جدی بگیریم و باور داشته باشیم خدایی هست که بشر را رها نکرده و برای رشد او دین آسمانی فرستاده، آن‌گاه

۱. توبه، ۴۷.

۲. نساء، ۱۴۵.

شکل‌گیری جامعه دینی و حکومت دینی، قطعاً برای رشد انسان‌ها لازم است؛ اما نکته مهم این است که وقتی زمینه رشد مهیا می‌شود، زمینه انحطاط هم در کنارش به وجود می‌آید و مشاهده این انحطاط‌ها نباید این توهم را ایجاد کند که اصل تشکیل جامعه دینی و حکومت دینی نادرست بوده است. آیا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حکومتش ناموفق بود؟ قطعاً خیر. موفقیت هر چیز را با اهداف خودش می‌سنجند. موفقیت یک حکومت در این نیست که تمام افراد جامعه تحت این حکومت، آدم‌های خوبی باشند و تمام مشکلات اجتماعی حل شده باشد.

این آرمانی است که حتی در نهایت حکومت امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَوَلَّاهُ هم حاصل نمی‌شود؛ زیرا در حکومت آن حضرت، منافق نبود نمی‌شود، بلکه دلیل می‌شود؛ چنان‌که در دعای افتتاح ماه رمضان می‌گوییم: **«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ»**. منافق هست، اما دلیل شده؛ چون بصیرت مردم به حدی بالا رفته که منافق نمی‌تواند با سوءاستفاده‌ها همچنان پیش برود. پس همه انسان‌ها خوب نشده‌اند.

تا این‌جا مشخص شد که پیدایش مشکلات زندگی و حتی پیدایش منافقانی در برخی لایه‌های مهم اجتماعی و حکومتی، لزوماً به معنای انحراف مسیر انقلاب از مسیر اصلی خود نیست.

پس اگر چنین نیست، با چه معیارهایی می‌توان به در مسیر اسلام بودن انقلاب اطمینان حاصل کرد؟ آیا سخن فوق هرگونه انحراف در حکومت را توجیه نخواهد کرد؟ یعنی مثلاً معاویه هم نمی‌تواند با تمسک به همین سخن، حکومت خود را هم در مسیر اسلام معرفی کند؟

پاسخ این است که اگر به همین مقدار بسنده شود، امکان این سوءاستفاده وجود دارد؛ لذا باید سراغ وجههٔ ایجابی مسئله هم رفت.

یعنی تا این‌جا فقط نشان دادیم که پیدا شدن چنین مؤلفه‌هایی در جامعه، لزوماً به معنای انحراف مسیر اصلی جامعه نیست. اما از کجا معلوم که در مسیر درست هستیم؟ باز باید به خود قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم‌السلام مراجعه کنیم.

معیار در مسیر بودن انقلاب

نکته اول: بزرگ‌ترین انقلاب اسلامی عالم انقلاب اسلامی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود. وقتی به تاریخ و حوادث آن زمان مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَن احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾؛^۱ ای رسول! آنچه من بر تو نازل کردم، همان را به مردم بگو و پیرو خواهش‌های آنان نباش... نه اینکه نگاه کنی که مردم و فلان گروه و... چه می‌خواهند. اگر انقلابی در جایی محقق می‌شود، باید حکم خدا در آن اجرا شود.

نکته دوم: حرف و حکم خدا چه بود؟ ﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا آلَ صَلَوةٍ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ﴾؛^۲ یعنی بعضی از موارد آن قدر اهمیت دارد که حتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم نباید از آن بگذرد و در حکومتش باید انجام دهد: شعائر الهی، مانند ترویج نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و... خود این موارد نشان دهنده اسلامی بودن است؛ ولو اینکه جلوه ضعیفی در جامعه داشته باشد.

نکته سوم: چه واژه قرآنی‌ای در مسیر اسلام بودن ما را نشان می‌دهد؟ واژه صبر و استقامت. خداوند در آیات متعدد از مسلمانان خواسته است که در مسیر اسلام صبور باشند و در مقابل مشکلات استقامت ورزند و در این صورت، در مسیر اسلام خواهند بود. مثلاً در آیه ۱۱۲ سوره

۱. مائده، ۴۹.

۲. حج، ۴۱.

هود می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّعُوا إِلَهَهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرَةً»؛ آن‌گونه که خدا به تو دستور داده، استقامت بورز و همچنین کسانی که با تو رجوع کرده‌اند؛ و (در مقابل دستور خدا) طغیان و سرکشی نکنید، که خداوند به آنچه می‌کنید، آگاه است.

اما از کجا بفهمیم که در مسیر استقامت هستیم؟ در آیات ۱۶ و ۱۷ سوره جنّ به نکته مهمی اشاره شده است. خداوند در این آیات می‌فرماید: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً عَذْقًا ۖ لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا»؛ و اگر در این راه استقامت به خرج دهند، آب گوارای فراوانی به آن‌ها خواهیم نوشاند (کنایه از سرازیر شدن نعمات الهی) تا اینکه در این مسئله، آن‌ها را دچار فتنه کنیم؛ و هرکس از یاد خدا رویگردان شود، به سوی عذابی فزاینده حرکت خواهد کرد.

دقت کنید! آیه می‌فرماید: اگر استقامت کنید، اولاً آب گوارای فراوانی می‌دهیم؛ یعنی نعمت‌هایی می‌دهیم که شدت گوارایی‌اش را احساس می‌کنید. اینها زمانی اتفاق می‌افتاد که «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي»^۱ را باور کنیم؛ «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۲ را باور کنیم؛ «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا»^۳ را باور کنیم؛ «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۴ را باور کنیم؛ (نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود) را باور کنیم.

آیا این انقلاب، ما را به این نعمت‌ها رسانده یا نه؟ اگر خوب نگاه کنیم، می‌بینیم به چه نعمت‌های گوارایی رسیده‌ایم. ما و سایر مسلمان‌ها قبلاً از مسلمانی خودمان خجالت می‌کشیدیم؛ اما امروز همگی سرمان را بالا می‌گیریم و به مسلمانی‌مان افتخار می‌کنیم.

۱. شعراء، ۶۲.

۲. حج، ۴۰.

۳. فصلت، ۳۰.

۴. بقره، ۱۵۳.

در زمان شاه اگر کسی مسلمان بود، خجالت می‌کشید!

عرض من این نیست که در کشور مشکل اجتماعی نداریم، یا از لحاظ اسلامیّت مشکل نداریم، خیر؛ اما دقت کنید که افق مشکلات ما چیست؟ مثلاً مشکل به بدحجابی دقت کنید. این یک مشکل مربوط به اسلامیّت ماست؛ یعنی نتوانستیم مبانی اسلامی سبک زندگی را درست تبیین و ترویج کنیم؛ اما سراغ اغلب همین افراد بدحجاب هم که می‌روید، از مسلمانی خود خجالت نمی‌کشند. آیا این عزت، نعمت کوچکی است؟ این را قدر بدانیم. امثال طالبان و داعش را در جهان راه انداختند که ما از مسلمانی خود خجالت بکشیم، اما دیگر دیر شده است. خیلی‌ها در زمان شاه از مسلمان بودنشان خجالت می‌کشیدند؛ نمازخوان‌ها از نمازخواندن در پارک و در ملأ عام خجالت می‌کشیدند. البته امروزه نمی‌گوییم که همه نمازخوان شده‌اند، اما کسی از نمازخوان بودن خجالت نمی‌کشد.

مقام معظم رهبری در مورد عزیز شدن مسلمانان می‌فرماید:

یکی از کارهای بزرگ حضرت امام علیه السلام اعاده روح عزت به مسلمین بود. این‌گونه نبود که اسلام صرفاً در بحث‌ها و تحلیل‌ها و دانشگاه‌ها و صحن جامعه و زندگی مردم مطرح شود؛ بلکه بر اثر نهضت امام ما، مسلمان‌ها در همه‌جای عالم احساس عزت کردند. یک نفر مسلمان از کشوری بزرگ که مسلمین در آن در اقلیت قرار دارند، به من می‌گفت: قبل از انقلاب اسلامی، مسلمان بودن خود را هرگز اظهار نمی‌کردیم. طبق فرهنگ آن کشور، همه اسم محلی داشتند و هرچند خانواده‌های مسلمان روی بچه‌های خود اسم اسلامی می‌گذاشتند، اما جرأت نمی‌کردند آن اسم را اظهار کنند و از بیان آن خجالت می‌کشیدند! اما بعد از انقلاب شما، مردم ما با افتخار اسم اسلامی خود را

می‌گویند و اگر از آن‌ها بپرسند که شما چه کسی هستید، اول آن اسم اسلامی را با افتخار بر زبان می‌آورند. بنابراین، با کار بزرگی که امام علیه السلام انجام داد، مسلمان‌ها در همه جای دنیا احساس عزت می‌کنند و به مسلمانی و اسلام خود می‌بالند.^۱

ملتی که تا پنجاه سال سمبل عقب‌ماندگی و توسری خور بود، امروز با عزت، سرش را بلند می‌کند. لذا ما خودمان را باور کردیم.

نه فقط ما، بلکه عموم مسلمانان جهان به برکت این انقلاب، دیگر از مسلمانی خود خجالت نمی‌کشند. همان‌طور که در مکه، همه اسلام خود را مخفی می‌کردند، اما وقتی به مدینه آمدند، مسلمانی مایه افتخار شد.

یکی دیگر از کارهای بزرگ امام علیه السلام این بود که به مسلمان‌ها احساس درک امت اسلامی داد. قبل از این، مسلمان‌ها در هر جای دنیا که بودند، چیزی به نام امت اسلامی برایشان مطرح نبود و یا اصلاً جدی تلقی نمی‌شد. امروز همه مسلمان‌ها در اقصای آسیا تا قلب آفریقا و تمام خاورمیانه و در اروپا و آمریکا، احساس می‌کنند که جزو یک جامعه جهانی بزرگ به نام امت اسلامی هستند. امام احساس شعور نسبت به امت اسلامی را ایجاد کرد که بزرگ‌ترین حربه برای دفاع از جوامع اسلامی در مقابل استکبار است.^۲

قبل از انقلاب اسلامی، در بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای اسلامی، گروه‌ها و جوان‌ها و ناراضی‌ها و آزادی‌طلب‌ها، باید تئولوژی‌های چپ وارد میدان می‌شدند، اما بعد از انقلاب اسلامی، اسلام پایه و مبنای حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش شد. امروز در هر نقطه‌ای

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7073>.

2. <https://khl.ink/f/7073>.

از دنیای وسیع اسلام که جمعیت یا گروهی به انگیزه آزادی‌خواهی و ضدیت با استکبار حرکت می‌کنند، مینا و قاعده کار و امید و رکنشان، تفکر اسلامی است.^۱ آیا این علامتی برای روبه‌رشد بودن نیست؟ آیا این یکی از مصادیق آب گوارا نیست؟ آب گوارایی که آن قدر روشن است که حتی مخالفان را نیز به تصدیق واداشته است، دولت و اتیکان ضمن بیان اینکه تلاش دولتمردان غرب در تخریب چهره اسلام، دلیل گرایش غربی‌ها به اسلام است، اعلام کرده است:

درحالی‌که تعداد مسلمانان جهان از جمعیت مسیحیان بیشتر است، تا پایان سال میلادی این اختلاف بیشتر خواهد شد. واتیکان همچنین اعلام کرد: «اسلام، دینی است که در سراسر جهان گسترش یافته و بر اساس آمار، ۲۲ درصد از ساکنان جهان، مسلمان هستند. این در حالی است که مسیحیان ۲۱٫۵ درصد از مردم جهان را تشکیل می‌دهند». در این بیانیه همچنین آمده است که در سال‌های اخیر بسیاری از شهروندان غربی، اعم از مسیحی و پیروان سایر ادیان با وجود سرمایه‌گذاری غربی‌ها برای جلوگیری از گسترش دین اسلام، به اسلام روی آورده‌اند. لازم به ذکر است که طبق آمارهای رسمی و موثق بسیاری از مراکز آمادگی همچون مؤسسه «پیو» آمریکا، جمعیت مسلمانان جهان بیش از دو میلیارد نفر است که در سال ۲۰۲۰ از مرز دو میلیارد و پانصد میلیون نفر نیز عبور خواهد کرد.^۲

1. <https://khl.in/k/f/7073>.

2. <https://www.farsnews.ir/news/13910119000883>.

مقایسه قبل و بعد از انقلاب (سنت الهی در پیشرفت امتها)

آیا این ثمره کوچکی است؟ ملتی که روشن‌فکران درباره آن می‌گفتند: «ما یک لول‌هنگ (آفتابه) هم نمی‌توانیم بسازیم» الان در بسیاری از تکنولوژی‌های برتر جهان در زمره چند کشور اول قرار گرفته است.^۱ به

۱. به روایت آمار:
 - سومین جایگاه جهان در: ۱. تولید دکل انتقال برق؛ ۲. دانش تبدیل گاز به بنزین؛ ۳. فناوری ساخت نیروگاه خورشیدی؛ ۴. استخراج سلول‌های بنیادی از دندان شیری؛ ۵. درمان نازایی؛ ۶. تولیدکننده داروی بیماری ام‌اس.
 - چهارمین جایگاه جهان در: ۱. تولید و ساخت موشک‌های دوربرد؛ ۲. فناوری نوین درمان ناشنوایی؛ ۳. تولیدکننده بیواتانول؛ ۴. تولید داروهای بیوتکنولوژیک.
 - پنجمین جایگاه دنیا در: ۱. المپیادهای جهانی؛ ۲. تولید داروی انعقاد خون؛ ۳. سازنده روپات انسان‌نما؛ ۴. قدرت ارتش سایبری؛ ۵. در مسابقات علمی؛ ۶. دستیابی به فناوری و دانش کامل چرخه سوخت هسته‌ای؛ ۷. تعمیر کابل‌های فیبر نوری در اعماق دریا.
 - ششمین جایگاه جهان در تولید زیردریایی.
 - هفتمین جایگاه جهان در: ۱. حوزه نانو تکنولوژی؛ ۲. منعقدکننده‌های موضعی خون برای متوقف کردن خون‌ریزی در کوتاه‌ترین زمان ممکن.
 - هشتمین جایگاه جهان در: ۱. قدرت‌های فضایی دنیا؛ ۲. تولیدکننده اورانیوم ۲۰ درصد.
 - نهمین جایگاه جهان در چرخه کامل فضایی.
 - دهمین جایگاه جهان در: ۱. صاحب بزرگ‌ترین تلسکوپ‌های جهان؛ ۲. در انجماد و نگه‌داری سلول‌های بنیادی جنسی؛ ۳. فناوری لیزر؛ ۴. ساخت توربین؛ ۵. پیوند ریه؛ ۶. تولیدکننده دستگاه پیشرفته تصویربرداری دیجیتال اشعه ایکس.
 - یازدهمین رتبه جهانی تولید علم در: ۱. رشته مهندسی هوا فضا؛ ۲. رشته انرژی اتمی؛ ۳. رشته شیمی.
 - چهاردهمین رتبه جهانی تولید علم در رشته بیوتکنولوژی.
 - شانزدهمین رتبه جهانی در: ۱. ثبت مقاله علمی؛ ۲. تولید علم در رشته نانو و نانو تکنولوژی.
 - نوزدهمین رتبه جهانی تولید علم در: ۱. رشته پزشکی؛ ۲. رشته فیزیک و نجوم.
۲. به عنوان یک ایرانی به خود می‌بالیم که کشورمان صاحب این دستاوردهای بزرگ علمی است:
۱. کشورهای سازنده کشتی اقیانوس‌پیما؛ ۲. طراح و تولیدکننده موشک‌های ماهواره‌بر؛ ۳. طراح و تولیدکننده توپ دریایی؛ ۴. طراح و تولیدکننده موشک دوش‌پرتاب؛ ۵. طراح و تولیدکننده خودروی تاکتیکی در حوزه نظامی؛ ۶. طراح و تولیدکننده سلاح ملی خبیر؛ ۷. طراح و تولیدکننده مسلسل، خمپاره‌انداز، تیربار، نفربر و تانک؛ ۸. پیشگام مهندسی ژنتیک؛ ۹. مجهز به آزمایشگاه جنگنده؛ ۱۰. متخصص در سخت‌ترین عمل‌های جراحی مغز و اورولوژی؛ ۱۱. متخصص در سخت‌ترین عمل جراحی رفع نقص مادرزادی؛ ۱۲. متخصص در اجرای پیوند سلول‌های بنیادی قرنیه چشم؛ ۱۳. تولیدکننده خودروی بدون سرنشین؛ ۱۴. تولیدکننده موشک بالستیک؛ ۱۵. تولیدکننده ناوشکن؛ ۱۶. تولیدکننده جنگنده؛ ۱۷. تولیدکننده بالگرد شکاری؛ ۱۸. تولیدکننده زیردریایی؛ ۱۹. متخصص در کشف ژن نابینایی؛ ۲۰. تولیدکننده روپات

این آمارها دقت کنید:

اولین جایگاه جهان در:

۱. تولید داروی گیاهی مقابله با ایدز؛ ۲. داروی گیاهی درمان روماتیسم؛
۳. داروی گیاهی زخم پای دیابتی؛ ۴. ساخت پروتز عصبی؛ ۵. پیوند نای
و زیست مصنوعی تک مرحله‌ای؛ ۶. تولید پودر استخوان؛ ۷. تولید
ایمپلنت چشمی؛ ۸. تولید قطعه تلسکوپ رصدخانه؛ ۹. تولیدکننده
میتونین؛ ۱۰. حوزه فناوری نانو؛ ۱۱. راه‌انداز شیر چهارراه نفت.

اولین جایگاه منطقه در:

۱. ساخت تانک رزمی؛ ۲. ساخت استارت‌ر هواپیما؛ ۳. پژوهش‌های
هسته‌ای؛ ۴. تولید پرینتر سه بعدی میکروسکوپی؛ ۵. رتبه علمی و
پژوهشی و ثبت اختراع در میان کشورهای اسلامی؛ ۶. تولید افشانه
پاک در آسیا؛ ۷. لوله‌های چدنی دوهزار میلی‌متری در آسیا.

دومین جایگاه جهان در:

۱. تولید هواپیماهای استراتژیک خورشیدی؛ ۲. تکنولوژی بیودیزل؛ ۳.
پهپاد رادارگریز؛ ۴. فناوری تشخیص هویت از روی چشم؛ ۵. ساخت
دریچه قلب؛ ۶. درمان تالاسمی با پیوند مغز استخوان؛ ۷. تولید

هوشمند دستیار جراح؛ ۲۱. تولید دستگاه حفاری نفت و گاز؛ ۲۲. سازنده توربین نیروگاه
برقابی؛ ۲۳. خودکفا در تولید کیک زرد از اورانیوم؛ ۲۴. تولیدکننده سریع‌ترین اژدر رادارگریز؛
۲۵. بزرگ‌ترین حوضچه تعمیر و ساخت کشتی در خاورمیانه؛ ۲۶. توانمند در ارسال موجود
زنده به فضا؛ ۲۷. تولید لباس‌های فضانوردی؛ ۲۸. مجهز به تکنولوژی انحراف موشک کروز؛
۲۹. تولید قایق پرنده رادارگریز با سرعت ۸۵۱ کیلومتر؛ ۳۰. جزو ۱۴ سازنده توربین‌های بادی
بزرگ در دنیا؛ ۳۱. توانمند در تولید رادیودارو.

1. <https://paydarymelli.ir/000B4I>.

2. <https://www.farsnews.ir/amp/14011111000254>.

3. <https://www.farsnews.ir/amp/14011111000254>.

کارتريج‌های نامرئی؛ ۸. توليد نانودارو در جهان؛ ۹. توليد داروی تزريقی ضد سرطان؛ ۱۰. ساخت کيت ارزان و سريع برای درمان بيماری‌های لثه. همه اين رتبه‌های پیشرفت، محصول انقلاب اسلامی و افتخارآمیز است؛ اما از همه مهم‌تر اين است که ايران اسلامی، تنها کشوری است که در طول ۴۴ سال گذشته، نه به کشوری زور گفته و نه زير بار حرف زور رفته است. در اين ۴۴ سال، در دهان نظام سلطه زده و به ملت‌های مورد ستم دنيا نشان داده که بدون پذيرش سلطه، نه تنها می‌شود زندگی کرد، بلکه تنها راه پیشرفت هم همین است.

یکی از شخصیت‌های سرشناس معروف (سپهبد رزم‌آرا، نخست‌وزیر پهلوی در سال ۱۳۲۹) می‌گفت: ایرانی یک لول‌هنگ نمی‌تواند بسازد، چگونه می‌تواند صنعت نفت را اداره کند؟! لول‌هنگ یعنی آفتابه گلی. آن زمان‌ها از گل آفتابه درست می‌کردند. اين جور اين ملت را تحقير می‌کردند. اين ملت حالا در زمينه‌های زیستی، در زمينهٔ فعاليت‌های گوناگون علمی-تحقیقی کارهایی می‌کند که خودش را جزو ده کشور اول جهان قرار می‌دهد؛ اين شوخی نیست. اين مسئله به ملت ما، به شما جوان‌ها، در هرجا که هستيد و در هر قسمتی که کار می‌کنيد، هشدار می‌دهد که قدر خودتان را بدانيد؛ حرکت کنيد؛ نااميد نشويد. شماها می‌توانيد. شما آن نسلی هستيد که اگر خوب عمل کرديد، آیندهٔ اين کشور را - صد سال، دويست سال يا بیشتر - تضمين خواهيد کرد.^۲

اين پیشرفت‌ها به خاطر قرار گرفتن ما در مسیر سنت‌های الهی بوده

۱. مدنی، تاریخ سیاسی ایران، ص ۳۵۴.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از بسیجیان، ۷/۹/۱۳۸۴، دسترسی در:

<https://khl.ink/f/25588>.

است؛ یعنی هر جا دین خدا را یاری کردیم، به اینها رسیدیم: ﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۖ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْعُمْرَةِ الْقَدِيمَةِ قَدِيرٌ ۖ فَجَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾؛ هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند. خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند، و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

نعمت همراه با فتنه

بنابراین اگر استقامت داشتیم و در مسیر درست بودیم، به ما آب گوارا می‌دهند. چرا؟ ﴿لَنَفْتَنَهُمْ فِيهِ﴾. برای اینکه در همین زمینه ما را به «فتنه» بیندازند! «فتنه» به آزمایش‌های سخت و تکان دهنده می‌گویند که خیلی از افراد در آن می‌لغزند. دقت کنید که این هم ادامه همان علامت است. اگر نعمت‌ها آمد و فتنه‌ای نبود، معلوم نیست که در مسیر بوده باشیم. لذا می‌بینید از ابتدای انقلاب تاکنون همین‌طور فتنه‌های پیاپی رخ داده و عده‌ای هم لغزیده‌اند. برخی این مطلب را که عده‌ای از قطار انقلاب پیاده می‌شوند، دلیل ناموفقیت انقلاب وانمود می‌کنند؛ درحالی‌که اصلاً چنین نیست.

اینکه ما در مسیر باشیم، لازمه‌اش این است که دچار فتنه‌ها شویم و طبیعی است که در هر فتنه‌ای عده‌ای از کسانی که تاکنون همراه بوده‌اند، از همراهی بازمانند و خودشان به دشمن تبدیل شوند. مگر در حکومت پیامبر ﷺ عده‌ای منافق نشدند؟ مگر در حکومت حضرت علی عليه السلام امثال طلحه و زبیرها که ابتدا بیعت کردند، بعداً به دشمنی برخاستند؟ مگر خوارج که در جنگ صفین در لشکر علی عليه السلام بودند، دشمن امام نشدند؟ آیا این ریزش‌ها دلیل بر این می‌شود که

کسی بگوید (نعوذ بالله) حکومت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در مسیر اسلام نبود و منحرف شد؟!

انقلاب اسلامی، مقدمه‌ای برای ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام

دقت کنید: ما انقلاب نکردیم تا یک حکومت راحت و مرفّه تشکیل دهیم؛ بلکه انقلاب کردیم تا مقدمه ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام باشد. ظهور امام یعنی چه؟ یعنی فقط یک وضعیت خوب و مرفّه؟ یعنی فقط یک رفاه ظاهری؟ خیر؛ یعنی وضعیتی که انسان‌ها به اوج رشدشان می‌رسند. اوج رشد یعنی چه؟ آیا یعنی اینکه مردم فقط خوب بخورند و خوب بخوابند و مشکلات و دعوها کم شود؟ آیا این اوج رشد انسان است؟! یعنی اگر مشکلات اقتصادی حل شود، مشکلات خانواده حل شود و... تمام است؟ آیا این غایت رسالت تمام انبیا در طول تاریخ است؟!

همه انبیا موعود جهانی را وعده دادند. آیا این همه انتظار برای یک مشّت مسائل مادی و دنیوی؟! اشتباه نکنید! عدالت کمترین اقدام امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است، نه بالاترین آن. قرار است انسانیت انسان را رشد دهند، نه حیوانیت او را. تحقق عدالت، کمترین کاری است که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در عالم انجام خواهد داد. کار اصلی، گسترش توحید است.

در هنگام فتنه چه باید کرد؟

پس قرآن نشانه در مسیر بودن را استقامت کردن شمرده و نشانه استقامت را این می‌داند که آب گوارایی ارزانی آن‌ها شود، که البته خود همین، زمینه شروع فتنه‌ها و آزمایش‌های سخت خواهد بود.

حالا اگر فتنه رخ داد، چه باید بکنیم؟ معلوم است؛ باز باید استقامت کنیم. اگر استقامت کردیم، چه می‌شود؟ دوباره آبی گوارا و در نتیجه

دوباره فتنه‌ای جدید. بعد چه؟ این مسیر ادامه پیدا می‌کند تا به یکی از این دو گزینه برسیم: یا خسته شویم و از استقامت و از یاد خدا دست برداریم، که خداوند هشدار می‌دهد: اگر بعد از طی این مسیر، از یاد خدا دست بردارید، دچار عذابی فزاینده خواهید شد: ﴿لَتَقْتُلُنَّهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا﴾!

این عذاب فزاینده، همان است که امام عزیزمان علیه السلام درباره می‌فرمود: اگر اسلام در این کشور زمین بخورد، تا قرن‌ها سر بلند نخواهد کرد. یعنی چه بسا شبیه همان وضعیتی که بیش از هزار سال بعد از تنها ماندن امام علی و امام حسن علیهما السلام رخ داد.

شدت گرفتن فتنه‌ها پیش از ظهور

گزینه دوم این است که به قدری به استقامت خود ادامه دهیم که باز فتنه‌ها پیچیده‌تر شود تا معلوم شود که آمادگی و ظرفیت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ما حاصل شده و امامان را در آغوش خواهیم کشید؛ یعنی داریم راهی را هموار می‌کنیم تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کنند.

فتنه‌های آخرالزمان در روایات بسیار معروف است. قبل از ظهور، فتنه‌ها شدید می‌شود، چرا؟ چون قرار است محبان آن حضرت پلایش شوند و فقط کسانی بمانند که تا آخر می‌مانند. قرار نیست عاشورا و شهادت امام تکرار شود. ما با انقلابمان ظرفیتی در عالم ایجاد کردیم که با استقامتمان در این مسیر، این ظرفیت بالا می‌رود، تا اینکه به انسان‌هایی برسد که بتوانند تا آخرین قطره خون خود پای امامشان بایستند.

ریزش‌ها و رویش‌ها

آیا در این مسیر دچار ریزش خواهیم شد؟ قطعاً. اما مهم‌تر این است که رویش‌های ناب هم دارد. مگر انقلاب اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ریزش نداشت؟ مگر منافقین وارد تشکیلات اجتماعی و حکومتی نشدند؟ این داستان همیشگی تاریخ است. آدم به زمین نیامد که بهشت را در زمین تجربه کند؛ بلکه آمد تا ظرفیت عظیم انسان بودن خود را نمایان سازد و این ظرفیت هر قدر نمایان شود، بدی‌ها هم همپای آن رشد می‌کنند.

فتنه‌های بعدی در راه است!

اگر نظام عالم چنین است و اگر معنای در مسیر اسلام بودن انقلاب این است، پس شما را بشارت می‌دهم به اینکه فتنه‌های بعدی در راه است! فتنه‌هایی سخت‌تر از آنچه تاکنون تجربه کرده‌ایم. فتنه‌های انقلاب را در نظر بگیرید. آیا فتنه بنی‌صدر فتنه کوچکی بود؟ فتنه مجاهدین خلق چطور؟ فتنه‌های زمان جنگ؟ فتنه قائم‌مقام رهبری؟ همین‌طور جلو بیاوید تا فتنه ۸۸ و ۱۴۰۱. بین فتنه ۸۸ و فتنه بنی‌صدر مقایسه کنید؛ کدام پیچیده‌تر و سخت‌تر بود؟ بنی‌صدری که در مقابل امام ایستاده بود یا کسانی که زمانی کنار امام بودند و به تدریج از خط امام جدا شدند؟ پس منتظر فتنه بعدی باشیم و غافلگیر نشویم تا ان‌شاءالله جزء کسانی نباشیم که می‌لغزند.

در هنگام فتنه، از کجا بفهمیم که آیا ما در مسیر رشد هستیم یا مخالفانمان؟

آخرین سخن اینکه اگر فتنه‌ای رخ داد، از کجا بفهمیم که آیا اکنون ما در مسیر رشد هستیم یا مخالفانمان؟ همه می‌دانیم که در تمام

این فتنه‌هایی که در تاریخ انقلاب رخ داده، طرفی که ما او را منحرف می‌دانیم، عین همین ادعا را در مورد ما دارد. هم بنی‌صدر خود را محق می‌داند، هم رجوی، هم منتظری و هم موسوی و کروبی. آیا شاخصی هست که بدانیم از مسیر اصلی منحرف شده‌ایم یا خیر؟ در اینکه ولی‌فقیه شاخص اصلی است، برای کسانی که با ادبیات دینی عمیقاً آشنا هستند، جای تردیدی نیست. اما چه کنیم وقتی مشکل این است که شبهه‌ها چنان در جامعه رواج دارد که همواره در فتنه‌ها اولین اقدامی که انجام می‌شود، تردیدافکنی در صلاحیت ولی‌فقیه است و از آن جا که شخص ولی‌فقیه معصوم نیست، این شبهه خیلی سریع اثر می‌گذارد.

اکنون آیا در تعالیم دینی شاخص دیگری قرار داده شده است؟ پاسخ مثبت است. اگر کسی در جنگ جمل به خاطر سابقه افراد، بین علی علیه السلام و طلحه و زبیر و عایشه شک کرد، چه باید بکند؟ اصل این است که به دامان امامت برگردد. اما اگر شبهه به قدری تقویت شده که او در حقانیت امام تردید کند، چه؟ حضرت علی علیه السلام به خوبی پاسخ این مسئله را داده‌اند. حضرت می‌فرماید: «**وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكْتُمْ**»!

این روایت دقیقاً پاسخ سؤال اول بحث ماست: از کجا بفهمیم که آیا نظام ما در مسیر اصلی انقلاب اسلامی حرکت می‌کند یا خیر؟ می‌دانیم که اگر در مسیر اصلی خود باشد، یعنی در حال رشد است. پس سؤال این است: از کجا بفهمیم که آیا نظام ما در حال رشد است؟ حضرت علی علیه السلام یک شاخص عینی می‌دهد و می‌فرماید: شما راه رشد (در مسیر اصلی بودن) را نخواهید دانست، مگر اینکه تارک این راه را بشناسید. اگر بین علی علیه السلام و طلحه و زبیر و عایشه شک کردی، در

مورد معاویه که شک نداری. ببین او از چه کسانی حمایت می‌کند. این همان ضابطه‌ای است که امام عزیزمان علیه السلام در اختیار ما قرار داد و فرمود: «هر وقت دشمن از شما تعریف کرد، بر خود بترسید». یعنی دشمنی که در دشمنی‌اش تردیدی نداریم، درست بشناسیم. مادام که او به دشمنی‌اش ادامه می‌دهد، نشان می‌دهد که ما در مسیر رشدیم. اما هر زمان، آن که تارک حق است، با ما دستِ دوستی داد، در حقانیت مسیر خود تردید کنیم. این تعبیر حضرت امیر علیه السلام ترجمان همان آیه‌ای است که در اوایل بحث ارائه شد: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»؛ هرگز یهودیان و مسیحیان (که با شما دشمنی دارند) از تو راضی نخواهند شد، مگر اینکه (از دینتان دست بردارید) و از آیین آن‌ها تبعیت کنی.

مقام معظم رهبری در مورد گزاره‌های دشمن‌شناسی فرمودند:

اینکه ما تکرار می‌کنیم مسئله دشمن‌شناسی را، اینکه ما عرض می‌کنیم دشمن را بشناسید، روش‌های دشمن را بشناسید، کارکرد دشمن را بشناسید، مقدار پیشرفت دشمن را بشناسید، ضعف دشمن را بشناسید، قوت دشمن را بشناسید، این فقط خطاب به مسئولین نیست؛ به آحاد مردم [هم هست]. کشوری که جوانش، غیرجوانش، عالمش، درس خوانش، کاسبش، همه، توجه به مسائل جهانی دارند، این کشور هرگز سرش کلاه نمی‌رود. ما خیلی جاها در معاملات جهانی سرمان کلاه رفته؛ برای خاطر اینکه به مسئله جهانی توجه نداشتیم. این طرف ما با چه نیتی وارد میدان شده؛ با چه نیتی این حرف را به ما می‌زند؛ این اصرار را روی فلان مسئله انجام می‌دهد؛ مشکل او چیست؛ ما چقدر احتیاج داریم؛ او چقدر

احتیاج دارد؟ اینها را باید [بدانیم]. اگر اینها را بدانیم، سرمان کلاه نمی‌رود. هر جا اینها را دانستیم و بر طبق این دانسته‌ها عمل کردیم، پیش رفتیم. ما الآن در سطح جهانی، در سطح بین‌المللی، در سطح منطقه‌ای پیشرفت‌های خوبی داریم. همین که آمریکایی‌ها خیلی از آن عصبانی‌اند، پیشرفت‌های ماست. این پیشرفت‌ها به خاطر این بوده که آن کسانی که مسئول کار بودند، حواسشان جمع بوده؛ می‌فهمیدند دنیا چه خبر است.^۱

اقتصاد ایران، از خام‌فروشی تا تمدن‌سازی

جوانان عزیز شاید ندانند که در سال ۱۹۴۴ مجمع جهانی اقتصاد به ایران چه لقبی داده است! آن مجمع جهانی جایگاه ایران را به دلیل وجود نظام سلطه استعمارگر، کشوری خام‌فروش و ارزان‌فروش معرفی کرده است. خب الآن این کشور از آن جایگاه پایین به جایی رسیده که داعیه تمدن‌سازی دارد و توانسته نظام سلطه را از کشور اخراج کند و داعیه اخراج آن‌ها را از منطقه دارد و به ادعای غربی‌ها، ایران توانسته در منطقه هلال شیعی در ژئوپلیتیک خاورمیانه به وجود بیاورد.^۲

پس الحمدلله که طواغیت زمان همچنان دشمن ما هستند.

والحمد لله رب العالمین

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۲۷/۰۲/۱۴۰۲، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52837>.

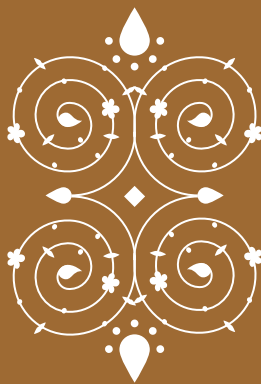
۲. سخنرانی دکتر حسینی، ۱۴۰۱/۸/۱۰، دسترسی در: <https://snn.ir/004Mi3>.

سخنرانی پنجم

آبر قدرت

تبیین راه رسیدن به قدرت و رابطه آن با سنت های الهی
در طول تاریخ

جمعی از نویسندگان





﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱

﴿أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾^۲

﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾^۳

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾^۴

کدام قدرت؟!

وقتی واژه «قدرت» یا «ابرقدرت» را می‌شنویم، به یاد چه می‌افتیم؟ یاد ابرقهرمان‌های هالیوود؟ یاد سوپرمن، بت‌من، پن‌تن و مرد عنکبوتی و... که جهان را از دست موجودات شرور نجات می‌دهند؟ یاد آمریکا؟ آمریکایی که ادعا دارد از لحاظ نظامی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی در دنیا همانندی ندارد؟

اصلاً ابرقدرت به چه کسی می‌گویند؟ چه می‌شود که یک عده ابرقدرت می‌شوند؟ اصلاً قانون به دست آوردن قدرت چیست؟

۱. آل عمران، ۱۸۹.

۲. بقره، ۱۶۵.

۳. یونس، ۶۵.

۴. ذاریات، ۵۸.

معمولاً اولین چیزی که از معنای «ابرقدرت» به ذهن می‌رسد، حکومت یا فردی است که دارای دانش بالا و قدرت نظامی پیشرفته و اقتصاد و فرهنگ و سیاست قوی است و هر کاری که دوست داشته باشد، می‌تواند انجام بدهد و هر کسی را خواست، به زور وادار به اطاعت کند. ولی آیا این تصور درست است؟

باید نگاهی به تاریخ جهان بیندازیم و ببینیم ابرقدرت‌های گذشته جهان چه کسانی بودند و چگونه ابرقدرت شدند و سرنوشت آن‌ها چه شد.

نمرود، یکی از ابرقدرت‌ها

«نمرود» واژه‌ای عبری به معنای سخت و نیرومند است.^۱ نمرود یکی از پادشاهان جبار بابل بود که به شجاعت و قهرمانی معروف بود. در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام زندگی می‌کرد و بعد از طوفان نوح بر کل زمین حکومت داشت؛ یعنی حکومتی که حتی امروز نصیب انگلیس و آمریکا هم نشده. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «چهار نفر پادشاهی روی زمین را به دست آوردند که دو نفرشان مؤمن و دو نفرشان کافر بودند. اما دو نفر مؤمن، سلیمان بن داود و ذوالقرنین بودند و دو نفر کافر، نمرود و بخت‌النصر بودند».^۲

در چند آیه قرآن تصویری از زندگی نمرود بیان شده است. در جایی می‌فرماید: ما به نمرود ملک و فرمانروایی دادیم. ﴿الَّذِي تَرَى إِلَى الْوَادِي حَاجٍ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ﴾.^۳ او خود را «اله» می‌دانست و می‌گفت:

۱. بهاء‌الدین خرمشاهی، دانش‌نامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان و ناهید، ۱۳۷۷ش،

چاپ اول، ج ۲، ص ۲۲۷۳.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۲ش، چاپ اول، ج ۱،

ص ۳۷۰.

۳. بقره، ۲۵۸.

من هم مثل خدا به برخی از انسان‌ها زندگی می‌بخشم و از برخی نیز زندگی را می‌گیرم. شدیداً مخالف خداپرستی بود. ظلم و ستم بسیاری به مردم می‌کرد و درواقع با همان ظلم و ستم بر تمام جهان مسلط شده بود و حکومت می‌کرد.

سرانجام نمرود

وقتی می‌گوییم ابرقدرت، یعنی یا کسی زور از بین بردنش را ندارد، یا به سختی می‌توان او را از بین برد. اما وقتی به ماجرای مرگ نمرود نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که یک پشه روی لب نمرود نشست و او را گزید و سپس به سوراخ بینی او وارد شد و از آن جا هم به مغزش راه پیدا کرد و پس از چهل روز شکنجه و کیفر، سرانجام او را نابود کرد.^۱ کسی که خود را خدای جهان می‌خواند، توسط ضعیف‌ترین موجود جهان که با اشاره انگشتی نابود می‌شود، نابود شد. حتی گفته شده که آن پشه لنگ هم بوده است!

ابر قدرت مصر

یکی دیگر از کسانی که حکومت بسیار وسیعی داشت، فرعون معروف مصر باستان بود که برخی او را با نام «رامسس دوم» می‌شناسند. او نیرومندترین فرد تاریخ مصر باستان بود. حدود هفتاد سال مقتدرانه حکومت کرد و ثبات و رونق زیادی را به مصر آورد. مساحت امپراتوری او از سوریهٔ امروزی در شمال تا سودان در جنوب کشیده شده بود. او نزدیک به ۹۶ سال عمر کرد و حدود یکصد فرزند داشت. در سی سال نخست سلطنت رامسس دوم، مصر نسبت به دو قرن اخیرش موفقیت‌های بیشتری کسب کرده بود.

۱. مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، قم، بی‌نا، ۱۳۷۶، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۲۲۶.

طبق سنت مصر، هر فرعونی که سی سال سلطنت می‌کرد، مصر برای نیمه‌خدا شدن وی جشنی بر پا می‌نمود. رامسس علاقه زیادی به بناهای تاریخی داشت. در زمان او بیشترین ساختمان‌ها و بناهای مطرح در مصر باستان ساخته شد؛ بناهایی که بسیاری از آن‌ها هنوز هم وجود دارد. مجسمه‌های گول‌آسا و نقاشی‌های فرعون، به سرعت در همه جا ظاهر شدند و صنعتگران، روی هر سطحی، کتیبه‌ای در وصف او می‌نوشتند. شهر جدید «پر رامسس» را در دلتای نیل و معبد‌های معروف «ابوسمبل» در نزدیکی مرز امروزی مصر و سودان را او ساخت. چهار مجسمه عظیم رامسس در ابوسمبل، از بزرگ‌ترین دستاوردهای هنر مصری شناخته می‌شود.

رامسس دوم سیطره‌ای سخت بر سرزمین‌ها و مردمش داشت. اسناد باقی‌مانده از دوره حکومتش نشان می‌دهد که او بسیار سازمان‌گرا بوده و همچنین به قانون‌گذاری و نظم، توجه جدی داشته است.

جنایات فرعون

هر وقت اسم فرعون رامی‌شنویم، یاد خشونت‌ها و اهرامش می‌افتیم. مگر می‌شود فرعون، اهرام با آن عظمت و ماندگاری را با لطف و مهربانی بسازد؟! بهتر است ببینیم او برای تقویت پایه‌های حکومتش به چه جنایت‌هایی دست زد:

اول اینکه در میان مردم مصر، تفرقه انداخت: «وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا»^۱. پس سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» که امروز استکبار استفاده می‌کند، یک سیاست قدیمی است.

دومین جنایت او در ضعیف نگه داشتن مردم بود: «يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً

مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ^۱! او دستور داده بود تا فرزندانِ که از بنی اسرائیل متولد می‌شوند، اگر پسر باشند از دم تیغ بگذرانند و اگر دختر باشند، برای خدمتکاری و کنیزی زنده نگه دارند! برای ساختن قبر خودش^۲ یکصد هزار برده را در طول بیست سال به کار گرفت و هزاران نفر از آن‌ها را در این ماجرا، به ضرب شلاق یا از فشار کار به قتل رساند، تا جایی که کوهی از جنازه‌ها درست شد.

سومین جنایت او این بود که هر کس از مردم که به خدا ایمان می‌آورد را به قتل می‌رساند و می‌گفت: ﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾^۳؛ من پروردگار شما هستم. او مؤثرترین فرعون در نابود کردن دورهٔ «آمارنا» از تاریخ مصر است. «آمارنا» را می‌توان به عنوان نخستین حرکت سیاسی یکتاپرستانه یا «تک‌ایزدی» نام برد. «آخناتون» که رهبر این حرکت بود، معتقد به توحید «آتون» خدای این فرقه بود.

جنایات‌های فرعون محدود به همین موارد نیست. او حکومت خود را روی خون بنا کرده بود. پس تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

سرانجام فرعون

اما خدای مصر چگونه کشته شد؟

واقعاً دنیای عجیب و غریبی است! در بنی اسرائیل، کودکی بزرگ شد که بعداً خداوند به او فرمود: ﴿وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي﴾^۴؛ تو را برای خودم ساختم. فرعون فهمیده بود که حکومتش در خطر است و قرار است

۱. همان.

۲. هرم معروف «خوفو» که در نزدیکی قاهره، پایتخت مصر قرار دارد.

۳. نازعات، ۲۴.

۴. طه، ۴۱.

که بی‌قدرت شود؛ به همین خاطر سر همه پسران بی‌گناه بنی اسرائیل را برید؛ ولی درست از همان جایی که فکرش را هم نمی‌کرد، ضربه خورد. خواست جلوی اراده خدا بایستد تا بلکه حضرت موسی علیه السلام به دنیا نیاید، ولی بدتر شد؛ نه تنها نابود نشد، اتفاقاً خداوند کاری کرد که حضرت موسی علیه السلام در خانه فرعون بزرگ شد. سرانجام هم همان کودک کاخ فرعون، برای جان قدرتش شد و حکومتش را به زمین زد، تا عبرتی باشد برای دیگر خدایان تاریخ!

خدا چه کارهای عجیبی دارد! انگار کارهایش مثل کار انسان‌ها نیست! در مرکز طوفان که ناامن‌ترین نقطه طوفان است، کودکی بزرگ می‌شود و باعث از بین رفتن یک ابرقدرت می‌گردد. واقعا کارهای خدا عجیب است.

مدعیان قدرت زیادند!

از این ابرقدرت‌ها در تاریخ زیاد بودند. یکی دیگر از پادشاهانی که بر سرتاسر جهان حکومت می‌کرد «بخت‌النصر» بود که سرداری به نام «جالوت» داشت. جالوت خیلی تنومند و قدرتمند بود؛ به طوری که دو شیر را در یک زمان می‌کشت و کسی حریفش نمی‌شد. در مقابل جالوت، «داوود» قرار داشت که یک چوپان جوان با جثه‌ای ضعیف بود. داوود با یک سنگ، جالوت را به درک واصل کرد؛ از جنس همین سنگ‌هایی که جوانان فلسطینی به اسرائیلی‌های تائین دندان مسلح می‌زنند. لشکر حق با عده کمی توانست تعداد زیادی از دشمنان را شکست دهد؛ چون خدا پشت آن‌ها بود: **﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾**^۱. بله، سنت الهی این‌طور است که به کمی و زیادی افراد کاری ندارد؛ به همین خاطر حتی اگر تعداد افراد کم باشد،

ولی تابع حق باشند و استقامت کنند، پیروز می‌شوند؛ چون ابرقدرت واقعی پشت آن‌هاست.

چرا این چند ابرقدرت و امثال آن‌ها از بین رفتند؟ مگر ابرقدرت نبودند؟ این دو عاملی که خواهم گفت، از جمله مهمترین عواملی هستند که ابرقدرت‌های پوشالی و مدعیان غیر الهی را به صورت به زمین می‌کوبد و چیزی از آن‌ها در عالم، غیر از درس عبرت باقی نمی‌گذارد:

۱. ایمان نداشتن به خدا؛

۲. فساد در روی زمین و ظلم به مردم.

قلمرو قدرت خدا

بنابر آنچه گفتیم، تا حالا باید روشن شده باشد که ابرقدرت کیست و قدرت از کجا به دست می‌آید؟ خداوند می‌فرماید: «من به آن‌ها قدرت داده بودم، ولی گویا یادشان رفت که من به آن‌ها قدرت دادم و به خاطر ظلم و ستمشان آن‌ها را نابود کردم.» و می‌فرماید قبل از اینها افرادی بودند که قدرتمندتر بودند، ولی ما آن‌ها را هم نابود کردیم: ﴿كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾!

حالا یک سؤال:

به نظر شما قلمرو حکومت این‌ها چقدر بود؟ یعنی بر چند درصد از دارایی‌های خدا حکومت کرده‌اند؟ بر چند کیلومتر از زمین خدا حکومت می‌کردند؟ بر چه تعداد از موجوداتی که خدا خلق کرده بود، حکومت کردند؟

بگذارید قلمرو حکومت خدا را بیان کنم:

به نام خداوند هفت آسمان
 زبان را گشایم برای بیان
 بیان از جهانی که بی‌انتهاست
 جهانی که در دست لطف خداست
 به عالم‌بین قدرت‌کردگار
 بود که کشان‌ها هزاران هزار
 یکی‌شان همین راه شیری به نام
 که انسان نداند حدودش تمام
 در این که کشان مثل گرد و غبار
 نظیر زمین بوده‌اش بی‌شمار
 زمینی که انسان بر آن ساکن است
 به کوهی چنان دانه‌ای از شن است
 تمنای انسان عجب کوچک است
 عجب انتظارات ماندک است
 که دلخوش به یک گوشه از ذره‌ایم
 عجب اینکه گاهی کم از بزه‌ایم
 پس تا این جا نتیجه می‌گیریم که قدرت در دست خداست و هر کس
 بخواهد با قدرت خدا مقابله کند، نابود می‌شود:

﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱

﴿أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾^۲

﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾^۳

۱. آل عمران، ۱۸۹.

۲. بقره، ۱۶۵.

۳. یونس، ۶۵.

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾^۱

﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَنْقُصُ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ﴾^۲

پس ابرقدرت، فقط خداست.

تاریخ، خیلی درس آموز است. تاریخ تکرار می شود؛ چون سنت های ثابتی بر جهان حکم فرماست و سنت های الهی غیر قابل تغییر است: ﴿وَلَنْ نَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾.^۳ آیا در روزگار خودمان هم سنت های ابرقدرتی جاری است؟

محمد رضا شاه، ابرقدرت خاورمیانه

شاهان پهلوی مدعی بودند که قدرت زیادی دارند. آن ها حکومت خود را ادامه حکومت شاهان گذشته ایرانی می دانستند. جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی نشانه بارزی از قدرت اقتصادی و فرهنگی شاه ایران بود.

درست است که شاه از لحاظ نظامی از خودش چیزی نداشت، ولی با افزایش قیمت نفت و اعلام خروج انگلیس از خلیج فارس، شاه، ژاندارم منطقه شد و آمریکا بهترین تسلیحات نظامی را به چند میلیارد دلار به شاه فروخت. در بحبوحه انقلاب اسلامی هر دو ابرقدرت شرق و غرب از شاه حمایت می کردند. او سگ نگهبان پرقدرت استکبار در منطقه غرب آسیا بود. یک خبرنگار بعد از برگزاری رزمایش اقتدار پهلوی از محمد رضا پرسید: این همه قدرت نمایی برای چیست؟ برای این است که می خواهید قدرت چهارم دنیا شوید؟ شاه گفت: «بلکه ما می خواهیم اولین قدرت نظامی جهان شویم!».

۱. ذاریات، ۵۸.

۲. انعام، ۵۷.

۳. فتح، ۲۳.

سرنوشت تلخ دو شاه، به خاطر همان دو اشتباه

کسی که سودای ابرقدرت شدن در سر داشت، سرنوشتش این شد که چون مردمش او را دوست نداشتند، با ذلت از کشورش و توسط مردمش اخراج شد؛ اربابانش هم با بی‌میلی و خفت و خواری همانند مهره‌ای سوخته با او رفتار کردند؛ به‌گونه‌ای که هر دو شاه پهلوی (پدر و پسر) با مشکل پناهندگی روبه‌رو شدند.

سرنوشت شوم هر یک از خاندان پهلوی خواندنی و عبرت‌آموز است؛ چه پدران، چه پسران، چه همسران و دختران و نوه‌ها، همگی آمارشان در حافظه تاریخ مانده. ^۱چند نفرشان خودکشی کردند؛ چند نفر بر اثر

۱. رضاخان به دست اربابان غربی‌اش به جزیره‌ای دورافتاده به نام «موریس» در آفریقا تبعید شد و همان‌جا مُرد. جسد وی پس از سه سال به ایران آورده شد و بعدها مجدداً به مصر منتقل گردید. تاج الملوک، همسر اول رضاخان، به دلیل امتناع رضا پهلوی از نگه‌داری او، در سرای بی‌خانمان‌های نیویورک مُرد و به دست مأموران شهرداری در گورستان مخصوص ولگردها و بی‌خانمان‌ها، دفن شد. ملکه توران، همسر دیگر رضاقلدر و مادر غلامرضا پهلوی نیز در خانه سالمندان در پاریس فوت کرد و همان‌جا دفن شد. علیرضا پهلوی شبیه‌ترین فرد به رضاخان، در زمانی که شایعه ولیعهدی او بر سر زبان‌ها افتاد، در ۶ آبان ۱۳۳۳ در یک سانحه هوایی کشته شد و احتمال قتل وی به دست محمدرضا جدی است. شمس پهلوی خواهر تنی محمدرضا نیز در کالیفرنیا از دنیا رفت و طبق آیین مسیحیت! تدفین و در گورستانی ناشناخته مدفون شد. ۶. اشرف پهلوی، خواهر دوقلوی محمدرضا، پرحاشیه‌ترین و یکی از فاسدترین اعضای خانواده پهلوی بود. وی پس از ابتلا به آلزایمر مُرد و در گورستان کشور موناکو مدفون شد. شهریار شفیق، فرزند اشرف، قاچاقچی عتیقه‌جات و مواد مخدر بود که در پاریس، با اصابت گلوله کشته شد. آزاده، دختر اشرف که با صوراسرافیل در شبکه‌های سلطنت‌طلب همکاری می‌کرد، در پی اختلافات شدید با آن‌ها، به طرز مشکوکی مرد و در کالیفرنیا مدفون شد. فاطمه پهلوی فرزند دهم رضاخان نیز بر اثر بیماری صعب‌العلاجی در سن ۵۸ سالگی در سال ۱۳۶۶ مرد و در لندن دفن شد. محمدرضا پهلوی، شاه مخلوع ایران که پس از ۳۷ سال سلطنت ظالمانه بر مردم و پادویی برای منافع غرب، عاقبت با خفت هرچه تمام از ایران فرار کرد و بعد از مدت کمی، به خاطر مصرف زیاد داروهای جنسی در عیاشی‌ها و پاتوق‌های شبانه، به سرطان سختی دچار شد و نهایتاً به هلاکت رسید و مخدولانه در کشور مصر دفن گردید.

محمدرضا پنج فرزند داشت: شهناز، فرحناز، لیلا، رضا و علیرضا. لیلا پهلوی در ۳۱ سالگی با مصرف ۱۷ قرص خواب دست به خودکشی زد. علیرضا پهلوی، فرزند دیگر محمدرضا هم با شلیک گلوله در دهانش به شکل مشکوکی مرد. عده‌ای رضا را متهم به برادرکشی کردند. غلامرضا پهلوی، خسیس‌ترین عضو خانواده پهلوی، در پاریس بر اثر مصرف مواد مخدر مرد. محمدرضا پهلوی، یکی از شاخص‌ترین‌ها در فساد اقتصادی، بر اثر مصرف بیش از

مصرف زیاد مواد مخدر مردند؛ چند نفر به خاطر مسائل جنسی فوت کردند و... محل دفنشان هم آبرومندان و در شأن خانواده‌ای که یک روزی شاهنشاه مملکت بودند، نیست.

چرا شاه این قدر ذلیل شد؟

علتش ایمان نداشتن به خدا و فساد در زمین بود. رضاخان با اینکه یک روزهایی خودش در راه‌اندازی دسته عزاداری نقش داشت ولی آن قدر عقب‌نشینی کرد که عزاداری سیدالشهدا علیه السلام ممنوع کرد به همین خاطر مردم با یک بدبختی عجیبی به صورت مخفیانه عزاداری می‌کردند. قضیه دیگری که بی‌ایمانی و فساد رضاخان میرپنج را نشان می‌دهد جنایت هولناک مسجد گوهرشاد است که به خاطر دفاع مردم از حجاب در این مسجد و در جوار بارگاه ملکوتی امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام با بی‌رحمی تمام بیش از ۲۰۰ نفر را کشت.^۱

جشن هنر شیراز

«آنتونی پارسونز» سفیر بریتانیا در ایران، در کتابش می‌نویسد:

جشنواره شیراز در توهین به ارزش‌های اخلاقی ایرانیان سرآمد بود. به عنوان مثال: به گفته یک شاهد عینی، یک مجموعه برگزارکننده تئاتر، برای اجرا، مغازه‌ای در خیابان اصلی شیراز

حد مواد مخدر جان خود را از دست داد و مخفیانه در یکی از گورستان‌های نیویورک دفن شد. حمیدرضا برادر هوسران و آلوده به مواد مخدر محمدرضا، عضو دیگر این خاندان بود. فسادهای اخلاقی او نیز مانند اشرف شهره بود. حمید رضا دو فرزند داشت: نازک پهلوی، که بازیگر فیلم‌های پورن شده بود، در ۲۹ سالگی در پاریس با حواشی بسیاری مرد. بهزاد پهلوی دیگر فرزند حمیدرضا هم به دلیل اعتیاد شدید به کوکائین در اسپانیا جان داد. خیانت‌های بی‌نظیر پهلوی‌ها به تاریخ و مردم ایران به حدی بود که خاک ایران، آنان را در خود نپذیرفت. در عین حال، ثروت مفت و هنگفتی که از ملت ایران سرقت کردند، در کنار فساد اخلاقی‌شان، از عوامل اصلی خودکشی‌های این خاندان است.

1. <http://fa.wikishia.net/r/ef>.

رزرو کرده بود که نیمی در داخل مغازه و نیمی در سنگفرش بیرون اجرا می‌شد. یکی از صحنه‌ها که در پیاده‌رو اجرا می‌شد، تجاوز به عنف بود که به‌طور کامل به‌وسیله یک مرد با یک زن که پیراهنش به‌وسیلهٔ مرد متجاوز چاک داده می‌شد، در مقابل چشم همه صورت می‌گرفت. تأثیر این اغراق عجیب و مضمئزکننده بر شهروندان شیرازی، طوفانی از اعتراض را برانگیخت که به مطبوعات و تلویزیون رسید. من به خاطر دارم که این موضوع را با شاه در میان گذاشتم و به او گفتم: اگر چنین نمایشی به‌طور مثال در شهر «منچستر» انگلیس اجرا می‌شد، هنرپیشگان و حامیان مالی آن جان سالم به در نمی‌بردند. شاه با اغماض خندید! این نشان می‌دهد که شاه، دست برتر خدارا قبول نداشت و در زمین خلاف قانون خدا عمل می‌کرد لذا خدا او را کنارزد.

از جمله فسادهای پهلوی، ظلم به مردم بود.

ظلم به مردم

ظلم‌های پهلوی پدر و پسر آن قدر زیاد است که مجبوریم فقط به چند نمونه از آن‌ها اشاره کنیم:

جمعه سیاه

شبهه همین وحشی‌گری که امروز در جنگ غزه به‌وسیله اسرائیل اتفاق می‌افتد، یک روز توسط حکومت پهلوی در تهران اتفاق افتاده است. ارتشبد اویسی فرماندار نظامی تهران در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ کشتاری به راه انداخت که در تاریخ به «جمعه سیاه» مشهور شد.

1. Anthony Parsons, The pride and the fall: Iran, 1974-79, p 54-55.

برای اینکه مسئله را کوچک جلوه دهند، گفتند ۵۸ نفر را کشتیم، ولی حکایت مردم این است که بیش از چهارهزار نفر را شهید کردند.

بازی با جان مردم

«ویلیام داگلاس»، قاضی دادگاه عالی ایالات متحده، در کتاب «سرزمین شگفت‌انگیز و مردمی مهربان و دوست‌داشتنی» می‌نویسد:

... پیرمرد به سخنان خود چنین ادامه داد: سرهنگ دستور داده بود که چند نفر از جوانان ما را اسیر کنند. در همین حین، آتشی از زغال درست کرد. خیلی زود فهمیدم که می‌خواهد چه کار کند. او یک تابه آهنی بزرگ [...] داشت. آن را آن قدر حرارت داد تا سرخ شد. به افرادش دستور داد که یکی از لرها را بیاورند. دو سرباز، اسیر را نگه داشته بودند. سرباز سوم با شمشیر پشت سر زندانی ایستاده بود. او با اشاره سرهنگ شمشیر را چرخاند. وقتی شمشیر به گردن زندانی اصابت کرد، سرهنگ فریاد زد: «بدو». سر روی زمین افتاد و سرهنگ تابه سرخ‌شده را روی گردن مرد چسباند. مرد بی‌سر قدمی برداشت و افتاد. سرهنگ فریاد زد: آن قدبلند را بده به من. او می‌تواند بهتر از این بدود!

همین کار تکرار شد. مرد قدبلند وقتی سرش بریده شد، چند قدمی دوید. جوانان لریکی پس از دیگری سر بریده شدند. بارها و بارها تابه سرخ می‌شد و روی گردن آن‌ها چسبانده می‌شد. یک بار سرهنگ گند پیش رفت (و تابه را دیر روی گردن اسیر چسباند) و خون بیش از یک متر به هوا پاشید! سرهنگ شروع به شرط‌بندی کرد که این مردان بی‌سر تا کجا می‌توانند بدونند. او و سربازان فریاد می‌کشیدند و هر قربانی را تشویق می‌کردند که نهایت تلاشش را بکند.

پیرمرد لحظه‌ای درنگ کرد. خشمش همچنان از اینکه از این تجربه جان سالم به در می‌برد، بیشتر می‌شد. من پرسیدم: چه کسی برندهٔ مسابقه شرط‌بندی شد؟ او چند دقیقه صبر کرد تا صحبت کند. «سرهنگ بیشتر شرط‌بندی‌ها را برد. فکر می‌کنم او تنها در شرط‌بندی بر سر یکی از گرها که ۱۵ قدم بعد از بریده شدن سرش دوید، ۱۰۰۰ ریال برنده شد».

پیرمرد انگار از گفتن این داستان‌ها بی‌رمق شده بود. از او پرسیدم سرهنگ بعد از آن چه کرد؟ «او تمام گله‌های گوسفند، بز، گاو و اسب ما را با خود برد. روز بعد ده‌ها کامیون آمدند و تمام قالی‌ها، سماورها، ظروف، جواهرات و لباس‌های ما در این کامیون‌ها بار شد و ارتش آن‌ها را برد».^۱

قتل عام در حمام

یکی دیگر از نمونه‌های ظلم به مردم، این ماجراست:

یک بار که رضاخان به مازندران مسافرت کرد، قرار شد یک روز در بابل توقف کند؛ ولی در آن‌جا بسیاری از مردم به خاطر مصادره املاکشان توسط شاه به گدایی افتاده بودند. شهردار به خاطر اینکه رضاخان گدایان شهر را نبیند، آن‌ها را جمع کرد و در حمام‌های عمومی شهر زندانی کرد تا رضاخان از شهر خارج شود؛ ولی به دلیل بارندگی شدید رضاخان ۳ روز در شهر ماند. پس از رفتن رضاخان وقتی در حمام‌ها را باز کردند ۶-۷۰ نفر به دلیل نرسیدن غذا و نبود هوا، از گرسنگی و خفگی مرده بودند!^۲

حالا از ایران بگذریم؛ گذشته‌ها گذشته. الان دیگر جسد مومیایی

1. William O Douglas, Strange lands And Friendly People, p107-108.

۲. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

شده رضا قلدر هم هفت کفن پوسانده. برویم ببینم ابرقدرت دنیای امروز کیست؟

امروز مدعی ابرقدرتی در جهان، کیست؟

مسلماً می‌گویید آمریکا. کسی که در چندین کشور کودتا کرده و قدرت‌ها را جابه‌جا کرده است. دولتی که بلد است در همه جای جهان فصولی کند. قدرت بزرگی که در زمینه رسانه برای خودش فراهم کرده؛ سلاح‌های پیشرفته‌ای که هر روز می‌سازد و به همه جا می‌فروشد؛ مغزهایی که از دیگر کشورها به خودش جذب می‌کند؛ نفوذ دلارش در تمام مویرگ‌های اقتصادی جهان؛ گسترش سبک زندگی‌اش در خیلی از کشورها و موارد مختلف دیگر، آمریکا را در چشم مردم دنیا، ابرقدرت نشان می‌دهد.

آمریکا چطور به اینجا رسید؟

قبل از جنگ جهانی دوم:

۱. توسعه قلمرو از طریق غصب، جنگ، خرید و تحت کنترل درآوردن سرزمین‌های دیگر؛

۱-۱. به دست گرفتن کنترل مستعمرات امپراتوری‌های بریتانیا، اسپانیا و فرانسه؛

۲-۲. غصب زمین‌های بومیان آمریکای شمالی؛

۳-۱. تصاحب سرزمین‌های تحت کنترل مکزیک؛

۴-۱. تصاحب و استعمار جزایر منطقه اقیانوس آرام، نظیر هاوایی؛

۵-۱. تصاحب مستعمره‌های امپراتوری اسپانیا نظیر پورتوریکو، گوام، فیلیپین و اسپانیا؛

۶-۱. خرید سرزمین‌هایی نظیر آلاسکا.

۲. برده‌داری و استفاده از برده‌های آفریقایی برای ساخت آمریکا؛
۳. مصون ماندن اقتصاد آمریکا از خسارت‌های جنگ جهانی اول.
در دوران جنگ جهانی دوم؛
۴. تلفات و خسارات به بار آمده در اروپا و آسیا و لطمه ندیدن آمریکا از جنگ جهانی دوم؛
۵. فروش تسلیحات جنگی و رونق اقتصادی در نتیجه جنگ جهانی دوم؛
۶. به‌کارگیری زنان به عنوان نیروی کار در طول جنگ جهانی دوم؛
۷. پایان دادن به جنگ جهانی دوم با بمباران اتمی ژاپن.
پس از جنگ جهانی دوم؛
۸. توافق «برتون و وودز» و تعیین دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی؛
۹. افزایش نفوذ جهانی با تأسیس نهادها و سازمان‌های بین‌المللی؛
۱۰. اتحاد کشورهای اروپایی با آمریکا تحت پیمان ناتو؛
۱۱. بازگشت کهنه‌سربازان از جنگ و توسعه صنعت خودروسازی و راه و ساختمان؛
۱۲. اجرای طرح «مارشال» و بازسازی اروپا؛
۱۳. بلوک‌بندی جهان در جریان جنگ سرد؛
۱۴. تسلط بر منابع نفتی کشورها و مناطق نفت خیز جهان؛
۱۵. مداخله در امور دیگر کشورها از طریق جنگ، کودتا و راه‌اندازی انقلاب؛
۱۶. اختصاص بالاترین بودجه نظامی و ایجاد بزرگ‌ترین ارتش جهان؛
۱۷. فروش تجهیزات جنگی به طرفین تنش‌ها و جنگ‌ها؛
۱۸. حضور نظامی و توسعه پایگاه‌های نظامی در سراسر جهان؛
۱۹. تسلط بر بازارهای فرهنگی جهان و افزایش قدرت نرم؛
۲۰. تبدیل شدن آمریکا به مقصد اول مهاجران.^۱

قدرت به چه قیمت؟

آمریکا برای رسیدن به این رؤیا، جنایات زیادی در دنیا رقم زد که فقط به گوشه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

قتل عام ۱۲ میلیون سرخ‌پوست بومی

هرچند به غلط مشهور شده که «کریستف کلمب» قاره آمریکا را کشف کرده، ولی در حقیقت، نه تنها کاشف نبوده بلکه او قاره آمریکا را غصب کرده است. این غاصب و همراهانش، زندگی را بر ۱۲ میلیون سرخ‌پوست بومی آن‌جا حرام کردند و همه آن‌ها را یا کشتند یا به بردگی گرفتند. یکی از جنایات این اروپایی‌های مهاجر که سرزمین سرخ‌پوست‌ها را غصب کرده بودند، این بود که آن‌ها را به معادن برده و می‌گفتند: تا شب فرصت دارید؛ اگر آنچه قیمتی بود و مشخص کرده بودند، پیدا می‌شد که فردا اجازه داشتند دوباره به سرکار بروند؛ ولی اگر اشیاء قیمتی پیدا نمی‌شد، آن‌ها را نگه می‌داشتند، سپس بچه‌هایشان را می‌آوردند؛ دستان بچه‌ها را می‌بریدند و سوراخ می‌کردند و به گردن آن‌ها می‌انداختند. همان‌طور که گفتیم، فرعون هم اهرام با آن عظمت و ماندگاری را با لطف و مهربانی نساخته بود. آمریکا هم با لطف و مهربانی، آمریکا نشده و تا امروز دوام نیاورده است.

مرگ ۱۵ میلیون آفریقایی

در سال ۱۹۸۰ میلادی بیماری «ایدز» در آفریقا شایع شد. آفریقایی‌ها با هندی‌ها قرارداد بستند که ۱۵ میلیون دوز واکسن و داروی ایدز به آن‌ها بدهند. طبق قرارداد، قیمت هر دوز واکسن ۳۵۰ دلار بود. آمریکا بازی را به هم زد و گفت طبق قانون، اول ما بودیم که به این دارو دست پیدا کردیم؛ پس شما نمی‌توانید این دارو را به آفریقایی‌ها بدهید؛ لذا جلوی هند را گرفتند. سپس آمریکا قیمت سرسام‌آور داد و گفت ۱۵ هزار دلار

می‌فروشیم! آفریقایی‌ها که نتوانستند دارو را بخرند، مجبور شدند شاهد تلف شدن ۱۵ میلیون نفر از عزیزانشان باشند.

ایجاد گروه‌های تروریستی مانند داعش

هنوز هیچ‌کدام از جنایات‌های داعش را فراموش نکرده‌ایم. شهید حاج قاسم سلیمانی می‌گفت: در دیاله دیدیم کودکی را از سینه مادرش گرفتند و آن را روی آتش سرخ کردند و لای پلو گذاشتند و برای مادرش فرستادند! این جنایات وحشتناک در سابقه بشریت نایاب است.^۲

آمریکادر عراق

طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ بیش از ۲ میلیون نفر از عراق فرار کردند و بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بی‌خانمان شدند. حاج قاسم اینها را نجات داد. هر ماه در عراق به‌طور میانگین ۳۰۰۰ نفر کشته می‌شدند.

در سال ۲۰۰۳ میلادی، دولت آمریکا افکار عمومی مردم خود را به بهانه بهبود وضعیت آزادی، بهداشت، آموزش و معیشت زنان عراق، با

1. <https://www.isna.ir/news/96041910810/>.

۲. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در سخنانی دولت او با ما را متهم کرد که به‌صورت فعالانه از گروه‌های افراطی سلفی که بعداً به داعش تبدیل شدند، حمایت کرده است. ترامپ بارها تأکید کرد: من می‌خواهم بگویم که هیلاری کلینتون مگر نیز یکی از بنیان‌گذاران داعش است. مایک پنس، معاون ترامپ، نیز با صدور بیانیته‌ای اعلام کرده بود سیاست‌های او با ما و کلینتون به ایجاد داعش منجر شد. وبگاه «اینسورج اینتلیجنس» هم در گزارشی دیگر با اشاره به درز یکی از اسناد دولتی آمریکا و دستیابی شرکت حقوقی «جی‌ویدیسال واتچ» به آن‌ها نوشت: این اسناد بیانگر ائتلاف آگاهانه دولت‌های غربی با القاعده و دیگر گروه‌های افراطی برای سرنگونی بشار اسد است. در این گزارش آمده است: این سند نشان‌دهنده این موضوع است که غرب به‌صورت عامدانه و با هماهنگی دولت‌های خلیج [فارس] و ترکیه برای بی‌ثبات کردن نظام سوریه، از گروه‌های خشن حمایت کرده و این دولت‌ها خواهان شکل‌گیری «قلمرویی سلفی‌نشین» برای به‌انزوا کشاندن رژیم سوریه بودند. بنابراین پشت سر تمام جنایات‌های داعش، آمریکا قرار دارد.

<http://www.politifact.com/truth-o-meter/statements/2016/jun/15/donald-trump/donald-trump-suggests-barack-obama-supported-isis-/>.

<https://medium.com/insurge-intelligence/secret-pentagon-report-reveals-west-saw-isis-as-strategic-asset-b99ad7a29092#.hi56n01re>.

حمله نظامی به عراق همراه کرد. اما نتیجه این حمله چه بود؟ طی دوران حضور آمریکا در عراق، آمار بالایی از بازداشت بی دلیل زنان عراقی گزارش شد. همچنین به این آمار، سوءاستفاده و اخاذی از همسران آن‌ها را هم اضافه کنید. طبق گزارش کتاب «فمنیسم و جنگ» که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، به گفته پنتاگون، بیش از ۵۰۰ مورد از تعرض جنسی نیروهای آمریکایی در عراق و افغانستان علیه زنان گزارش شده است.

بد نیست یک نمونه از انسانیت چشم‌و‌دل‌سیرهای آمریکایی را مرور کنیم:

در سال ۲۰۰۶ که سربازان آمریکا در عراق بودند، در یکی از ایست‌وبازرسی‌ها که نزدیک منازل مردم بود، همین چشم‌و‌دل‌سیرها، شب به خانه دخترخانم ۱۴ ساله‌ای به نام «عبیر قاسم» حمله می‌کنند و پدر و مادرش را آن قدر می‌زنند که تمام استخوان‌هایشان می‌شکند. خواهر ۷ ساله‌اش را هم می‌گیرند و همه را در اتاق کناری می‌اندازند. جلوی چشم آن‌ها، پنج نفری به این دختر تعرض می‌کنند؛ سپس پدر و مادر و خواهر ۷ ساله را جلوی چشم این دختر می‌کشند. بعد هم خود دختر را می‌کشند، تکه‌تکه می‌کنند و بدنش را آتش می‌زنند!

آمریکا در افغانستان

از آغاز ورود آمریکا به افغانستان نیز که به بهانه مبارزه با طالبان و بهبود وضعیت مردم انجام شد، روزه‌روز وضعیت افغانستان بدتر شد. مرکز مطالعاتی «واتسون» اعلام کرده است که از زمان حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی بیش از ۲۴۰ هزار نفر بر اثر این جنگ جان خود را از دست داده‌اند. طبق همین گزارش، آمریکا در دو دهه

1. <http://www.cnn.com/2006/WORLD/meast/08/08/iraq.mahmoudiya/index.html>.
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/02/27/368668>.

اخیر همچنین بیش از ۲,۲۶ تریلیون دلار برای جنگ افغانستان هزینه کرده است.

ایجاد اسرائیل

آمریکا برای بقای خود و عملی کردن نقشه‌هایش در منطقه، نیاز به پایگاه فرماندهی داشت؛ لذا کشوری جعلی به نام اسرائیل را تأسیس کردند و حالا هم تمام‌قد از او حمایت می‌کنند. در جنگ اخیر غزه، آمار شهدا به ۳۰ هزار نفر می‌رسد که اکثر آن‌ها زن و کودک هستند.

آمریکا مستکبر، یا ابرقدرت؟

در فرهنگ قرآن، واژه‌ای داریم که به نظرم خیلی بر آمریکا مطابقت می‌کند و آن واژه «استکبار» است. استکبار و تکبر، از ریشه «کبر» و در معنا به هم نزدیک‌اند. استکبار یعنی بدون هیچ استحقاقی، خود را برتر و بزرگ‌تر از دیگران دانستن.^۱ خداوند خیلی‌ها را مستکبر معرفی کرده است. فرعون هم یک مستکبر بود، شیطان هم مستکبر بود. خدا مستکبرین را دوست ندارد و آن‌ها را از بین می‌برد: ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ﴾^۲ و ﴿لَتُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ﴾.^۳

قرار نیست خدا معجزه کند

اما چرا گاهی که مردم مورد ظلم و ستم ابرقدرت‌ها قرار می‌گیرند، خدا آن‌ها را نجات نمی‌دهد؟! آیا خدا (نعوذ بالله) توان مقابله با ابرقدرت‌ها را ندارد؟!

در اینکه خدا توانش را دارد، شکی نیست. جواب‌های مختلفی به این

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۴۱، ذیل «کبر».

۲. نحل، ۲۳.

۳. ابراهیم، ۱۳.

سؤال می‌توان داد که به چند جواب مختصر اکتفا می‌کنیم: اول اینکه قرار نیست خدا در همه جا از معجزه و کرامت استفاده کند. خدا برای هر چیزی، راهی قرار داده است که اگر از آن راه رفتیم و مانعی نبود، به نتیجه می‌رسیم. تا وقتی اسباب و وسایل یک چیز به‌طور کامل فراهم نشود، نتیجه به دست نمی‌آید. همین جوانان فلسطینی ده‌ها سال با سنگ به جنگ صهیونیست‌ها رفتند، ولی حاصل چندانی نداشت؛ اما در «طوفان الاقصی» با سلاح‌های مناسبی مانند موشک، تفنگ و تونل به جنگ دشمن رفتند و موفق هم شدند. این حدیث شریف از امام صادق علیه السلام به همین موضوع توجه می‌دهد: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا...»؛ خداوند ابا دارد از اینکه امور را جز از طریق اسباب فراهم آورد. از این‌رو برای هر چیز، سببی قرار داده است.

جواب دیگر این است: آدمی که خودش را به خواب زده، نمی‌شود بیدار کرد. کسانی که خودشان نمی‌خواهند از زیر بار ظلم بیرون بیایند را به‌زور نمی‌شود نجات داد؛ یعنی اراده مردم در تعیین سرنوشتشان کارساز است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوهُمَا بِأَنْفُسِهِمْ».^۲ اگر عده‌ای در جامعه بخواهند از زیر بار ظلم نجات پیدا کنند و یک عده نخواهند، این هم نمی‌شود. نجات از دست طاغوت، یک همت جمعی می‌طلبد. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ».^۳

یکی دیگر از رموز پیروزی، علاوه بر مبارزه و قیام در برابر ظالم، صبر و استقامت است. لشکر طالوت استقامت کرد؛ لشکر اسلام استقامت نشان داد و مبارزه کرد و پیروز شد: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا».^۴ ولی بنی اسرائیل مثل بی‌عرضه‌ها یک جا نشستند و به

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. رعد، ۱۱.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۴. جن، ۱۶.

حضرت موسی علیه السلام گفتند: تو و خدایت بروید و مبارزه کنید؛ ما همین جا نشستیم و منتظریم: «فَإِذْ هَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَفَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^۱. آیا نتیجه گرفتند؟ نه، تازه سرنوشتشان این شد که چهل سال هم تنبیه شدند؛ یعنی این سرزمین برایشان حرام شد و در سرزمین سینا دچار سرگردانی شدند: «فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ»^۲.

مانخواستیم و مقاومت کردیم!

انقلاب اسلامی نمونه اصلی عمل به این سنت الهی است. مردم خواستند و ابرداد حقیقی به آن‌ها کمک کرد. مردم ایران به رهبری امام خمینی رضی الله عنه اراده کردند که ظالمان را نابود کنند: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثِّيَ وَفِرَادَى»^۳ و به یاری خدا آمدند؛ خدا هم طبق قاعده «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۴ دستشان را گرفت و کسانی که خدا دستشان را بگیرد، مغلوب نمی‌شوند: «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ»^۵.

ما به تمام مدعیان قدرت سیلی زدیم!

در اسناد لانه جاسوسی هست که اولین کسی که جرئت کرد به آمریکا سیلی بزند، امام خمینی رضی الله عنه بود که فرمود: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و «اسرائیل، این جرثومه فساد باید نابود شود»^۶. امام رضی الله عنه با اینکه به جز پشوانه الهی و خواست مردم چیزی نداشت، یعنی نه موشک داشت، نه بمب هسته‌ای و نه اقتصاد پویا، فقط به پشتیبانی قدرت الهی و مردمش برخاست و یک سیلی محکم به استکبار زد و پایه‌های

۱. مانده، ۲۴.

۲. مانده، ۲۶.

۳. سیبأ، ۴۶.

۴. محمد، ۷.

۵. آل عمران، ۱۶۰.

۶. پیام به گردهمایی برائت از مشرکین در مراسم حج سال ۱۳۶۶.

آن را متزلزل کرد. این لرزه هنوز هم بر تن استکبار مانده و ان شاء الله نابودی او به زودی محقق خواهد شد: «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»^۱!

در ادامه همین حرکت امام علیه السلام به اذن خداوند صدام و کشورهای هم پیمانانش را شکست دادیم؛ باذن الله عین الاسد را در عین ناباوری مستکبرین شخم زدیم. فرزند منحوس آمریکا یعنی داعش را به یاری خدا نابود کردیم؛ اما در اصل این کار خدا بود به دست ما: «فَلَمَّ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ»^۲. «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^۳.

لذا اگر با خدا باشیم و هم افزایی داشته باشیم، می توانیم پیشرفت های خیره کننده ای داشته باشیم. ما هر جا که قدرت خدا پشتمان بوده و به قوانین او که غیرقابل تغییر است، عمل کرده ایم، پیشرفت کردیم و برعکس، هر جا که سنت های الهی را زمین گذاشتیم، مثل مسئله اقتصاد، سیلی خوردیم. ما چون به مستکبران مایل شدیم و هشت سال وقت کشور را برای صلح با آنها تلف کردیم، سیلی اقتصادی بدی خوردیم؛ چون خدا فرموده است: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُ النَّارُ وَمَالَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»^۴. البته مقام معظم رهبری بنابر یک نگاه قرآنی، توصیه هایی در این سال ها داشتند که متأسفانه عمل نشد و الآن داریم می بینیم که ای کاش به حرف ایشان اعتنا می شد.

اما پیشرفت هایی که داشتیم را ببینید.

۱. شعراء، ۲۲۷.

۲. انفال، ۱۷.

۳. همان.

۴. هود، ۱۱۳.

پیش‌رفته‌ایم، چون به قانون خدا عمل کردیم

کلان‌پیشرفت‌هایی که انقلاب اسلامی داشته، به‌خاطر عمل به سنت‌های الهی بوده است که نمونه‌های بسیاری دارد. خوب است از نگاه دیگران به این معجزه الهی نگاه کنیم. این نمونه را ببینید؛ دشمن و غیرخودی هم نمی‌تواند اعتراف نکند:

دکتر سعید جلیلی، دبیر سابق و نماینده فعلی مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی تعریف می‌کند:

«رومانو پرودی» نخست‌وزیر سابق ایتالیا بود و جدای از آن، دارای دکترای اقتصاد و نظریه‌پرداز توسعه. ایشان مدت‌ها پیش به تهران آمد و با من ملاقات کرد. پرودی در آن دیدار می‌گفت: سی سال است که مسائل ایران را دنبال می‌کنم و می‌بینم کشور شما در چه وضعیتی است! اما آنچه اهمیت دارد، این است که شما فقط مقاومت نکرده‌اید؛ بلکه پیشرفت هم کرده‌اید!

نجات مردم ایران از دست طاغوت

اگر نگاهی به طاغوت‌های اطرافمان بیندازیم، می‌بینیم که شاید برخی از آن‌ها یک «رفاه تبلیغاتی» برای کشورشان فراهم کرده باشند؛ ولی هیچ‌کدام از این ملت‌ها از طاغوتشان راضی نیستند؛ به دلایل مختلفی مثل: وابستگی شدید در علم و فناوری، تبعیض، همکاری در سطح بالا با رژیم صهیونیستی و آمریکا، وابستگی در تأمین امنیت، سکولار بودن حکومتشان و... با اینکه دچار تحریم خاصی هم نیستند. اما ایران با اینکه بیش از ۴۰ سال دچار تحریم است و سال‌ها درگیر جنگ

۱. میلاد حبیبی و پژمان عرب، امواج اراده‌ها (گوشه‌ای از اراده و توان ایرانی به سمت خودکفایی و پیشرفت)، ص ۱۸۶.

و ترور و تبلیغات شدید ضدایرانی و ضدحکومتی بوده، به برکت عمل به قانون خدا که به نجات از دست خاندان طاغوتی پهلوی منتهی شد، رشد بسیار خوبی در حوزه‌های مختلف داشته و باعث شده که امروزه نه تنها از طاغوت‌ها جلو بزند، بلکه زمزمه ابرقدرت شدن ایران بر سر زبان‌ها بیفتد.^۱

رشته‌های علمی

۱.۱. ایران امروز

- چهار سال پیش حتی جزء ۵۰ کشور اول دنیا در تولید علم هم نبود، اما اکنون رتبه ۱۵ دنیا در تولید علم را داراست.^۲
- در ابتدای پیروزی انقلاب، حتی جزء ۳۰ کشور اول دنیا بر اساس تعداد اختراعات ثبت شده نبود، اما امروزه هفتمین کشور دنیا در این حوزه است.^۳
- رتبه اول در تولید علم فضا در غرب آسیا را دارد و نهمین کشور دنیاست که مستقلاً موفق به پرتاب ماهواره شده است.^۴ ما در بهمن امسال رکورد جدیدی را در صنعت فضایی با پرتاب موفق ۳ ماهواره ایرانی با نام‌های مه‌دا، کیهان ۲ و هاتف ۱ به وسیله ماهواره بر سیم‌رغ، ثبت کردیم. ایران با این پیشرفت، در لبه علم قرار دارد.
- نرخ ثبت نام در مدارس ابتدایی آن در پیش از انقلاب، ۳/۵۹ درصد

۱. «شیخ یعقوب زکزاکی رهبر شیعیان نیجریه گفت: ابرقدرتی آمریکا رو به افول و ابرقدرتی ایران رو به اوج است، از این رو جمهوری اسلامی ایران تنها ابرقدرت دنیا در آینده نزدیک خواهد بود.» دسترسی در:

https://www.asriran.com/fa/news/911462_22، ۱۴۰۲، ۲۲مهرماه.

۲. <https://www.scimagojr.com/countryrank.php?year2020>.

۳. <https://knoema.com/atlas/ranks/Number-of-patent-applications>.

۴. «رتبه اول ایران در تولید علم فضا در غرب آسیا»، خبرگزاری صدا و سیما، دسترسی در: <https://www.iribnews.ir/fa/news/3814673/>.

- بوده، درحالی‌که امروزه ۲/۹۹ درصد کودکان ایرانی در مدارس ابتدایی تحصیل می‌کنند.^۱
- از نظر رشد درصد باسوادان بالای ۱۵ سال، در بعد از انقلاب اسلامی جایگاه اول جهان را داراست.^۲
 - میزان رشد تحصیل در افراد بالای ۱۵ سال آن، حدوداً سه برابر میانگین جهانی است.^۳
 - بر اساس نتایج پایگاه استنادی «اسکوپوس» مدارک علمی ثبت شده جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۶ برابر با ۸۵۰ مورد بوده و در سال ۲۰۲۰ به رقم ۷۴۴۴۰ افزایش یافت که رشد ۸۰ برابری را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۲۰ از رتبه ۱۶ منطقه به رتبه اول منطقه رسید.
 - در علوم نانو، از رتبه ۵۶ به رتبه ۱۶ رسیده است.
 - در علوم هوا فضا از رتبه ۴۵ به ۱۱ دست یافته است.
 - در علوم ژنتیک و سلول‌های بنیادی رتبه دوم جهان را دارد.
 - در ثبت اختراع، در بیست سال اخیر، از رتبه ۳۹ به ۱۰ رسیده است.
- به نظر شما این صعودها نشانه نزدیک شدن به قله نیست؟! الان خدا می‌داند چقدر از همین جوانان کشورهای اطراف ما آرزو دارند که این پیشرفت‌ها برای خودشان می‌بود؛ ولی حیف که امکان ندارد.

۲. سرعت دستاوردهای علمی در ایران، ۱۱ برابر جهان

از دیگر مواردی که دیگران را شگفت‌زده کرده، سرعت ۱۱ برابری دستاوردهای علمی ایران در جهان است. بنابر رتبه‌بندی جهانی در

1. <https://knoema.com/atlas/iran/topics/Education/Primary-Education/Net-enrollment-rate-in-primary-education?compareTo=US,JP,FR,DE>.

2. https://ourworldindata.org/grapher/gross-enrollment-ratio-in-secondary-education?tab=chart&country=IRN+OWID_WRL.

3. https://data.worldbank.org/indicator/SE.ADT.LITR.ZS?end=2014&locations=IR-1W&start=1976&view=chart&year_high_desc=true.

زمینه علوم و دستاوردهای علمی که در گزارش خانم «دبورا مکینزی» در پایگاه اینترنتی نشریه «دیلی نیوز» و مؤسسه انگلیسی «رویال سوسایتی» و همچنین بر اساس تحقیقات شرکت «ساینس متریکس» کانادا اعلام شد، خروجی مطالب علمی منتشره در ایران طی دودهم گذشته بالاترین میزان رادر جهان داشته است. یافته‌های علمی در ایران یازده برابر سریع‌تر از میانگین جهانی رشد داشته که سریع‌ترین روند رشد علمی در میان همه کشورهای جهان به شمار می‌رود.

پایگاه اینترنتی twocircles که یکی از رسانه‌های مهم اطلاع‌رسانی اخبار علمی و پژوهشی است، در توضیح این پیشرفت حیرت‌انگیز علمی نوشت:

در واقع مردم ایران این افسانه غربی‌ها را که از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ می‌گویند کشور آیت‌الله‌ها نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای پیشرفت داشته باشد، نقش بر آب کرده‌اند.^۱

گرچه در همین کشور خودمان آیت‌الله‌ها را در فضای مجازی مسخره می‌کنند، ولی اعتراف آن‌هایی که از بیرون ایران به ماجرا نگاه می‌کنند، با این تمسخرها نمی‌سازد.

۳. دستاوردهای زنان

— این‌جا ایران است؛ کشوری که به گزارش WEF (مجمع جهانی اقتصاد) رتبه یک دنیا در بحث برابری نسبت دختر به پسر در تحصیلات ابتدایی را داراست.

— این‌جا ایران است؛ کشوری که نرخ بی‌سوادی زنان آن از ۷۰ تا ۸۰ درصد در سال ۱۳۵۴ش، به کمتر از ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۹ش کاهش یافته است.

1. <http://fna.ir/6nmlu>.

— این‌جا ایران است؛ کشوری که نسبت پزشکان متخصص زن در آن از ۱۵ درصد به ۴۰ درصد رسیده است.

— این‌جا ایران است؛ کشوری که رشد فوق‌متخصصین زن آن بیش از ۱۲ برابر بوده؛ درحالی‌که رشد مردان متخصص ۳ برابر بوده است.

از دیگر دستاوردها در حوزه بانوان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

— افزایش امید به زندگی بانوان در ایران، از ۵۷.۶ سال به ۷۷.۸ سال.

— افزایش نسبت پزشکان فوق‌تخصص زن، از ۹ درصد به ۳۰ درصد.

— افزایش نسبت پزشکان متخصص زن در حوزه زنان و زایمان، از ۱۶ درصد به ۹۸ درصد.

— تعداد اساتید زن در دانشگاه، قبل از انقلاب ۱۰۰ نفر و عضو هیئت علمی زن بعد از انقلاب ۲۱۰۰۰ نفر.

— تعداد نویسندگان زن پیش از انقلاب ۱۱ نفر و بعد از انقلاب ۲۸۰۰۰ نفر.

— تعداد بانوان پزشک قبل از انقلاب ۵۹۰ نفر، ولی اکنون ۲۹۰۰۰ پزشک زن داریم!

فتح الفتوح

پیشرفت‌های قبلی، تمام دغدغه و نهایت آرزوی ما نبود؛ بلکه ما آرزوهای بزرگ‌تری داشتیم. منظور ما از پیشرفت آن چیزی است الان با شما مطرح می‌کنیم. عزیزان! فتح الفتوح انقلاب اسلامی چه چیزی

1. http://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2018.pdf.

<https://ourworldindata.org/grapher/share-of-women-between-15-and-19-years-old-with-no-education?year=2010/>.

https://lib.ohchr.org/HRBodies/UPR/Documents/Session7/IR/A_HRC_WG6_7_IRN_1_ANNEXV_E.pdf.

https://lib.ohchr.org/HRBodies/UPR/Documents/Session7/IR/A_HRC_WG6_7_IRN_1_ANNEXV_E.pdf.

می‌تواند باشد؟ مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند:

امام بزرگوار ما در یک حادثهٔ مهم جنگی - که خیلی از شماها آن وقت شاید متولد هم نشده بودید - در قضیهٔ یکی از عملیات که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند... در آن پیام این نکته وجود داشت که «فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوان‌هاست». همه توقع داشتند که امام بگوید: این پیروزی‌ای که شما به دست آوردید، فتح‌الفتوح است و از آن پیروزی ستایش کند. امام از رزمندگان تشکر کردند؛ اما گفتند: «فتح‌الفتوح انقلاب ما تربیت این جوان‌هاست» که در آن شرایط دشواری که همهٔ دنیا در مقابل ما با چهره دژم و سلاح آماده شلیک ایستاده بودند، این‌ها توانستند یک چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند.^۱

پس فتح‌الفتوح اصلی، تربیت آن انسان‌هایی است که معادلات جهان را تغییر می‌دهند، مانند تربیت حاج قاسم‌ها و....

خلق روحیه مقاومت در جهان

این طوفان الاقصی با آن ابعاد عجیب و غریبی که داشت، به خاطر الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران و حمایت‌های آن بود که به پشتوانهٔ قدرت الهی اتفاق افتاد. در لبنان و عراق و یمن و سوریه و... هم همین‌طور.

شیخ زکزاکی و شیعه شدن میلیون‌ها نفر در نیجریه

کشور نیجریه در سال‌های اخیر، شاهد حرکت‌های تروریستی از سوی

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۷/۷/۱۲، دسترسی

در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21044>.

دو گروه اسلام‌گرا به نام‌های «بوکوحرام» و «جماعة انصار المسلمین فی بلاد السودان» بوده است. این کشور اگرچه صحنه جنگ‌های مذهبی میان وهابیان و مسیحیان با شیعیان بوده، اما جمعیت شیعیان در این کشور طی این سال‌ها با رهبری «شیخ ابراهیم زکزاک» چند برابر شده است. نکته قابل توجه در این میان آن است که افزایش جمعیت شیعیان، نه فقط به سبب فرزندآوری، بلکه به دلیل شیعه شدن کسانی است که قبلاً دین و مذهب دیگری داشته‌اند. این‌ها تنها نمونه‌های کوچکی از تحولاتی است که در منطقه و دنیا رقم زده‌ایم که نتیجه آن مهم‌ترین دست‌آورد جمهوری اسلامی یعنی تغییر در نظم نوین جهانی و رقم زدن و ایجاد نظم جدیدی در جهان است.

این همه بدبختی رانمی‌بینید؟!

شاید بعضی‌ها فکر کنند که با این اوضاع، ما باید خیلی وضعمان عالی و همه چیز درست باشد؛ در صورتی که همه می‌دانیم این طور نیست. پس قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را؟! این طور که ما می‌بینیم، ظلم و فساد در ایران زیاد است؛ به خاطر همین هم هست که زمین می‌خوریم؛ مانند این فساد ۳۰۰۰ میلیاردی و چای دیش و... این‌ها نقل محافل و زندگی همه ما ایرانی‌ها شده و در فضای مجازی و حقیقی دائماً بر حجم این صحبت‌ها و نقل این مشکلات اضافه می‌شود. این‌ها را چگونه باید توجیه کنیم؟

محاصره تبلیغاتی، بزرگ‌ترین بدبختی ما در جمهوری اسلامی است. یزیدی‌های زمان، ما را در فضای مجازی دوره کرده‌اند. ما داریم در جنگ تبلیغاتی تلفات می‌دهیم؛ وگرنه ما چرا به این شکل نیست. یاران امام حسن مجتبی علیه السلام را با همین شگرد از پا درآوردند. نه کشور ما بدون مشکل است و همه چیز گل و بلبل است و نه این قدر که می‌گویند

بیچاره و بدبخت و مفلوکیم. کلاه سرمان گذاشته‌اند. سال‌ها کار کرده‌اند تا حس و باورمان را به ایران و ایرانی بودن تغییر دهند. سال‌ها باید تلاش کنیم و زحمت جهادی بکشیم تا دیدمان اصلاح شود. صبر انقلابی و مداومت می‌خواهد.

جنگ شناختی دشمن

آمریکا امروز یک طاغوت پنهان است و خود را زیر شعارهای آزادی و مقابله با تروریسم و حقوق بشر مخفی می‌کند. با یک جنگ تمام‌عیار شناختی می‌خواهد حقایق جهان را وارونه نشان دهد و انقلاب اسلامی و رهبران آن را مخالف آزادی و حقوق بشر جلوه دهد. ما را تروریست می‌خواند و طوری به مردم جهان القا می‌کند که انگار فاسدترین نظام دنیا نظام جمهوری اسلامی ایران است و مردم ایران نیز بدبخت‌ترین مردم دنیا هستند. دشمن می‌خواهد ما این پیشرفت‌ها را نبینیم و ناامید شویم. همان‌طور که آمریکا خودش را ابرقدرت نشان می‌دهد - با اینکه در واقع ابرقدرت نیست - قصد دارد وضعیت سفید و آینده روشن ایران عزیز ما را تیره و تار نشان دهد تا ناامید شویم. بله، در کشور ما مشکلاتی وجود دارد و منشأ آن مشکلات را هم می‌دانیم؛ لکن برخی از این مشکلات حل شده و برخی از آن‌ها در حال حل شدن است و برخی هم قابل حل شدن است. فقط باید مردم پای کار انقلاب باشند و کمی صبر کنند. مدام می‌گویند: فساد در نظام ایران سیستماتیک است و هر کسی می‌آید، دزدی می‌کند و می‌رود! می‌خواهند مردم را به مسئولین بدبین کنند، درحالی‌که برخی از مسئولین ما شهیدوار زندگی کرده‌اند و با شهادت از دنیا رفته‌اند.

شبهه فساد ۳۰۰۰ میلیاردی

هنوز هم هر چند وقت یک‌بار تصویری از «محمودرضا خاوری» در فضای مجازی منتشر می‌شود و داغ دل مردم را به خاطر ماجرای اختلاس سه‌هزار میلیارد تومانی تازه می‌کند؛ اختلاسی که همه آمار و ارقام فسادهای اقتصادی قبل از آن را زیر سایه خودش قرار داد. متهم اول این پرونده «مه‌آفرید خسروی» بود که بسیاری او را به نام «امیرمنصور آریا» می‌شناختند. او کسی بود که با فساد اقتصادی توانست در فهرست ۲۹۰ فرد ثروتمند جهان قرار بگیرد. خسروی در طول سال‌ها فعالیت اقتصادی، کارهای زیادی انجام داد؛ از ساخت جعبه میوه بگیرد تا راه‌اندازی گاوداری. فعالیت‌های اقتصادی او آن‌قدر گسترش یافت که هنگام دستگیری در سال ۱۳۹۰ مؤسس ۳۸ شرکت و صاحب ۳۸ کارخانه شده بود و ۱۸ پروژه را برای اجرا در دست داشت. آخرین رؤیای او راه‌اندازی بانک آریا بود که بانک مرکزی در سال ۹۰ مجوز آن را باطل کرد. بیشتر تخلفات اقتصادی این متهم بزرگ در تاریخ کشور، از طریق «شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا» صورت گرفته بود.

اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردی آیا به جایی هم رسید؟

سرانجام پس از صدور رأی دادگاه در بامداد ۳ خرداد ۱۳۹۳ حکم اعدام مه‌آفرید امیرخسروی اجرا شد. بر این اساس دادسرای عمومی و انقلاب تهران اعلام کرد: حکم محکومیت به اعدام محکوم‌علیه زندانی «مه‌آفرید امیرخسروی» فرزند منصور، سحرگاه روز شنبه، ۳ خردادماه ۱۳۹۳ در محل زندان اوین اجرا شد. مه‌آفرید خسروی حدود ۲۹۰۰ میلیارد تومان بدهی داشت و کل این مال به بیت‌المال برگشت و ۶۲۵ میلیارد تومان هم جزای نقدی گرفته شد.

اما محمودرضا خاوری که اکثر مردم گمان می‌کنند عامل اصلی این

اختلاس است، در این پرونده، متهم به اخذ رشوه بود و نام او در اثنای بررسی پرونده در دادگاه و توسط برخی متهمین به میان آمد که باعث هوشیاری وی و فرارش از کشور شد.

بسیاری از اختلاس‌ها و فسادها در حقیقت، داستان تلخ سیاه‌نمایی و بزرگ‌نمایی است که حال همه مردم را بد کرده است. فکرمان به زندگی دلگرم نمی‌شود و برای انجام کارهای بزرگ آزاد نیست. به‌نظم دیدن مستندهای تلوزیونی مانند «متولد کالیفرنیا»، مجموعه مستند «ضد»، «شکار کرکس‌ها»، «مردی با آرزوهای دوربرد» و مانند این مجموعه‌ها تا حدی برخی لایه‌های این محاصره سخت و کشنده تبلیغاتی را خواهد شکست و باعث می‌شود که نفس راحتی بکشیم. باید از داشته‌های مان به بهترین شکل استفاده کنیم؛ با نداری‌ها بسازیم و آن‌هایی را که قابل اصلاح و تکمیل است، با دستان خودمان روبه‌راه کنیم.

آخر جهان

قدرت دست خداست، نه کدخد! ابرقدرت مطلق، خداست؛ بقیه ادای او را درمی‌آورند. کسانی که به خدا تکیه کنند و به او ایمان داشته باشند، ابرقدرت حقیقی هستند؛ لذا قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ شما برتر هستید، اگر به ابرقدرت واقعی ایمان داشته باشید و به قوانین و سنت‌های او عمل کنید و طبق قانون او حرکت کنید.

اگر طبق آن قوانین حرکت کردیم، خدا ما را نجات می‌دهد. خدا همان‌طور که پیامبر را با تار عنکبوت نجات داد، ما را هم نجات می‌دهد. خدا در لحظه آخر هم که شده ما را نجات می‌دهد و نمی‌گذارد دست

فرعونیان به ما برسد. مگر قوم حضرت موسی علیه السلام را چطور نجات داد؟ وقتی در برابرشان رود عظیم نیل بود و پشت سرشان لشکر فرعون، در آن هنگام فقط معجزه الهی بود که دریا را برای آن‌ها شکافت. مشکلات اقتصادی و شعب‌اب‌ی طالب ما هم تمام می‌شود و قطعنامه‌های بین‌المللی علیه انقلاب اسلامی را موریانه‌ها خواهند خورد؛ همان‌طور که پیمان قریش را موریانه‌ها از بین بردند. اگر به این ابرقدرت ایمان داشته باشیم، نه ناامید می‌شویم، نه نگران آینده می‌شویم و نه از دیگر قدرت‌ها می‌ترسیم.

یکی از سنت‌های الهی این است که در لحظه آخر، وقتی که دید ما پای کار او هستیم، کمکش را می‌فرستد. خدا پای قول‌هایش محکم ایستاده؛ مگر نفرموده: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...»^۱ یا در کلام امام سجاد علیه السلام مگر نیامده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْلَى رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِي، اسْمُهُ اسْمِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛ اگر تنها یک روز به پایان دنیا باقی مانده باشد، خداوند، آن روز را چنان طولانی می‌گرداند تا مردی از عترت من و همنام من بیاید که زمین را پُر از عدل و داد کند؛ چنان‌که پُر از ظلم و جور گشته است.^۲

ما نزدیک قله هستیم. اتفاقاً وقتی به نزدیک قله می‌رسی، مشکلات زیادی پیش می‌آید. دشمن تمام توانش را جمع می‌کند که نگذارد تو به قله برسی؛ همان‌طور که حضرت علی علیه السلام فرمود: (فقط ده ضربه با سر معاویه فاصله داریم؛ ای لشکریان خدا بجنگید!). این یعنی اینکه

۱. نور، ۵۵.

۲. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۲۳۹ - ۲۴۰.

نزدیک قله بودند؛ ولی یک عده جاهل گفتند: ای علی! مالک را بازگردان. آری، مشکلات در نزدیک قله بسیار بیشتر از دامنه کوه است، ولی وقتی به قله برسی، باذن الله دیگر مشکلی وجود نخواهد داشت. مطمئن باشید اگر ده ضربه دیگر بزنیم و به علی علیه السلام اعتماد کنیم، می‌توانیم خیمه معاویه را فتح کنیم.

حاج آقا! ما چطور می‌توانیم در این زمان طبق آن قوانین حرکت کنیم؟ اولاً به خدا و قدرت او ایمان داشته باشیم؛ ثانیاً خودمان در صحنه باشیم و در سرنوشت کشور دخالت کنیم؛ ثالثاً دیگران را هم تشویق به حرکت کنیم و آن‌ها را توصیه کنیم که به قدرت خدا ایمان بیاورند؛ رابعاً به هر نامزدی رأی ندهیم. به قول حافظ:

نه هر که ظرفِ گله کج نهاد و تُند نشست

کلاه‌داری و آیینِ سروری داند^۱

دنبال این باشیم که مسئولینی خداترس انتخاب کنیم؛ نه کسانی که می‌خواهند راه طاغوت را انتخاب کنند و به قدرت خدا ایمان ندارند. اگر درست انتخاب کنیم، پیروز می‌شویم.

جان کلام این جاست:

قرار نیست دائماً این ابرقدرت‌های دروغین بیایند و بروند. خدا آخر دنیا را مشخص کرده و فرموده است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۲ و فرموده: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۳.

۱. دیوان حافظ، غزل ۱۷۷.

۲. قصص، ۲۸.

۳. انبیاء، ۱۰۵.

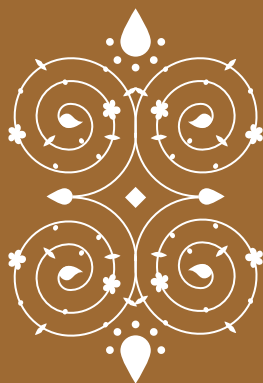
دنیا سرانجام به دست صالحان خواهد افتاد؛ فقط کافی است خودمان را به صالحان جهان نزدیک کنیم و از صالحان شویم؛ آن وقت آینده برای ماست. به امید روزی که حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ بیایند و این پرچم را به ایشان تقدیم کنیم. ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾!

سخنرانی ششم

أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ

اعتماد به وعده های الهی رمز هر پیروزی

جمعی از نویسندگان





طوفان الاقصی

خبری شوکه کننده در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در سراسر جهان مخابره شد. خبرها حاکی از علمياتی نظامی در دل سرزمین های اشغالی بود.

اسرائیل از ماه ها قبل تمرکز خود را روی کرانه باختری گذاشته بود که شاید بتواند از مسلح شدن این منطقه جلوگیری کند؛ ولی از همان جایی که فکرش را نمی کرد، چنان ضربه ای خورد که مقام معظم رهبری فرمودند: «رژیم صهیونیستی، دیگر رژیم صهیونیستی قبلی نیست و ضربه ای که خورده است، به این آسانی قابل جبران نیست»^۱ ضربه ای که این بار جوانان غیور فلسطینی به پیکر این رژیم غاصب و نامشروع وارد کرده بودند، از جانب غزه بود و به «طوفان الاقصی» معروف شد.

عظمت هر علمياتی با توجه به هدف و موانع پیش روی آن مشخص می شود. علمیات طوفان الاقصی بیش از یک نصف روز زمان نبرد، ولی

۱. بیانات در دانشگاه افسری امام علی (ع)، ۱۴۰۲/۰۷/۱۸، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=54083>.

کاری با این رژیم غاصب کرد که برای بیرون آمدن از شوک این شکست، فوراً دست به دامن آمریکا شد تا شاید بتواند از این شکست مفتضحانه نجات پیدا کند.

نقطه اصلی شروع عملیات طوفان الاقصی شهر غزه بود که بیشتر از ۳۶۰ کیلومتر مساحت ندارد و دائماً با پهبادهای رژیم صهیونیستی رصد می‌شود تا کسی قصد عملیات نظامی علیه اسرائیل نداشته باشد. دقت و گستردگی این رصد به قدری بالاست که به گفته خودشان حتی از علت دعوی گربه‌های این شهر هم خبر دارند! یعنی مدعی نظارت همه جانبه بر این منطقه هستند.

رژیم صهیونیستی اطراف بیشتر شهرک‌هایش را دیوار کشیده است. در مرز اسرائیل با غزه هم حدود ۶۰ کیلومتر دیوار به ارتفاع حدود ۶ تا ۹ متر کشیده شده است. هر چند کیلومتر، دکل‌های نظامی برپا کرده که تمام منطقه را زیر نظر دارد. این دکل‌ها به مسلسل‌هایی که به هوش مصنوعی متصل‌اند، مجهز شده است. گلوله این مسلسل‌ها کالیبر ۵۰ است که از آن برای هدف قرار دادن هواپیما استفاده می‌شود. این دکل‌ها به هر موجودی که به ۳۰۰ متری این دیوارها نزدیک شود، بدون هیچ خطاری شلیک می‌کنند و او را از پای درمی‌آورند؛ لذا ساکنین غزه و کشاورزان آن منطقه همیشه به این مسئله توجه دارند و به آن دیوارها نزدیک نمی‌شوند.

علاوه بر این دکل‌های دیدبانی، بالن‌های جاسوسی، پهبادهای در حال پرواز بر روی غزه، هواپیماهای جاسوسی آواکس آمریکایی و انگلیسی و اسرائیلی از همه جهت فضا را تحت اختیار دارند. در کنار همه این استحکامات، سنسورهای پیشرفته‌ای نصب کرده‌اند که از هرگونه حفاری و ... برای عبور از دیوار جلوگیری می‌کند.

با این اوصاف و تدابیر شدید امنیتی، غیورمردان غزه توانستند حماسه‌ای بیافرینند که تمام جهانیان را مبهور خود کند. آن‌ها توانستند در غزه، یعنی شهری که دائماً تحت رصد اطلاعاتی این رژیم است، عملیاتی را طراحی و اجرا کنند که سهمگین‌ترین ضربه را به این رژیم تابن دندان مسلح وارد کرده است.

رزمندگان مقاومت توانستند در مدت بیست دقیقه با غیرفعال کردن تمام این مواردی که عرض شد، از دیوارها و موانع آنچنانی این رژیم عبور کنند و بانفوذ به شهرک‌های اسرائیلی، علاوه بر گروگان‌های زیاد، غنایم ذی‌قیمت اطلاعاتی به دست بیاورند. نکته مهم این ضربه که مقامات اسرائیل را در بهت و حیرت فرو برده، این است که چگونه غیورمردان فلسطینی توانسته‌اند از این دیوارها عبور کنند و این ضربات مهلک را به پیکر این رژیم وارد کنند؟!

این پیروزی و پیشرفت طوری دنیای استکبار را عصبانی کرده است که سعی می‌کنند با کودک‌کشی روی آن سرپوش بگذارند؛ اما بعد از صد روز مبارزه شبانه‌روزی، این رژیم هنوز نتوانسته به اهدافی که دنبال می‌کرد دست پیدا کند. جوانان مقاومت با اتکا بر خدا و تلاش شبانه‌روزی حماسه‌ای آفریدند که تا سال‌ها بر سر زبان‌ها خواهد بود.

قانون خدا

اگر کسی از ما بپرسد که دلیل این پیروزی چیست، به او خواهیم گفت: این پیروزی نتیجه اتکا به وعده‌های خدا بود.

خداوند، عالم را بر اساس قوانین و قواعدی هدایت می‌کند و هر کس ذیل این قاعده قرار بگیرد، خداوند حکمش را بر او جاری می‌کند. این

قواعد لایتغیر و ثابت است: «وَلَنْ نَحْدِلْسِنَّةَ اللَّهِ تَبْدِيلًا»^۱. در آیات مختلفی از قرآن این تعبیر و تعابیر مشابه این آمده است که خداوند می‌فرماید: من سنت‌هایی دارم که در آن‌ها تغییر و تبدیلی نیست؛ قواعدی است که در عالم جاری است و در واقع دست خداوند است که در عالم کار می‌کند؛ مؤمن و کافر هم ندارد. کفار با توجه به تلاشی که می‌کنند و زحمتی که می‌کشند، خداوند آن‌ها را طبق قاعده قرآن مدد می‌کند: «كَلَّا نُمَدُّ هُوْلَاءِ وَهُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ»^۲. خداوند یک عطای عامی دارد که مؤمن و کافر ندارد. کافر هم اگر تلاش کند، ممکن است موقتاً موفق شود؛ چون مدد الهی برای مؤمن و کافر است، ولی نصرت خدا برای مؤمن است. کمک‌های ویژه خدا برای مؤمن است. مؤمن به نیت نصرت خداوند تلاش می‌کند: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۳؛ «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۴؛ اگر شما اهل ایمان باشید، همواره برترید. شاید در جاهایی به ظاهر شکست بخورد، اما همیشه دست برتر با شماست؛ چون خدا با شماست و دارید خدا را نصرت می‌کنید. در تمام قرآن، خداوند نوع تعاملش در عالم را بر اساس سنت‌ها توضیح می‌دهد. سنت‌هایی که جاری است، بر افراد، بر اشیاء، بر جوامع، بر پدیده‌ها و... همه اینها سنت‌های الهی است؛ قواعد خداوند است؛ رسم و رسوم خداوند است که در تمام زمان‌ها با آن‌ها عالم را اداره می‌کند.

در تاریخ هم این‌طور بوده است. درباره نهضت رسول الله ﷺ یا حرکت‌های انبیا، در همه اینها شما می‌بینید در اوج ناامیدی، خداوند گشایش‌هایی ایجاد کرد که خود آن پیامبر هم گویا چنین توقعی نداشته است که این چنین گشایشی رخ بدهد. داستان حضرت

۱. فتح، ۲۳.

۲. اسراء، ۲۰.

۳. محمد، ۷.

۴. آل عمران، ۱۳۹.

موسی علیه السلام داستان معروفی است و همه ما آن را می‌دانیم؛ یا داستان حضرت یوسف علیه السلام که خداوند به خاطر ایمان به خدا و نصرت و یاری و استقامتش، او را از قعر چاه به بالاترین عزت دنیوی رساند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

خدای متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما غلبه نمی‌کند. خوب، یاری کردن خدا چه جوری است؟ ﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾؛ اگر شما یاری کردید دین خدا را، جهت‌گیری الهی را، منطق خدایی را، راه خدا را، خدا هم شما را نصرت خواهد کرد و یاری خواهد کرد. این همان چیزی است که امروز وجود دارد. این جریان عظیم انقلابی در کشور دارند اهداف الهی را دنبال می‌کنند. ایجاد جامعه اسلامی را دارند دنبال می‌کنند؛ تحقق شریعت الهی را در کشور دارند طلب می‌کنند و دنبال می‌کنند؛ پس کار خداست؛ راه خداست؛ نصرت خداست. وقتی نصرت خدا شد، خدای متعال هم نصرت خواهد کرد، و وقتی خدای متعال نصرت کرد، ﴿فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾؛ هیچ‌کس بر شما غلبه نخواهد کرد!

نصرت اهل ایمان به این معنا نیست که می‌توان بدون تلاش و کوشش، در نبرد بین حق و باطل به پیروزی رسید؛ چراکه یکی از سنت‌های الهی حاکم بر جهان آفرینش، سنت اثربخشی تلاش و کوشش است. بر این اساس، هر فرد و جامعه‌ای به ثمرات حاصل از کوشش و تلاش خود دست می‌یابد. حضرت آقا بارها این نکته را تذکر داده‌اند:

حق هم با وجودی که حق است، احتیاج دارد به کار و تلاش و

۱. بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۸/۹/۶، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44267>.

کوشش. گمان نکنیم چون حرف ما حق است، پس لازم نیست تلاش کنیم در راهش! فکر نکنیم چون داعیه ما قرآن است، پس خود خدا قرآن را پیش خواهد برد، نه! حرف حق درست است که حق است، درست است که محکوم است و مُسَلَّم است جهان به پذیرش آن در آینده، اما تلاش می‌خواهد؛ فعالیت می‌خواهد؛ عده‌ای باید پای آن صبر کنند؛ عده‌ای باید برای به کرسی نشاندن آن خون دل بخوردند ... همه حرف‌های عالم همین‌طور است. شما چقدر در دنیا افراد راه، ایده‌ها راه، مکتب‌ها را سراغ دارید که پیروانش، دوستانش بر اثر کوشش، مجاهدت، آن مکتب را به کرسی نشاندند؟ چطور حرف‌های باطل، حرف‌های ناحق، حرف‌های برخلاف سنت عالم و طبیعت انسان، بر اثر کوشش و مجاهدت به کرسی می‌نشیند، اما حرف حق بر اثر مجاهدت به کرسی نمی‌نشیند؟ این چه حرفی است؟

پایان فشار

در طول تاریخ هر تلاش و کوششی که بر مدار حق بوده، به پیروزی رسیده است؛ از جمله آن حرکت‌ها، قیام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود که با تلاش و مقاومت و اتکای به خدا به پیروزی رسید. ماجرای شعب ابی‌طالب از وقایعی بود که پیامبر و یاران ایشان با اتکا به خدا و استقامت پشت سر نهادند. در گزارش‌های تاریخی آمده است: کسانی که درون شعب ابی‌طالب بودند، قادر به برطرف کردن مایحتاج خود نبودند و حتی قریب راه ورود آب و غذا را به روی آنان بسته بود.. اینان به قدری در مضیغه بودند که صدای ناله‌شان از بیرون شعب شنیده می‌شد. فشار گرسنگی به حدی رسیده بود که سعد و قاص می‌گویند: شبی بیرون

۱. جلسه بیست‌ویکم از جلسات ماه مبارک رمضان سال ۵۳، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45605>.

آمدم، درحالی که نزدیک بود تمام قوایم را از دست بدهم. ناگهان پوست خشکیده شتری را دیدم؛ آن را برداشتم و شستم و سوزاندم و کوبیدم؛ بعد با آب مختصری خمیر کرده و از این طریق سه روز به سر بردم.^۱

همین استقامت مسلمانان در شعب ابی طالب بود که عامل پیروزی‌های بعدی در میدان جنگ خندق و بدر و... شد.

هدیه‌ای الهی به نام انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، هدیه‌ی الهی به مردم ایران است. خدای متعال این هدیه را مفت به ملت ایران نداده است؛ بلکه نسل‌هایی تلاش کردند. نسل قبل از شما مجاهدتِ سخت و دشواری را متحمل شدند. خدای متعال هم وعده کرده است که پاداش مجاهدت را خواهد داد. پاداش نه فقط پاداش اخروی است، بلکه در همین نشئه زندگی هم پاداش داده می‌شود: «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ»؛^۲ هرکس تلاش کند، به نتیجه آن تلاش خواهد رسید.^۳

ملت ایران تلاش کردند؛ خدای متعال هم این هدیه را به آن‌ها داد؛ یعنی یک نظام مردمی که پایه‌های آن بر ضدیت با فساد و انحراف و کجروی و وابستگی نهاده شده است. این هدیه را باید نگه داشت. این طور نیست که اگر خدا به قومی نعمت داد، آن قوم خاطر جمع باشند که این نعمت برای آن‌ها خواهد ماند. در سوره حمد می‌خوانید: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»؛ یعنی «مغضوبٌ علیهم» و «ضالّین» هم جزو «انعمت علیهم» اند. نباید تصور شود که خدا به عده‌ای نعمت می‌دهد و عده‌ای را گمراه می‌کند و مورد غضب قرار می‌دهد؛ نه،

۱. محمود مهدوی دامغانی، ترجمه دلائل النبوة، ج ۲ ص ۶۶.

۲. اسراء، ۲۰.

۳. برگرفته از بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار با جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۹.

«غیرالمغضوب علیهم» به حسب ترکیب نحو عربی، صفت «انعمت علیهم» است. خدا به انسان‌های زیادی نعمت داده است. نعمت دادشدگان دو نوع‌اند: یک عده کسانی هستند که با عمل خود، با سوء رفتار خود، با تنبلی خود، با انحراف خود و با دل سپردن و تن سپردن به هوس‌های زودگذر منحرف کننده، نعمت‌ها را بر باد دادند؛ یک عده هم کسانی هستند که نعمت را با کوشش و تلاش و شکرانه خود نگه داشتند. کسانی که نعمت را بر باد دادند، «مغضوب علیهم» و «ضالین» اند؛ آن‌هایی که نعمت را نگه داشتند، «غیرالمغضوب علیهم ولا الضالین» اند.^۱ این هدیه الهی که نهالی باریک بود، با تلاش و مجاهدت و اتکای به خدای متعال که مردم از خود نشان دادند، حالا تبدیل به درخت برومند و پُثمری شده است که به رغم قدرت‌های استکباری و آمریکا که در این چهل و چند سال، توانسته است دل ملت‌های اسلامی، مانند فلسطین، عراق، لبنان، یمن و سوریه و... به خود جلب و جذب کند.^۲

پایداری

خدا تا زمانی که این مجاهدت‌ها و از خودگذشتگی را می‌بینید، ما را وانمی‌گذارد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»؛^۳ وقتی مجاهدت بندگانش ظاهر بشود، خدای متعال هم هدایت خودش را به آن‌ها خواهد داد. علاوه بر هدایت الهی، موفقیت و پیشرفت هم خواهد بود که فرمود: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا»؛^۴ «ماء غَدَق» یعنی سیراب کردن از آب فراوان و آب زلال که مفسرین می‌گویند کنایه از حل همه مشکلات زندگی است.^۵

۱. همان.

۲. همان.

۳. عنکبوت، ۶۹.

۴. جن، ۱۶.

۵. برگرفته از بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹.

اگر در این راه درست حرکت کنیم و این پایداری را ادامه دهیم و در همین طریق گام برداریم، مسلماً مشکلات زندگی هم حل خواهد شد؛ گرفتاری‌ها برطرف خواهد شد؛ ضعف‌ها برطرف خواهد شد؛ همیشه باید به این نکته توجه داشته باشیم. نمونه بارز این پایداری، هشت سال دفاع مقدس است. با اینکه حمله همه جانبه برای اشغال این کشور با حمایت ابرقدرت‌ها صورت گرفت، اما عنصر مقاومت و استقامت در ملت ایران، این اجازه را نداد که حتی یک وجب از این خاک در تصرف کشور متخاصم قرار گیرد. حضرت آقا در این باره می‌فرمایند:

جنگ تحمیلی، خب شماها نبودید، ندیده‌اید. جنگ تحمیلی حادثه عجیبی بود؛ همه علیه ما [بودند]؛ آمریکا علیه ما، شوروی علیه ما، ناتو علیه ما، کشورهای مسلمان علیه ما، همسایه‌مان ترکیه علیه ما؛ همه! [ولی] ما پیروز شدیم. در یک چنین جنگی که همه علیه ما بودند، ما پیروز شدیم...!

مشکلاتی که قطع نشد

این انقلاب همواره در طول تاریخ مشکلات پیش روی خود را با تلاش و استقامت و اتکا به خدا حل کرده است. این مسئله در هر عرصه‌ای کاملاً مشهود است. مثلاً آقای زاکانی در مورد شهید حسن تهرانی مقدم که پدر موشکی ایران است، نقل می‌کند:

حسن می‌گفت: رفته بودیم روسیه یک موشک فوق پیشرفته‌ای را از روس‌ها تحویل بگیریم. به افسر روسی گفتم: فناوری ساخت این موشک را هم در اختیارمان بگذارید. به من خندید و گفت: این امکان ندارد. این تکنولوژی فقط در اختیار

۱. بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان، ۱۴۲۱/۲۹، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52554>.

روسیه است. ولی بهش گفتم ما بالاخره این را می‌سازیم. باز هم خندید. وقتی برگشتیم ایران، هر چه در توان داشتیم، گذاشتیم، اما به در بسته خوردیم. دست به دامن امام رضا علیه السلام شدم. سه روز در حرم پیدا کردن راهی، متوسل حضرتش شدم، تا اینکه روز سوم در حرم طرحی در ذهنم جرقه زد. سریع آن را در دفتر نقاشی دخترم کشیدم. وقتی برگشتم، عملیاتی اش کردیم. شد موشکی بهتر از موشک‌های روسی.^۱

شهید تهرانی‌مقدم بعد از این ماجرا آن‌چنان تحولی در صنعت موشکی ایجاد کرد که «یوزی رابین» رئیس سابق سازمان موشکی رژیم صهیونیستی و ملقب به پدر صنعت موشکی اسرائیل درباره توان مهندسان ایرانی در ساخت موشک گفته است: «به احترام توان موشکی ایران، کلاه از سر برمی‌دارم».^۲

این انقلاب همواره با مشکلات بسیاری در این ۴۴ سال مواجه بوده است که با استعانت از خداوند متعال در همه عرصه‌ها در حال پیشرفت است؛ به طوری که رهبر حکیم انقلاب با اشاره به عبور کشور از گردنه‌ها و مسیرهای سخت در حرکت به سمت قله‌ها، فرمودند:

ما از بخش زیادی از مسیر، با وجود شیب تند عبور کرده و به قله‌ها نزدیک شده‌ایم؛ بنابراین امروز روز خسته شدن و ناامیدی نیست؛ بلکه روز شوق و امید و حرکت است و مسئولان کشور باید با این روحیه حرکت کنند.^۳

بیان پیشرفت‌های این انقلاب هیچ وقت به معنای نادیده گرفتن مشکلات موجود نیست؛ بلکه دیدن مشکلات، نقطه آغاز هر

1. <https://www.asriran.com/fa/news/189876>.

2. mehrnews.com/xMCHy.

۳. بیانات در دیدار فرماندان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲/۵/۲۶، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=53571>.

پیشرفتی است و با زبان عامیانه، پیشرفت، به معنای حل مشکلات است. اگر در عرصه نظامی و پزشکی و علمی و ناو و سلول‌های بنیادین و ساخت کشتی و ناو جنگی و... پیشرفت‌های شگرفی داشته‌ایم، به خاطر نیازمندی جدی در همه این بخش‌هاست. اگر نگاه جوانان و غیور مردان ایران زمین نبود، با مشکلات موجود هیچ‌گاه شاهد این پیشرفت‌ها نبودیم.

پیش از آنکه به پیشرفت‌های ۴۴ ساله ایران بپردازیم، بهتر است به این نکته توجه کنیم که بیان این دستاوردها به معنای رسیدن به تمام آرمان‌های انقلاب نیست. متأسفانه ما در بخش‌های مختلفی عقب هستیم؛ مثلاً در اقتصاد که یکی از دغدغه‌های مهم مردم ماست، با چالش‌های مختلف دورنی (مانند وابستگی اقتصاد این مملکت به نفت و تزریق روحیه «مانمی‌توانیم» و...) و بیرونی روبه‌رو هستیم.

چالش‌های گشنده!

ما در این سال‌ها، با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده‌ایم:

- توطئه‌های تجزیه طلبانه، مانند: قائله خوزستان، پژاک و...؛
- توطئه‌های نظامی، مانند: تحریم تسلیحاتی، جنگ شیمیایی، حمله به هواپیمای مسافربری، جنگ هشت ساله و...؛
- توطئه‌های فرهنگی، مانند: ترویج ابتدال و اباحه‌گری، تشویق به مصرف مواد مخدر و...؛
- توطئه‌های تفرقه افکنی مذهبی، مانند: فعالیت جریان‌های سلفی و وهابی؛
- توطئه‌های اقتصادی، مانند: بلوکه شدن دارایی‌های ایران و تحریم کالاهای اساسی و...؛
- توطئه‌های امنیتی، مانند: ترور دانشمندان این مرز و بوم،

مخصوصاً دانشمندان هسته‌ای و کودتاهایی چون کودتای نقاب، همچنین جاسوسی‌ها، نفوذ امنیتی، ایجاد فتنه و آشوب.

اینها تنها بخشی از چالش‌های بیرونی انقلاب اسلامی بوده است. اما به لطف خدای متعال و استقامت ملت ایران و تلاش جوانان این مرز و بوم، نه‌تنها از بسیاری از این توطئه‌ها عبور کرده‌ایم، بلکه در برخی امور صاحب رتبه و درجه در جهان هستیم.

پله‌هایی که طی شد

در زمینه گسترش عدالت اجتماعی، با اینکه در زمان پهلوی با استناد به مجله امریکایی «هارپر» پایین‌تر از کشور سوریه بودیم، امروز در حد قابل قبول هستیم؛ به طوری که ما در تقسیم‌بندی بانک جهانی جزء کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط هستیم و همین باعث شده تا مردم ما از فقر ۴۶ درصد به ۱۴ درصد برسند که متأسفانه در این سال‌ها قدری بیشتر شده است.^۱

در گسترش رفاه عمومی الآن در سطحی هستیم که همه شهرها و حتی بیشتر روستاها از امکانات رفاهی برخوردارند.

در محصولات زراعی رشد ۴ برابری، در تولید دام رشد ۳ برابری و در گوشت مرغ رشد ۱۰ درصدی داشته‌ایم که همین باعث شده است در شاخص جهانی گرسنگی، از کشورهای پایین این شاخص باشیم.^۲

امروز به برکت این انقلاب، در میزان مرگ و میر به خاطر سوءتغذیه، به نسبت پایین‌تر از کل جهان و آمریکا هستیم.

در زمینه رشد تحصيلات در مقطع ابتدایی، رشد ۱/۵ برابری، در مقطع

۱. برگرفته‌ای کتاب صعود چهل ساله، ص ۷۱ - ۹۵.

۲. همان، ص ۹۹ - ۱۲۸.

متوسطه رشد ۲ برابری و در مقطع دانشگاه رشد ۱۰ برابری داشتیم.^۱
در بهداشت، در افزایش شاخص امید به زندگی از ۵۰ سال به ۷۷ سال
رسیده‌ایم.^۲

در کاهش مرگ و میر کودکان، از ۱۲۰ مورد به ۱۵ مورد رسیده‌ایم.^۳
در پیشرفت علمی در طی ۲۵ سال، ارتقای ۳۸ پله‌ای داشته‌ایم و از رتبه
۵ منطقه‌ای به رتبه ۱ رسیده‌ایم.

در علم نانو از ۵۶ جهان به رتبه ۱۶ جهان و در علوم هوا فضا از رتبه ۴۵ به
رتبه ۱۱ رسیده‌ایم.

در داروسازی از رتبه ۴۸ به رتبه ۸ و در علوم ژنتیک و سلول‌های بنیادی
رتبه دوم جهان هستیم.^۴

بر اساس آمار یونسکو، در اواسط دهه ۵۰ یعنی در اوج به اصطلاح
تمدن بزرگ شاه، میزان باسوادان در ایران حدود ۳ درصد بود، اما بر
اساس همین آمار، تا سال ۱۳۷۶ بیش از ۷۵ درصد از مردم ایران باسواد
شدند و در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) آمار باسوادان کشور رقم حدود ۹۰ درصد
را نشان می‌دهد؛ یعنی سرزمین ما از یک کشور نیمه‌بی‌سواد در اواخر
دوران شاه، به کشوری باسواد در سال‌های پس از انقلاب تبدیل شد.^۵

قبل از انقلاب ۳۰ درصد پزشکان ایران وارداتی از بنگلادش، فیلیپین،
هند و پاکستان بودند، اما امروز از ۵۳ کشور جهان برای درمان به ایران
می‌آیند و در ۲۷ رشته متخصص تربیت می‌کنیم.^۶

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. برگرفته از کتاب صعود چهل ساله، ص ۱۳۳ - ۱۵۶.

۵. همان.

در زمینه علوم و دستاوردهای علمی، به گزارش پایگاه اینترنتی نشریه «دیلی نیوز» و مؤسسه انگلیسی «رویال سوسایتی» خروجی مطالب علمی منتشره در ایران طی دو دهه گذشته، بالاترین میزان را در جهان داشته است. خروجی و یافته‌های علمی در ایران یازده برابر سریع‌تر از میانگین جهانی رشد کرد که سریع‌ترین روند رشد علمی در میان همه کشورهای جهان به شمار می‌رود.

پایگاه اینترنتی twocircles که یکی از رسانه‌های مهم اطلاع‌رسانی اخبار علمی و پژوهشی است، در توضیح این پیشرفت حیرت‌انگیز علمی نوشت:

«در واقع مردم ایران، این افسانه غربی‌ها را که از زمان انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ می‌گویند کشور آیت‌الله‌ها نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای پیشرفت داشته باشد، نقش بر آب کرده‌اند»^۱

اینها تنها بخشی از پیشرفت‌های ایران اسلامی است. پیشرفت‌های این انقلاب به حدی بوده است که مؤسسه «هادسن» که از معتبرترین مؤسسات نزدیک به حزب جمهوری خواه آمریکاست، با نگاه به روند پیشرفت، ایران امروز را هفتمین کشور قدرتمند جهان پس از آمریکا، چین، ژاپن، آلمان، روسیه و هند می‌داند.

یا شبکه Independent که از معاندین جمهوری اسلامی است و همواره در پی القای شکست این انقلاب است، در مورد ایران می‌گوید: ایران را سیزدهمین کشور قدرتمند جهان است که نسبت به سال ۱۳۹۶ یک رتبه بالاتر رفته است.

البته این دستاورد هزینه دارد. هزینه‌هایی که برای حفاظت از انقلاب اسلامی در طی این ۴۴ سال پرداخت شده است، قابل شمارش نیست.

1. <http://fna.ir/6nmlu>.

مردم، قهرمانان انقلاب

خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ آلٍ﴾؛^۱ این مردم هستند که سرنوشت خود را تعیین می‌کنند. اگر سخت تلاش کنند و مقاومت کنند و در همه عرصه‌ها حضور یابند، خداوند هم به خواست آن‌ها جواب می‌دهد و به آن‌ها پیشرفت عطا می‌کند.

از علل افول هر حکومتی، عدم همراهی مردم با آن است. اگر مردم یک مرز و بومی مانند قوم موسی عَلَيْهِ السَّلَام عمل کنند، که قرآن در مورد آن‌ها فرموده است: ﴿يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ﴾^۲ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنذِرُكُم بِهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ؛^۳ در مقابل سختی‌ها شانه خالی کنند، هیچ‌گاه رنگ پیشرفت را به چشم خود نمی‌بینند.

این انقلاب اسلامی با حضور مردم و با جسم و جان مردم به پیروزی رسید. همه پیشرفت‌های موجود، حاصل اراده مردم است. حضرت آقا در این باره فرموده است:

مردم در همه این دوران‌ها قهرمان اصلی ماجرا و سرگذشت انقلاب بوده‌اند. این راه‌پیمایی‌های عظیم، این حضور مردمی عظیم، این حضور در جبهه‌های دفاع مقدس در طول هشت سال و در بقیه جبهه‌ها، این راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات انقلابی،

۱. رعد، ۱۱.

۲. مائده، ۲۱ و ۲۲.

بیست و دوّم بهمن، روز قدس، حوادثی مثل بیست و سوّم تیر، مثل نهم دی، اینها چیزهای عجیبی است؛ در همه اینها این ملّت است که توانسته [شگفتی بیافریند].^۱

قهرمان اصلی این انقلاب، مردم هستند؛ به همین جهت دشمن با تمام امکانات سعی دارد تا ایمان مردم و عزم راسخ آن‌ها را تغییر دهد تا شاید بتواند به اهداف شوم خود برسد. حضرت آقا در این باره می‌فرماید:

نقشهٔ دشمن این است که جوانان ما را، مردم ما را در بخش‌های گوناگون دچار خلل در عزم و اراده کند. نقشهٔ اساسی دشمن این است: تردیدافکنی در ایمان مردم و در عزم راسخ مردم؛ یعنی همان دو عنصری که عرض کردم؛ دو کلیدواژهٔ ایمان و غیرت دینی. تردیدافکنی در ایمان و غیرت دینی مردم آن چیزی است که دشمن دنبال آن است. می‌دانند که اگر چنانچه این اتفاق افتاد، قدرت تهاجمی و حتی قدرت دفاعی جمهوری اسلامی هم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و از بین خواهد رفت؛ لذا دارند توطئه می‌کنند.^۲

حرکتی مانند قبل

رسیدن به قله پیشرفت، دور از انتظار نیست؛ تنها لازم است همان‌طور که تا حالا حرکت کرده‌ایم، حرکت را ادامه بدهیم و در تمام عرصه‌ها حضور پرشور داشته باشیم. قطعاً بر دشمنانمان پیروز خواهیم شد؛ بر آمریکا پیروز خواهیم شد:

۱. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۴۰۱/۶/۸، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50834>.

۲. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628>.

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَمَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً وَمَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾.^۱ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛^۲ خدای متعال این طور مقدر فرموده است.

اما اگر من و شما کوتاهی کنیم و همراهی نکنیم و در حرکتی که انجام می‌دهیم، صداقت به خرج ندهیم، از خودمان مایه نگذاریم، مجاهدت و تلاش فی سبیل‌الله نکنیم، قطعاً این نتیجه عوض خواهد شد. قرآن کریم در بیان سرگذشت امت‌های سابق به ما متذکر می‌شود: کسانی که نعمت‌های الهی را دریافت کردند و آن را پاس نداشتند و از آن مراقبت نکردند، در واقع کفران نعمت کردند و همین کفران نعمت باعث تنبیه و مجازات آن‌ها شد. یکی از اصلی‌ترین مجازات‌ها از دست دادن آن نعمت و گرفتار شدن به عذاب‌هایی است که باز دست رفتن آن نعمت ایجاد می‌شود.

البته ملت ایران در همه ادوار تاریخی نشان دادند که این طور نیستند و هر چه می‌گذرد، این معنا واضح‌تر می‌شود. به تعبیر مقام معظم رهبری:

جوان‌های امروز ما از ماها که یک دوره‌ای دوره‌ جوانی‌مان را در خدمت این مبارزه و مانند اینها گذرانندیم، انگیزه‌شان بیشتر، معرفتشان بیشتر، آمادگی‌شان بیشتر است.^۳

۱. قصص، ۵.

۲. توبه، ۳۳.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴/۱/۱۳۹۸، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42152>.

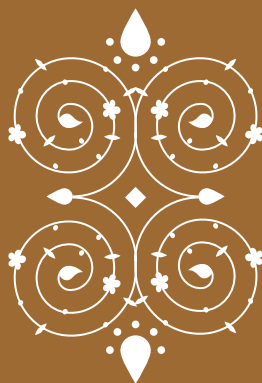


سخنرانی هفتم

تقریر نوین انقلاب اسلامی از پیشرفت

تأویلات انقلاب اسلامی و بازخوانی اهداف و دستاوردهای آن
برای ایران اسلامی

حجت الاسلام کاظم زاده





چلهٔ پرافتخار

انقلاب اسلامی به روشنی تحولی شگرف در تمام مفاهیم بشری ایجاد کرد و خود را در حصار تغییر یک ساختار سیاسی خلاصه نکرد؛ بلکه اساساً این پدیده از اعماق وجود انسان کار خود را با قیام لله آغاز نمود؛ قیام للهی که اولاً بعثتی را درون انسان ایجاد می‌کند و سپس این انقلاب درونی، به یک بعثت اجتماعی می‌انجامد. انسان هم که تحول پیدا کرد، مبدأ همه تحولات به صحنه می‌آید.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در بیانیه گام دوم فرمودند:

از میان همهٔ ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد، و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلهٔ پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر

نهاده و در برابر همهٔ وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دؤمین مرحلهٔ خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده‌است.

یکی از آن مفاهیمی که انقلاب اسلامی، معنای جدیدی نه صرفاً در مکتوبات و مسفورات، بلکه در متن عالم واقعیت به همه عالم هدیه کرد، رشد و پیشرفت بود که دوست و دشمن به آن اذعان دارند.

اعتراف دشمن به قدرت ایران

نظام جمهوری اسلامی با سیاست‌گذاری‌های دقیق و با همت مردم خود، پس از گذشت ۴۵ سال، در حوزه‌های بسیاری به جایگاه‌هایی رفیع دست یافته‌است:

«هادسن» از معتبرترین مؤسسات نزدیک به حزب جمهوری‌خواه آمریکا، ایران امروز را هفتمین کشور قدرتمند جهان پس از آمریکا، چین، ژاپن، آلمان، روسیه و هند می‌داند. اما این فقط نظریهٔ اتاق فکر هادسن نیست.

«امریکن اینترست» که در سال ۱۳۸۴ توسط یک استراتژیست مشهور آمریکایی به نام «فرانسیس فوکویاما» تأسیس شد هم به نتیجهٔ مشابهی رسیده است و پس از آمریکا، چین، ژاپن، روسیه، آلمان و هند، ایران را هفتمین کشور قدرتمند جهان می‌داند. اما چنین برآوردهایی فقط توسط راست‌گراها و اتاق‌های فکر محافظه‌کاران ارائه نمی‌شود؛ بلکه نشریات چپ و مستقل و اقتصادی نیز نظرات مشابهی دارند.

روزنامهٔ چپ‌گرای «ایندپندنت» نیز در جدیدترین گزارش خود در

تیرماه ۱۳۹۷ ایران را سیزدهمین کشور قدرتمند جهان می‌داند که نسبت به سال ۱۳۹۶ یک رتبه بالاتر رفته است.

«بیزینس اینسایدر»، نشریه اقتصادی انگلستان نیز ایران را در رتبه چهاردهم و سایت خبری «یو.اس نیوز» نیز ایران را در رتبه سیزدهم قدرتمندترین کشور جهان طبقه‌بندی کرده است.

به گزارش خبرگزاری ایلنا «مایک پومپئو» رئیس سازمان سیا در مصاحبه‌ای با شبکه خبری «تایمز آف اسرائیل» و به نقل از MSNBC مدعی شد که امروز ما شاهد نفوذ بیش از اندازه ایران هستیم؛ نفوذی که از شش یا هفت سال گذشته بسیار بیشتر شده است. به ادعای پومپئو، ایران در دولت عراق نفوذ زیادی دارد و به افزایش قدرت حزب‌الله در لبنان کمک می‌کند؛ با انصارالله در یمن همکاری می‌کند و نیروهای مورد حمایت ایران در عراق در امتداد مرزهای سوریه در حال جنگ هستند و ایران در سراسر خاورمیانه دامن گسترده است.

«برژینسکی» مشاور امنیت ملی در دولت‌های سابق آمریکا و نظریه‌پرداز شهیر سیاسی در کتاب «خطرناک‌ترین سناریو» ائتلاف بزرگ ضد هژمونیک میان چین و ایران را برای آمریکا در کنار چین و روسیه بزرگ‌ترین خطر برای آمریکا دانسته و می‌نویسد: «روسیه و شاید ایران نه به دلایل ایدئولوژیک، بلکه به دلیل نارضایتی از غرب متحد می‌شوند». وی در توصیف قدرت ایران، پا را فراتر گذاشته و در گفت‌وگو با رادیو NPR (رادیوی ملی آمریکا) گفت که ایران را مشکلی بزرگ‌تر از داعش می‌داند.

«هنری کیسینجر» وزیر خارجه آمریکا در دولت نیکسون و یکی از مهم‌ترین استراتژیست‌های آمریکایی گفته است:

هم‌اکنون کمربندی شیعی از تهران به بغداد و از بغداد تا بیروت

به وجود آمده است. این مسئله به ایران فرصت بازسازی و احیای امپراتوری سابق خود را با برجسب شیعه در خاورمیانه‌ای که مجدداً در حال شکل‌گیری است، می‌دهد؛ خاورمیانه‌ای که مطمئناً زمانی شکل می‌گیرد که مرزهای بین‌المللی دوباره تعیین شوند؛ زیرا مرزهایی که در ۱۹۱۹-۱۹۲۰ شکل گرفت، در حال فروپاشی است... از نظر استراتژیک، این موقعیت به ایران قدرت بسیاری می‌دهد. من ایران را مشکلی بزرگ‌تر از داعش تلقی می‌کنم.^۱

ناتانیا هو نخست‌وزیر رژیم جعلی اسرائیل نیز در پاسخ به سؤال مجری یک برنامه تلویزیونی از سه کابوس اول خود گفت: ایران، ایران، ایران، و در پاسخ این سؤال که چرا هر سه کابوسش ایران است، پاسخ داد: چون ایران در حال تبدیل شدن به یک امپراتوری است. کارشناسان شبکه «کان» اسرائیل نیز در اعتراف به قدرت ایران، آن را ابرقدرت منطقه دانستند.

تقریر نوین انقلاب اسلامی از پیشرفت

انسان فطرتاً طالب رشد و کمال است. جامعه نیز به شکل طبیعی به دنبال تعالی است. اما انقلاب یک تقریر نواز پیشرفت انسان و جامعه به میدان آورد. انقلاب نه راضی به تقریرهای متحجرانه شد که اساساً پای توحید و معنویت را از جامعه می‌برد و در عمل به جدایی دین از سیاست می‌انجامد و نه به نگاه‌های مادی رضایت داد که پیشرفت را در تکامل ابزارهای مادی می‌دانست.

1. https://www.huffpost.com/entry/henry-kissinger-iran-isis_n_5777706.

انقلاب اسلامی، عامل جمع شدن دوگانه‌های تاریخی

پیشرفت انقلاب اسلامی، مردم‌پایه و دین‌محور بود و این از آن دوگانه‌هایی است که قرن‌ها تصور می‌شد نمی‌توانند در کنار هم قرار بگیرند و دین با دیکتاتوری مرادف دانسته می‌شد. پیشرفت انقلاب اسلامی انسان‌بنیان است؛ یعنی در پشت همه تحولات و پیشرفت‌های ظاهری، انسان تحول‌یافته‌ای قرار دارد که به برکت نور انقلاب، عالم جدیدی یافته است؛ انسان مؤمنی که ایمانش از اعماق وجود او تا فراخنای عالم را پر می‌کند و این چنین، انسان و جامعه مؤمن، تمامیت خواه می‌شود و تا پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درنیآورد، از پای نمی‌ایستد.

پیشرفت در انقلاب اسلامی، دنیا و آخرت، سیاست و معنویت، علم و دین، و بسیاری از دوگانه‌های دیگر را با هم جمع کرده است و این چنین خود را از مکاتب شرقی و غربی جدا کرد و پیام نو و هوای تازه‌ای به بشریت هدیه داد. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در بیانیه گام دوم فرمودند:

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم‌واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند، به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند.

یکی از ویژگی‌های پیشرفت حقیقی در این مکتب الهی، این است که خود را با سنن الهی یعنی قواعد خداوند برای اداره عالم منطبق می‌کند. مسیر حرکتش را از این سنت‌های واقعی می‌گیرد و اساساً این یکی از مزیت‌ها و مؤلفه‌های قدرت مکتب انقلاب اسلامی است. او تمام عالم را مؤید خود می‌داند و همه اراده الهی را پشت سر و پشتیبان خود می‌بیند. در ادامه خواهیم دید که بسیار یا به تعبیر دقیق‌تر تمام آیات قرآن، بیان همین سنن الهی است؛ تفصیل اسم ربّ خداوند است؛ ربوبیتی که منشأ تدبیر همه عالم است.

نویدهای ایمان

در یک نگاه قرآنی، تمام آیاتی که نویدهای ایمان و مشتقات ایمان را مطرح می‌کنند، باید به عنوان اندیشه پشتیبان پیشرفت جامعه اسلامی و مؤمنانه تلقی شوند. مشتاقان می‌توانند به فصل اول کتاب خواندنی «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» که بیانات بیست و چندگانه رهبر انقلاب در سال ۱۳۵۳ است، مراجعه کنند. در این فصل و در بخش نویدهای ایمان، ایشان به چند مورد از نتایج یک انسان یا جامعه مؤمن پرداخته‌اند و سرمایه‌هایی را برای انسان مؤمن شمرده‌اند که غیرمؤمنان از آن محرومند. به عنوان مثال: هدایت یعنی شناختن هدف و سرمنزل سعادت. نور یعنی از بین رفتن پرده‌های جهل و غرور و پندار و هر آنچه گوهر بینش و خرد را در حجاب ظلمانی می‌پیچد و تابیدن شعاعی از نور حقیقت بر دل مؤمن. اطمینان یعنی رهیدن از دغدغه‌ها و وسوسه‌های درونی در راه طولانی به سوی سعادت. مغفرت یعنی قابلیت جبران لغزش‌ها و خطاها و موارد دیگری که می‌توان آن‌ها را به عنوان اندیشه پشتیبان ایمانی پیشرفت نامید.

اندیشه، پشتیبان پیشرفت جامعه ایمانی

اما گشتی در میان آیات قرآن، ما را با انبوهی دیگر از قواعد نصرت الهی و سرمایه‌های یک جامعه مؤمن و قیام کرده آشنا می‌کند که شنیدنی است:

۱. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا»^۱

اگر فرد و جامعه‌ای در راه خدا مجاهده و تلاش کند، خداوند راه را برای او واضح و روشن می‌کند. این وضوح، یکی از مزیت‌های اساسی یک جامعه است که راه برایش روشن باشد و بداند که راه و چاه کجاست. این را مجاهده در راه خدا به انسان و جامعه می‌دهد. اینکه جامعه ایران، مسیر حرکت روشنی در پیش خود می‌بیند و بنا دارد علی‌رغم اراده همه طاغوت‌ها آن را ببیماید، سرمایه عظیمی است.

۲. «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»^۲

اگر جهت‌گیری جامعه‌ای به سمت نصرت خدا باشد، خدا خود به یاری آن‌ها خواهد آمد. جامعه‌ای که اهل نصرت خدا و دین اوست و برای تحقق آن تلاش می‌کند، خداوند یعنی حقیقت بی‌نهایت عالم را پشتوانه خود دارد و این قدرتی لایزال که هیچ قدرتی یارای مقابله با آن را ندارد.

۳. «وَكَايَئِمِّنْ نَّبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»^۳

همه توصیفات موجود در این آیه برای ربّیون - که در برابر هر آنچه در راه قتال همراه انبیا به آن‌ها می‌رسد، نه سست می‌شوند و نه اظهار عجز

۱. عنکبوت، ۶۹.

۲. حج، ۴۰.

۳. آل عمران، ۱۴۶.

و ناتوانی می‌کنند و نه سر تسلیم فرود می‌آورند - بدین خاطر است که آن‌ها اهل صبرند؛ صبری در متن مبارزه؛ صبری همراه حرکت و قیام. اینکه رهبر انقلاب ملت ایران را به صَبْر توصیف می‌کنند که یکی از نشانه‌های آن همین است که نزدیک به نیم قرن در تمام صحنه‌های مبارزه نظامی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و ... تمام ابرقدرت‌ها خواستند که مردم را زمین‌گیر کنند، اما هیچ نشانه ضعفی در این ملت مشاهده نشد. این بدان سبب است که این ملت مؤمن است و یکی از شاخه‌های ایمان، صبر و استقامت در مسیر است.

۴. ﴿فَاتَّأَهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَّ ثَوَابَ الْآخِرَةِ﴾

در سوره آل عمران بعد از اینکه از توبه و طلب مغفرت الهی و طلب نصرت خداوند سخن می‌گوید، می‌فرماید: نتیجه استغفار این است که خداوند، هم ثواب دنیا و هم حُسن ثواب آخرت را به آن‌ها اعطا می‌کند. اینکه ثواب دنیا چیست، رهبر انقلاب چنین پاسخ می‌دهند:

این جور نیست که اگر در راه خدا مجاهدت کنید، فقط خدای متعال بهشت به شما بدهد! نه، فقط ثواب آخرت نیست؛ ثواب دنیا هم هست. ثواب دنیا چیست؟ ثواب دنیا عزّت است؛ اقتدار است؛ پیشرفت است؛ سربلندی یک ملت است. ثواب دنیا این است که جمهوری اسلامی در طول این ۳۸ سال هر روز با توطئه دشمن مواجه بوده، درعین حال امروز صدها برابر، شاید بشود گفت هزارها برابر در ابعاد مختلف، از اول انقلاب جلوتر رفته‌ایم؛ پیشرفت پیدا کردیم؛ توانایی پیدا کردیم؛ اقتدار پیدا کردیم.^۲

۱. آل عمران، ۱۴۸.

۲. بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۶/۹/۱، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38277>.

ماجرای شهید طهرانی مقدم این‌جا قابل توجه است. ایشان در مراحل ساخت موشک از مسئولان موشکی روسیه درخواستی می‌کنند که آن‌ها رد می‌کنند. شهید طهرانی به آن‌ها می‌گوید: خودمان می‌سازیم و آن‌ها پوزخند می‌زنند و تمسخر می‌کنند. ایشان یک سفر چند روزه به مشهد می‌روند و کلید مسئله را با توسل به امام رضا علیه السلام به دست می‌آورند.

۵. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۱

یاری رساندن به خدا علاوه بر اینکه نصرت خداوند را برای ما به ارمغان می‌آورد، سبب ثبات قدم و استواری گام‌ها می‌شود. بسیاری از انقلاب‌های دنیا یعنی قیام‌هایی که بعضاً مردمی هم بودند، اما در ادامه به دیکتاتوری تبدیل شدند؛ چراکه در طوفان حوادث، ملت نتوانستند آن اراده‌ای را که منجر به انقلاب شده بود، نگه دارند؛ اتفاقی که در انقلاب فرانسه که به قول خودشان مردمی‌ترین انقلاب‌های دنیا بود، به روشنی افتاد.

جامعه‌ای که اهل نصرت خداست، از این طوفان‌ها به سلامت عبور می‌کند. لذا می‌بینیم همان ارزش‌هایی که برای آن انقلاب کردیم، امروز و در میان مردم، زنده‌اند؛ مورد مطالبه‌اند؛ برای تحقیقش تلاش می‌شود. کاستی‌ها مردم را می‌آزارد که این خود نشان از زنده بودن این آرمان‌ها در میان مردم است. این همان ثبات‌قدم است. زیر سخت‌ترین فشارهای اقتصادی و سیاسی، کم نیاوردیم؛ چون اهل نصرت دین خدا بودیم.

نصرت دین خدا موجب نصرت الهی می‌شود. نصرت الهی شامل طیف وسیعی است. موارد متعدد این نصرت‌ها را در اصل پیروزی انقلاب و

جنگ تحمیلی داشتیم. در صحنه‌های حساس مثل روز ۲۲ بهمن که حضرت امام علیه السلام دستور به ماندن مردم در خیابان‌ها دادند و بعدها معلوم شد که قصد داشتند با حکومت نظامی و حمله به محل استقرار امام و کشتن مردم در خیابان‌ها انقلاب را به شکست بکشاند و تدبیر حضرت امام علیه السلام به آن‌ها اجازه نداد. در جنگ تحمیلی هم در عملیات‌های مختلف جلوه‌های گوناگونی از این نصرت را فرماندهان و رزمندگان مشاهده کرده و گزارش کرده‌اند؛ مانند گم شدن برخی گردان‌ها و پیدا کردن مسیر یا عمل نکردن میدان مین با توسل به حضرت زهرا علیها السلام و موارد بسیار دیگر.

۶. «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»^۲

پایداری روی طریق حق، سبب می‌شود که از آبی فراوان سیراب شویم. وقتی مجاهدت و استقامت بندگان خدا ظاهر بشود، خدای متعال هم هدایت خودش را به آن‌ها خواهد داد؛ علاوه بر هدایت الهی، موفقیت و پیشرفت هم خواهد بود. «ماء غدق» یعنی سیراب کردن از آب فراوان و آب زلال که مفشرین می‌گویند کنایه از حلّ همه مشکلات زندگی است.

از جمله این حل مشکلات و رسیدن به منتهای آرزوها می‌توان به رسیدن مردان بزرگی مثل حاج قاسم سلیمانی عزیز به آرزویشان اشاره کرد. نهایت شور و اشتیاق این مجاهدین، رسیدن به «شهادت» بعد از مجاهده و خدمت بود که خدای متعال این نعمت را به آنان بخشید. این «شهادت» خود باعث رشد و حرکت ملت ایران به سمت اهداف بلند انقلاب اسلامی شد.

۱. رک: سعید عاکف، کتاب خاک‌های نرم کوشک، انتشارات ملک اعظم.

۲. جن، ۱۶.

۷. ﴿فَأَتَيْنُمُ اللَّهَ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ﴾

در آیه دوم سوره حشر، بعد از اینکه می‌فرماید: یهودیان بنی‌نضیر پس از شکست، خانه‌های خود را ترک کردند و تصور نمی‌کردند که چنین دلیل شوند و فکر می‌کردند که حصارها و دیوارهای مستحکمشان، مانع از هزیمتشان خواهد شد، اما از جایی که فکرش را نمی‌کردند، شکست خوردند. ظاهراً سزّ اینکه در ادامه می‌فرماید ﴿وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ﴾، همین مسئله باشد. آن‌ها در قلب‌های‌شان از جامعه ایمانی می‌ترسند؛ چراکه همیشه علی‌رغم همه محاسبات دقیقشان و تصورات درونی خود، از جایی که هیچ فکر نمی‌کنند، سیلی می‌خورند. واقعاً هم دقیق و همه‌جانبه طراحی می‌کنند؛ اما به دلیل عدم ایمان، از بسیاری مؤلفه‌های اثرگذار در میدان مبارزه غافلند و نمی‌توانند به صورتی جامع طراحی کنند.

رهبر انقلاب مثال خوبی در این جهت از انقلاب اسلامی مطرح می‌کنند و آن، ضربه خوردن رژیم پهلوی از ارتش است:

از دستگاه رژیم طاغوت، کسی خیال نمی‌کرد که از ارتش، آن هم از نیروی هوایی ارتش ضربه بخورند. اینها روی نیروی هوایی ارتش خیلی سرمایه‌گذاری کرده بودند. حامیان آمریکایی‌شان هم تعجب کردند. آمریکایی‌ها «هایزر» را که یک ژنرال آمریکایی بود و آن روز نفر دوّم ناتو بود، فرستادند به تهران برای اینکه بیاید این جا ارتش را جمع‌وجور کند و با هر وسیله‌ای هست، با یک کودتای خونین، نگذارد که رژیم ساقط بشود؛ یعنی او تصمیم گرفته بود که اگر لازم شد، صدها هزار نفر را در تهران به قتل برساند. این هایزر در خاطراتش می‌نویسد - من البتّه

خودم ندیدم این کتاب را، برای من نقل کردند - که نیروی هوایی جایی بود که ما حتی انتظار کمترین ناآرامی را در آن نداشتیم؛ زیرا از نظر فرماندهی و آموزش با آمریکا ارتباط نزدیکی داشت. شاید خیلی از همان کسانی که آن روز در آن جریان عظیم تاریخی شرکت کردند، عمدتاً کسانی بودند که تحصیلاتشان در آمریکا انجام گرفته بود و آن‌جا با فرهنگ آمریکایی آشنا بودند؛ اما اینها از آن‌جا ضربه خوردند. خب این نشانه این است که وعده الهی صادق است.^۱

شاید بتوان کل تاریخ نهضت امام خمینی علیه السلام را تا به امروز بر اساس همین قواعد قرآنی و بر مبنای سنن الهی و نصرت خداوند متعال به یک جامعه مؤمن و قیام کرده توضیح داد و تأویل بسیاری از آیات را در این هفتاد هشتاد سال به نظاره نشست.

یکی از نیازهای امروز جبهه انقلاب اسلامی، تفسیرهای الهیاتی از صحنه‌ای است که جمهوری اسلامی آن را رقم زده و پایه آن همین معارفی است که در تراث و منابع دینی ما با فراوانی بالایی تکرار شده است. پیشرفت در حرکت انقلاب اسلامی، پایه‌های خود را دارد و نباید با ادبیات و شاخص‌های دیگری آن را ارزیابی کرد.

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱۹/۱۴۰۰، دسترسی

در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49572>.



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، چ ۱، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۴. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارت، چ ۱، نجف اشرف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ش.
۵. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، چ ۱، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲ش.
۶. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، چ ۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۷. برزش، علیرضا، تفسیر اهل بیت عليهم السلام، چ ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۶ش.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چ ۲، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ق.
۹. حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد، دیوان حافظ، چ ۳، ناشر: لوح محفوظ، ۱۳۸۱ش.
۱۰. حبیبی، میلاد و پژمان عرب و راضیه عزیز، امواج اراده‌ها، چ ۹، تهران: راه‌یار، ۱۴۰۲ش.
۱۱. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، چ ۲، قم: بینا، ۱۳۷۶ش.

۱۲. خرمشاهی، بهاء‌الدین، **دانش‌نامه قرآن و قرآن‌پژوهی**، چ ۱، تهران: دوستان و ناهید، ۱۳۷۷ ش.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، چ ۲، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ**، چ ۲، قم: ۱۴۰۴ ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع‌البیان**، چ ۲، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۸ ق.
۱۶. عاکف، سعید، **خاک‌های نرم کوشک**، چ ۱۲۳، تهران: انتشارات ملک اعظم، ۱۳۹۹ ش.
۱۷. غفارجادای، فائزه، **خط مقدم (روایتی داستانی و مستند از تشکیل یگان موشکی ایران)**، چ ۱۶، تهران: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۷ ش.
۱۸. قضای، محمد بن سلامة، **شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)**، چ ۱، تهران: ۱۳۶۱ ش.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، چ ۱، قم: دارالحجة، ۱۳۸۴ ش.
۲۰. کشی، محمد بن عمر، **رجال الکشی، اختیار معرفة الرجال (تعلیقات میرداماد)**، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ۱۳۶۳ ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **أصول الکافی**، ترجمه مصطفوی، چ ۱، تهران: کتاب‌فروشی علمیه، ۱۳۶۹ ش.
۲۲. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، **کنز‌العمال**، چ ۱، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، چ ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. مدنی، سید جلال‌الدین، **تاریخ سیاسی ایران**، چ ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۲۵. مفید، محمد بن محمد، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، چ ۱، قم: انتشارات کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. مفید، محمد بن محمد، **الإختصاص**، محقق / مصحح: غفاری و محرمی زرنندی، چ ۱، قم: المؤتمر العالمی لآل‌فیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. راجی، سید محمد حسین و خاتمی، سید محمد رضا، **صعود چهل ساله**، چ ۱۲، قم: دفتر نشر معارف، ۱۴۰۰ ش.
۲۸. مکی، حسین، **تاریخ بیست ساله ایران**، مناقب‌چ ۶، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۰ ش.
۲۹. ملاحسینی، محمدرسول، **یادت باشد (خاطراتی از شهید مدافع حرم حمید سیاهکالی مرادی به روایت همسر شهید)**، چاپ ۱۵۸، تهران: انتشارات شهید

کاظمی، ۱۴۰۰ش.

۳. نفیو، ریچارد، هنر تحریم‌ها؛ نگاهی از درون میدان، ترجمه سید علی صادقی، چ، تهران: نشر پیام محراب، ۱۳۹۹ش.

منابع انگلیسی و اینترنتی

31. Anthony Parsons, The pride and the fall: Iran, 1974-79, p 54-55.
32. William O Douglas, Strange lands And Friendly People, p107-108.
33. <http://fna.ir>
34. <http://www.asr-entezar.ir>
35. <http://www.dailynewsegypt.com>
36. <http://www.fa.wikishia.net>
37. <http://www.mehrnews.com>
38. <http://www.politifact.com>
39. http://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2018.pdf
40. <https://knoema.com>
41. <https://medium.com>
42. <https://wiki.ahlolbait.com>
43. <https://www.almaany.com>
44. <https://www.aparat.com>
45. <https://www.asriran.com>
46. <https://www.data.worldbank.org>
47. <https://www.farsi.khamenei.ir>
48. <https://www.farsnews.ir>
49. <https://www.gu.ac.ir>
50. <https://www.huffpost.com>
51. <https://www.iribnews.ir>
52. <https://www.isna.ir>
53. <https://www.itikaf.ir>

54. <https://www.lib.ohchr.org>
55. <https://www.newspaper.ireconomy.ir>
56. <https://www.ourworldindata.org>
57. <https://www.paydarymelli.ir>
58. <https://www.scimagojr.com>
59. <https://www.snn.ir>
60. <https://www.tasnimnews.com>
61. <https://www.yjc.ir>